



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



انتشارات مکتبہ اہل سنت
بھٹکانہ، لاہور

بیان المفاجئ

در

احوال اہل فہم عظیم صاحب مذاقب و آثار

مولانا سید محمد باقر صاحب قرآن اسلام شریف

بیدگاہی

جلد اول

تالیف

سید محمد رفیع الدین صاحب مدنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بيان المفآخر: در احوالات عالم جليل صاحب مناقب و اثر حاج سيد محمدباقر حجه الاسلام شفتي بيدآبادي

نويسنده:

مصلح الدين مهدي

ناشر چاپي:

کتابخانه مسجد سيد اصفهان

ناشر ديگيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۶	بیان المفاحر: در احوالات عالم جلیل صاحب مناقب و اثر حاج سید محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی جلد ۱
۱۶	مشخصات کتاب
۱۶	اشاره
۲۰	پیشگفتار مولف
۲۴	آثار مولف کتاب
۲۷	سبب تالیف این کتاب
۲۷	اشاره
۳۱	علماء شیعه در دو سنگر مبارزه کرده اند
۳۲	بخش اول: نام ونسب ومولد
۳۲	اشاره
۳۵	فصل اول: (نام ونسب)
۳۵	نسب شریف سید حجه الاسلام شفتی
۳۹	تولد سید بیدآبادی
۴۰	محل تولد
۴۰	اشاره
۴۳	فصل دوم: (اقوال بزرگان و مولفین درباره سید حجه الاسلام)
۴۳	اشاره
۴۳	مقدمه این فصل
۵۲	استعمال کلمه امام در نوشته ها
۶۲	مخالفتین سید حجة الاسلام
۷۰	بخش دوم: زندگانی (مهاجرت سید حجه الاسلام به عتبات مقدسه)
۷۰	زندگانی (مهاجرت سید حجه الاسلام به عتبات مقدسه)
۷۰	اشاره
۷۱	مهاجرت سید حجة الاسلام به اکتاب مقدسه جهت تکمیل تحصیلات
۷۱	فقر سید در اکتاب مقدسه
۷۱	اشاره
۷۲	تدریس در ضمن تحصیل
۷۳	سید وحاجی کلباسی در نجف
۷۴	سید حجة الاسلام و علامه بحر العلوم

۷۴ سید حجة الاسلام و صاحب رياض المسائل
۷۵ استجازه از اساتید
۷۵ اساتید و مشایخ اجازه
۷۵ سید حجة الاسلام از مشایخ اجازه
۷۷ اجازه نقل حدیث
۸۰ فصل سوم: (شهرت و لقب مرحوم سید حجه الاسلام شفتی بیدآبادی)
۸۰ شهرت و لقب مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی بیدآبادی
۸۱ بعضی از معروفین به حجه الاسلام
۸۲ القابی که با (الاسلام) رواج یافته
۸۴ القاب گروهی از علما شیعه بزرگ شیعه
۸۵ قابل توجه ودقت :
۸۶ فصل چهارم: (اساتید و مشایخ حجه الاسلام در عراق و ایران)
۸۶ اشاره
۸۶ مقدمه این فصل
۸۷ دوره های تحصیل
۸۸ ۱- حاج میرزا ابوالقاسم بن ملا محمد حسن کیلانی
۹۰ ۲- آقا باقر (محمد باقر) بن مولی محمد اکمل اصفهانی
۹۱ ۳- حاج شیخ اسد الله بن اسماعیل دزفولی
۹۳ ۴- شیخ جعفر بن خضر جناجی
۹۶ ۵- شیخ سلیمان بن معتوق عاملی کاظمی
۹۷ ۶- آخوند ملاعلی بن جمشید نوری مازندرانی اصفهانی
۹۹ ۷- میر سید علی بن محمدعلی
۱۰۱ ۸- سید محسن بن حسن بن مرتضی اعرجی کاظمینی
۱۰۳ ۹- آقا سید محمد بن امیرسیدعلی طباطبائی حائری اصفهانی
۱۰۷ ۱۰- حاج ملا مهدی بن ابی ذر بن حاج محمد نرالی کاشانی
۱۰۹ ۱۱- میرزا محمد مهدی بن ابوالقاسم موسوی شهرستانی
۱۱۱ ۱۲- حاج سید مهدی بحرالعلوم طباطبائی
۱۱۶ بخش سوم: (مهاجرت سید حجه الاسلام بیدآبادی به اصفهان)
۱۱۶ اشاره
۱۱۷ فصل پنجم: (مهاجرت مرحوم سید حجه الاسلام به اصفهان)
۱۱۷ اشاره
۱۱۷ سال ورود به اصفهان

۱۱۸	سکونت در مدرسه چهار باغ
۱۱۸	مدرس مدرسه چهار باغ
۱۱۹	علت خروج مرحوم حجة الاسلام از مدرسه چهار باغ
۱۲۰	منزل مرحوم سید حجة الاسلام
۱۲۰	کرامتی از اقا محمد بیدآبادی
۱۲۴	قبله دعا و جماله
۱۲۵	امامت جماعت
۱۲۵	برخی از ائمه جماعت مسجد میرزا باقر
۱۲۷	پیشنهاد امام جمعی
۱۲۸	اولین نهی از منکر و گرفتاری
۱۳۱	فصل ششم: (موجبات شهرت سید حجه الاسلام)
۱۳۱	اشاره
۱۳۲	علل و موجبات ظاهری ترقی
۱۳۳	دید و بازدید
۱۳۴	دیدار از فتح علیشاه
۱۳۵	دیدار فتح علیشاه از سید حجة الاسلام
۱۳۵	مسافرتهاى فتح علیشاه به اصفهان
۱۳۸	برخی از موجبات اختلاف شاه با سید حجة الاسلام
۱۳۹	سفر حج
۱۴۱	چند پیش آمد تاریخی
۱۴۲	شروع ساختمان مسجد سید
۱۴۲	رد تقاضای فتح علیشاه
۱۴۴	فصل هفتم: (ثروت و دارایی مرحوم حجه الاسلام)
۱۴۴	اشاره
۱۴۴	ثروتمندان از علما شیعه
۱۴۶	افسانه ثروت
۱۴۹	داستانای شتیدنی
۱۵۱	منبع ثروت مرحوم سید حجة الاسلام
۱۵۴	یک روز عید غدیر
۱۵۴	سخاوت سید
۱۵۷	یک نمونه از بخشندگی و رسیدگی بامور طلاب
۱۶۰	اینار

۱۶۱	کتابخانه مرحوم سید
۱۶۳	مالیات املاک مرحوم سید حجة الاسلام
۱۶۴	مرگ فتح علیشاه به نفرین سید حجة الاسلام
۱۶۷	فصل نهم: (کیفیت مرافعات مرحوم سید حجه الاسلام)
۱۶۷	اشاره
۱۶۷	فراست سید در قضا و حل خصومات
۱۷۰	یک نمونه دیگر از مرافعات نزد سید
۱۷۵	فصل هشتم: (قضاوت و اجرای حدود شرعی و فصل خصومات)
۱۷۵	اشاره
۱۷۶	نظریه علماء شیعه درباره قضاوت
۱۷۸	اهمیت قضاوت و مقام قاضی
۱۸۴	نظریه حجة الاسلام راجع بوظائف مجتهدین در زمان غیبت
۱۸۵	تعداد محکومین به قتل
۱۸۶	قضاوت و فصل خصومات
۱۸۸	بخش چهارم: (حجه الاسلام از مرگ فتحعلی شاه تا هنگام وفات)
۱۸۸	فصل دهم: (مرگ فتحعلی شاه و روی کار آمدن محمد شاه)
۱۸۸	اشاره
۱۸۸	تعیین ولیعهد
۱۹۰	مخالفت شاه و وزیر او با علماء
۱۹۰	پناهندگی امین الدوله
۱۹۲	نامه قائم مقام به سید حجة الاسلام
۱۹۳	علل و موجبات مخالفت شاه با سید حجة الاسلام
۱۹۵	مسافرت حاجی کلباسی بطهران
۱۹۶	امین الدوله کیست
۱۹۷	شورش مردم اصفهان
۲۰۰	علمای شیعه همیشه باظالم مخالف بوده اند
۲۰۱	داستانی از امیر کبیر
۲۰۲	نامه وزیر مختار انگلیس به سید حجة الاسلام
۲۰۳	جواب سید حجة الاسلام به نامه سفیر کبیر انگلستان :
۲۰۶	پناهندگی ملا محمد تقی اردکانی
۲۰۷	طرز رفتار محمد شاه با مرحوم سید حجة الاسلام
۲۰۸	آثار باقیه محمد شاه

- ۲۰۸ معاشرین و معتمدین و مشاورین محمد شاه :
- ۲۱۴ آوردن معتمد میرزا علی محمد باب را به اصفهان
- ۲۱۶ اشاره
- ۲۱۷ فصل یازدهم: (عبادت و بندگی و خضوع مرحوم سید)
- ۲۱۷ اشاره
- ۲۱۷ خشیت و ترس از خدا
- ۲۱۸ نشانه های شیعه
- ۲۲۱ عبادت مرحوم سید حجه الاسلام
- ۲۲۴ بیماری فتق
- ۲۲۴ مناجات خمسۀ عشر
- ۲۲۶ دو حالت متضاد
- ۲۲۷ چراغ جهت روشنائی
- ۲۲۸ قیافه و اندام سید حجه الاسلام
- ۲۳۰ فصل دوازدهم: (سید و برخی از معاصرین وی)
- ۲۳۰ اشاره
- ۲۳۰ ۱- مرحوم آقا سید ابراهیم حسینی مختاری سبزواری ساوجی.
- ۲۳۰ ۲- میرزا محمد ابراهیم بن محمدباقر جوهری هروی الاصل قزوینی المسکن اصفهانی المدفن
- ۲۳۱ ۳- حاج محمد ابراهیم بن حاج محمد حسن بن حاج محمد قاسم کاخکی کرباسی (مشهور به حاجی کلباسی).
- ۲۳۱ ۴- حاج ملا اسدالله بروجردی. عالم فاضل محقق مدقق معروف به حجه الاسلام.
- ۲۳۲ ۵- آقا محمد اسماعیل فرزند حاج محمد حسن عارف نائینی .
- ۲۳۴ ۶- مرحوم آقا شیخ محمد تقی بن محمد رحیم رازی ایوان کیفی اصفهانی
- ۲۳۴ ۷- مولی محمد تقی بن علی محمد نوری مازندرانی
- ۲۳۶ ۸- میرزا سید جعفر فرزند میرزا محمد حسین بن میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی اصفهانی حائری نواده دختری آقا محمد علی بهبهانی متصدی موقوفات شهرستانها و موقوفات میرزا فضل الله شهرستانی.
- ۲۳۷ ۹- مرحوم میر محمد حسین بن میر عبد الباقي خاتون آبادی امام جمعه میفهان
- ۲۳۷ ۱۰- ملا حسین بشر و بهای فرزند عبد الله
- ۲۳۷ ۱۱- حاج محمد حسین شیخ زین الدین معروف به حسینعلی شاه اصفهانی عارف از اقطاب صوفیه .
- ۲۳۸ ۱۲- خسرو خان گرجی حاکم اصفهان .
- ۲۳۹ ۱۳- عالم فاضل محقق شیخ خلف بن الحاج عسکر حائری
- ۲۳۹ ۱۴- حاج سید رضی مازندرانی ، حکیم و فیلسوف از مدرسین عالی مقام
- ۲۴۰ ۱۵- شیخ صادق رشتی
- ۲۴۰ ۱۶- سید سلیمان طباطبائی یزدی نائینی
- ۲۴۱ ۱۷- حاج میرزا عبد الرحیم بن حاج سعید شیخ الاسلام بن میرزا رحیم شیخ الاسلام نائینی

- ۱۸ - حاج عبدالله خان امین الدوله فرزند حاج محمد حسین خان صدر ۲۴۲
- ۱۹ - آقا محمد علی بنمحمد باقر مازندرانی ۲۴۳
- ۲۰ - مرحوم آخوند ملا علی بن جمشید نوری مازندرانی ۲۴۳
- ۲۱ - مولی علی اکبر بن محمد باقر اژه ای ۲۴۴
- ۲۲ - ملا قربانعلی بن رمضان رودباری قزوینی شاعر متخلص به بیدل ۲۴۴
- ۲۳ - شیخ محسن بن محمد خنفر نجفی ۲۴۵
- ۲۴ - آقا سید صدر الدین محمد بن صالح موسوی عاملی اصفهانی عالم جلیل ومحقق بی نظیر ۲۴۶
- ۲۵ - مرحوم آقا میرزا محمد بن عبدالفتاح نیشابوری اخباری ۲۴۷
- ۲۶ - مرحوم آقا سید محمد مجاهد کربلانی علامه فقیه ۲۴۸
- ۲۷ - منوچهر خان معتمدالدوله گرجی حاکم اصفهان ۲۴۸
- ۲۸ - آقا سید مهدی بن آقاسید علی طباطبائی حائری عالم زاهد فقیه ۲۴۹
- ۲۹ - شیخ نوح بن قاسم قرشی نجفی عالم وفاصل جلیل ۲۵۱
- فصل سیزدهم: (تدریس - شاگردان) ۲۵۳
- اشاره ۲۵۳
- اسیب افغانها به جامعه روحانیت ۲۵۳
- تدریس ۲۵۷
- ۱- سید آقا بزرگ حسینی قاضی عسکر اصفهانی ۲۵۸
- ۲- آقا دکمه چین ۲۵۹
- ۳- حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی ۲۶۰
- ۴- سید محمد ابراهیم موسوی کابلی ۲۶۳
- ۵- ملا محمد ابراهیم بن علی اکبر بن علی جان دهکردی ۲۶۴
- ۶- سید ابوالحسن بن محمد ابراهیم موسوی ۲۶۶
- ۷- سید ابوطالب بن ابی تراب بن قریش ۲۶۶
- ۸- شیخ ابوالقاسم اصفهانی ۲۶۹
- ۹- شیخ ابوالقاسم بن محمد صادق ۲۷۰
- ۱۰- سید ابوالقاسم بن محمد کاظم ۲۷۱
- ۱۱- حاج میرزا ابوالقاسم بن حاج سید مهدی کاشانی ۲۷۳
- ۱۲- حاج سیداحمد بن میر سید حسین حسینی مرندی اصفهانی ۲۷۴
- ۱۳- سید احمد بن سید عبدالله حسینی میردامادی سدهی ۲۷۶
- ۱۴- ملا احمد بن علی اکبر تربتی ۲۷۷
- ۱۵- مولی احمد بن مولی علی اکبر نصرآبادی ۲۷۸
- ۱۶- سید ابوالقاسم احمد بن محمد حسینی حسینی کوپائی اصفهانی ۲۷۹

- ۱۷- مولی احمد علی اصفهانی ۲۸۰
- ۱۸- حاج سید اسد الله بیدآبادی ۲۸۱
- ۱۹- ملا اسماعل طبسی خراسانی ۲۸۱
- ۲۰- محمد اسماعیل بن محمد ابراهیم ۲۸۲
- ۲۱- سید اسماعیل بن میرابوطالب ۲۸۳
- ۲۲- شیخ اسماعیل بن شیخ محمد حسین سلطانیه ای ۲۸۳
- ۲۳- حاج میرزا اسماعیل بن میرزا محمد حسین دوم طباطبائی زواره ای ۲۸۴
- ۲۴- شیخ اسماعیل بن محمد ورنوسفادری ۲۸۶
- ۲۵- میرزا بابا اصطهباناتی ۲۸۶
- ۲۶- مولی محمدباقر ترشیزی ۲۸۷
- ۲۷- حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی ۲۸۸
- ۲۸- آقا میرزا محمد باقر خونساری ۲۸۹
- ۲۹- سید محمدباقر قزوینی بن سید علی حسینی قزویمیدانی ۲۹۱
- ۳۰- سید محمد تقی موسوی بنگته ای ۲۹۲
- ۳۱- ملا محمد تقی گزی ۲۹۳
- ۳۲- مولی محمدتقی بن ابیطالب اردکانی یزدی ۲۹۳
- ۳۳- مولی محمد تقی بن حسینعلی بن رضا بن اسماعیل هروی ۲۹۵
- ۳۴- ملا محمد تقی بن حاج ملا محمد علی اردستانی ۲۹۷
- ۳۵- ملا محمد تقی بن محمد قاسم گیلانی ۲۹۸
- ۳۶- شیخ محمد جعفر جاسبی ۲۹۹
- ۳۷- سید جعفر حسینی خلیفه سلطانی ۳۰۰
- ۳۸- آخوند ملا جعفر نظر آبادی ۳۰۱
- ۳۹- شیخ محمد جعفر بن حاج محمد ابراهیم کلباسی ۳۰۱
- ۴۰- محمد جعفر بن محمد صالح رشتی ۳۰۳
- ۴۱- حاج محمد جعفر بن محمد صفی آباده ای ۳۰۴
- ۴۲- میرزا محمد جعفر شهنشاهی حسینی ۳۰۹
- ۴۳- حاج ملا محمد جعفر نوری بن محمد طاهر بن ابوالقاسم نوری طهرانی معروف به چالمیدانی ۳۱۰
- ۴۴- محمد جعفر بن محمد مهدی اصفهانی ۳۱۱
- ۴۵- سید محمد جواد موسوی درب امامی ۳۱۲
- ۴۶- حاج سید جواد بن علیرضا بن محمد بن کمال الدین موسوی رضوی قمی ۳۱۳
- ۴۷- آقا سید حسن بن حاج سید ابراهیم حسینی بید آبادی معروف بمقدس ۳۱۴
- ۴۸- حسن بن احمد صفاری ۳۱۵

- ۴۹ - سید محمد حسن مجتهد موسوی - ۳۱۵
- ۵۰ - آقا میر سید حسن مدرس مهر محمد صادقی - ۳۱۷
- ۵۱ - سید حسن بن علی بن رضی ابن عبد الغنی حسینی کاشانی معروف به امامت . - ۳۱۹
- ۵۲ - سید حسن بن سید هاشم موسوی اصفهانی - ۳۱۹
- ۵۳ - ملا حسین اردستانی - ۳۲۰
- ۵۴ - شیخ محمد حسین طهرانی کربلائی . - ۳۲۱
- ۵۵ - محمد حسین کاشی اصفهانی: وی ظاهرا از شاگردان سید حجة الاسلام شفتی بوده است . - ۳۲۱
- ۵۶ - میر حسین طباطبائی کچویهای اردستانی - ۳۲۲
- ۵۷ - شیخ محمد حسین بن ابراهیم فارسی شیرازی - ۳۲۲
- ۵۸ - شیخ محمد حسین بن حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی - ۳۲۳
- ۵۹ - سید محمد حسین بن سید محمد تقی مستجاب الدعوه موسوی خواجهانی اصفهان عالم فاضل - ۳۲۳
- ۶۰ - حاج میرزا محمد حسین بن حاج میرزا محمد رحیم دوم - ۳۲۴
- ۶۱ - حاج میرزا محمد حسین بن حاج میرزا محمد رحیم میر دامادی سدهی - ۳۲۵
- ۶۲ - سید حسین بن محمد صادق حسینی امامی عریضی اصفهانی - ۳۲۵
- ۶۳ - حسین بن عزیز الله اصفهانی - ۳۲۶
- ۶۴ - میر محمد حسین بن میر سید علی حسینی میر محمد صادقی - ۳۲۶
- ۶۵ - حسین بن علی لنجانی اصفهانی - ۳۲۷
- ۶۶ - مولی محمد حسین بن علی اکبر خوانساری اصفهانی - ۳۲۷
- ۶۷ - محمد حسین بن محمد علی رشتی - ۳۲۹
- ۶۸ - ملا حمزه بیرجندی - ۳۲۹
- ۶۹ - مولی حمزه بن اسدالله جازاری فرزند عبدالله بن علی محمد شریف علوی قاینی اصفهانی . - ۳۳۰
- ۷۰ - آخوند ملا رجبعلی بن محمد - ۳۳۱
- ۷۱ - سید محمد رضا موسوی شیرازی - ۳۳۱
- ۷۲ - شیخ محمد رضا طبسی - ۳۳۳
- ۷۳ - حاج میرزا محمد رضا کلباسی (کرباسی) - ۳۳۳
- ۷۴ - محمد رضا بن محمد رفیع - ۳۳۴
- ۷۵ - شیخ محمد رضا لاهیجی فرزند مرتضی عالم فاضل فقیه . - ۳۳۴
- ۷۶ - حاج سید رضا بن نصرالله بن میر محمد رضا حسینی - ۳۳۵
- ۷۷ - حاج میرزا رفیعا فرزند میر سیر محمد طباطبائی - ۳۳۶
- ۷۸ - مولی محمد رفیع بن علی رشتی - ۳۳۶
- ۷۹ - میرزا زین العابدین موسوی فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی بیدآبادی - ۳۳۷
- ۸۰ - حاج میرزا زین العابدین بن سید ابو القاسم جعفر ثانی موسوی خونساری اصفهانی علیه الرحمه . - ۳۳۸

- ۳۳۹ ۸۱- سید شریف خلخالی فرزند سید عباس
- ۳۴۰ ۸۲- حاج سید شفیع بن سید علی اکبر موسوی جابلقی بروجردی
- ۳۴۲ ۸۳- ملا محمد شفیع بن محمد خولی اصفهانی
- ۳۴۳ ۸۴- میر محمد صادق بن سید محمد بن سید محمد علی حسینی
- ۳۴۴ ۸۵- سید صادق بن هادی بن محمد رضا حسینی
- ۳۴۵ ۸۶- مولی محمد صالح استرآبادی
- ۳۴۶ ۸۷- شیخ محمد صالح بیدآبادی
- ۳۴۶ ۸۸- حاج مولی محمد صالح بن آقا محمد برغانی قزوینی
- ۳۴۸ ۸۹- ملا صفر علی لاهیجانی قزوینی
- ۳۴۹ ۹۰- شیخ محمد طاهر بن محسن بن اسماعیل دزفولی
- ۳۵۰ ۹۱- حاج ملاعبدالباقی بن محمد حسین کاشانی
- ۳۵۱ ۹۲- میر عبدالباقی بن هادی بن میر محمد رضا حسینی
- ۳۵۲ ۹۳- آقا عبدالحسین امین العلماء
- ۳۵۲ ۹۴- عبدالرحیم بن محمد کریم هرنندی (قهپایه ای اصفهانی)
- ۳۵۳ ۹۵- میرزا عبدالجواد شاهرودی
- ۳۵۴ ۹۶- ملا عبدالرزاق بن محمد قاسم تنکابنی
- ۳۵۵ ۹۷- سید عبدالغنی بن میر محمد علی بن احمد حسینی
- ۳۵۵ ۹۸- عبدالکریم بن محمد اسماعیل
- ۳۵۶ ۹۹- سید عبد الله موسوی صفوی دزفولی
- ۳۵۸ ۱۰۰- سید عبد الله نائینی
- ۳۵۹ ۱۰۱- حاج سید عبد الله بن حجة الاسلام شفتی
- ۳۵۹ ۱۰۲- ملا عبد الله زنوزی
- ۳۶۰ ۱۰۳- میر سید عبدالله بن میرزا محمد رحیم کبیر میردامادی دهی اصفهانی (نسب او در سید احمد فرزندش ذکر شد)
- ۳۶۱ ۱۰۴- مولی عبدالله بن نجم الدین
- ۳۶۳ ۱۰۵- سید عبدالله بن سید هاشم حسینی بحرانی
- ۳۶۳ ۱۰۶- شیخ عبدالوهاب ریزی
- ۳۶۴ ۱۰۷- مولی عبدالوهاب بن محمد علی شریف قزوینی
- ۳۶۵ ۱۰۸- حاج میرزا عسکری فرزند حاج میرزا هدایت الله بن میرزا سید مهدی رضوی موسوی حسینی
- ۳۶۷ ۱۰۹- علی برغانی
- ۳۶۸ ۱۱۰- آقا سید علی بن حاج سید ابراهیم حسینی بیدآبادی
- ۳۶۸ ۱۱۱- سید علی بن حسین موسوی درب امامی اصفهانی
- ۳۶۹ ۱۱۲- شیخ علی بن محمد نخجوانی

- ۱۱۳- مولی علی اکبر بن ابراهیم خونساری اصفهانی ۳۷۰
- ۱۱۴- سید علی اکبر بن حاج میر محمد اسماعیل ۳۷۲
- ۱۱۵ - سید محمد علی ابرقوئی ۳۷۲
- ۱۱۶ - محمد علی بیدگلی کاشانی ۳۷۳
- ۱۱۷ - مولی محمد علی بن احمد محلاتی شیرازی ۳۷۴
- ۱۱۸ - میرزا محمد علی بن حاج ملا محمد حسین ۳۷۶
- ۱۱۹ - سید محمد علی بن سید صدرالدین محمد موسوی عاملی معروف به آقا مجتهد عالم فاضل محقق ادیب شاعر ۳۷۶
- ۱۲۰ - سید میرزا محمد علی موسوی شمس آبادی ۳۷۸
- ۱۲۱ - سید فضل الله استر آبادی ۳۷۸
- ۱۲۲- سید کاظم طباطبائی زواره ای فرزند آقا علی ۳۷۹
- ۱۲۳ - سید کریم حسینی لاهیجی ۳۸۰
- ۱۲۴ - میرزا محمد کریم طباطبائی زواره ای ۳۸۰
- ۱۲۵- آقا ملا لطفعلی زانیانی چهارمحالی ۳۸۱
- ۱۲۶ - شیخ محسن بن اسماعیل دزفولی کاظمینی ۳۸۲
- ۱۲۷- شیخ محسن رشتی ۳۸۳
- ۱۲۸- آخوند ملا محمد ۳۸۴
- ۱۲۹ - میرزا سید محمد رضوی مشهدی ۳۸۴
- ۱۳۰- آقا محمد مجتهد ۳۸۵
- ۱۳۱ - ملا محمد نائینی ۳۸۶
- ۱۳۲- حاج آقا محمد قزوینی فرزند علامه تبه حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی ۳۸۷
- ۱۳۳- حاج آل محمد کلباسی (کرباسی) ۳۸۷
- ۱۳۴ - میرزا محمد خاتون آبادی ۳۸۸
- ۱۳۵ - حاج میر سید محمد موسوی خونساری چهارسوقی ۳۹۰
- ۱۳۴ - میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی ۳۹۱
- ۱۳۵ - شیخ محمد بن قاسم جرقویه ای ۳۹۲
- ۱۳۶- شیخ محمد مازندرانی ۳۹۳
- ۱۳۷ - ملا میرزا محمد بن محمد هادی نائینی ۳۹۴
- ۱۳۸- شیخ مرتضی انصاری ۳۹۷
- ۱۳۹- سید مرتضی بن سید هادی بن سید محمد رضا حسینی ۴۰۰
- ۱۴۰ - مولی مرتضی قلی ۴۰۰
۱۴۱. آقا سید مؤمن بن حجة الاسلام شفتی ۴۰۱
- ۱۴۲- آقا محمد مهدی کلباسی ۴۰۲

- ۴۰۴ ۱۴۳ - مولی محمد مهدی بن ابی الفتوح قمیشه ای
- ۴۰۵ ۱۴۴ - مولی محمد مهدی بن محمد باقر محلاتی
- ۴۰۶ ۱۴۵ - سید هاشم حسینی
- ۴۰۶ ۱۴۶ - محمد هاشم بن ابوالحسن موسوی
- ۴۰۷ ۱۴۷ - آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی
- ۴۰۹ ۱۴۸ - حاج میرزا یوسف مجتهدتبریزی فرزند حاج میرزا عبدالفتاح طباطبائی
- ۴۱۲ فهرست کتاب
- ۴۳۶ درباره مرکز

بیان المفاخر: در احوالات عالم جلیل صاحب مناقب و اثر حاج سید محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی جلد 1

مشخصات کتاب

سرشناسه: مهدوی، مصلح الدین، 1374 - 1294

عنوان و نام پدیدآور: بیان المفاخر در احوالات... محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی/ تالیف مصلح الدین مهدوی

مشخصات نشر: اصفهان: کتابخانه مسجد سید اصفهان، 1368.

مشخصات ظاهری: 2 ج.عکس

فروست: (انتشارات کتابخانه مسجد سید اصفهان 9)

شابک: 4000ریال (دوره کامل)

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

موضوع: شفتی بیدآبادی، محمدباقر بن محمدتقی، 1175؟ - 1260ق. -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره: BP55/455/م 9 ب 9

رده بندی دیویی: 297/998

شماره کتابشناسی ملی: م 68-1627

اشاره

ص: 1



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وبه تفتی ورجالی

الحمد لله الذى فضل مداد العلماء على دماء الشهداء وجعلهم ورثة الأنبياء عليهم السلام .

وارثان انبيائند اهل علم ***رشحه اقلام ايشان كيمياست

نوتباى ديده اهل يقين ***خاك پاى وارثان انبياست

والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وعترته الى الله ، ولاسيما على بقية الله فى الأرضين وحجته على الخلق اجمعين الحجة بن الحسن العسكرى الامام الغائب المنتظر الذى به يملا الله الأرض قسطا وعدلا بعد ما ملئت ظلما وجورا ، واللعن الدائم على أعدائهم ومخالفهم الى قيام يوم الدين .

از حدود بك قرن پيش تاكنون قلم هائى عليه شيعه و بزرگان آن در گوشه

و کنار ممالک اسلامی بکار افتاده و هر یک بگونه ای بر دوستان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام تاخته اند، برخی به اصول اعتقادات آنها وعده ای در مسائل فروع انتقاد و اعتراض نمودند . یکی نوشت اصلاً شیعه باین صورت ساخته شاه اسماعیل صفوی است و قبل از او بدین نام و نشان فرقه ای در اسلام نیست از اینرو شیوه علوی و شیعه صفوی آنها را نامید . دیگری گفت فرقه شیعه قبل از صفویه عالم و دانشمندی نداشته و عموم مردمی جاهل و نادان و بیسواد بوده اند . سومین پا را از این حد فراتر نهاده و صریحاً در جزوهای نوشت و بچاپ رسانید که :

واقعاً شیعه جز چند آخوند درباری هیچ کس و هیچ چیز دیگر ندارد.

من هر وقت این عبارت نویسنده فوق را بخاطر می آورم بر خود می لرزم . اگر برخی از نویسندگان مطالب قبلی از اهل سنت بودند نوشته آنان را بغرض ورزی و کینه توزی و تعصب بیش از حد و عناد و دشمنی حمل می کردیم و نمی گفتیم که آنها از طرف کسی و دولتی ماموریت دارند، بین این دو فرقه از مسلمین نفاق و اختلاف ایجاد کنند و به آتش این اختلافات دامن بزنند تا فروخته تر شود و در دنیایی که همه مسلمین احتیاج به اتحاد و همبستگی دارند مشکلی بر مشکلات آنان بیفزایند و مانع و جلوگیری اتفاق آنان در برابر دشمنان خارجی و ایادی داخلیشان شوند تا استعمارگران بیش از پیش بر آنان مسلط شوند. این دیگر مدعی تشیع است.

من از بیگانگان هرگز ننالم*** که هر چه کرد با من آشنا کرد

من گاهی فکر می کنم که :

آیا این نویسنده حقا از تاریخ پر افتخار شیعه و بزرگان آن آگهی ندارد و آنچه نوشته است از روی عدم اطلاع است و با این نیز مامور است و خود را در آنچه می گوید معذور می داند .

آیا آنهمه محدثین و مجتهدین و مؤلفین و حکماء و فلاسفه و مترجمین و شعراء

و مفسرین که در طول دوازده قرن (پس از غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در شیعه بوده اند و عالمی رابنور علم و دانش خودروشن کرده اند هیچ است .

من تصور نمی کنم که فرد مسلمان و شیعه ای یافت شود که نام کتاب شریف کافی و مؤلف بزرگوار آن مرحوم ثقة الاسلام کلینی را نشنیده باشد این شخص خواه فردی درس خوانده باشد و یا شخصی عامی و بیسواد .

آیا باور کردنی است که شخصی باشد و با یکی از کتب حدیث فارسی یا عربی سروکار داشته باشد و نامی از جناب صدوق المحدثین ابن بابویه نشنیده باشد .

آیا این آقای نویسنده محقق نام بزرگانی همچون کلینی - شیخ مفید - شیخ صدوق - شیخ طوسی سید رضی و سید مرتضی را نشنیده است و آنهمه تألیفاتشان را با همه کثرت و اهمیت به هیچ می شمارد.

آیا ابن سینا و بیرونی و فارابی و زکریای رازی و ملا صدرای شیرازی که عالم فلسفه و پزشکی بوجود آنان افتخار می کنند هم هیچ اند .

آیا محقق حلی و علامه حلی و مقدس اردبیلی و شیخ انصاری و دهها بلکه صدها عالم و فقیه و مجتهد همچون آنان همه بنظر آقای نویسنده آخوند درباری هستند با هیچ کس نیستند و آنهمه آثار علمی که از آن بزرگواران بجای مانده هیچ است و قابل اعتناء نمی باشد.

چقدر خوب بود که این نویسنده محترم که متأسفانه عده ای از جوانان از همه چیز اسلام بی خبر اورا پذیرفته و حرفهایش را بی چون و چرا باور دارند اندکی بخود زحمت میداد واقلا از یکی دو سه نفر از اطرافیان خود نام کتابها و مؤلفین آنها را می پرسید .

اگر او کتاب تأسیس الشیعه الکرام الفنون الإسلام ویا کتاب الشیعه وفنون الإسلام تألیف علامه بزرگوار آقا سید حسن صدر الدین موسوی کاظمینی وبا ترجمه کتاب (الشیعه وفنون الإسلام) را بنام شیعه یا پدید آورندگان علوم وفنون اسلام را دیده و یا خوانده بود می دید که شیعه در تمام علوم وفنون بر جمیع فرق اسلامی در تألیف و تصنیف مقدمند ، باز هم می گفت : شیعه هیچ چیز ندارد .

اگر به 27 مجلد کتاب و الذریعة إلى تصانیف الشیعه « تألیف علامه جلیل محقق مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی مراجعه کرده بود که در آن هزارها

کتاب از تألیفات علماء و بزرگان شیعه و موضوع آن و تاریخ تالین و برخی دیگر از خصوصیات کتابشناسی را تذکر داده اند و الحق و الانصاف منشی بزرگی بر اهل مطالعه و تحقیق و تألیف ثابت فرموده اند باز هم می گفت شیعه هیچ چیز ندارد

آیا ایشان نام کتاب و طبقات اعلام الشیعه ، تألیف علامه متبع مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی را شنیده اند و میدانند که چندین مجلد آن حاوی نام هزاران دانشمند شیعه تا کنون بچاپ رسیده است . آیا اینها همه هیچ اند و یا آخوند درباری.

اگر ایشان 56 جلد کتاب «اعیان الشیعه» تألیف علامه محقق مرحوم حاج سید محسن امین عاملی که در آن نام دهها هزار تن از علمای شیعه جمع آوری نموده است را دیده اند آیا باز هم می گویند شیعه هیچ کس را ندارد .

از ذکر دهها کتاب دیگر همچون امل الأمل - روضات الجنات - ریاض العلماء - الفهرست و غیره خود داری می کنیم برای آنکه گفته نشود اسامی این افراد تکرار است

ایا تمام این افراد آخوند درباری هستند و یا بنظر ایشان درباری بودن فی حد ذاته جرم است . چقدر از اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام باذن آنان در

دستگاه خلفای اموی و عباسی مصدر امور بودند و عملشان مورد تأیید ائمه علیهم

السلام بود .

آیا مشار الیه نام جناب عبدالله نجاشی والی اهواز از طرف منصور دوانیقی را شنیده است که از ثقات اصحاب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بود و آنحضرت رساله اهواز به را در طرز حکومت کردن بنام وی مرقوم فرموده

من پس از سالها مطالعه در کتابها باین نتیجه رسیده ام که :

اسلام و مسلمین هر چه دارند (که همه چیز دارند لکن خود آنرا نمی شناسند و قدر ندارند) از برکت وجود علماء بزرگوار و روحانیون عالیمقدار بوده است . آنها تمام مشقات و زحمات را تحمل کردند . رنجها دیدند . سختیها و ناکامیها چشیدند بزدانها رفتند کشته شدند و از راه مستقیم منحرف نشدند و آثاری گرانها بنام کتب علمی و فلسفی - تفسیر و حدیث رقه و اصول و شعر و ادب از خود بجای گذاشتند . امروز بطور قطع و یقین میتوان گفت : غنی ترین ملتها از حیث گنجینه های علمی مسلمین هستند و شاهد آن فهرست کتب کتابخانه های بزرگ دنیا می باشد.

آثار مولف کتاب

از اینرو کتابهای زیر را در رابطه با این موضوع تالیف نموده و تاکنون بچاپ رسیده است :

1- ارمغان اصفهان با شرح حال حضرت آیت الله مرحوم حاج میر سید علی بهبهانی رحمة الله علیه .

2- تاریخ سامرا مختصر به ضمیمه زندگینامه مرحوم آیت الله بروجردی . 3- تاریخچه محله خواجهی اصفهان و نام برخی از علماء منسوب بدانجا 4 - تاریخچه مختصری از زندگانی امامین همامین عسکریین علیهما السلام

ص: 9

ضمیمه تاریخ سامراء.

- دانشمندان و بزرگان اصفهان .

- رجال اصفهان با حواشی و ملحقات بر تذکرة القبور مرحوم مولی عبد الکریم گزی علیه الرحمه .

7- زندگینامه مرحوم آیت الله بروجردی رضوان الله علیه .

8- زندگینامه علامه مولی محمد باقر مجلسی و پدر بزرگوارش علیهما الرحمه در دو مجلد .

و - شعرای معاصر اصفهان . 10- غایة الأمال و الأمانی در شرح حال علامه سید هاشم بحرانی .

11 - فهرست اجمالی از مدارس دینی اصفهان از اولین دوره تا کنون بضمیمه کتاب و محیط ادب « بچاپ رسیده است.)

و برای عده ای از بزرگان علماء و غیره نیز تألیفی نوشته ام که هنوز چاپ نرسیده است از آنجمله :

1- تاریخچه امامزاده های اصفهان و توابع .

2 - تاریخچه مدارس دینی اصفهان مفصل بنام : اصفهان با دار العلم شرق.

3- شرح حال آنا باقر خوراسگانی و جمعی از علمای معاصر او در اصفهان . 4 - شرح حال مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری . و به شرح

حال خجندیان اصفهان از علماء قرن پنجم و ششم .

- شرح حال اجمالی از سادات دست غیب شیراز

7- شرح حال علماء مسجد شاهی اصفهان بنام: « بیان سبیل الهدایة فی ذکر اعقاب صاحب الهدایة .

ص: 10

8- شرح حال علامه سید هاشم بحرانی مفصل .

و مردان نامی اصفهان (قریب ده هزار نفر که متأسفانه هنوز پاکنویس نشده است).

و با این خدمت ناچیز گمان می‌رود که تا اندازه ای بو‌ظیفه خود عمل کرده باشم ، انشاء الله تبارک و تعالی مورد قبول درگاه احدیت و صاحب شریعت واقع گردد .

(تذکر):

پس از چاپ و انتشار کتابهای نامبرده جمعی از بزرگان اهل علم و دانش از نظر ذره پروری و لطف و عنایت نویسنده را مورد محبت و تقدیر قرار داده و بصورت‌های مختلف مورد تشویق قرار دادند و او را در خدمات آینده دلگرم نموده و راهنمایی‌های سودمند فرمودند که اینک از لطف همه آنان سپاسگزاری نموده و از خداوند منان برای آنان توفیق می‌طلبم .

جمعی از اهل مطالعه و تحقیق نیز پس از بررسی کتابها به نکاتی و خطاهائی برخوردند که آنها را کتباً و یا شفهاً مرا بدانها واقف ساخته و در این جا از لطف بیکران و عنایت آنان تشکر می‌کنم و امیدوارم که این لطف و محبت مستدام باشد اما

اما عده ای نیز تنگ نظر و کور چشم اند نه خودکاری انجام می‌کنند و فقط هنر آنان عیب جوئی است ، کتابها را دیده یا ندیده زبان بیاوه سرائی گشاده که چرا فلان کس را نام برده و به دلیل مطلبی را از کتابی که از معایب خاندان ما در آنست نقل کرده است.

گاهی که با آنان روبرو میشدم نه تنها از این مقولات سخنی بمیان نمی‌آوردند بلکه احیانا و بدروغ وریا تعریف و ستایش نیز مینمودند لکن از سیمای آنان آثار دورویی و نفاق ظاهر و آشکار بود،

ص: 11

درخواست نویسنده):

ای خواننده عزیز از شما که فرد مسلمان و پای بند به اصول اخلاقی اسلامی میباشی درخواست می کنم و انتظار دارم که :

اولاً قبل از مطالعه کتاب درباره آن قضاوت و داوری نفرمائید .

ثانیاً موارد نقص و خطای آنرا بدون پروا به شخص من بنویسید و تذکر دهید و یا تلفن کنید .

ثالثاً از نقل اشتباهات در مجالس و در حضور جمع حتی المقدور بپرهیزید و متذکر باشید که یکی از وظائف افراد مسلمان و (حفظ الغیب)، است.

رابعاً اشتباهاتی که ممکن است مربوط به چاپ باشد را خود اصلاح فرمائید و خطاهای دیگر را چشم پوشی فرموده و فقط نویسنده را خبر دهید که : اخوک من صدقک من صدقک.

شرط دوستی علم و اهل علم همین نگاهداری آنان از خطای در موضوعات علمی و تاریخی است. ما

نادیده گرفتن خطای کوچکتران و عدم تذکر به آنان موجب تکرار خطا و اشتباه است.

دوست باید که همچو آئینه

عیبها جمله رو برو گوید

نه که چون شانه پشت سررفته

نکته ها جمله مو بمو گرید

سبب تألیف این کتاب

اشاره

سبب تألیف کتاب : انگیزه من در تألیف این کتاب دو چیز بوده است : 1- فردی 2- اجتماعی

ص: 12

الف: فردی خانه پدری من در مرحله بیدآباد در نزدیکی مسجد سید حجة الاسلام قرار دارد، از زمان کودکی و دوران جوانی جهت درک نماز جماعت و نبض ثواب قراءت فاتحه در سر مقبره مرحوم سید حجة الاسلام به این مسجد میرفتم و در حقیقت اهل بیدآباد که من هم فردی از آنها می باشم، با این مسجد مانوس می باشند و عده ای از آنها موقع بیکاری خود را در مسجد می گذرانند. این مسجد محل ملاقاتها و دید و بازدیدها و عبادتها... بوده و می باشد.

از کودکی بمن و تمام بچه های محله آموخته بودند که هر موقع از برابر مقبره مرحوم سید حجة الاسلام عبور کردیم ایستاده و فاتحه بخوانیم و این کار را مثل کارهای واجب انجام میدادیم. همین موضوع اولین انگیزه ای بود که بدانیم این مقبره از کیست و بانی این مسجد با عظمت کیست

در سالهاییکه دوست دانشمند جناب آقای دکتر لطف الله هنرفر کتاب نفیس و ارزشمند « گنجینه آثار تاریخی اصفهان »، را تالیف مینمود، مکرر در مکرر باتفاق ایشان و گاهی از اوقات عده ای از فضلاء جهت خواندن کتیبه ها و مشاهده طرز ساختمان و بنا به مسجد سید می آمدیم اما ورود من به مسجد و مشاهده در و دیوار آن بادفعات قبل بسیار تفاوت داشت، در آن روزگار فقط مشاهده بود اما اکنون اعجاب آمیخته با تحقیق.

در سالهای انقلاب و از آن پس که بیشتر اجتماعات مردم اصفهان در این مسجد بود من نیز جهت شرکت در اجتماعات و شنیدن سخنرانیها با انبوه مردم بمسجد می آمدم لکن به کیفیتی غیر از دفعات قبل.

گاه می شد که سخنرانی شروع میگردد و من به کتیبه یا شعری نظر داشتم آنقدر از خود بی خبر بودم که یقوت متوجه میشدم سخن رانی تمام شده و مردم متفرق میشوند و من هنوز اندر خم یک کوچه ام «.

در این سالها نه تنها من بلکه بیشتر مردمی که در این مسجد گرد آمده بودند مایل بودند بانی مسجد را بیشتر بشناسند بخصوص که گاهگاه درباره مرحوم سید حجة الاسلام و اجرای حدود شرعیه بدست مبارک ایشان مطالبی کم و بیش گفته می شد.

ب: اجتماعی بیشتر دوستان و آشنایان من از طرز فکر و مطالعاتم خیرداشتند و میدانستند که درباره سرگذشت علماء اسلام و شیعه و بخصوص آنها که مربوط به اصفهان است چیزهایی شنیده و دانسته ام از این رو در این موقع، یعنی در موقع اجتماعات در مسجد سید بنزد من آمده و سوالاتی میکردند و بدانها پاسخ میدادم و چون برخی مطالب تازه میشنیدم آنرا یاد داشت می کردم و خود برای آنکه بهتر بدانم و بیشتر بتوانم جوابگوی پرسشها باشم بمطالعاتی بیشتر و عمیق تر پرداختم.

برخی از دوستان بطور پیشنهاد و اعتراض اظهار می داشتند که چرا در باره حجة الاسلام کتابی مستقل تألیف نمی کنی و آنرا منتشر نمی سازی تا اهل مطالعه و تحقیق و بخصوص اصفهانیان بهتر و بیشتر از حالات ایشان آگاه شوند و بدانند که علماء اسلام چه فداکاریها کرده اند و چگونه در برابر ظلم و ظالم ایستادگی و مقاومت نموده اند و ضمنا جوابگوی برخی از نوشته های نویسنده های مخالف علماء باشد.

اخیرا از طرف نواده مرحوم سید حجة الاسلام یعنی حجة الاسلام زاده عزیز وفاضل و متنی آقای حاج آقا مهدی شفتی فرزند برومند عالم جلیل مرحوم حجة الاسلام حاج سید محمد رضا شفتی رحمة الله علیه اقدام ب چاپ کتاب (مطالع الأنوار)، شده و تاکنون بحمدالله چهار مجلد آن از چاپ خارج گردیده است ایشان بر آن شدند که شرح حال نسبتا جامع و مفصلی از مرحوم سید حجة الاسلام بفارسی نوشته و چاپ کنند.

آقای شفنی انجام این مهم را از بنده کمترین خواستند من نیز با وجود گرفتاریهای مختلف و ابتلاء بامراض گوناگون بالاخص بیماری و ضعف چشم مسئول ایشان را بدون چون و چرا پذیرفتم .

اینک بخواست خداوند متعال و فضل و کرم بی نهایت او و یاری و استعانت از ارواح مقدسه بزرگان دین و توجه از حضرت ولی الله الاعظم امام العصر والزمان روحی و ارواح العالمین له الفداء کتاب حاضر را در شرح حال و خدمات یکی از نواب عام و سربازان و سنگر داران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یعنی یکی از مفاخر اسلام و شیعه عالمی بزرگوار و محقق پرهیزکار که چشم روزگار همانند او را کمتر دیده و گوش اهل زمان نام و رفتارش نشنیده یعنی حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی اصفهانی بیدابادی تألیف نموده و نام آنرا «بیان المفاخر در شرح حال حاج سید محمد باقر» نهاد م و امید است که در محضر مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه مورد قبول افتد .

من الله التوفیق وعلیه التکلان

سید مصلح الدین مهدوی

ص: 15

علماء بزرگوار اسلام بالاخص شیعه مبارزات خویش را در دو جبهه و در دو سنگر انجام دادند :

1- برابری در مقابل خلفاء و سلاطین و حکام (شیعه حق حکومت و سلطنت را مخصوص خداوند متعال و رسول اکرم و ائمه طاهرين عليهم السلام و در زمان غیبت مجتهدین واجد شرایط میدانند و غیر از آنها تمام پادشاهان و خلفاء را غاصب می‌شمارد) گاهی بصورت موافقت ظاهری (مبارزه منفی) و گاهی مخالفت علنی (مبارزه مثبت) رزمانی اعراض و گوشه نشینی که آن نیز خود جزو مبارزات منفی بشمار میرود .

2- تربیت دانشجویان و طالبان علم و دانش و تألیف و تصنیف کتب علمی و دینی

یعنی تهیه سربازان و مبارزین بعد از خود و تهیه اسلحه علمی برای آنان .

بطور خلاصه باید گفت و صریحا اذعان کرد که ملت شیعه هر چه دارد از علماء دارد و هر کس نسبت بدانها جسارت کرد یا از روی عدم بصیرت است و با از عدم ایمان واقعی .

همانگونه که قبلا گفتیم عده زیادی از مردم و بخصوص جوانان چون از سر گذشت علماء شیعه بی خبر بودند نوشته این نویسندگان علیه دانشمندان در بین آنان اثری شگرف نموده بود و آنها را نسبت به روحانیون بدبین کرده و فاصله ای بین مردم و طبقه علمی دینی ایجاد شده بود. من خود در تهران از یکی از مقدسین اداری که حق مرد دینداری بود لکن در اثر مطالعه اینگونه نوشته ها عقاید انحرافی نیز داشت ، شنیدم که می گفت : مدتی است کسی را میخواهم که جهت بیان مسائل هفته ای یکبار بمنزل من بیاید و تا کنون نیافته ام . چند نفر را باو معرفی کردم در جواب گفت : حقیقت را اگر خواسته باشی میخواهم معمم نباشد زیرا..

آنچه باید و لازم بود بار تذکر دادم و نصیحتش کردم ظاهرا پذیرفت ولی عملا قبول نکرد. بعد از مشاهده این اوضاع و طرز تفکر برخی از جوانان و رسوخ اندیشه های انحرافی بدانها من بر خود لازم بلکه واجب دانستم که در شناساندن علماء شیعه بجامعه یقدر وسع و طاقت خود کاری انجام دهم.

بخش اول: نام و نسب و مولد

اشاره

من النبی صلی الله علیه وآله وسلم ؛

کل سبب و نسب و صهر منقطع الأنسبی و مهری لاله المان یوم القیامة یشفعان لصاحبهما

(عمدة الطالب)

ص: 17

برای آنکه بهتر بتوان بشرح حال مرحوم سید حجة الاسلام آگهی یافت لازم است دوران زندگی او را بچهار دوره ممتاز تقسیم نمود :

1- از تولد تا مهاجرت به نجف اشرف. 2- دوران تحصیل در اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام و قم و کاشان . 2- ورود به اصفهان تا مرگ فتح علیشاه قاجار .

- از مرگ فتحعلیشاه تا هنگام وفات . الف : دوره اول از 1175 شروع به 1192 خاتمه می یابد یعنی 17 سال . ب : دوره دوم از 1192 شروع و به 1216 ختم میشود یعنی 24 سال . ج: دوره سوم از 1216 شروع و به 1250 ختم میشود یعنی 34 سال .

د: دوره چهارم یعنی آخرین دوره زندگانی مرحوم سید حجة الاسلام از 1250 شروع و به 1260 ختم میشود مدت ده سال جمعا 85 سال.

ابنک هر یک از دوار چهار گانه را در فصولی چند شرح خواهیم داد .

در خاتمه کتاب نیز فصلی مخصوص راجع به زندگانی مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی نظر به اهمیت او از هر جهت (فردی - اجتماعی) و خدمات و آثار او بیان خواهیم کرد.

نام و نسب:

عالم و فقیه کامل محقق مدقق علامه متبحر جامع معقول و منقول و حصارى فروع و اصول مجتهد خبير و بصير ، کسيکه در علم و رياست و قدرت و مکنت و بسط بر همه علماء زمان خود بلکه بر بیشتر زمانها تفوق داشت ، زاهد عابد تقى بلکه ازهد و اعبد و اتقاي علمای عصر حجة الإسلام على الاطلاق مرحوم حاج سید محمد باقر چرزی طارمی شفتی اصفهانی بید آبادی اعلى الله مقامه الشریف .

نسب شریف :

نسب شریف آن بزرگوار بطوریکه خود در مقدمه مطالع الانوار فرموده است بدینقرار است : سید محمد باقر بن محمد تقی (به نون) ابن سید محمد زکی ابن محمد تقی بن شاه قاسم بن میر اشرف بن شاه قاسم بن شاه هدایت بن امیر هاشم بن سلطان سید علی قاضی بن سید علی بن محمد بن علی بن محمد بن موسی بن جعفر بن اسماعیل بن احمد امیر جه بن محمد المجدور بن أحمد المجدور بن محمد الاعرابی بن ابو محمد قاسم (ابی القاسم) الاعرابی بن ابوالقاسم حمزة بن

ص: 20

الامام الهمام موسى الكاظم عليه الصلاة والسلام .

جناب ابوالقاسم حمزه فرزند امام موسی کاظم علیه السلام و مادرش ام ولد بوده و آنجناب و جناب محمد مدفون در شیراز از یک مادر می باشند و خود سیدی جلیل القدر والمنزله ، در عمدة الطالب (ص 228 چاپ نجف) ویرا کوفی وصف نموده (یعنی ساکن کوفه) و اعقاب در ایران از دو فرزندش قاسم و حمزه می باشند در محل دفن جناب حمزه اختلاف است و آنرا در چندین موضع نوشته اند :

1- در جنب مرقد مطهر حضرت عبد العظیم حسنی در شهر ری .

2- در سوسفید ترشیز . مؤلف منتخب التواریخ (ص 469 چاپ اصفهان) می نویسد: احتمال می رود قبریکه در سو سفید است قبر حمزة بن حمزه بن موسی بن

جعفر علیهما السلام باشد چون در عمدة الطالب دارد که حمزة بن حمزة رفت بخراسان .

2- در سیرجان کرمان چنانکه در بدایع الانساب نوشته .

4- محدث قمی در منتهی الامال می نویسد : از صاحب نجدی نقل شده است که حمزه بن موسی علیه السلام قبرش در اصطخر شیراز معروف و مشهور و محل زیارت نزدیک و دور است.

5- محدث قمی رضوان الله علیه از عالم آراء عباسی در منتهی الامال نقل می کند که : مدفن آن امامزاده در قریه ای از قرای شیراز است و سلاطین صفویه برای وی قبه عالی بنا نموده اند .

نویسنده گوید : در عالم آراء عباسی (ص 9 چاپ دوم) می نویسد :

يقول أصحاب در سوسفید ترشیز مدفون و مرقد شریفش مطاف مردم آن ولایت است.

. همچنین محدث قمی علیه الرحمه در منتهی الاما می نویسد : در قم مزاری

است

ص: 21

معروف به شاهزاده حمزه که از تاریخ قم مستفاد میشود که وی جناب حمزة ابن موسی الکاظم علیه السلام است.

نویسنده گوید: دانشمند و محقق معاصر آقای حاج میرزا عباس فیض در انجم فروزان (ص 190) می نویسد در جوار مدفن شاهزاده اسماعیل (اسماعیل بن احمد بن حسین بن احمد بن علی العریضی بن الامام جعفر الصادق علیه السلام) امامزاده حمزه که از احفاد حضرت امام موسی الکاظم علیه السلام است نیز بخاک سپرده شده است (انتهی).

مرحوم میرزا مهدیخان بدایع نگار لامونی در بدایع الانساب (ص 28) از عبارت مرحوم قاضی نور الله شوشتری در مجالس المؤمنین که میفرماید: سید حمزه موسوی چنین فهمیده است که نباید مدفون در شهر ری در جنب مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم اولاد بلا واسطه باشد. و سپس می نویسد که ممکن است وی حمزة بن حمزة ویا حمزة بن محمد بن عبید الله بن الامام موسی الکاظم علیه السلام باشد.

در بین افعال ششگانه فوق آنچه معتبر بنظر میرسد و قرائن نیز مؤید آنست قول اول می باشد همانگونه که علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه فرموده است.

و اما ابو محمد قاسم که او را به اعرابی وصف کرده اند نیز سیدی جلیل و پرهیز گار بوده و مادرش ام ولد بوده است. در مشاهد العترة (ص 12) بنقل از تحفة الأزهار تألیف ابن شد قم می نویسد: احمد بن محمد معتصم عباسی دستور قتل آن بزرگوار را داد وی به اصفهان فرار نموده و مأمورین خلیفه ویرا تعقیب کردند او را و برادر زاده اش حمزه را در قریه اشترجان از بلوک لنجان اصفهان در حال خواب دیدند هر دورا شهید کردند و قبرشان در آنجا معروفست

وسال 250 سال شهادت آندو بزرگوار است .

واما فرزند او جناب محمد که ویرا نیز به اعرابی وصف نموده اند از بزرگان سادات زمان خود بوده و همچون پدر دارای اولاد و اعقاب زیادی می باشد. .

(فائده): نسب سلاطین صفویه سادات ملاباشی شیراز (معروف به سادات حکیم سلمانی) و سادات کلانتری اصفهان به جناب احمد فرزند ابو محمد قاسم الاعرابی برادر جناب محمد الاعرابی منتهی میشود . . .

واما جناب احمد المجدور فرزند محمد الاعرابی از سادات بزرگوار بوده و دارای فرزندان چند است از آنجمله: اسماعیل - محمد المجاور - موسیو ..

در عمدة الطالب (ص 228) می نویسد: از برای اولاد جناب احمد المجدور اعقابی است که جمله آنها نقباء طوس و سادات آنجا می باشند و نام ابو جعفر بن موسی بن احمد المجدور را ذکر نموده و گوید نقیب طوس و سیدی جلیل و شاعری ممدوح بوده است. در منتقله الطالبیة (ص 221) گوید ذریه او از فرزندش ابوالقاسم حمزه می باشد، و گوید که ابوالفتح بستی و بدیع الزمان همدانی ابوجعفر محمد بن موسی بن محمد المجدور را ستایش نموده اند.

واما محمد المجدور نیز سیدی جلیل القدر بوده و ظاهرا در خراسان سکونت داشته است.

اجداد مرحوم سید حجة الاسلام عموما از علمای محل خود بوده و کلمه قاضی در دنباله نام یکی از آنها نشانه مقام و منزلت ظاهری مشارالیه است که ظاهرا در حدود قرن دهم و اوائل حکومت و سلطنت پادشاهان صفوی میزیسته است

پدر مرحوم سید حجة الإسلام: مرحوم سید محمد نقی در یکی از دهات زنجان پیشوای مردم آن سامان بوده و از جزئیات زندگانی او هیچگونه اطلاعی نداریم جز آنکه احتمالا قبل از سال 1192 در شفت وفات یافته است و فرزندی

ص: 23

از او بغیر از مرحوم سید حجة الاسلام تاکنون نمی شناسیم . اما برادر زادگان و بنی اعمامش همچنانکه در قریه چرزه ساکن و برخی از آنها نیز باصفهان مهاجرت نموده و در حال حاضر به نام خانوادگی موسوی - کابلی شهرت دارند .

مرحوم دولی عبد الکریم بن محمد اسماعیل اصفهانی در خاتمه مجلدات مطالع الانوار که در زمان حیات مرحوم سید حجة الاسلام و پس از فوت ایشان

کتابت نموده در ضمن معرفی مؤلف بزرگرازی را به نتیجه الفقهاء وصف می کند و این کلمه بیانگر آنست که پدرانیش از علماء فقهاء بوده اند .

تولد سید بید ابادی

تولد:

بنابر آنچه خود مرحوم سید حجة الاسلام در برخی از اجازاتی که جهت بعضی از شاگردان و مجازینش مرقوم فرموده و بنظر علامه طهرانی مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی رسیده است در سال 1992 در سن هفده سالگی به عتبات مقدسه ائمه عراق علیهم السلام جهت ادامه و تکمیل تحصیلات مهاجرت نموده است. بنابر این تولد ایشان در سال 1170 خواهد بود و جمعی کثیر از نویسندگان شرح حال ایشان بآن اشاره کرده اند .

در برخی از کتابها تولد ایشان را در سال 1980 و در برخی دیگر در سالهای دیگری نقل گردیده که تماما غلط و همه از روی حدس و گمان بوده و تاریخ صحیح همان سال 1970 می باشد اگر چه در کتابی معتبر بصراحت و از روی دلیلی قاطع این تاریخ تایید نشده است.

علامه صاحب روضات الجنات مینویسد در حدود سال 1997 در سن شانزده با هفده سالگی بعثت مشرف گردیده است بنابراین تولد ایشان را حدود 1180 و 1181 میدانند . والله أعلم .

ص: 24

مرحوم سید حجة الاسلام در قریه ای از قرای طارم علیا بنام چرزه که در حدود پنجاه کیلومتری شهر زنجان و شصت کیلومتری شفت واقع است در یک خانواده متوسط و روحانی و اصیل متولد گردید ، و تا سن قریب به هفت سالگی در آنجا مقیم بوده و دوره صباوت او همچون عموم اطفال خانواده های علمی و دینی گذشته است سپس در حدود سال 1182 باتفاق خانواده و پدر و مادر به شفت که در جنوب غربی شهر رشت واقع است مهاجرت نموده است . علت این مهاجرت بطور قطع معلوم نیست اما ظاهرا بنا بدعوت مردم شفت از مرحوم آقا سید محمد نقی برای سرپرستی امور دینی و امامت جماعت و پیشوائی بوده است.

مرحوم سید حجة الاسلام در شفت تا سال 1992 یعنی تقریبا مدت نه سال توقف داشته و بنا بگفته مؤلف روضات الجنات تا حدود سال 1997) در این فاصله از زمان مقدمات علوم عربی و ادبیات عرب و صرف و نحو و دیگر علوم مقدماتی را نزد فضلاء این سامان که نامشان غیر معین و نا معلوم است بخوبی فرا

گرفت .

مؤلف تاریخ زنجان (ص 275) در کتاب نامبرده و همچنین مؤلف کتاب فهرست مشاهیر علماء زنجان (ص 114 چاپ اول) می نویسد که :

بنی اعمام تنی مرحوم سید حجة الاسلام در قریه رزه موجودند و این مطلب را که تولد آنجناب در قریه نامبرده بوده است ، مرحوم شیخ جواد طارمی (1)

ص: 25

1- شیخ محمد جواد بن محرم علی بن کلب قاسم طارمی عالم فاضل محقق متولد سال 1263 و متوفی در سال 1325 مؤلف کتابهای عدیده از آن جمله : 1 - اثنی عشریه 2 - اصول الجعفریه بنارسی مطبوع 3 - افضل المجالس در مقتل 4 - تکمیل الایمان در اثبات وجود حضرت صاحب الزمان علیه السلام بفارسی مطبوع و حاشیه بر قوانین 6- ربیع المتهجدین 7- رساله در ارث 8- رساله در دیات - مشکل الرجال 10- منتخب العلوم وغیره .

در کتاب : اثنی عشریه (اصول الجعفریه) اثبات نموده است .

مرحوم سید حجة الاسلام مقدمات علوم از صرف و نحو و غیره را در مولد خود و سپس در شفت و احتمالا در قزوین ورشت از اساتید وقت و علماء زمان بخوبی فرا گرفت اما از کیفیت تحصیل و نام مدرسین ایشان در این دوره هیچگونه اطلاعی در دست نیست جز آنکه از روی قرائن میتوان حدس زد که یکی از این معلمین پدر فاضل و عالم ایشان بوده است . و احتمال دیگر اینکه در سالهای قبل از مهاجرت به اکتاب مقدسه پدر ایشان در شفت و یا غیر آن وفات یافته است :

مرحوم سید حجة الاسلام پس از آنکه مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را بخوبی فرا گرفت جهت ادامه تحصیل رهسپار اکتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام گردید (سال 1192 یا 1197) که در آن اماکن مقدسه هم از فیوضات معنوی از ارواح مقدسه اولیاء دین و هم از علوم بزرگان مجتهدین که در آن شهرها ساکن بوده و بدرس و بحث و تربیت طلاب و دانشجویان اشتغال داشتند بهره مند شود .

در آن عهد و زمان عده ای از بزرگان فنها و مجتهدین و مراجع در شهرهای کربلا و نجف و کاظمین علیهما السلام هر یک حوزه های علمی داشته و عده ای از طالبان علم و دانش از هر طبقه و شهری در خدمتشان کامیاب می شدند و از طرف دیگر در داخل ایران هنوز آثار شوم فتنه افغان بر سر مردم این سامان بالاخص علماء و دانشمندان سایه افکننده بود و از مدرسین طراز اول تقریبا خالی مینمود و ضمنا عدم توجه

ص: 26

نادر شاه و جانشینان او و کریم خان زند نیز به علم و علماء سبب شده بود که طالبان علم و علماء از ایران متوجه نجف و کربلا یعنی مهد علم و دانش شوند.

سید حجة الاسلام نیز مانند دیگر طالبان علم جهت وصول بمراتب عالیه و کمال مطلوب بدانصوب حرکت فرمود .

ص: 27

اشاره

سخن پایه قدرش نمیرساند و هم

که همچو عرش بلند است و همچو شرع متین

اقوال بزرگان و مؤلفین

مقدمه این فصل

در باره مرحوم سید حجة الاسلام بید آبادی (مقدمه):

یکی از راههای شناسائی مردان بزرگ مطالعه نظرات و عقاید دیگرانست در باره ایشان ، باید بنوشته های موافق و مخالف با دقت و موشکافی توجه کرد و از آن میان حب و بغض هارا تشخیص داده آنچه اغراق و مبالغه است را کنار نهاد چون کمتر کتابی است که درباره شخص معینی نوشته شود و خالی از نظر خاص نباشد ، این خواننده است که باید با هوشیاری کامل در بین این گفتارها حق را از باطل جدا کند و مطلب را همانگونه که در حقیقت و نفس الامر می باشد بشناسد

هیچ فردی در جامعه یافت نمیشود که موافق و مخالف نداشته باشد از مردم

ص: 28

عادی کوچه و بازار گرفته تا علماء و بردگان و مصادر امور و اندیشمندان هیچ کس از این قاعده کلی مستثنی نیست.

کسی از دست جور زبانها نرست

اگر خودنمایست و گر حق پرست

بکوشش توان دجله را پیش بست

نشاید زبان بد اندیش بست

البته هر قدر مقام و شخصیت انسانی بالاتر و موقعیت اجتماعی آن والاتر مخالفان او نیز قویتر و بیشتر. دوستان عموماً خود را از اظهار نظر دوستانه بی نیاز میدانند لکن مخالفین حق را بصورت باطل جلوه داده و بر شخص میتازند.

در این فصل فقط بنام و نظریه ده نفر از کسانی که مرحوم سید حجة الاسلام را بادیده حتی بین مشاهده کرده اشاره می کنیم و بعد نیز عقیده مخالفین را می نویسیم.

1- مرحوم علامه محقق متتبع حاج سید محسن امین عاملی در کتاب اعیان الشیعه (ص 111 جلد چهل و چهارم) درباره مرحوم سید حجة الاسلام مینویسد:

الْفقيه الإمام الرئيس كان رئيساً ميسوط اليد في اصفهان وسائر ايران يقيم الحدود الشرعية وله آثار فخمة لايشيدها الا الملوك مثل مسجده في شق بيد آباد الذي بناه سنة 1245 وكان في جمعة الدين والدنيا مصداق قوله عليه السلام وقد يجمعهما الله لأقوام . اجتمع فيه من الخصال الحميدة : از علم وفضل و تقوى و سخاوت و اهتمام در امور مسلمانها و مقام ارجمند و كوشش در نشر احكام و شرايع و تعظيم شعائر اسلام و اقامه حدود و هيب و عظمت در دلهاى حكام و پادشاهان چيزهائيكه در هيچ يك از علماء بدينگونه جمع نشده است ... -

2- تكملة أمل الأمل در باره آنجناب (بنا بنقل فوائد الرضوية (ص 429دوم) می نویسد: كان عالم ربانيا روحانيا ممن عرف حلال آل محمد صلى الله عليه وآله و حرامهم و شيد أحكامهم و خالف هواه و اتبع امر مولاہ کان دائم المراقبة

ص: 29

لربه لا يشغله شيء حسن الحضور والمراقبة.

3- علامه فقيه زاهد مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقي در كتاب شريف روضات الجنات (ص 124) درباره آنجناب ميفرمايد :

العجب العجاب واعجب الاعجاب وحيرة اولى الألباب وذخيرة الله العزيز الوهاب وسيد حجاج بيت الله المستطاب مولانا حاجى سيد محمد باقر... كان رحمة الله تعالى على روحه المنور و مرقدہ المعطر ارفع ان يصفه الواصفون فى امثال هذا الكتاب أو يخرج عن عهدة شيء من ثنائه ألسنة أرباب الخطاب حيث انه اجتمع فيه مكارم اخلاق الأنبياء العشرة الكاملة وانتزع عنه من يوم خلقه الله اثر صفات الخلق الغير العادلة.

دنباله بيانات مرحوم صاحب روضات نقل از ترجمه روضات (ص 289 دوم)

(1) [ص 289 دوم]:

حجة الاسلام را خردمندترین مردم روزگارش دیدم و او بحقیقت مردمک چشم انسان بلکه انسان عین کلیه افران و معاصرانش بشمار می آمد.

حجة الاسلام دیندار بتمام معنی بود چنانچه کلیه متدینان و حافظان و خزینه داران دین در برابر دیانت او تسلیم بودند بلکه میتوان گفت ایمان کلیه مردم جزئی از ایمان حقیقی او بود .

من معتقدم در اثبات حقایق علمی و براهین عقلی و نقلی کسی همتای او نبوده

ص: 30

1- مترجم دانشمند گرانقدر حجة الاسلام حاج شيخ محمد باقر ساعدی خراسانی در ربیع الاول 1346 در مشهد مقدس متولد گردیده و در نزد علماء آن سامان و طهران و قم بهره های علمی برده و کتابهای زیادی ترجمه و تالیف نموده که برخی از آنها بچاپ رسیده است ، از آن جمله : 1- ترجمه ارشاد مفید 2 - ترجمة التحصين ابن فهد حلی 3- ترجمه تا حقایق فیض دو مجلد 4- ترجمه رظات الجنات در هشت جلد 5- ترجمه سفینه البحار

و مانند او بدقایق علمی لسان گویائی نداشته .

مرحوم صاحب روضات پس از آن بنقل برخی از صفات حمیده آن بزرگوار از قبیل علم - حلم - صبر - صله رحم - جود و سخاوت و نیکوکاری و شکر پرداخته و از آثار خیریه او مسجد سید را نام میبرد .

4- مرحوم حاج سید شفیع جابلقی در روضة البهیه (ص 19) در باره آنجناب می نویسد :

السید السند والركن المعتمد الامام الأجل الأعظم النحریر الذاکر والسحاب الماطر الفائق علی الأوائل والواخر الحاج السید محمد باقر بن محمد تقی الرشتی الشفتی.. وكان الأهداهل زمانه واعیدهم واسماهم فلذا افبلت له الدنيا بحيث انتهت الرياسة الدینیة والدنیویة الیه ویعاون الطلاب ویعطى كل واحد منهم بقدر مؤنته بل ازید ویعطى الفقراء بل الاغنیاء والرؤساء كثيرا، وكل المحتاجین یرجمون الیه ولا یحرمهم بل یعطى كلا منهم علی حسب حاجته

5- مرحوم آقا میرزا محمد علی مدرس تبریزی (1) در ریحانة الادب (ص 412 بکم) درباره او می نویسد: فقیه اصولی ادیب نحوی رجالی ریاضی بوده و در فقه و اصول و رجال و درایت و هیئت و علوم ادبیة و فنون عربیة از مشاهیر زمان و در مراحل اخلاقیة و حید روزگار و در عبادات و مناجات و سخاوت و عطایا و اقامه حدود و اواراد و نوافل او، نوادر بسیاری منقول و فوائدی که از وی بسادات و فقراء و طلاب علوم دینیة عاید می گردیده خارج از حد احصاء می باشد.

ص: 31

1-1) مرحوم آقا میرزا محمد علی بن محمد طاهر مدرس تبریزی عالم فاضل محقق مورخ رجالی متولد در سال 1296 و متوفی در غره شعبان 1373 صاحب مؤلفات کثیره از آنجمله؛ 1- فرهنگ نوبهار دو مجلد 2- فرهنگ بهارستان 3- دیوان المعصومین 4- ریحانة الأدب در شش مجلد و 7- کتاب دیگر .

6- محدث قمی رضوان الله علیه در فوائد الرضویه (ص 426 دوم) در باره او می نویسد :

السيد الأجل وحيد الأيام ومقتدى الأنام سيد العلماء الاعلام المدعو بحجة الإسلام، كان عطر الله مرقدته في جمعه الدنيا والاخرة مصداقا لكلام جده الصادق عليه السلام: (قد يجمعهما الله لأقوام)، وقد جمع الله فيه من الخصال النفسانية من العلم والفضل والتقوى والخشية والقوة في الدين والسخاء والاهتمام بأمور المسلمين والجاه العظيم ونشر الشرائع والاحكام وتعظيم شعائر الاسلام و اجراء الحدود الالهية في الأنام والهيبة في قلوب السلاطين والحكام ما لم يجمع في احد من اقرانه ...

7- مرحوم تنكابنی در فصص العلماء (ص 135 چاپ اصفهان) در باره مرحوم سيد حجة الاسلام می نویسد :

وحيد أيام ومقتدای انام و در علم عربيت وهيئت وفقه ورجال و درايه از مهره اعلام وحذفه علماء كرام عالم عامل و بارع وفاضل وعلیم وبادل استاد اكامل افاضل در زهد وورع و تقوى اورا ثانی وتالی نبوده ...

نویسنده گوید : مرحوم صاحب روضات و سيد جابلقی و تنكابنی هر سه از شاگردان مرحوم حجة الاسلام می باشند و هر يك سالها در محضر آنجناب را نموده ، بالاخص مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی که از تلامذه ممتاز و مورد توجه و عنایت استاد بوده و هر سه در کتابهای خود سيد را به بهترین عبارت ستوده اند در این بین مرحوم تنكابنی نکاتی از زندگانی استاد نقل می کند که بعدا بدانها اشاره میشود .

8- مرحوم محدث قمی در الكنى واللقاب (ص 155 دوم) درباره سيد حجة الاسلام می نویسد:

ص: 32

السيد العلامة ... الذي كان امره في العلم والتحقيق والتدقيق والديانة والجلالة و مكارم الاخلاق اشهر من أن يذكر واجل من أن يسطر ..

همچنین در هدیه الأحباب (م 174) می نویسد : حجة الاسلام اطلاق میشود در نزد خاصه بر؛

سید اجل وحید الأيام ومقتدی الانام سید العلماء العظام آقا سید محمد باقر ... سپس شرحی که تقریباً ترجمه عبارات فوائد الرضویة خدود ایشائست را مرقوم میدارد .

9- مرحوم مولی حبيب الله كاشانی (1) در لباب الألقاب (ص 70) در باره او می نویسد :

... الملقب بحجة الاسلام المعروف بين الخواص والعوام ولو قيل انه كان آية من آيات الله لما كان كذبا في الكلام فهو السيد السند والركن المعتمد والمؤيد من الله الصمد الذي لا يحيط بفضائله وفواضله عدد ولا ينتهي ذكره الى امد الاقاه الأوثق الإعلام المعروف بالمعروف والكرم باسط الايادي وناشر النعم محيي سنة جده اشرف اولاد آدم ، بالجمله هو المشهور بين العرب العجم وقد عجز عن تحرير مديحه لسان القلم ...

10 - مرحوم مولی عبد الكريم بن محمد اسماعيل (اصفهانی) چهارمین شاگرد سید حجة الاسلام (1) - مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی 2 - مرحوم حاج سید شفیع جابلقی 3- مرحوم آقا میرزا محمد تنکابنی) در آخر هر یک از مجلدات مطالع الانوار که بخط زیبای خود نوشته و خود آنرا جدول کشی و تذهیب نموده استاد بزرگوار را بگونه ای وصف نموده است از آن جمله در آخر مجلد

ص: 33

1- مولی حبيب الله بن ملا- علی مدد كاشانی عالم فاضل فقيه زاهد صاحب تالیفات كثیره قریب پكصد و چهل مجلد كتاب و رساله متوفی در 23 ج 2 سال 1360 در كاشان .

قدم المجد الأول من كتاب الصلاة من مطالع الانوار الذى صنفه :

سيدي و سندی و استادی و مولای و مقتداى ، السيد الأول والامام الافضل ، زبدة العلماء والمحققين ، وقدوة الفضلاء والمدققين ، وافضل الفقهاء والمتبحرين واكمل المحدثين والمجتهدين ، وارث علوم الانبياء والمرساين ، برهان الاسلام والمسلمين مقتدى اصحاب المعرفة والإيمان ، مالك ممالك التحقيق والعرفان ، جامع المعقول والمنقول حاوى الفروع والأصول ، صاحب الفضائل و الفواضل ، كاشف معضلات المسائل، المرتضى المجتبى الاورع الأكرم، المخصوص بمراضى الاخلاق و مفاخر الشيم ، جامع العلوم الالهية ، وحاوى الصفات الملكية ، حافظ مراسم الشريعة ، كاشف الأسرار الخفية ، قبلة طلاب الهداية ، كعبة ارباب الدراية واضح سفينة النجاة ، سابق اصحاب الدرجات، منبع العزو السعادات ، صاحب الكرامات والمقامات ، قطب فلك الحقيقة والكمال ، حادى الخلائن عن مهالك الضلال ، صاحب النفس القدسية ، جامع الأوصاف الأنسية ، نجمة لاهتداء المريدين ، وربما للشياطين المريدين ، المتخلق بأخلاق الله ، والمؤيد من عند الله ، سلالة العترة الطاهرة النبوية ، كهف الذرية الشريفة العلوية ، فخرالمحققين والمجتهدين ، سراج الملة والدين، قدرة السادات وجامع انواع السعادات العالم العامل العادل ، التحرير الفاضل الكامل ، المتجلى بانوار الحقائق اللاهوتية المتخلى عن العلائق الناسونية ، السيد الأعظم ، والمولى المعظم ، علامة العلماء ، نتيجة الفقهاء، افضل المتقدمين والمتأخرين، نخبة الفضلاء والمتبحرين ، طائف بيت الله الحرام ، وزائر ائمة الانام ، ملاذ السادات المصطفوية ، ومعاذ الذرية المرتضوية ، مروج الشريعة المحمدية، وناشر طريقة الاحمدية، وارث سيدالانس والجان، نائب امام العصر والزمان، عليهما صلوات الله الملك المنان ، سمي الإمام الخامس من

ذرية حبيب اله العالمين محمد عليه وآله افضل صلوات المصلين ، والمنسوب الى الامام السابع و النور الساطع ، من الأئمة المعصومين صلوات الله عليهم أجمعين ..

تا اینجا گفتار ده نفر از بزرگان علم وقامت ودانش را در باره آن مرحوم نقل نمودیم که تلك عشرة كاملة . این ده گفتار برای صاحب فهم و در این کافی است و آنان که بیشتر از این بخواهند باید بکتابهای دیگری مراجعه کنند از آنجمله :

1- آثار ملی اصفهان : تألیف آقای ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی 2- استاد المصطفی : تألیف علامه حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی 3 - تاریخ اصفهان : مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری 4 - تاریخ اصفهان وری : مرحوم حاج حسن خان جابری 5- تاریخ زنجان : مرحوم حاج سید محمد ابراهیم زنجانی 6- تاریخ علماء و شعراى گیلان : مرحوم حاج شیخ حسن شمس گیلانی 7- تذكرة القبور : مرحوم آقا ملا عبدالکریم جزى اصفهانی 8- تکملة نجوم السماء : مرحوم آقا میرزا محمد مهدى لکهوى کشمیری

9- خاتمه جلد سوم مستدرک الوسائل تألیف محدث جلیل مرحوم حاج میرزا حسین نوری . 10- دانشمندان و بزرگان اصفهان تألیف سید مصلح الدین مهدوی . 11 - الذریعه تألیف علامه فقید حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی 12 - رجال اصفهان تألیف سید مصلح الدین مهدوی. 13 - روضة الصفا ناصری جلد دهم تألیف رضا قلیخان هدایت . 14 - زندگانی چهارده مصوم علیهم السلام تألیف حاج شیخ حسین جلالی

ص: 35

15 - شمس التواریخ تألیف مرحوم آقا شیخ اسد الله ایزد گشسب . 16- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی - مشهد 17 - فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی - قم 18 - فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (اسلامی) تهران . 19 - فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی - قم 20 - فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران . 21 - فهرست مشاهیر علماء زنجان تألیف حاج شیخ موسی زنجانی . 22- فهرست مؤلفین کتب چاپی عربی و فارسی تألیف مرحوم خانبابامشار .

23- الکرام البررة (طبقات اعلام الشیعه) تألیف علامه جلیل مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی . و

24 - گنجینه آثار تاریخی اصفهان تألیف آقای دکتر لطف الله هنرفر . 25 - گنجینه دانشمندان تألیف عالم محقق حاج شیخ محمد رازی .

26- مصفی المقال تألیف علامه محقق حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی .

27 - معارف الرجال تألیف علامه فته مرحوم آقا شیخ محمد حرز الدین نجفی .

28- معجم رجال الفكر والأدب تألیف دانشمند محترم آقای محمد هادی امینی .

29 - مقتبس الأثر تألیف علامه مرحوم آقا شیخ محمد حسین اعلمی . 30 - مکارم الاثار تألیف محقق جلیل مرحوم آقا میرزا محمد علی

معلم حبیب

آبادی

31- منتظم ناصری تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه .

32- وفیات علماء تالیف حاج شیخ حسین جلالی واعظ شاهرودی . 33 - هدیه العارفین تالیف اسماعیل پاشا بغدادی .

وده ها کتاب و رساله و مجله دیگر که شرح حال مرحوم سید حجة الإسلام در آنها یا مستقلاً نوشته شده است و یا بمناسبتی ذکر از ایشان شده و اشاره اجمالی به احوالات ایشان گردیده است .

(فائده): بطوریکه در عبارات بزرگان در شأن مرحوم سید حجة الإسلام مشاهده گردید برخی از آنان لفظ و امام را جزو نعوت و ستایش ها ذکر نموده بودند در این جا بی مناسبت نیست که در باره این کلمه مختصر توضیحی داده شود .

معنی امام : کلمه امام (یکسر همزه) در لغت بمعنی : پیشوا - پیشرو - خلیفه - جانشین - کسی یا چیزی که مردمان از وی پیروی کنند خواه انسان باشد یا کتاب حق باشد یا باطل رئیس باشد یا جز آن - راه - متولی امر - قرآن - پیغمبر - فرمانده لشکر - مدل و نمونه - ریسمانیکه بناها برای راست بودن دیوار از آن استفاده می کنند (شاقول) - کنار زمین و غیره می باشد .

استعمال کلمه امام در نوشته ها

کلمه امام جمع است بلفظ واحد و امامان تثنیه و ائمه جمع آنست.

امام در قرآن : حبیب (1) را در کتاب و جوه قرآن (ص 28) و دامغانی (2) در کتاب : اصلاح الوجوه والنظائر (ص 44) می گویند :

(ابوالفضل حبیب بن ابراهیم بن محمد تقلیسی ادیب لغوی طیب مصنف کتب دیده از علماء شیعه در قرن ششم هجری است ، در مقدمه کتاب و جوه قرآن نام 28 کتاب و رساله از تألیفات او ذکر شده است مطالبین مراجعه نمایند .

(2) ابوعبدالله حسین بن محمد بن ابراهیم دامغانی از علماء قرن پنجم هجری معرون به فقه حنفی متوفی بسال 78 مجری مؤلف : 1 - الزوائد والنظائر 2- شوق العروس واتس النفوس 3 - فوائد البصائر که به الوجوه والنظائر نیز نامیده شده است (ص 31 پنجم هدیه العارفین) .

ص: 37

1- (ابوالفضل حبیب بن ابراهیم بن محمد تقلیسی ادیب لغوی طیب مصنف کتب دیده از علماء شیعه در قرن ششم هجری است ، در مقدمه کتاب و جوه قرآن نام 28 کتاب و رساله از تألیفات او ذکر شده است مطالبین مراجعه نمایند .

2- (2) ابوعبدالله حسین بن محمد بن ابراهیم دامغانی از علماء قرن پنجم هجری معرون به فقه حنفی متوفی بسال 78 مجری مؤلف : 1 - الزوائد والنظائر 2- شوق العروس واتس النفوس 3 - فوائد البصائر که به الوجوه والنظائر نیز نامیده شده است (ص 31 پنجم هدیه العارفین) .

کلمه امام در قرآن مجید به پنج معنی استعمال گردیده است ؛ 1- پیشوای خیر و پیشرو : انی جاعلک للناس اماما (سورة البقره آیه 126)
2- کتاب و نامه : بوم ندعوا کل اناس بأمامهم (سورة بنی اسرائیل آیه

71).

راغب اصفهانی در کتاب مفردات درباره این آیه شریفه می نویسد :

بدان کسی که به او اقتداء کردند و گفته شده است به کتاب آنان . و حدیث حضرت صادق علیه السلام مؤید قول اول است (ص 409 جلد یکم اصول کافی حدیث 17).

3- لوح محفوظ : و کل شیء احصیناه فی امام مبین (سوره یس آیه 12) فائده تفسیری) : در معنی و مفهوم کلمه امام در آیه فوق مفسرین آنرا گاهی

1- لوح محفوظ و برخی به : ایران بسیاری 2- نامه عمل انسان تفسیر فرموده اند

3- و در برخی از تفاسیر بزرگان شیعه طبق روایات منقوله از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام آنرا به وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام تفسیر فرموده اند ، بطور مثال :

الف : در احتجاج (ص 747 سوم تفسیر شریف لاهیجی) از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند : هیچ عملی نیست مگر آنکه خداوند تبارک و تعالی آنرا بمن آموخت و من آنرا بعلی علیه السلام یاد دادم، تا آخر خبر.

ب - علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این آیه (ص 549) می نویسد :

ص: 38

ابن عباس از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت می کند که آنحضرت فرمودند :

اما والله الإمام المبین این الحق من الباطل ورثه من رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم

ج: در معانی الاخبار (ص 747 سوم تفسیر شریف رازی) از حضرت سید الشهداء علیه السلام روایت می کند که فرمود این آیه شریفه بر پیغمبر اکرم نازل گردید و آنرا بر مردم قرائت فرمود (ابوبکر و عمر از جای خود برخاسته و عرض کردند یا رسول الله (این امام مبین) تورات است؟ حضرت فرمود نه گفتند انجیل است حضرت فرمود نه (عرض کردند قرآنست حضرت فرمود نه) در این وقت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پیش آمد، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: این است آن امام مبین او امامی است که خداوند تبارک و تعالی تمام علوم را در نزدش برشمرده و حفظ نموده است.

- تورات: و من قبله کتاب موسی اماما (سوره هود آیه 11)

و راه روشن: و انهما لب امام مبین (سوره الحجر آیه 79) در شان حضرت هود و حضرت صالح علیهما السلام

(تقسیم بندی): از نظر کلی امام بر دو گونه است:

- امام حق با امام هدایت 2- امام باطل یا امام ضلالت و گمراهی

امام حق خواه معصوم باشد (پیغمبران و اوصیاء آنان علیهم السلام) و خواه غیر معصومین مأمومین و مقتدایان خود را بسوی خداوند تبارک و تعالی و حق و حقیقت رهبری می کند و از فساد و تباهی بر حذر میدارند. خداوند عزوجل درباره پیغمبران میفرماید: وجعلناهم أئمة یهدون بأمرنا (سوره انبیاء آیه 27). اما در مقابل

ص: 39

امام و پیشوای غیر حق و باطل تابعین و پیروان خود را از راه مستقیم دین و دیانت و اسلام منحرف ساختند آنانرا بفساد و تباهی و ضلالت و گمراهی و اعمال نکوهیده و اقوال ناشایسته راهبری می کند، در حقیقت اینان حزب شیطان هستند همانگونه

که گروه اول حزب الرحمن و به اصطلاح قرآن حزب الله نامیده میشوند . در باره پیشوایان باطل قرآن میفرماید : وجعلناهم أئمة يدعون إلى النار (سورة القصص آیه 41)

در کتب تراجم رجال گاهی اوقات بعضی از علمام بزرگوار را از نظر موقعیت اجتماعی و شخصیت علمی و دینی با کلمه امام وصف کرده اند . این کلمه در بین سنیان بسیار رواج داشته و دارد و لکن در بین شیعه تا قرن سوم بغیر از ائمه معصومین علیهم السلام و برخی از مدعیان امامت از خاندان عترت که اصحاب و یارانشان به امامت آنان معتقد بودند به دیگری گفته نمیشد لکن بعد از این تاریخ در بین شیعه نیز گاهگاه به این لقب برخورد می کنیم گاهی بطور اطلاق و زمانی به اضافه مانند : امام الرياضین - امام اللغة - امام النحو وغیره .

علامه طهرانی در نوابغ الرواة فی رابعة المات (ص 230) بنقل از تذکرة الحفاظ (ص 4 جلد 3) می نویسد : محمد بن ابراهیم بن حبون الامام الحافظ الحجاری من وادی الحجارة مدینة بالأندلس من كبار حفاظ عصره لکنه فیہ تشیع توفی 400 . در این قرن عده ای دیگر از بزرگان را نیز بقی . د (امام) وصف نموده اند از آنجمله است : ابو عروبه السلمی الحسین بن محمد بن ابی محشر مودود الحافظ الامام مؤلف: التاريخ . ابن عساکر درباره اش گوید : کان خالیا فی التشیع ، تاریخ وفاتش را بسال 218 می نویسند (ص 121 نوابغ الرواة)

در این قرن علامه طهرانی جمها هشت نفر را در کتاب : طبقات اعلام الشیعه (نوابغ الرواة فی رابعة المات) بوصف امام ذکر می نماید لکن در قرن پنجم

عده بیشتری از دانشمندان بدین وصف ذکر شده اند از آنجمله است: محمد بن احمد المعموری الفیلسوف الأمام مقدم الحکماء فی عصره مؤلف کتاب : المخروطات مقتول در سال 485 بجرم فلسفه و تشیع (ص 152 طبقات اعلام الشیعه . النابس فی القرن الخامس). علامه طهرانی در کتاب : طبقات اعلام الشیعه در این قرن قریب 16 نفر را بوصف امام ذکر نموده اند .

در قرن ششم این لقب و عنوان عمومیت بیشتری یافته بطوریکه علامه طهرانی در کتاب: طبقات اعلام الشیعة (ص 24 - الثقات العیون فی سادس القرون) نام چهل و هشت نفر از بزرگان شیعه را ذکر فرموده اند که بوصف امام ستوده شده اند و آنها غیر از کسانی هستند که در جاهای دیگر خود ایشان و با مؤلفین دیگر آنان را بوصف امام خوانده اند بطور مثال :

حسین بن محمد بن الفضل بن محمد الشیخ الامام ابو القاسم الأصفهانی المشهور بالراغب المتوفی سنة 502. بنابراین وی از بزرگان علماء قرن پنجم است که فقط دو سال از این قرن را درک نموده است

این قطعه شعر را در کتابها باو نسبت داده اند (ص 66 دوم ریحانة الارب) زصد هزار محمد که در جهان آمد یکی بمنزله جاه مصطفی نشود اگر چه عرصه عالم پر از علی گردد یکی بعلم و سخاوت چو مرتضی نشود جهان اگر چه زموسی و چوب خالی نیست یکی کلیم نگردد یکی عصا نشود

ذکر حدیثی شریف) : در کتاب شریف اصول کافی (ص 417) باب : ان الأئمة فی کتاب الله امامان در اینکه قرآن مجید دو طبقه از پیشوایان را معرفی نموده می نویسد :

از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند چون این آیه : یوم ندعواکل اناس بامامهم ، نازل گردید مسلمین به رسولخدا علیه السلام عرض

کردند : آیا شما امام و پیشوای همه مسلمانها نیستید ؟ حضرت فرمودند :

من رسولخدا و فرستاده او بر تمام مردمان میباشم لکن پس از من پیشوایان وامامان از اهل بیت من خواهند بود . برخی از پیشوایان کفر و گمراهی و پیروان آنان آنها را تکذیب کنند و بدانها ستم روا دارند .

کسیکه آنها را دوست بدارد (ائمه از اهل بیت علیهم السلام) و گواهی آنان کند و از آنان پیروی نماید از من و با من است و مرا ملاقات خواهد کرد و آنکس که آنان را تکذیب کند و بر آنها ستم روا دارد از من نیست (ازامت من نیست و با من در قیامت) نمی باشد و من از او بیزارم .

سید حجة الاسلام مجدد قرن : مرحوم حاج میرزا حسن خان شیخ جابری انصاری(1) در کتاب تاریخ اصفهان وری (ص 285) در ذکر مساجد اصفهان آنجا که از مسجد سید حجة الاسلام سخن می گوید می نویسد : و آن بنای بزرگی از همت بلند مرحوم حجة الاسلام مجدد قرن دوازدهم (باید قرن سیزدهم مینوشت و مسلما سهو القلم است) حاج سید محمد باقر شفتی رشتی شد.

حدیث مجددین : شیخ بهائی علیه الرحمه در مقدمه کتاب درایة الحدیث (الوجیزه) لؤلؤة البحرین (ص 392 چاپ نجف) از جامع الأصول تألیف ابن اثیر نقل می کند که : یکی از خواص شیعه آنست که در هر صد سال کسی یافته شده که قواعد و احکام او را تجدید می کند و مجدد مذهب در قرن دوم حضرت رضا علیه السلام را می نویسد .

ص: 42

1- مرحوم حاج میرزا حسن خان فرزند حاج میرزا علی انصاری ادیب شاعر مورخ نویسنده و محقق معاصر صاحب تألیفات کثیره مطبوعه متولد 8 رجب 1287 و متوفی در 5 جمادی الثانیه 1375 مدفون در بقعه تکیه ها بابا رکن الدین در تخت فولاد اصفهان .

محدث نوری در مستدرک الوسائل حدیث فوق را از جامع الأصول بدینگونه نقل می کند که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند :

ان الله تبارک و تعالی یبعث لهذا الأمة فی (علی) رأس کل مائة سنة من یجلد لها دینها ، این حدیث را بطوریکه علامه بحاثه جلیل مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین (ص 58 شیخ آقا بزرگ تهرانی تألیف دانشمند محترم آقای محمد رضا حکیمی خراسانی) می فرماید در میان مسلمین معروفست و آنرا ابوداود در صحیح خود وابن اثیر در جامع الأصول نقل می کنند و برخی از مجددین شیعه را نیز نام میبرد .

علامه طهرانی در نقباء البشر (ص 440 یکم) در پاورقی شرح حال میرزای شیرازی پس از نقل مطالبی راجع به مجددین و ذکر اسامی برخی از آنان می فرماید:

موضوع حدیث مجددین از امور ثابتة و کلی حتی در نزد اهل سنت می باشد و آنرا ابوداود در صحیح خود وابن اثیر در کتاب نبوت از کتاب جامع الاصول نقل می کنند و عده زیادی از محدثین ما (یعنی شیعه) که مشکل است که نام آنان را احصاء نمود آنرا نقل نموده اند . بنابر آنچه نقل گردید این حدیث مورد قبول بزرگان از علماء شیعه و سنی در طول زمان قرار گرفته است و بنا بمدلول آن برای هر صد سالی (هر قرنی) مجددی ذکر نموده اند و مجدد مذهب را منحصر به علماء و فقهاء و محدثین بزرگوار ندانسته اند بلکه از عرفا و صوفیه و حکماء و فلاسفه و پادشاهان از هر طبقه و کشور و فرقه ای را بعنوان مجدد قرن معرفی نموده اند .

در پاورقی کتاب : میرزای شیرازی (ص 20) که ترجمه کتاب « هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی ، تألیف علامه جلیل مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی (مترجم اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد اسلامی) بمناسبت اینکه

مرحوم میرزای شیرازی بعنوان مجدد شهرت یافته بخلاصه واندک تغییر اضافه می نویسد :

1- مبنای این سخن حدیثی است که در سنن ابوداود از ابوهریره روایت می کند و باز گشت تمام کتب حدیث در نقل این روایت بهمن مأخذ و مصدر منتهی میگردد و در کتب حدیث شیعه چنین روایتی از هیچ یک از معصومین علیهم السلام روایت نشده است (به نوشته مرحوم طهرانی در نقباء البشر توجه شود).

راوی این حدیث یعنی ابوهریره نه تنها از نظر محدثین شیعه بلکه از دیدگاه ستیان نیز غیر معتبر و در برخی از کتب ویرا دروغزن و جمال ووضاع الحدیث معرفی نموده اند بنابراین حدیث از نظر سند ضعیف و غیر قابل قبول است

2- بر فرض قبول این حدیث و اینکه آنرا صحیح بدانیم بزرگان از علماء و محققین و فقهاء و مجتهدین که در طول چهارده قرن اسلامی در کلیه فرق اسلام و بالاخص شیعه پدید آمده اند چه وضع و حالتی دارند . آیا حضرت سید الشهداء علیه السلام با قیام خود تجدید روح اسلام و قوانین آن که بوسیله خلفاء و بالاخص معاویه و یزید جانشین او دچار ضعف و فراموشی شده بود مجدد شمرده نمیشود. مگر نه آنست که بیشتر احادیث مربوط به احکام و عبادت و اصول اعتقادات و مبانی اخلاقی شیعه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است و فرقه شیعه امامیه را بهمین لحاظ بنام مبارک آنحضرت فرقه جعفری و مذهب ما را مذهب جعفری می نامند ، آیا حضرت صادق علیه السلام مروج و مجدد مذهب شمرده نمیشود . آیا این قول قابل قبول است.

3- در حدیث فوق می گوید : در سر هر صد سال، پس تکلیف بزرگانیکه در رأس مائه قرار نگرفته اند چه خواهد بود، گذشته از اینکه بسیاری از کسانی که مجله مذهب ذکر کرده اند باین بیان نمیتوانند مجدد محسوب شوند مثلاً جناب

شیخ مفید را که مجدد قرن چهارم می نویسد در سال 355 متولد شده و بسال 432 وفات یافته است و زمان در قرن چهارم و پنجم را درک نموده و عمده شهرت و عنوان او در قرن پنجم می باشد و نام جناب شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن حسن طوسی صاحب دو کتاب از امهات کتب شیعه یعنی کتابهای: استبصار و تهذیب از کتب چهار گانه محمدین سه گانه اوائل را چون در سال 385 تولد یافته و در سال 460 رحلت نموده بعنوان مجدد قرن ذکر نکرده اند و حال آنکه شهرت اجتماعی و مقام علمی و خدمات آن بزرگوار به شیعه و اینکه وی اول کسی است که شهر نجف اشرف را مرکز علم و دانش شیعه و مجمع علماء و مجتهدین و طلاب و مشتغلین قرار داده و تاکنون بحمد الله در طول یکهزار سال این حوزه مقدسه علمیه بوجود علمای بزرگ و مراجع مزین و مفتخر است .

همچنین است مرحوم سید حجة الاسلام شفتی که دو قرن را درک نموده یعنی یک ربع از قرن دوازدهم و مدت شصت سال از قرن سیزدهم را زنده بوده بیشتر مؤلفین به غیر از مرحوم انصاری (و شاید عده ای دیگر که فعلا نامشان بر نویسنده مجهول است) ویرا مجدد قرن نشناخته اند .

همچنین مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص 88) در ضمن بیان شرح حال مرحوم حاجی کلباسی می نویسد :

از ارکان شریعت و مجدد قرن سیزدهم در مذهب شیعه.

مرحوم شیخ جعفر بن شیخ باقر آل محبوبه نجفی در کتاب: ماضی النجف وحاضرها (ص 74 یکم) در ضمن بیان مساجد نجف می نویسد :

مسجد شیخ صاحب الجواهر در سال 1264 در زمان علامه مشهور مجدد مذهب در قرن سیزدهم آقا شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام تأسیس گردید .

(خلاصه و نتیجه کلام) : با توجه به مطالب فوق چنین نتیجه می گیریم که حدیث فوق از لحاظ :

۱- سند ضعیف است. 2- از نظر محتوا و مصادیق خارجی نیز مردود و غیر قابل قبول است.

حدیثی از امام ششم علیه السلام : ثقة الاسلام کلینی در کتاب اصول کافی (ص 60 جلد یکم باب صفة العلم وفضله، وفضل العلماء حدیث 2) از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند :

ان العلماء ورثة الأنبياء انما اورثوا احادیث من أحادیثهم ، فمن اخذ بشيء منها فقد اخذ حظا وافرا فانظروا علمکم هذا ممن تأخذونه فان فينا اهل البيت في كل خلف عدولا ينفون عنه تحريف الغالين وانتحال المبطلين وتاويل الجاهلين.

دانشمند بزرگوار محقق متتبع آقای شیخ لطف الله صافی گلپایگانی در مقدمه کتاب و مقتضب الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر « تألیف محدث جلیل شیخ احمد بن محمد جوهری بنقل از الصواعق ص 168 و چندین کتاب دیگر حدیث فوق را بدینگونه روایت می کند :

قوله صلى الله عليه وآله وسلم : في كل خلف من امتي عدول من اهل بيتي ينفون عن هذا الدين تحريف الضالين وانتحال المبطلين وتاويل الجاهلين، الأوان امتکم وفدکم إلى الله عزوجل فانظروا من توفدون .

دانشمندان و ارث پیغمبرانند ... بدرستی که ارث نهادند احادیثی از حدیث های خود را، پس هر کس چیزی از آنها را فراگرفت به تحقیق که بهره فراوانی گرفته است . پس نگاه کنید که علم خود را از که می گیرید پس بدرستی که در بین ماخاندان در هر دوره و زمان جانشینی عادل می باشد که تحریف هائی که بوسیله غلوکنندگان در دین پدید آمده و نسبت های دروغی که مبطلین و مخربین در دین می دهند و همچنین

ص: 46

تغییرات و تأویلاتی که از طرف مردم نادان در دین میشود را از بین میبرند .

خلاصه فرمایش امام علیه السلام آنکه در هر عصری مردمان عادل و عالم و آگاهی در بین شیعیان ما می باشند که از صراط المستقیم حق و حقیقت منحرف نگشته و علاوه بر آنکه خود در راهند دیگران را نیز که به طریقی از راه برگشته اند براه راست هدایت می کنند ، این گمراهان بر سه گونه اند :

1- غلو کنندگان می باشند همچون کسانی که در باره ائمه طاهرين عليهم السلام غلو نموده و آنها را خدا میدانند و یا قائل به حلول و اتحاد شدند .

2- بیهوده گویانی که حقایق دین را تحریف نموده و به گونه ای دیگر بیان می کنند مانند آنها که با جعل اخبار مخالف واقع نظر عده ای از مردم را از دیانت برگردانده و در عقاید آنها رخنه می کنند مانند آنها که در ثواب قراءت برخی از سوره های قرآن و یا ادعیه از پیش خود حدیث ساختند و آنرا به معصومین نسبت دادند.

3- گروه سوم مردمان نادانی می باشند که احادیث را به سلیقه و نظریه خود تأویل می کنند و قرآن را بدلخواه خود تفسیر می نمایند مانند کلیه فرقه های انحرافی که خود را به اسلام نسبت میدهند .

تذکر) : مرحوم شیخ علی بن محمد سبط شهید ثانی در کتاب : الدر المنثور من المأثور و غیر المأثور (ص 15 دوم) حدیث فوق رانقل نموده و آنجا تحریف الغافلین بجای تحریف الغالین می نویسد .

مخالفین سید حجة الاسلام

در زمان حیات مرحوم سید حجة الإسلام و همچنین بعد از وفات ایشان تا زمان حاضر عده ای با آن مرحوم مخالف بلکه معاند بودند و بروی و اعمالش اعتراض

ص: 47

و انتقاد میکردند ، یکی به ثروت او خرده میگرفت و دیگری اجرای حدودش را نمی پسندید . سعدی می گوید:

اگر در جهان از جهان رسته ای است در از خلق بر خویشتن بسته ایست اگر بر پری چون ملک ز آسمان بدامن در آویزدت بدگمان
بکوشش توان دجله را پیش بست نشاید زبان بد اندیش بست فراهم نشینند تر دامنان که این زهد خشک است و آن دام نان

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 135) می نویسد:

حاج شیخ محمد رفیع جیلانی (1) که فاضل و از شاگردان بحر العلوم بود و شرحی بر معالم نوشته اما شهرتی نداشت و سید را به او میلی
نبود و حاج شیخ محمد رفیع همیشه در مقام تشیع حجة الاسلام بود . مانند اینکه شیخ گفت:

ما زمانیکه در نجف بودیم ، در خدمت بحر العلوم بودیم آقا سید محمد باقر یک خوشه انگور از بازار گرفت و پس از یک هفته یا بیشتر
بمنزل او رفتم همان یک خوشه انگور در آنجا بود و هیچ از آن نخورده بود، گفتم چرا از آن انگور اکل نمی نمائی جواب داد که خواستم
خلاف نفس کنم . اکنون صاحب آلف از اموال دنیویست و یوما قیوما در تزیاید است و خلاف نفس نمی کند.

ص: 48

1-1) حاج شیخ محمد رفیع بن محمد رفیع گیلانی (محمد رفیع بن محمد حسین بن محمد ربیع تولمی) از علماء ساکن اصفهان بوده
تالیفات زیادی دارد از آن جمله : 1- اصل الاصول در شرح معالم 2- جواهر الاصول حاشیه بر معالم تا آخر تعادل و تراجیح 3- رساله
در جمعه 4- حواشی بر دره مرحوم سید بحر العلوم استادش 5- شرع بهجة المرضیة 6- عقد الجواهر 7- کشف المدارک حاشیه بر
مدارک 8- اللیالی الثمینة در شرح نهج البلاغه وغیره (تراجم الرجال ص 201 - دانشمندان و بزرگان اصفهان ص 241 - الکرام البرره
ص 577 - الذریعه) وفات مشار الیه را در الذریعه حدود سال 1225 می نویسد لکن در تراجم الرجال در سال 1237 نوشته است

نویسنده گوید: مرحوم حاج شیخ محمد رفیع توجه فرموده اند که آن زهد در حال فقر و تسلط بر نفس موجب گردید که خداوند تبارک و تعالی به مشیت و اراده کامله خود و بر اصحاب الان از اموال نمود و از دست کرم و سخاوت گشود و فیض جودش به کلیه طبقات از علماء و سادات و فقرا و ایام و طلاب و مستضعفین رسید. و این جود و کرم و ایثار نیز خود نوعی خلاف نفس محسوب میشود.

دیگر از مخالفین مرحوم سید حجة الاسلام: حضرت صادق علیه السلام میفرماید: بغض الفجار لابرار زین للابرار.

دشمنی و عداوت مردم بدکار و فاجر نسبت به نیکان موجب زینت نیکوکاران

است.

یکی از مسلمات است که مردم بدکاره هیچگاه از مردمان مؤمن و دیندار خوششان نمی آید آنها بمناسبت سنخیت مردم منافق و دورو و ستمکار و بدرفتار را می پسندند و از مؤمنین واقعی و دیندار بهرگونه که باشد بدگوئی می کنند. اینان سخن بر حسب موقعیت زمان و مکان می گویند با فاسق و منافق طبق دلخواه او می گویند و با مؤمنین نیز دم از اسلام می زنند و برای آن دلسوزی می کنند و خویشان را مؤمن واقعی و مسلمان راستین می شناسانند.

ذیلا بنام چند تن از مخالفین مرحوم سید حجة الاسلام اشاره میشود:

1- ادوارد برون انگلیسی به قول طرفدارانش ادیب ایرانشناس و عاشق دلباخته ایران در کتاب: تاریخ ادبیات ایران (ص 262 و 268 و 285 جلد چهارم) در ضمن بیان مقام مجتهدین در زمان صفویه و جانشینان آنها ذکری از مرحوم سید حجة الاسلام نموده و گوید: شخصا چندین نفر را بجرم زندقه و معاصی مختلفه بقتل رسانیده است

در جای دیگر (ص 268) ضمن بیان کتابهای علمای شیعه نام کتاب سؤال

ص: 49

و جواب ایشان را برده و در ضمن معرفی ایشان می نویسد: که شرح سخت گیری او را نسبت بحدود شرعیه و اجرای حکم قتل درباره مقصرین و اشخاص هدورالدم سابقاً ذکر نمودیم.

و در (ص 285) در ضمن بیان شرح حال اسامی روحانیون عهد صفویه و پس از آن گوید:

22 - سید محمد باقر بن سید محمد نقی رشتی ملقب به حجة الاسلام که پیش از این ذکرش گذشت و سخت گیری او در اجرای حدود نسبت باشخاصی که نقش شریعت کرده بودند مذکور افتاد ...

نویسنده گوید: بطوریکه ملاحظه شد در هر سه جا انتقاد راجع به اجرای حدود شرعیه و سخت گیری در انجام آن می باشد. البته ادوارد برون و دیگران حق دارند به یک مجتهد ایراد کنند که چرا قوانین اسلام را در مملکت اسلامی اجرا می کند راز مقررات ممالک خارجی پیروی نمی نماید. در انگلستان که زنای محصنه و لواط و دیگر معاصی از امور عادی و جائز است نویسنده انگلیسی بخود حق میدهد که بنویسد: چرا چنین عاملینی را می کشند و چرا عالمی بقتل آنها فتوی میدهد و حتی خود آنرا اجرا می کند.

ادوارد برون انگلیسی با همه شهرت و عنوان او یکی از چهره های مرموز و ناشناخته است که اینگونه که باید معرفی شود تا کنون شناسانده نشده است در این جا فقط متذکر می شویم که وی گاهی خود را عارف و صوفی معرفی می کند و در نوشته های خود خویشتن را مظهر علی به نام میبرد (ص 1064 جزء سوم مجلد نهم الذریعه).

2 - مرحوم غلامرضا رشید یاسمی کرمانشاهی در پاورقی تاریخ ادبیات ایران تألیف ادوارد برون که ترجمه نموده (ص 285) می نویسد:

سید محمد باقر رشتی از حیث اهمیت در درجه سوم با چهارم است و ملا احمد نراقی در مرتبه دوم و اشخاص ذیل که از قلم افتاده خیلی مهترند : 1 آقای بهبهانی 2- شیخ جعفر عرب 3- شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام 4- شیخ مرتضی الأنصاری 5 - آقا شیخ هادی طهرانی .

نویسنده گوید : با اعتراف و اذعان بمقام والای عموم مجتهدین و بالخصوص پنج نفر عالم نامبرده بالا معلوم نیست که مرحوم رشید یاسمی روی چه پایه و اساسی مرحوم سید حجة الاسلام را در درجه سوم و یا چهارم قرار داده است . البته ادوارد برون نام بسیاری از بزرگان علماء و فقهاء بزرگوار شیعه را که در این قرون میزیسته را ذکر ننموده و ظاهراً عدم ذکر اسامی شریف آنان برای اختصار نمودن مطلب بوده و ذکر نام مبارک مرحوم سید حجة الاسلام برای بیان اهتمام آنجناب در امر بمعروف و نهی از منکر که مرحوم رشید یاسمی بطور کلی از آن غافل بوده و هم بجهت بیان قدرت و نفوذ علماء شیعه در اجتماع مردم شیعه مذهب بوده است.

برای بسیاری م- حاج زین العابدین شیروانی از مشایخ واقطاب صوفیه ملقب به مست علیشاه نیز همچون دیگر عرفاء و صوفیه که عموماً با علماء اسلام مخالفند وی نیز با سید حجة الاسلام مخالفت مینموده است .

در کتاب بستان السیاحه نام هر شهر و قریه ای را که ذکر می کند آنرا بیدی باد می نماید می نویسد مخالف صوفیاند و اصل درخوبی و بدی را تصرف و خدمت بصوفیان و یا مخالفت با آنان میداند .

در زمان مرحوم سید حجة الاسلام صوفیه در اصفهان نسبتاً کمر و فری داشتند : سید رضا نانی هندی (فوت 1222) و شیخ زاهد ثانی گیلانی (فوت 1222) و آقا محمد کاظم واله شاعر (فوت 1229) و از همه مهتر حسینعلیشاه اصفهانی

(فوت 1234) و جمعی دیگر از صوفیه در این زمان در اصفهان میزیسته و مردم را به تصوف میخواندند، حکیمی بزرگوار و فیلسوفی عالیقدر از اساتید سبب حجة الاسلام و موبدان آن بزرگوار یعنی حاج ملا علی نوری اصفهانی با آنان مخالف بود (شرح مخالفت او یا صوفیه بعدا بطور اجمال گفته میشود) مرحوم سید حجة الاسلام گر چه علنا با صوفیه مخالفت نمیکرد لکن با آنان موافق نبود و هیچ یک از آنان را بخود راه نمیداد از اینرو حاج زین العابدین شیروانی با سید حجة الاسلام موافق نبوده است

4 - دیگر از این مخالفین عباس اقبال آشتیانی است که در آخرین شماره مجله یادگار (ص 28 تا 43 شماره دهم سال پنجم از مجله یادگار) شرحی راجع بزندگانی آن مرحوم نوشته است.

در ابتدای مقاله خود شرحی از وضع ناگوار عهد نادر و کریمخان نوشته و سپس بدوره قاجاریه پرداخته و در ضمن بخلاصه می نویسد :

علماء امامیه دوره قاجاریه چنان نفوذ یافتند که باید قدرت خود را برابر یا بالاتر از قدرت سلاطین و اولیای امور گذاشتند و بنام ترویج احکام و اجرای حدود و نیابت از امام غائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بسیاری موارد سلاطین و حکام را مطیع اوامر و احکام خود کردند ...

سپس بشرح حال و گزارش زندگانی مرحوم حجة الاسلام پرداخته و هر کجا بمناسبت مقام ویرا بگونه ای قدح نموده و بروی خرده گرفته است یک جا از ثروتش سخن می گوید و جای دیگر از اجرای حدود ..

گاهی ویرا متکبر و متفرعن میخواند و جانی مال دوست و شهرت طلب اما جائیکه از علم و عبادت او سخن می گوید ناچار بمقام والای او اعتراف نموده و زهد و عبادتش را ستوده است . برخی از مطالب آنرا بعدا بمناسبت مقام ذکر

خواهیم کرد . آیا او نمیداند زهد و عبادت با تکبر و مال دوستی مابینت دارد ؟

و یکی دیگر از مخالفین مهدی بامداد است در شرح حال رجال ایران (ص 304 سوم) شرح حال سید حجة الاسلام را عینا از مجله یادگار وقصص العلماء ، با اندکی تغییر در عبارات نقل نموده و همچون اقبال تهمت ها به مرحوم حجة الاسلام زده و همان بیانات را بگونه ای دیگر تکرار کرده است.

در حقیقت مهدی بامداد مطلبی از خود ندارد بلکه گفته ها و خطاهای اقبال آشتیانی را بازگو و باز نویس نموده است.

ایندو نفر یعنی اقبال آشتیانی و مهدی بامداد اجرای حدود احکام الهی را قساوت قلب می نامند آنها حق دارند زیرا اگر در شناسنامه آنها مذهبشان را اسلام نوشته باشند از اسلام فقط پنج حرف (اسلام) را می شناسند نه از حقایق این دین خبر دارند و نه از تاریخ آن گرچه هر دو را مورخ می نویسند آنها اسلام را از دیدگاه خارجیان می بینند نه از نظر مسلمانان.

خواننده عزیز توجه دارد که مأخذ و مصدر نوشته های این دو تن و دیگران از موافق و مخالف نوشته های شاگردان و معاصرین ایشان بالاخص میرزا محمد تنکابنی مؤلف قصص العلماء می باشد چه خوب می فرماید سعدی شیرازی :

دوکس بر حدیثی گمارند گوش از این تا بدان زاهر من تا سروش یکی پند گیرد دگر ناپسند هنر دارد از حر فکیری به پند فرومانده در کنج تاریخ جای چه در یابد از جام گیتی نمای مپندار اگر شیر و گر روبهی کز اینسان بمردی و حیلت رهی

قضاوت بین دو اندیشه و گفتار موافق و مخالف با توجه به نویسندگان آنها و طرز فکرشان بعهدہ خوانندگان عزیز وی نظر مییابد .

آیا عقل و خرد قبول می کند که انسان نوشته های عالمی بزرگوار و فقیهی دیندار

و مؤلفی مطلع و آگاه که عموم نویسندگان بعظمت مقام علمی و احاطه او بدقائق و نکات زندگانی بزرگان دین و همچنین زهد و تقوای کم نظیر او معرفی یعنی مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی عالم محقق مدقق متنبع رجالی مؤلف کتاب شریف روضات الجنات را که سالها خدمت مرحوم سید حجة الاسلام تلمذ و شاگردی نموده و آنجناب را از نزدیک دیده و با او معاشرت داشته است را که در باره آن مرحوم می نویسد: از تمام صفات ناشایسته عاری می باشد. و یا در جای دیگر مینویسد تمام معارف و اخلاق را دارا بوده و از کلیه مدارج مکارم و آداب برخوردار بود.. را قبول نکرده و نوشته های بی اصل و مغرضانه عباس اقبال آشتیانی را بپذیرد.

آنچه علامه محقق رجالی آقا سید محمد شفیع جاپانی شاگرد دیگر آنجناب و یا میرزا محمد تنکابنی را که اولی در روضه البهیه و دومین در قصص العلماء از اخلاق و ملکات سید حجة الاسلام بحث نموده اند و آنرا به بهترین وجه ستوده اند را رها کنیم و یاوه سراییهای مهدی بامداد را در برابر بپذیریم.

برای آشنائی بطرز فکر و میزان دینداری با مداد کافی است خواننده عزیز در کتاب او اندکی میقانه مطالعه کند و مثلاً شرح حال قره العین بابیه مشهوره را بخواند آنوقت متوجه می شود که این نویسنده تا چه حد و اندازه از معارف اسلامی بیگانه است.

بخش دوم: زندگانی (مهاجرت سید حجه الاسلام به عتبات مقدسه)

زندگانی (مهاجرت سید حجه الاسلام به عتبات مقدسه)

اشاره

سید حجة الاسلام بید آبادی

مهاجرت تحصیلات - اساتید

ص: 55

مهاجرت سید حجة الاسلام به اعیاب مقدسه جهت تکمیل تحصیلات

مرحوم سید حجة الاسلام بطوریکه خود در برخی از اجازاتی که جهت شاگردانش مرقوم فرموده می نویسد در سال 1192 بسن هفده سالگی (درروضات الجنات - 1197 می نویسد) جهت ادامه تحصیل از ایران به عراق مهاجرت فرموده است ،

در روضات الجنات می نویسد مدت زمان توقف آنجناب در اعیاب مقدسه کربلا نجف - کاظمین جمعا هشت سال بوده ، بنابراین مراجعت به ایران باید سال 1200 یا 1205 باشد.)

در کربلا- در خدمت وحید بهبهانی و آقا سید علی طباطبائی صاحب ریاض المسائل ودر نجف خدمت علامه بحر العلوم طباطبائی و کاشف الغطاء ودر کاظمین در خدمت آقا سید محسن اعرجی تلمذ نموده است.

فقر سید در اعیاب مقدسه

اشاره

فقر سید در اعیاب مقدسه : مرحوم سید حجة الاسلام مانند بسیاری دیگر از بزرگان علماء دوره تحصیل

ص: 56

بسیار فقیر و بی چیز بوده بطوریکه در قصص العلماء (ص 140) می نویسد :

در زمانیکه سید حجة الاسلام نزد سید علی صاحب ریاض المسائل درس میخواند بقدری فقیر بود که نعلین پایش پاشنه نداشته و پاشنه آنهم از کهنگی و کثرت استعمال در رفته بود و برای معاشی بومیه یکسر معطل و فاقد وعادم بود .

مرحوم سید نعمت الله جزاثری در شرح حال خود مینویسد: در دوره تحصیل قدرت خرید روغن جهت چراغ و روشنائی نداشتم و شبها از نور مهتاب و یا چراغ حوضخانه استفاده میکردم .

آری نتیجه تحمل آنهمه رنجها در تحصیل علم و دانش و صبر و شکیبائی در فقر رسیدن بمقامات عالیه علم و ریاست کلی دنیا و آخرت میباشد .

تدریس در ضمن تحصیل

در بین محصلین علوم دینی رسم است که معمولا هر طلبه ای علاوه بر دروسیکه در خدمت استاد تحصیل می کند و بعدا با سایر طلبه ها مباحثه می کند ، کتابها و درسهایرا که قبلا خوانده است به دیگران می آموزد بنابراین هر طلبه ای علاوه بر آنکه دانشجوی و طالب علم است استاد و معلم نیز می باشد. در اثر این رویه پسندیده علماء اسلام در تمام ادوار تحصیل و تدریس آنچه را خوانده اند حاضر الذهن می باشند .

ص: 57

فاضل محترم آقای حاج شیخ علی دوانی در کتاب شرح زندگانی حضرت آیت الله العظمی مرحوم حاج سید علی بهبهانی (1) رحمة الله علیه می نویسد:

سالیکه ایشان به نجف تشریف آوردند بجهت اقامت، من و چند نفر طلبه دیگر دوره مقدمات میخواندیم. ایشان از مراجع تقلید و در ردیف علمائیکه شبیه اعلیت در باره آنها میرفت قرار داشتند، هرگاه بمدرسه تشریف می آوردند اگر ما در ساختن صیغه فعلها و اینگونه مطالب دچار مشکلی بودیم از ایشان میپرسیدیم و ایشان با کمال عطف و مهربانی همچون پدری مشفق در کنار می نشستند و مشکلات ما را جواب میفرمودند و حال آنکه سؤال ما راجع به مقدمات بود و ایشان در حد مراجع بزرگ قرار داشتند.

مرحوم سید حجة الاسلام در سالهائیکه در نجف اشرف تحصیل مینمودند عده ای در خدمتشان سیوطی میخوانده اند که از اسم و رسم آنها بی خبریم. همینقدر میدانیم که مرحوم سید حجة الاسلام بخواش یکی از آنها حواشی بر کتاب سیوطی بنام «الحلیة اللامعة، مرقوم فرموده و در سالیکه بمناسبت ابتلا بمرض حرية البول به بغداد مسافرت فرموده بود و مدت چهار ماه در آنجا بمداوا و معالجه مشغول بود کتاب نامبرده را از مسوده به مبیضه آورده و این کار در تاریخ اواسط رجب سال 1204 بوده است.

بنابر این مرحوم حجة الاسلام تا این سال یعنی مدت 12 سال یقیناً در اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام بوده و بعداً به ایران معاودت نموده است.

سید و حاجی کلباسی در نجف

آشنائی مرحوم حجة الاسلام با حاجی کلباسی از نجف در محضر درس مرحوم سید بحر العلوم شروع شده و بعداً این آشنائی به دوستی ووداد و به اتحاد و یگانگی تبدیل گردیده است هر دو مجتهد و بزرگوار عادل و متقی و پرهیزکار و...

در قصص العلماء (ص 140) می نویسد:

در زمانیکه در نجف اشرف در خدمت مرحوم سید بحر العلوم تلمذ مینمود میان او و حاجی کلباسی مراد و مصادفه بسیار بود، روزی حاجی بدیدن سید بحجره ایشان میروید و مشاهده می کند که سید در حال اغما بر زمین افتاده است و معلوم میشود که از شدت گرسنگی غش کرده است. پس حاجی فوراً بازار رفته و غذای مناسبی تهیه نموده و در حجره بسید می خوراند و سید بهوش می آید.

پدر مرحوم حاجی کلباسی یعنی حاج محمد حسن از نظر مادی در رفاه و آسایش بوده و دارای ثروت و مکنتی فراوان، از اینرو حاجی کلباسی در مدت

ص: 58

1- نویسنده رساله مستقلی بنام «ارمغان اصفهان در شرح حال علامه بهبهانی، در شرح حال و گزارش زندگانی ایشان تألیف نموده و بچاپ رسیده است.

تحصیل در رفاهیت نسبی بسر می برده و با خیال آسوده به تحصیل مشغول بوده اما برخلاف او مرحوم سید حجة الاسلام در این موقع که در نجف و کربلا تحصیل میکرد یا قبلا پدرش فوت شده بوده و اگر هم زنده بوده وضع مالی چندان خوبی نداشته که بتواند بفرزند طالب علم خود در خارج از ایران کمک نماید .

سید حجة الاسلام و علامه بحر العلوم

بطوری که مؤلف قصص العلماء (ص 140) می نویسد :

مرحوم سید حجة الاسلام اوایل تحصیل در امر طهارت و نجاست زیاد احتیاط داشته است و حوض آبی در بیرونی منزل استادش سید بحر العلوم بوده که سبب حجة الاسلام اغلب جهت تطهیر و تجدید وضو بدان خانه میرفته است و تطهیر می نموده مرحوم بحر العلوم از وضع فقر و ناداری شاگرد مطلع گردیده و به او اظهار میفرماید که : باید در اوقات ظهر و شب جهت صرف نهار و شام بنزد من بیائی و در این باب اصرار می کند شاگرد منبع الطبع و بزرگوار از روی مناعت و استغناء انگار می کند و هر چند استاد در این باره اصرار می نماید وی برانکار خود می افزاید تا آخر الامر سید به مرحوم بحر العلوم عرض می کند :

اگر بیشتر از این اصرار بفرمائید از نجف بیرون میروم و اگر میخواهید که در نجف باشم و از درس شما استفاده کنم از این تکلیف دیگر نفرمائید. مرحوم بحر العلوم بعلت علاقه ای که به مرحوم سید داشته و آتیه درخشانی که در او بچشم حقیقت بین مشاهده میفرموده دیگر سکوت می نماید و از آن پیشنهاد و تکلیف صرف نظر میفرماید .

سید حجة الاسلام و صاحب ریاض المسائل

در ایامی که مرحوم حجة الاسلام در کربلا در خدمت صاحب ریاض المسائل

ص: 59

یعنی آقا سید علی طباطبائی تحصیل می نموده چون استاد به وضع زندگی شاگرد آگاهی حاصل می کند کسیرا مامور می نماید که روزانه دو قرص نان یکی جهت ظهر و دیگر برای شب سید حجة الاسلام میبرده است.

خلاصه آنکه مؤلف قصص العلماء (ص 140) می نویسد: فقر و فاقه سید حجة الاسلام بنحوی بوده که گویا به تصور در نیاید.

استجازه از اساتید

در روضات الجنات (ص 291 دوم ترجمه) می نویسد:

حجة الاسلام بمن فرمود در آن روزگار که به کسب کمال می پرداختم رغبتی به استجازه از اساتید نداشتم و مانند دیگران که خواهان ریاست بودند در این اندیشه شب را بروز نمی آوردم با آنکه رویه اساتید با من طوری بود که متوقع بودند من از آنان استجازه نمایم و آنها بلافاصله و به محض اظهار من خواسته مرا اجابت کند.

به همین مناسبت از اجازه روایتی مروج بهبهانی و سایر اعلام که در طبقه او بودند محروم ماندم، ای کاش چنان استغنائی را در خود احساس نمی کردم و این رویه راسیره خود قرار نداده بودم تا امروز اینگونه محرومیت نصیب من نمیشد.

اساتید و مشایخ اجازه

در فصل آینده اسامی اساتید و مشایخ اجازه مرحوم سید حجة الاسلام را بتفصیل خواهیم نوشت در این جا نیازی بتکرار آن نیست

سید حجة الاسلام از مشایخ اجازه

عموم اجازات علماء معاصر و فقهاء و مجتهدین بزرگوار و کسانی که اجازه

ص: 60

روایتی دارند بیشتر به یکی از علماء زیر منتهی میشود :

1- علامه محقق متبع مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی علیه الرحمه .

2- علامه جلیل فقیه زاهد آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی علیه الرحمه .

3- محدث جلیل مرحوم حاج میرزا حسین نوری علیه الرحمه .

4- علامه فقیه آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی علیه الرحمه .

و جز اینان که به واسطه یا بی واسطه به این بزرگواران منتهی میگردد .

واما مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی در کتاب استاد المصطفی هشت نفر از مشایخ اجازه خود رانام میبرد که سه نفر آنان اجازاتشان به مرحوم سید حجة الاسلام مرسد:

1- مرحوم حاج میرزا حسین محدث نوری (1320 - 1254) و او از حاج شیخ عبدالحسین طهرانی (فوت 1286) و او از حاج سید شفیع جابلقی (فوت 1280) و او از سید حجة الاسلام .

2- حاج میرزا فتح الله بن محمد جواد نمازی اصفهان معروف به شیخ الشریعه و آقای شریعت اصفهانی (1329 - 1266) و او از آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی و او از سید حجة الإسلام .

3- آقا سید مرتضی بن سید مهدی بن کرم الله بن حبیب الله بن مهدی بن سید رضا رضوی کشمیری و او از آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی و او از سید حجة الاسلام .

و مرحوم سید حجة الاسلام روایت می کند از : 1- میرزا ابوالقاسم قمی (میرزای قمی). 2- شیخ سلیمان بن معتوق عاملی کاظمینی .

2- سید محسن اعرجی کاظمینی .

4- آقا میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی کربلائی .

وسلسله سند این بزرگوار تا ائمه معصومین علیهم السلام در کتب مضبوط است .

اجازه نقل حدیث

درباره اهمیت اجازه نقل احادیث از رسول اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام و شرایطی که باید مجاز داشته باشد علماء بزرگوار اسلام در کتابهای خود بیاناتی فرموده اند که طالبین باید به آنها مراجعه فرمایند ، در این جا بذکر چند حدیث از کتاب شریف کافی قناعت می کنیم :

ثقة الاسلام کلینی در کتاب کافی : باب رواية الکنب والحدیث از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند : حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود : اذا حدثتم بحديث فأسندوه الى الذی حدثکم فان کان حقاً فلکم وان کان کذباً فعلیه (ص 90 حدیث 7).

2- حضرت صادق علیه السلام در معنی آیه شریفه الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه ، (سورة الزمر آیه 18) میفرماید :

و آن کسی است که حدیثی را می شنود و آنرا همانگونه که شنیده است روایت می کند و در آن چیزی زیاد و کم نمی نماید .

3- احمد بن عمر حلال گوید : که بحضرت رضا علیه السلام عرض کردم: کسی از اصحاب ما کنایی بمن میدهد و میگوید که از من روایت کن ، آیا جایز است که من آنرا از او روایت کنم ؟ حضرت فرمودند : وقتی که بدانی کتاب تألیف و نوشته اوست روایت کن از او .

ص: 62

4- محمد بن حسن بن ابی خالد شینوله از حضرت جواد علیه السلام روایت می کند که به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم مشایخ و بزرگان ما احادیثی از حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام روایت کردند و چون زمان تقیه سخت بود کتابهای خود را پنهان داشتند و کسی از آنان (آن کتابها را روایت نمود) چون مرگ آنان در رسید کتاب هایشان بدست ما رسید (آیا آنها را) روایت کنیم یا نه ؟ حضرت در جواب فرمودند : آنها را روایت کنید که آنها درست و حق است.

نتیجه : از این اخبار و دیگر اخبار در این باب و موضوع نتیجه گرفته میشود

1- هر خبری که نقل می شود باید مصدر و مأخذ آن نیز نقل گردد •

2- در نقل اخبار هیچ گونه تصرفی از کم و زیاد کردن انجام نگیرد لکن نقل بمعنی و عبارت دیگر مانعی ندارد (اخبار آن در همین باب از کتاب اصول کانی نقل شده است).

2- کتابهاییکه مؤلفین آنها معین و معلوم می باشند روایت آنها احتیاج به اجازه ندارد .

فائده : اجازه دهنده را مجبر و اجازه گیرنده را مجاز گویند و علمای علم درایه برای هر یک از آنان شرایطی قائل شده اند از آنجمله :

1- آشنا بودن بعلم رجال و رایه جهت تشخیص انواع احادیث . 2- قابل بودن بر تشخیص انواع احادیث • 2- قابل بردن جهت درک معنی و مفهوم حدیث . 4- تقوای در نقل حدیث و غیره .

ص: 63

دانشمند بزرگوار حجة الاسلام آقای حاج سید ضیاء الدین علامه اصفهانی در کتاب: ضیاء الدراییه (ص 09) در باب هفتم در طرق تحمل حدیث و سخن درباره شایستگی تحمل آن می نویسد:

1- عقل و تمیز برای آنکه حدیث را می شنود (از راه سماع اخذ می کند) معتبر است .

2- اسلام و ایمان و عدالت و تکلیف در صحت تحمل حدیث به انواع مختلف آن (سماع- قراءت - اجازه - مناو له - کتابت - اعلام - وصیت - وجاده) معتبر نیست .

3- در آنکه از او روایت می کنند بزرگتر بودن از حیث سن و مقام و علم شرط نیست بلکه ممکن است بزرگی از کوچکتر از خود روایت کند .

برای آگهی بیشتر در موضوع اجازه و انواع آن طالبین به کتاب نامبرده و دیگر کتب در این موضوع مراجعه نمایند .

نویسنده محقق آقای محمد رضا حکیمی در کتاب: شیخ آقا بزرگ طهرانی (ص 9) در تحت عنوان: اجازه نقل حدیث ، مطالبی سودمند و تذکراتی بمورد مرقوم داشته است . خوانندگان محترم را بمطالعه و دقت در آن دعوت می کنیم.

ص: 64

فصل سوم: (شهرت و لقب مرحوم سید حجه الاسلام شفتی بیدآبادی)

شهرت و لقب مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی بیدآبادی

در بین علماء شیعه اول کسی که به لقب «حجة الاسلام» معروف شد مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی بود و تا کنون کسی را بدین لقب و شهرت در بین علماء سلف سراغ نداریم.

مرحوم شفتی در زمان حیات و پس از وفات باین لقب در بین علماء معروف می باشد و ایشانرا گاهی بطور اطلاق حجة الاسلام و برخی مواقع حجة الاسلام شفتی - حجة الاسلام اصفهانی - حجة الاسلام بیدآبادی نیز گفته و نوشته اند .

در قرن سیزدهم چند نفر دیگر نیز باین لقب معروف شده اند لکن هیچکدام اهمیت و شهرت و مقام مرحوم سید حجة الاسلام را نداشته اند . در زمان حاضر این کلمه از معنی اصلی خود خارج شده و جزء تعارفات معمول زمان جهت متلبسین بلباس روحانیت گردیده و هر شرح امثله خوانی را نیز حجة الاسلام می نویسند و با این حرف او را فریب داده تصور شخصیت برای خود می کند.

همین حالت را دارد سایر القاییکه در زمانهای قدیم اختصاص به بزرگان اهل علم و دانش و مجتهدین و مراجع بزرگ داشت ، از قبیل آیت الله که قبلا در بین علماء بزرگوار شیعه لقب و شهرت جناب علامه حلی رضوان الله علیه بود و هر کجا بطور اطلاق می نوشتند : آیت الله مراد و مقصود ایشان بود بعدا در قرون اخیره

اختصاص به مراجع تقلید یافته و آنرا آیت الله گفتند و در کتابها نوشته اما در زمان ما هر طالب علمی را آیت الله می گویند.

یکی از فضلاء و دانشمندان معاصر کتابی در هشت مجلد در شرح حال علماء معاصر ایران تالیف نموده و آنرا بچاپ رسانیده و الحق در راه تالیف آن زحمت بسیار کشیده و خدمت شایسته ای انجام داده و متنی بر اهل علم و تحقیق اثر خود ثابت نموده است لکن متأسفانه در این کتاب رعایت مراتب علمی اشخاص نشده است هم مجتهد مرجع تقلید و هم طلبه صرف میرخوان را آیت الله نوشته و از این بابت خود و کتابش را مورد انتقاد شدید قرار داده است و حال آنکه کتاب نامبرده صرفنظر از القاب و تعریفات بی جا که گاهی از افراد شده رو بهمرفته کتابی است ارزنده و قابل استفاده گرچه نام بسیاری از علمای معاصر و آثارشان ذکر نشده است و از این جهت ایرادی به مؤلف بزرگوار وفاضل خدمتگزار آن وارد نیست .

بعضی از معروفین به حجة الاسلام

برخی از معروفین به حجة الاسلام از علماء بزرگوار شیعه : 1- مرحوم حاج ملا اسد الله بن عبد الله بروجردی فوت 1270 . 2 - مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی معروف به حجة الاسلام ثانی فوت 1290

3- مرحوم مولی محمد تقی بن مولی محمد ممقانی تبریزی فوت 1317 •

مهدی بامداد در تاریخ رجال ایران (ص 41 ششم) می نویسد : در این خانواده چهار نفر به حجة الاسلام مشهور شدند : آخوند ملا محمد میرزاحسین - میرزا محمد تقی - میرزا اسماعیل ، این سه نفر پسران مولی محمد ممقانی می باشند .

- مولی محمد حسین کاشانی متوفی بعد از 1306 . و - مولی قربانعلی بن علی عسکر زنجانی فوت 1328 .

9- حاج ملا محمد بن مولی احمد نراقی کاشانی (فوت 1297).

و شاید عده ای دیگر لکن همگان مربوط به نیمه دوم قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم هجری می باشند .

فائده 1: در بین علماء اهل سنت لقب حجة الاسلام به غزالی داده شده و اوزین الدین ابو حامد محمد بن محمد بن محمد بن احمد شافعی طوسی معروف به غزالی (به تشدید راه منقوطة) مؤلف کتب عدیده از آنجمله : احیاء علوم الدین و کیمیای سعادت متولد سال 449، و متوفای سال 505 می باشد. مرحوم سعید نفیسی در کتاب سرچشمه تصرف در ایران (ص 108) می نویسد : وی اول کسی است که خواست مطالب اهل طریقت را با شریعت وفق دهد.

فائده 2: از اواخر قرن چهارم هجری القاب مختوم به : الاسلام، در بین علماء رواج یافته است.

مرحوم بدیع الزمان فروزانفر در مقدمه ترجمه رساله قشیری (ص 14) بخلاصه می نویسد که :

القابی که با (الاسلام) رواج یافته

این نوع القاب از اواخر قرن چهارم هجری متداول شده و برخی از آنها بدین قرار است :

1- جمال الاسلام : لقب ابو محمد هبة الله بن محمد بسطامی فوت 440-2 حجة الاسلام : لقب غزالی 3- رکن الاسلام : لقب ابو عمر محمد بن حسین بسطامی فوت 407-408

4 - زین الاسلام : لقب ابوالقاسم عبد الکریم قشیری (465-386) 5- شمس الاسلام : لقب ابوالطیف سهل بن محمد صلوکی فوت 404

6- شیخ الاسلام : لقب اسماعیل بن عبدالرحمن صابونی (449 - 373)

ص: 67

7 - عماد الإسلام : لقب ابوالعلاء صاعد بن محمد (431-343) 8- فخر الاسلام : لقب امام الحرمين جوینی فوت 478

نویسنده گوید : همانگونه که در زندگینامه علامه مجلسی رضوان الله علیه (ص 276 یکم) متذکر شدیم قبل از ابوعثمان صابونی کسان دیگری نیز لقب شیخ الاسلام داشته اند از آنجمله :

1- ابو العباس احمد بن حسن سرخسی فوت 409 و جز او کسان دیگری .

فائده 3 : آنچه از مقدمه ترجمه رساله قشیریه نقل شد مربوط به علماء سنی مذهب بود اما آنچه مربوط به علماء بزرگوار شیعه می باشد :

1- امین الاسلام : لقب ابوعلی طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان فوت 548 یا 552

2- ثقة الاسلام : لقب ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی فوت 329 3 - جمال الاسلام : لقب حسن بن محمد از علماء قرن هفتم . 4 -

رکن الاسلام : لقب نجم الدین حسن بن علی طبری از علماء قرن

• هفتم

5 - زین الاسلام : لقب جمال الدین علی بن محمد از علماء قرن هفتم . 6- شرف الإسلام : لقب سید حیدر بن محمد از علماء قرن

هفتم .

7- شمس الاسلام : لقب ابو محمد حسن بن محمد قمی معروف به حسکا از محدثین قرن پنجم .

علامه طهرانی لقب او را گاهی شیخ الاسلام (ص 133 نوابغ الراوة) و گاهی شمس الاسلام (در الذریعه در ضمن اسامی تألیفات او) ذکر می کند .

و از اینگونه القاب است : سید الاسلام - صدر الاسلام - ظهیر الاسلام -

ص: 68

عماد الاسلام - قوام الإسلام - معين الاسلام - ملاذ الأسلام - ناظم الاسلام ووحيد الاسلام وغيره .

فائده 4: علماء بزرگوار گذشته تاكسى را شايسته ولايق لقبى و منقبتى نمى دیدند ويرا بدان صفت نمى ستودند و در این راه نهایت احتیاط و دقت داشتند. یعنی هر لقبى را که به یکى از بزرگان اهل علم داده اند از روی حق و انصاف و شایستگی بوده و اگر کسى از روی دقت و توجه به اجازاتیکه علما برای شاگردان خود ویا مجازین نوشته اند نظر کند آنوقت مى فهمد که تفاوت عبارات مربوط به اختلاف مقامات آنها مى باشد.

القاب گروهى از علما شیعه بزرگ شیعه

ذیلا به برخی از این القاب و نعوت که عده ای از علماء بدان مشهورند اشاره میشود : 1- آیت الله : لقب و شهرت علامه حلی رضوان الله علیه . 2 - استاد البشر : لقب خواجه نصیرالدین طوسى . 3- بحر العلوم : حاج سید محمد مهدى طباطبائى بروجردى نجفى

4- رئیس المحدثین : شیخ صدوق : ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمى .

5- شیخ الرئيس : ابوعلی سینا . 6- شیخ الطائفة : شیخ طوسى ابو جعفر محمد بن حسن طوسى • 7- صدوق : محمد بن علی بن بابویه قمى

8- علامه : حسن بن یوسف حلی . 9- علم الهدى : سید مرتضى موسى . 10 - فاضل : محمد بن حسن اصفهانی (فاضل هندی) .
11- کافی الکفاة : صاحب بن عباد .

12 - محقق: جعفر بن حسن حلی مؤلف کتاب شرایع . 13 - مدقق: ملا میرزا شیروانی اصفهانی • 14 - مفید: محمد بن نعمان بغدادی 15- مقدس: احمد بن محمد اردبیلی . 16 - مؤسس: آقا باقر وحید بهبهانی . 17 - مجلد: میرزا محمد حسن شیرازی و غیره راجع به کلمه (امام) قبلا تذکراتی داده شد.

قابل توجه ودقت :

پس از رحلت علامه بزرگوار مرحوم آیت الله آقا میرزا محمد حسن شیرازی از طرف ناصر الدینشاه تلگرافهای تسلیتی به علمای ولایات مخابره شد از آنجمله تلگرافی به مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسونی اصفهانی مخابره گردید که در عنوان آن نوشته بود :

حجة الاسلام میر محمد هاشم - آن مرحوم پس از وصول تلگراف نامبرده نامه ای جهت شاه نوشت و پس از تشکر از مراحم شاهانه مرقوم فرموده بود:

پس از وفات مرحوم حاج سید محمدباقر شفتی معروف به حجة الاسلام شایسته نیست کسی را دیگر باین عنوان مخاطب سازند .

خواننده عزیز در این عبارت که نویسنده ای بزرگوار عالم و محقق و مدقق که حقا از بسیاری جهات بر بیشتر علمای زمان خود امتیاز داشته بلکه بسیاری ویرا اعلم علمای زمان میدانسته اند خوب دقت نما و آنوقت متوجه باش که مبادا در ستایش افراد کلمه ای گفته شود که شایسته آن نباشد و بدانجهت همه در نزد خداوند در روز واپسین مسئول و مأخوذ باشیم .

ص: 70

اسامی اساتید و مشایخ اجازه مرحوم سید حجة الاسلام . در اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام و در ایران در ذکر اسامی و شرح حال اجمالی اساتید و مشایخ اجازه مرحوم سید حجة الاسلام شفقتی.

مقدمه این فصل

مقدمه:

مرحوم سید حجة الاسلام در موطن خود مقدمات علوم را بخوبی فرا گرفت لکن متأسفانه از اسید او در این زمان هیچگونه اطلاعی نداریم. سپس برای تکمیل فضائل و علوم خویش رهسپار عتبات عالیات گردید (شاید قبلاً به قزوین نیز رفته باشد لکن در این مورد هم اطلاع دقیقی در دست نیست) سال مهاجرت مرحوم سید به اعتاب مقدسه 1112 بنی سن هفده سالگی ایشان می باشد.

مشارالیه در کربلا و نجف و کاظمین و سپس قم کاشان در نزد اساتید بزرگوار و مجتهدین عالیقدر که اسامی شریف ، آنان زینت بخش این اوراق می شود تحمیل نمود تا بدرجات عالی علم و اجتهاد رسید سپس به اصفهان مهاجرت نمود در این

ص: 71

شهر نیز پس از مدت قلیلی که خدمت برخی از بزرگان علم و فقاہت رسید خویشتن را بی نیاز یافته بدرس و بحث و تالیف و تصنیف و ترویج دین و امر بمعروف و نهی از منکر پرداخت و بخواست خداوند متعال هر روز بر شهرت و عظمت او افزده گشت تا جائیکه حکم او در تمام ممالک و شهرهای شیعه نشین رواج یافته و نفوذ یافت و تقریباً مرجع مطلق شیعه گردید .

ذیلاً بنام اساتید و مشایخ اجازه او اشاره میشود .

دوره های تحصیل

بطوری که قبلاً گفتیم مرحوم سید حجة الاسلام در سال 1170 متولد گردید و تا سال 1987 در مولد خویش می زیست در این سال به شفت مهاجرت کرده و ظاهراً این مهاجرت بعلت بدی اوضاع و سختی معیشت خانواده آنها بوده و در این محل آن مرحوم شروع بدرس خواندن نزد فضلاء و علماء نمود .

در سن 17 سالگی یعنی سال 1992 به عتبات مهاجرت فرمود و مدت یک سال در کربلا بدرس اساتید حاضر می شد در سال 1993 به نجف اشرف مهاجرت نموده و تا سال 120 در آن ارض مقدس در خدمت اساتید بسر برد ، در این سال بعلت ابتلاء بمرض حرقة البول برای معالجه به بغداد و سپس کاظمین مهاجرت نمود و ظاهراً بیشتر از یک سال در آن شهر زیست و در سال 1200 یعنی سال فوت استادش مرحوم آقا باقروحید بهبهانی به ایران مراجعت نموده و نخست مدت شش ماه در قم نزد میرزای قمی تلمذ نموده سپس به کاشان رفته و پس از مدتی که طول آن معلوم نیست بقم مراجعت نموده و تا سال 1210 یعنی سالیکه مرحوم میرزای قمی جهت سید حجة الاسلام اجازه مرقوم داشته در قم بوده و سپس در 1711 به اصفهان منتقل گردیده و تا آخر عمر یعنی سال 1290 در اصفهان مقیم

بوده و ظاهراً در این مدت غیر از سفر مکه معظمه مسافرتی دیگر نکرده است .

در برخی از کتاب ها انتقال مرحوم سید حجة الاسلام را به اصفهان در سال 1209 با 1207 می نویسند و ظاهراً اشتباه و همان 1219 صحیح است ، رقم عشرات در موقع نوشتن جایجا شده است .

این اسامی مشایخ و اساتید مرحوم سید حجة الاسلام بر حسب حروف تهجی :

لازم بذکر است که احتمالاً پدر ایشان یعنی سید محمد تقی نیز جزو اساتید مرحوم سید حجة الاسلام می باشد لکن چون دلیلی قاطع برای آن در دست نیست و ضمناً اطلاع از وضع علمی ایشان نیز نداریم همین اندازه اشاره اکتفامی کنیم .

1- حاج میرزا ابوالقاسم بن ملا محمد حسن گیلانی

شفتی معروف به میرزای قمی و محقق قمی . از اکابر علماء و مجتهدین عالم فاضل فقیه کامل محقق مدقق زاهد عابد در سال 1100 با 1102 در قریه دره باغ از قرای جاپلق از دختر میرزا هدایت الله اصفهانی که از علماء و فضلاء اصفهان بوده و بجهت تبلیغ و ترویج دین بدان قریه مهاجرت نموده بود متولد گردید. نخست نزد پدرش که از فضلاء و علماء و از تحصیل کرده های حوزه علمیه اصفهان بود و مؤلف کتابی بنام کاس السالکین نظیر کشکول (ص 232 هفدهم الذریعة) تألیف نموده مقدمات علوم و ادبیات عرب را آموخت بعداً به خونسار مهاجرت نموده و در نزد آقا سید

حسین موسوی خونساری جد صاحب روضات الجنات اصول و فقه را آموخت و خواهر استاد را نیز بزوجیت اختیار نمود پس از آن به عتبات عالیات مشرف شده و در کربلا نزد وحید بهبهانی و آقا محمد باقر هزارجریبی و مولی مودی فتونی و پس از کسب اجازه از اساتید خود بموطن خویش باز گشت و مدتی در آن حدود ساکن

بوده سپس به اصفهان و بعدا به شیراز مهاجرت نموده سرانجام قم را جهت سکونت دائمی خویش اختیار نمود و از این وقت عنوان علمیت و شخصیت دینی او ظاهر شده طلاب از گوشه و کنار به محضرش حاضر گردیدند تا جائیکه نم یکی از مراکز عمده تحصیلات دینی گردید . سرانجام در سال 1241 در قم وفات یافته در قبرستان شیخان مدفون گردید و قبرش در آن مزار متبرک در قطعه ای کوچک محل زیارت می باشد . ماده تاریخ وفاتش و از این جهان بجنان صاحب قوانین رفت .

کتب زیر از تالیفات اوست: 1- اجوبة المسائل باسؤال وجواب درسه مجلد 2- اصول دین فارسی مطبوع 3- رساله در بیع فضولی 4 - رساله در بیع معاطاة 5- ترجمه قصیده نونیه سید محمد خادم ، قسمتی از آن که به خط مرحوم میرزای قمی است در ریحانة الادب (ص 129 چهارم) کلیشه شده است و ترجمه به شعر فارسی است 6- تسامح در ادله سنن 7 - جامع الشتات مطبوع 8- رساله در جزیه 9 - حاشیه بر تهذیب الاصول 10- حاشیه بر زبدة الاصول 11 - حاشیه بر شرح مختصر عضدی 12 - رساله در حبوه 13 - رساله در حکم مدرسه مجهول البانی 14 - دیوان اشعار عربی و فارسی قریب پنج هزار بیت 15- رساله در ربا 16 - الرد علی الصوفیه 17 - رساله در طلاق 18- رساله در عموم لاضرر 19- عین العین 20 - غنائم الایام در فقه مطبوع 21 - رساله در فرائض ومواریث 22 - القضاء والشهادات 23 - قوانین الاصول معروف ترین تالیفات مرحوم میرزای قمی 24 - مرشد العوام 25 - معین الخواص 26 - مناهج الحکام در فقه 27 - رساله های در منطق 28 - منظومه ای در بدیع 140 بیت 29 - منظومه ای در بیان 120 بیت 30- رساله ای در وقف و غیره ، در قصص العلماء و مکارم الاثار و کتب دیگر شرح حال او بطور اجمال و تفصیل نوشته شده طالبین مراجعه کنند.

2- آقا باقر (محمد باقر) بن مولی محمد اکمل اصفهانی

معروف به بهبهانی و وحید بهبهانی ورد بهبهانی و مؤسس بهبهانی .

در کتاب دانشمندان و سخن سرایان فارس (ص 47 یکم) بخلاصه و اندک تغییر می نویسد :

شهر بهبهان از شهرهای قدیمی ایران و قبل از تسلط اعراب یکی از پنج قسمت ناحیه شیراز بنام { کوره قباد }، موسوم بوده و حکومت نشین آن { اره کان یا اره جان و یا ارغوان } می نامیدند ارتفاعش از سطح دریا 2 متر و جمعیتش حدود 26 هزار نفر و هوایش گرم بطوریکه حداکثر درجه حرارت 50 و حداقل صفر آب مشروب شهر لوله کشی و از رودخانه کارون است . در قدیم جزو استان فارس بوده و اکنون جزو استان خوزستان می باشد .

نسب مرحوم وحید بهبهانی به 14 واسطه به شیخ ابوعبدالله محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید می پیوندد .

پدرش مولی محمد اکمل از علماء اواخر عهد صفویه و از مجازین از علامه مولی محمد باقر مجلسی و خود داماد آقا نور الدین محمد بن مولی محمد صالح مازندرانی داماد مجلسی اول می باشد از این رو مرحوم وحید بهبهانی در کتب خود از مجلسی اول به جد و از مجلسی دوم به خال (دائی) تعبیر می کند . پدرش در فتنه افغانه از اصفهان مهاجرت نموده و چندی در بهبهان سکونت نموده از اینرو صاحب عنوان به بهبهانی شهرت یافته است . مرحوم آقا باقر در سال 1117 با 1118 در اصفهان متولد و مقدمات علوم را در این شهر نزد پدر و دیگران آموخت و بعدا در بهبهان و سپس در اعیان مقدسه در کربلا بدرس شیخ بوسن بحرینی و آقا سید صدرالدین رضوی نمی شارح وافیه متوفی بعد از سال 1400 هجری در نجف

ص: 75

حاضر گردیده تا خود عالمی محقق و فقهی مدقق گردید و ترویج فقهاء اصولی نموده و از قدرت اخباری ها که در این ایام در اعتبار مقدسه قدرت و نفوذی یافته بودند کاست و در اثر ترویجات و خدمات او بدین و شریعت ویرا مجدد قرن دوازدهم و مؤسس بهبهانی لقب دادند .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص 231 یکم) اسامی چهل نفر از شاگردان و مجازین از او را ذکر نموده لکن نام مرحوم سید حجة الاسلام را نیاورده . همچنین در جلد پنجم در ضمن احوالات خود سید حجة الاسلام بشاگردی ایشان نزد صاحب عنوان اشاره نکرده است .

لکن در الکرام البرره (ص 192 یکم) و ریحانة الأدب (ص 212 یکم) و معارف الرجال (ص 199 دوم) به شاگردی مرحوم حجة الاسلام نزار اشاره شده و مدت آنرا یک سال نوشته اند .

مرحوم وحید بهبهانی تألیفات زیادی دارد ، در مکارم الاثار نام چهل و هفت کتاب و رساله را ذکر می کند که از آن جمله است: 1- اجوبة المسائل 2- التحفة الحسينیه نام رساله عملیه ایشانست 3- تعلیقه بر کتاب منهج المقال 4- رساله ای در اجتهاد و اخبار در رد اخباریه ه - رساله در خمس و زکوة و غیره

دانشمند معاصر آقای حاج شیخ علی دوانی از مدرسین حوزه علمیه قم کتابی در شرح حال و هید بهبهانی و خاندان او بنام «وحدید بهبهانی» تألیف فرموده و آنچه راجع به این علامه جلیل گفتنی بوده است را شرح داده، مطالبین برای اطلاع بیشتر از شرح حال مرحوم آقای بهبهانی بدان کتاب و دیگر مواضع مراجعه کنند.

3- حاج شیخ اسد الله بن اسماعیل دزفولی

کاظمینی فرزند ملامحسن بن مجد الدین دزفولی . عالم فاضل محقق مدقق بصیر مجتهد

خیر ، در حدود سال 1989 در دزفول متولد گردیده و در نجف و کربلا در نزد علماء بزرگی همچون آقاباقر وحید بهبهانی و شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء وسید بحرالعلوم و میرزا مهدی شهرستانی اصفهانی حائری تلمذ نموده تا بدرجات عالیہ علم و اجتهاد رسیده سپس بدرس و مباحثه و تالیف و تصنیف پرداخته و از مؤسس بهبهانی رسید بحرالعلوم وصاحب رباض و شیخ احمد احسائی و آقا میرزا مهدی شهرستانی اجازه روایت داشته است .

در مکارم الاثار (ص 178 سوم) ویراعنوان نموده و از تألیفاتش نوزده کتاب و رساله نام برده، کتب زیر از اوست: 1- البحر المسجوریا لامعة الطورویا اللؤلؤ المسجور در معنی طهور 2 - تحفة الراغب در ترجمه بغیة الطالب از عربی فارسی و آن رساله عملیه استادش شیخ جعفر کاشف الغطاء می باشد 3- رساله در قاعده من ملک با مبلغ النظر و یا رساله در قبول اقرار زوج 4 - کشف القناع عن وجوه حجیة الاجماع مطبوع 5 - مجموعة الأدعية والأخبار 6- مستطرفات من الکلام 7- مقابس الانوار در احکام نبی مختار صلی الله علیه و آله و سلم و این کتاب معروف ترین تالیفات اوست و بطبع رسیده است و آنرا مقایس نیز گفته اند 8 - منهج التحقیق در توسعه و تضییق تاریخ فراغت شوال 1290 در موقع تألیف این کتاب صاحب عنوان بیست و پنج سال نداشت و مجتهد بوده است بطوری که در اجازه و تقریظی که استادش شیخ جعفر کاشف الغطاء در سال 1211 بر این کتاب نوشته اشاره نموده

فوت صاحب عنوان را برخی 1220 وعدهای 1324 و 1234 و 1237 و حتی 1260 نوشته اند و آنچه بنظر مؤلف مکارم الاثار بحقیقت نزدیک است 1234 و مؤلف الذریعة 1237 نوشته است .

در هیچ یک از کتب تراجم رجال به استادی و یاشیخ روایت بودن او جهت سید حجة الاسلام اشاره نشده است جز آنکه در تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص 21) ویرا از اساتید مرحوم حجة الاسلام می شمارد والطم عندالله .

در فوائد الرضویه (ص 62 دوم) در ضمن بیان شرح حال اودکری از فرزندش شیخ باقر نموده و گوید: وهو اول من سن اللطم علی الصدور فی الصحن الشریف .

در معارف الرجال (م 94 یکم) میرزای قمی را نیز در جزو مشایخ اجازه اونام میبرد .

در موسوعة العتبات المقدسة: قسم الكاظمین علیهما السلام (ص 80 سوم) می نویسد نسب آنان به جناب جابر بن عبدالله انصاری صحابی می رسد .

- 3

4- شیخ جعفر بن خضر جناجی

نجفی فرزند یحیی بن سیف الدین جناجیه ای علی نجفی .

جناجیه بفتح جیم اول و کسر جیم دوم دیهی است از اعمال عذارا از حله که اهل آن همه از اعقاب جناب مالک اشتر نخعی از بزرگان تابعین ویاوران حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده و در سال 38 هجری به وسیله غسل مسموم بشهادت رسید و همانست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام عهد نامه معروف را جهت دستور حکومت بنام او مرقوم فرمود و پس از شهادتش فرمود: کان لی کما کنت الرسول الله صلی الله علیه و آله وسلم . اعقاب جناب مالک در حوالی حله بنام آل علی شهرت دارند .

پدرش شیخ خضر از بزرگان علماء زمان خود بوده و کراماتی از او نقل شده

ص: 78

جناب شیخ جعفر در سال 1154 (ص 150 یکم معارف الرجال) و با 1156 در نجف متولد گردیده مقدمات علوم را نزد پدر خود فرا گرفت و به محضر علماء بزرگ عصر همچون شیخ محمد مهدی فتونی و شیخ محمد تقی دورنی و سیدصادق لحام و وحید بهبهانی رسید بحرالعلوم تلمذ نموده تا به اعلی درجه علم و فقاہت رسیده و حوزه درس و تدریس نهاده و عده کثیری از بزرگان در خدمت او تلمذ نموده اند .

مرحوم شیخ جعفر بمناسبت اختلافات واقعه بین عشایر نجف مجبور بمهاجرت از آن ارض مقدس شده به ایران آمده و در اصفهان مدتی سکونت داشته سپس به نجف اشرف معاودت فرموده و در آنجا در روز چهارشنبه (22 با 26) ماه رجب سال 1228 (در معارف الرجال 1227 می نویسد) وفات یافته در مقبره مخصوصی که یکی از اطاقهای مدرسه او باشد دفن گردید و بر اوقبه عالیہ بنا کردند .

در معارف الرجال (ص 154 یکم) می نویسد: در سفر بمکه معظمه مشرف شد در سالهای 1186, 1199 و در این سفر جمعی از علماء در خدمت او بودند از آنجمله: آقاسید محسن اعرجی و سید محمد جواد عاملی و شیخ محمد علی اعسم می باشند .

کتابهای زیر از تالیفات اوست: بغیة الطالب فی معرفة المفروض والواجب و آن رساله عملیہ ایشانست 2 - الحق المبین فی تصویب المجتهدین ونخطة جهال الاخباریین و آنرا در اصفهان تالیف فرموده و در آنجا گوید: هردودسته در اصول دین متحدند و مرجع هر دو در فروع دین اخبار روایت شده از ائمه طاهرین علیهم السلام می باشد بنابر این مجتهدین اخباری و اخبارها مجتهد می باشند و فضلاء هردو دسته اهل نجات و ایراد کنندگان بدانها اهمل ملاکند . کتاب بچاپ رسیده است 4 سغایة المأمول در علم اصوله - غایة المراد فی احکام الجهاد در الذریعة (ص 19

شانزدهم) می نویسد: در نسخه کتابخانه سپهسالار آنرا: الحسام البتار فی قتال الکفار نامیده استاد القواعد الجعفریه در شرح بر کتاب بیع قواعد علام 7- القواعد السنة عشرور آنها را حفید او شیخ موسی بن محمد رضا بن موسی بن جعفر در سال 1305 جمع آوری نموده و به کتاب الحق المبین او افزوده و بچاپ رسانیده است 8- کاشف الغطاء عن معایب عدو العلماء در رد میرزا محمد اخباری 9- کشف الغطاء عن خفیات مبهمات الشریعة الغراء در فقه معروفترین تألیفات او و بهمین جهت خود شیخ را شیخ جعفر کاشف الغطاء واعقاب او را آل کاشف الغطاء می گویند 10- مجموعه فقهیه 11- مختصر کشف الغطاء 12- مشکاة المصابیح در شرح مشکاة الهدایه بحر العلوم 13- مناسک حج 14- منهج الرشاد در رد وهابیه مطبوع 15- میزان المقادیر مطبوع و غیره .

مرحوم شیخ جعفر پس از وفات چهار پسر و پنج دختر بدین شرح از خود بجای گذاشت :

1- شیخ موسی فوت 1241 برای بسیاری 2- شیخ علی فوت 1253 3- شیخ حسن 1262 - 1201 4- شیخ محمد فوت 1247

5- نسمة خاتون زوجه شیخ محمد تقی رازی اصفهانی جد آقایان نجفی مسجد شاهی در اصفهان .

6- زوجه آقا سید صدرالدین محمد عاملی اصفهان . 7- زوجه آقا محمد علی نجفی هزارجریبی اصفهانی . 8- زوجه شیخ اسدالله کاظمینی .

9- زوجه شیخ محمد از بنی اعمام خود او .

ص: 80

عالم فاضل فقیه کامل . در جبل عامل در خدمت آقای سید محمد بن ابراهیم موسوی جلال شرف الدین تلمذ نموده و به اجازه روایتی از ایشان مفتخر گردیده سپس در سال 1197 پس از فتنه احمد پاشا جزار باتفاق سید صالح فرزند استاد و شریک درس خود به عراق فرار نموده و در کاظمین سکونت نمود و از شیخ بوسف بحرانی در کربلا و همچنین میرزای قمی و غیره به اخذ اجازه روایتی مفتخر گردید.

سپس در کربلا بدرس و بحث اشتغال جسته و عده ای از بزرگان همچون سید عبدالله شبر و آقا سید صدرالدین موسوی و آقای سید محسن اعرجی نزد او تلمذ نموده و جمعی نیز همچون سید حجة الاسلام از وی باخذ اجازه مفتخر شده اند .

مرحوم سید حجة الاسلام در اجازه حاج آقا محمد کلباسی ویرابنعنوان : شیخنا المعظم الشیخ سلیمان بن الشیخ المعتوق العاملی می نویسد.

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 912 دوم) وفات او را در ماه رمضان سال 1227 در کاظمین می نویسد و گوید رپرا تالیفائی بوده که ظاهرا از بین رفته است رومی اوسید عبدالله شبر بوده و طسم وروحانیت تاسالها در خاندان او باقی بوده است

در موسوعة العتبات المقدمه : قسم الكاظمین (ص 110 سوم) در ضمن خاندانهای کاظمین می نویسد : بیت معتوق از اولاد شیخ محمد متوفی سال 1320 فرزند شیخ جواد در سال 1354 زنده بوده فرزند شیخ علی فرزند شیخ سلیمان بن معتوق می باشند .

6- آخوند ملاعلی بن جمشید نوری مازندرانی اصفهانی

از اعظام حکماء متشرعین وفلاسفه الهیین حکیم عارف زاهد متقی شاعرادیب متخلص به نور. مقدمات علوم را در مازندران و قزوین نزد آقا سید حسین قزوینی بخوبی فراگرفته سپس جهت تکمیل علوم خویش به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر در نزد مرحوم آقا محمد بیدآبادی و آقا میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی و جمعی دیگر به تحصیلات خویش ادامه داده و ضمناً در خدمت درویش عبدالمجید طالقانی اصفهانی از اساتید فن خط بالاخص خط شکسته خط نویسی را آموخت بطوری که وی را از خوش نویسان خط شکسته باید دانست.

بالجمله مرحوم نوری پس از وصول بمقامات عالیہ علم و حکمت بتدریس و تصنیف پرداخته و در آن شهرت و عنوانی یافت بطوریکه تدریس فلسفه و حکمت در زمان او در تمام ایران بار منحصر گردید و عده زیادی شاگرد تربیت کرد که هر کدام حکیمی بزرگوار و فیلسوفی نامبردار شدند. مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار (ص 1267 چهارم) نام مشت نفر از شاگردان او را ذکر نموده و نویسنده در جزوهای مخصوص بنام سی و سه نفر از آنان اشاره نموده ام.

مرحوم آخوند ملاعلی نوری با میرزای قمی کمال صداقت و ارادت داشته و در اصفهان بحاجی کلباسی و سید حجة الاسلام ارادت می ورزیده و پس از فوت میرزای قمی تقلید از سید حجة الاسلام میکرده. وی صوفیه را تکفیر مینموده و اهتمامش در این مورد بیشتر از فقهاء بوده. در طرائق الحقایق (ص 100 جلد سوم) شرحی در این موضوع نوشته و هم در قصص العلماء (ص 151) داستانی در این باره نقل می کند طالبین مراجعه کنند.

وی در رجب سال 1269 بسن شیخوخیت در اصفهان وفات یافته رسید

حجة الاسلام بر او نماز خواند . و قبل از دفن به نجف اشرف منتقل شده در عتبه مقدسه رواق مطهر مدفون گردید ، رحمة الله عليه .

در فوائد الرضويه (ص 239 يكم) در موضوع دفن او كرامتى ازوى نقل مى كند. مطالبين بدانجا مراجعه نمايند . كتب زير از تأليفات اوست :

1- اجوبة المسائل وان 34 سوال است كه ميرزاى قمى از او نموده و او بدانها پاسخ داده است نسخه ضمن مجموعه شماره (1212) كتابخانه الهيات و معارف اسلامى مشهد مقدس (ص 247 دوم فهرست كتابخانه).

2- تفسير سوره اخلاص زياده بر سه هزار بيت 3- جواب سوالات ميرزا ابوالحسن بن محمد كاظم (ص 246 دوازدهم الذريعه) 4 - جواب سوالات آقا محمد خان قاجار 5- جواب المسائل العرفانيه 6- حاشيه بر اسفار 7- حاشيه بر شرح فوائد حاج شيخ احمد احسانى 8- حاشيه بر شواهد الربوبية 9- حاشيه بر مشاعر آخوند ملا صدرا 10- حاشيه بر مفاتيح الغيب 11 - حواشى بر اسرار الايات 12- حواشى بر شرح الاصول ملا صدرا 13 - حجة الاسلام در رد كتاب ميزان الحق پادري نصرانى 14- ديوان اشعار 15 - رساله در بقاى روح پاسخ چندين پرسش است (ص 1715 دهم فهرست كتابخانه مركزى دانشگاه) احتمالاً همان كتاب اجوبة المسائل است 16 - الرقيمة النورية 17 - سؤال وجواب در معارف شايد همان اجوبة المسائل است 18 - شرح حديث زينب عماره منقول از حضرت صادق عليه السلام در روضه كافى (ص 1443 دوم از مجلد نهم فهرست كتابخانه مجلس شورى ملّى) 19 - شرح حديث هل رأيت رجلا وغيره .

نمونه اشعار او را در كتابهاى تذكره اختر (ص 211) رياضى العارفين

ص: 83

اوست :

حقاً که علی ولی مطلق باشد حقیقت او چو حق محقق باشد هرکس که کند حق علی را انکار از حق مگذر که منکر حق باشد

در کتب متداوله اشاره ای به استادی آخوند ملا علی نوری نکرده اند جز آنکه مؤلف قصص العلماء (م 100) می نویسد : سید و حاجی کلباسی در سوابق ایام در خدمت آخوند درس خوانده بودند .

7- میر سید علی بن محمد علی

یا محمد بن علی بن ابو المعالی صغیر

فرزند ابوالمعالی کبیر اصفهانی برادر سید عبدالکریم جد علامه سید بحر العلوم طباطبائی عالم فاضل محقق مدقق از اکابر علماء و مجتهدین و اعظام فقهاء متبحرین عالم زاهد خواهرزاده و داماد وحید بهبهانی، در 12 ربیع الاول 1161 در کاظمین متولد و در محرم 1231 در کربلا- وفات یافته و در روان مطهر نزدیک قبور شهدا در جنب وحید بهبهانی مدفون گردید تاریخ فوت او { بموت علی مات علم محمد } می باشد .

در اعیان الشیعه است که آنچه از سید بحر العلوم نقل شده است که فرموده است : فوت عمویم سید علی در سال 1201 بوده و آنچه صاحب روضات الجنات (ص 415) می نویسد در حدود 1201 فوت شده و در هر دو مورد علی سی از قلم افتاده است.

در قضیه وهابیه در سال 1216 مورد تهاجم و غارت آن فرقه قرار گرفته و قصد کشتن اوراداشتند لکن خواست خداوند تبارک و تعالی غیر از آن بود وری از آن مهلکه نجات یافت . کتب زیر از تالیفات اوست : 1- رسالهای دور اجماع و استصحاب

ص: 84

2- رساله در اختصاص خطاب شفاهی بحاضر در مجلس خطاب 3 - رساله در اصالت براءت ذمه زوج از مهر 4 - رساله در اصول این 5 - رساله در تثلیث تسبیحات اربعه 6- رساله در تحقیق در حجیت مفهوم موافقت 7. تحقیق در حکم استظهار حائض 8 - ترجمه اصول دین وحید بهبهانی از فارسی عربی 9- جواز اکتفاء بیک ضربت در تیمم 10 - حاشیه بر معالم غیر مدون 11- حجیت شهرت 12 - حلیت نظر کردن به اجنبی فی الجملة 13 - حواشی بر الحدائق الناضره استادش شیخ یوسف بحرینی 14 - حواشی بر مدارک 15 - ریاض المسائل شرح بر مختصر النافع در دو مجلد معروف به شرح کبیر 16 - شرح مبادی الاصول تالیف علامه حلی 17 - شرح مختصر النافع و آن شرح صغیر است بخلاف ریاض المسائل که شرح کبیر است 18 - شرح مفاتیح 19 - رساله در مکلف بودن کفار بفروع 20- رساله در اینکه آیا منجزات مریض از ثلث است یا از باشد، ما ترک وغیره :

فائده 1: نسب مرحوم آقا سید علی صاحب ریاض از چندین راه به علامه مجلسی منتهی میشود :

- مادرش دختر مولی محمد اکمل اصفهانی بوده و اوداماد ملا نور الدین محمد بن ملا محمد صالح مازندرانی اصفهانی داماد مجلسی اول می باشد .

2- زوجه میرابوالمعالی کبیر دختر مولی صالح مازندرانی بوده است .

فائد 2: در فصوص العلماء (ص 129) گوید : مرحوم میرزای قمی فقهش بر اصول برتری داشت و آنا سید علی اصولش بر فقه او رجحان داشت و از قضایا اتفاقیه آنکه کتابهای آن در برخلاف شهرت یافت یعنی قوانین الاصول میرزای

ص: 85

قمی و ریاض المسائل انا سید علی در بین علماء معروف و مشهور و مقبول قرار گرفت.

فائده 3: آقای سید علی در علم مناظره و جدل بغایت توانا بود بر خلاف میرزای نمی که در میدان مناظره در انظار مردم از وی عجز داشته (ص 902 سوم مکارم الاثار).

فائده 4: در عصر آقا سید علی دانشمندی معروف بنام میرزا محمد اخباری که جامع علوم عقلی و نقلیه و علوم غریبه بود با علماء اصول مخالفت و معاندت می نمود و کتابهای زیادی در رد آنها و تقویت اخبارها تألیف نموده تنها کسی که توانست در برابر او مقاومت و پایداری کند و گفتار او را با دله عقلی و نقلیه رد کند آقا سید علی بود.

فائده 5: اساتید او را قبلاً ذکر کردیم اما مشایخ اجازه او طبق نوشته اعیان الشیعه (ص 47 چهل و دوم) عبارتند از: 1- وحید بهبهانی 2- میر عبدالباقی امام جمعه اصفهان 3- شیخ یوسف بحرینی رحمة الله علیهم أجمعین و علی جمیع علمائنا الماضین.

8- سید محسن بن حسن بن مرتضی اعرجی کاظمینی

معروف به محقق اعرجی و مقدس اعرجی . عالم فاضل محقق مدقق فقیه زاهد ادیب شاعر ، از علماء بزرگوار و محققین و متتبعین و مراجع تقلید در زمان خود بوده . در سال 1130 متولد گردیده و مطابق آنچه در اعیان الشیعه (ص 173 چهل و سوم) می نویسد تا سن چهل سالگی به تجارت مشغول بوده سپس به نجف جهت تحصیل علم رفته و در آنجا در خدمت وحید بهبهانی و شیخ جعفر نجفی

ص: 86

و سید بحر العلوم تحصیل نموده سپس به کاظمین معاودت کرده و به تالیف و تصنیف و تدریس پرداخته و عده ای از بزرگان اهل علم در خدمتش تلمذ نموده اند از آن جمله: حاجی کلاسی - شیخ عبدالحسین أعسم - سید عبدالله شبره شیخ محمد علی بلاغی - سید صدرالدین عاملی - سید محمد علی بن محسن فرزندش رسید محمد کاظم بن محمد علی فرزند زاده اش و سید حجة الاسلام شفتی و غیره. و از شیخ جعفر و شیخ سلیمان بن معتوق عاملی مجاز بوده و در سال 1199 در خدمت شیخ جعفر نجفی به مکه مشرف گردیده است.

کتب زیر از تالیفات اوست: 1- ارجوزه ای در فقه در اشباه و نظایر 2- اصالة البرائة 3 - تلخیص الاستبصار 4 - حاشیه مصباح المنیر (مصباح المنیر تألیف أحمد بن محمد بن علی فیومی مصری) 5 - حاشیه مقدمة الحدائق الناضره تألیف شیخ یوسف بحرانی 6 - حاشیه وافی ملا محسن فیض کاشانی 7- حاشیه وافیه الاصول تألیف شیخ عبدالله بن محمد بشروئی خراسانی کرمانشاهی 8- دیوان اشعار 9- سلاله الاجتهاد (منظومه در اشباه و نظایر و نام دیگرش الفقهیه المستطرفه می باشد و این همان شماره یکم است و بطبع رسیده است) 10 - کتاب الصلاة 11- کتابی در رجال در اعیان الشیعه (ص 176 چهل و سوم) میفرماید نسخه آن در نزد من موجود است 12 - غرر الفرائد در فروع فقهیه 13 - الغرر والدرر کتابی است کشکول مانند در بیست هزار بیت و همان غرر الفرائد است 14 - متاجر 15 - المحصول در شرح وافی الاصول 16 - مختصر وسائل الشیعه 17- الوانی - 18 وسائل الشیعه در فقه این کتاب بترتیب کتب فقهی که در بین فقهاء متداول است تالیف نشده است و بنا بگفته مؤلف ریحانة الادب کتاب قضای آن بهترین کتابی است که در این موضوع تالیف شده است.

مرحوم مقدس اعرجی در سال 1227 در کاظمین وفات یافته و در خانه خود

در اعیان الشیعه و معارف الرجال (ص 171 دوم) نمونه هایی از اشعارش نقل گردیده طالبین مراجعه نمایند .

در موسوعة العتبات المقدسه (ص 80 جزء سوم قسم الكاظمین) در ضمن خاندانهای شهر مقدس کاظمین می نویسد:

بیت الاعرجی از ذراری سید محسن رسید راضی اعرجی فرزندان سید حسن ابن سعید مرتضی که در سال 1165 هجری به بغداد منتقل گردید (انهی).

9 - آقا سید محمد بن امیر سیدعلی طباطبائی حائری اصفهانی

معروف به مجاهد از اعظام علماء و مجتهدین ورؤساء فقهاء و اصولیین عابد زاهد مجاهد فی سبیل الله . در حدود سال 1180 در کربلا از دختر آقا باقر وحید بهبهانی متولد گردید و در خدمت پدر بزرگوار خود و سید بحر العلوم و دیگر بزرگان تلمذ نموده تا بدرجات عالی علم و اجتهاد نائل گشته سپس به تدریس و تصنیف پرداخته و پس از واقعه هائله وهایی ها در سال 1316 به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر رحل اقامت افکنده و بدرس و بحث اشتغال جسته و جمع کثیر از بزرگان علماء و فضلاء در خدمتش کسب فیوضات علمی نموده و پس از فوت پدر بزرگوارش در سال 1231 به عتبات م واردت نموده و ریاست فرقه امامیه بعد از هدرباو منتهی شده و در نزد کلیه طبقات خاصه علماء و بزرگان معزز و محترم بوده تا سال 1241 بر حسب وظیفه شرعی دفاع از حریم مملکت اسلامی و ضمناً دعوت فتحعلی شاه و عباس میرزا از ایشان جهت حضور در جنگ به عنوان تیمن و تبرک وهم بعنوان استظهار و پشت گرمی قشون و افراد داوطلب به جنگی روسیه رفته لکن تقدیر الهی و علل ظاهری موجب شکست ایران شده و آن عالم جلیل از این جهت

خسته و ملول گشته در مهاودت از جنگ در قزوین در 13 جمادی الآخره سال 1242 بمرض اسهال وفات یافته جنازه به کربلا منتقل و در بازار بین الحرمین در طرف راست کسی که از حرم حضرت عباس علیه السلام جهت حرم شریف حسینی علیه السلام می‌رود مدفون گردید و اکنون قبر شریف او آنجا در زیر گنبدی قرار دارد و قبور جمعی از اولاد و اعقابش نیز در اطراف او می‌باشد .

کتب زیر از تالیفات اوست: 1- الاستصحاب - اصلاح العمل نام اصلی کتاب الاصلاح است 2- اغلاط مشهوره 4- جامع العباير ه - جامع المسائل یا سؤال و جواب فارسی 6- الجهاد 7- حاشیه بر معالم الأصول 8- حجیة الشهره 9- حجیة المظنه 10- مصابیح در فقه 11- مفاتیح الاصول و آنرا در اصفهان تالیف نموده و هنگام تدریس شاگردان آنرا جزء جزء می‌نوشته اند 12- مناهل در فقه معروفترین تالیفات ایشانست 13- نهاية المرام در شرح مفاتیح الکلام 14- الوسائل الحائریه با الوسائل إلى النجاة در اصول فقه و غیره .

در کتب تراجم و رجال اشاره ای به شاگردی مرحوم حجة الاسلام نزد سید محمد مجاهد و یا اجازه داشتن ایشان از وی نشده است فقط آقا سید شفیع چاپلقی در روضة البهیة در ضمن شرح حال سید حجة الاسلام و ذکر اسامی اساتید ایشان می‌نویسد :

وعلی السید الاستاد آقا سید محمد از این عبارت تلمذ مرحوم حجة الاسلام نزد صاحب عنوان استنباط میشود. فائده 1 : در ناسخ التواریخ جلد قاجاریه می‌نویسد : کسانیکه حکم جهاد باروسیه را دادند بدی قرار می‌باشند : 1- حاج ملا احمد نراقی کاشانی .

- حاج شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی

3- میرزا ابوالقاسم میرزای قمی 4- میر محمد حسین سلطان العلماء امام جمعه اصفهان .

5- آقا سید علی طباطبائی اصفهانی حائری .

6- مولی علی اکبر اصفهانی (احتمالاً اژه ای). و دیگر علماء در یک رساله نوشتند و امضاء کردند باین عبارت :

مجادله و مقابله با روسیه جهاد فی سبیل الله است و بر کوچک و بزرگ راجب است که برای حفظ دین و نگاهداری سرحدات ممالک مسلمین خودداری نکنند و روسیان را از مداخلت در حدود ایران دفع نمایند .

فائده 2: در موقع حرکت مرحوم آقا سید محمد از کربلا بجهت جهاد عدهای از علماء و مجتهدین و طلاب (قریب پانصد نفر) در خدمت او بودند و بعداً نیز جمعی دیگر از علماء ایران به آنها پیوستند ذیلاً بنام عده ای از آنها اشاره می شود :

1- سید ابراهیم قزوینی 2- مولی احمد بن مصطفی خمینی (ص 116 یکم الکرام البرره) 3- حاج ملا احمد فراقی . 4- حاج ملا محمد تقی برغانی . ه - حاج سید محمله تنی قزوینی . 6- حاج ملا محمد جعفر شریعتمدار استر آبادی . 7- آقا سید حسین بن آقا سید محمد مجاهد .

8- سید خیر الدین فرزند میر خیر الله موسوی جد آل خیرالدین در عراق (ص 9- اسلام در چهارده قرن).

- حاج ملا رضا خوئی . 10 - ملا محمد شفیع خوئی .

ص: 90

11 - حاج ملا صالح برغانی 12- حاج ملا عبدالوهاب قزوینی . 13- سید عزیزالله مجتهد طالشی . 14- ملا علی بن محمد ولی قاینی خراشادی . 15 - آقا سید نصر الله استر آبادی • فائده 3 : داستانی عبرت آمیز در بیوفائی مردم دنیا .

در تواریخ و تراجم رجال در ضمن شرح حال مرحوم آقا سید محمد مجاهد می نویسند :

چون آن بزرگوار به شهر قزوین رسید و جهت نماز از حوض مسجد وضو ساخت مردم قزوین بعنوان تیمن و تبرک آب حوض را تا قطره آخر بودند و این در سال 1241 بود چند ماه از این قضیه نگذشته بود که جنگه بضرر ایران خانمه بافت و آن سید بزرگوار در حال مرض در مراجعت بهمین شهر وارد شد. مردم آنجا نسبت به آن بزرگوار توهین ها کردند و دشنام ها دادند حتی برخی از آنان که گستاخ تر و بی حیاطر بودند مشافهه بان سید جلیل جسارت ها کردند و اعمالی انجام دادند که روی تاریخ و خود را برای همیشه سیاه کردند .

فائده 4 : علل و موجبات شکست را در این جنگ اولاً باید از متخصصین نظامی پرسید ، ثانیاً آنچه بنظر میرسد؛

1- برابر نبودن نیروهای طرفین . 2- خیانت نمودن برخی از حکام ولایات و سران قشون .

3- نارضایتی ارامنه گرجستان از حکومت مرکزی ایران بخصوص پس از کشتار آقا محمد خان .

4- رشوه گرفتن عباس میرزا . معروف است که چون آقا سید محمد از این

ماجرا آگاه شد و برانفرین کرد که جوانمرگ شود او مرد و به سلطنت ترسیل اما روسها سلطنت ایران را در اولاد او تضمین کرده بودند.

ه- غرور عباس میرزا که چند مرتبه پیشنهاد صلح شد و نپذیرفت .

6- اختلاف بین برخی از بزرگان و روحانیون آذربایجان در ادامه دادن جنگ و یا صلح .

7- در این بین سیاست انگلیس را هم نباید فراموش کرد .

10- حاج ملا مهدی بن ابی ذر بن حاج محمد نرالی کاشانی

نراق بروزن اراک از اعمال کاشان . شیروانی در بستان السیاحه (ص 178) نرسل :

قریه ای است قصبه مانند و محلی است خاطرپسند از توابع کاشان آبش کم و باغاتش فراوان آن قریه در دامن کوه اتفاق افتاده و سه طرفش فی الجمله گرفته و سمن مغربش بایت گشاده است (انتهی).

مرحوم نراقی از بزرگان علماء و فقهاء واجله حکماء و متکلمین فقیه اصولی و حکیم متکلم جامع معقول و منقول و جاری فروع و اصول در علوم ریاضی و هیئت و اخلاق و علوم ادبیه از اساتید بشمار میرود و در ایاب الألقاب (ص 92) و ریحانة الادب گوید که در برخی از کتب متأخرین و براخائیم المجتهدین و لسان الفقهاء و المتکلمین خوانده اند . عمده تحصیلات او در اصفهان در خدمت ملا اسماعیل خواجهائی (قوت 11 شعبان 1173) بوده در ریحانة الادب (ص 186 چهارم) و لباب الالقب مدت تلمذ او را در نزد خواجهائی سی سال نوشته اند و هم در خده من ملا مهدی هرنندی و حاج شیخ محمد کاشانی و میرزا نصیر درس خوانده سپس به عتبات مهاجرت نموده و آنجا مدنی از محضر آقا باقر و حیدر بهبهانی و شیخ یوسف بحرینی استفاده علمی کرده

ص: 92

و پس از وصول به مقامات عالی به کاشان معاودت نموده و در آنجا سکونت اختیار نموده و بتألیف و تدریس وافاده و افاضه اشتغال جسته ،
عده زیادی از بزرگان اهل علم و دانش در خدمت او تحصیل نموده و بمقامات عالی علم و کمال و ریاست و شهرت رسیده اند که از آن
جمله است سید حجة الاسلام شفنی .

قبل از ورود مشار الیه بشهر کاشان این شهر فی الجمله از وجود علماء بزرگ و مجتهدین نامدار و مدرسین خالی بود لکن بیرکت و جود این
عالم بزرگوار کاشان یکی از مراکز علمی شیمه گردیده و طالبین علم و دانش از گوشه و کنار روی بدان شر نمودند .

کتب زیر از تالیفات اوست : 1- اصول دین بفارسی 2- انیس التاجرین با انیس التجار در فروع تجارت رساله عملیه برای مقلدین بفارسی
مطبوع 3- انیس الحکماء 4- انیس المجتهدین در اصول فقه 5- انیس الموحدین بفارسی در اصول دین و همان اصول دین است در
الذریعه در دو محل نام برده (ص 195 و 466 دوم) 6- التجرید با تجرید الاصول مطبوع 7- التحفة الرضویه در مسائل دینیا 8- توضیح
الاشکال 9- جامع الأفكار 10- جامع السعادات در اخلاق از معروفترین تألیفات او مطبوع 11- جامعة الأصول 12- رساله ای در بیان
13- رساله ای در حساب 14- رساله ای در عبادات 15- رساله ای در علم عقود فارسی 16- شرح شفا 17- الشهاب الثاقب در رد
برخی از معاصرین او از علماء عامه 18- قره العیون در معنی وجود و ماهیت 19- الکلمات الوجیزة 20- کنز الرموز در برخی از آداب
شرعی مطبوع 21- اللمعات 22- امهات الشرعیه 23- اللمعة الالهیه در حکمت متعالیه 24- لوامع الاحکام در فقه شریعت اسلام
25- محرق القلوب در مقتل مطبوع 26- المحصل در هیئت 27- المستقصی در هیئت 28- مشکلات العلوم فارسی ملمع مطبوع
مانند کشکول شیخ بهائی

29. معتمد الشیعه فی احکام الشریعه 30- معراج السماء در هشت 31 - مناسک حج یا انیس الحجاج 32 - نخبه البیان در استعاره و تشبیه فارسی مطبوع و غیره .

فائده : علامه طهرانی در الذریعه (ص 75 هفدهم) در ضمن شرح کتاب قره العیون گوید :

نسخه ای از آن در کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام موجود است و حواشی مختصری از استادش آقا محمد بیدآبادی بر آن نوشته شده. بنابر این مرحوم بیدآبادی نیز یکی دیگر از اساتید مشار الیه در اصفهان بوده است .

بدین ترتیب اساتید او در اصفهان عبارت شدند از :

1- مولی اسماعیل خواجوی 2- آقا محمد بیدآبادی 3 - مولی محمدبن محمد زمان کاشانی 4- مولی مهدی هرنندی هم میرزا نصیر رحمة الله علیهم اجمعین.

11- میرزا محمد مهدی بن ابوالقاسم موسوی شهرستانی

اصفهانی حائری . عالم عابد فقیه زاهد .

شهرستانی منسوب است به شهرستان و آن بنا بنوشته مکارم الاثار (ص 613 دوم) نام چندین موضع است:

1- شهرستان خراسان . 2- شهرستان نام شهری در فارسی . 3- فربه ای در بلوک خنج فارس (از بخش های شهرستان لار). 4- فربه ای در فارس از شهرستان فسا. 5- و شهرجی در اصفهان - شهر قدیم اصفهان .

مرحوم آقا میرزا محمد مهدی صاحب عنوان از شهرستان جی اصفهان بوده است . در وقایع السنین والاعوام (ص 456) نسب سادات شهرستانی را از میرزا روح الله که در قرن یازدهم در اصفهان بوده تا حضرت موسی بن جعفر علیه

ص: 94

السلام نقل کرده است.

در حدود سال 1130 در اصفهان متولد گردیده و ظاهراً در فتنه افغان پالر و خانواده اش به عتبات مهاجرت کرده اند و او در آنجا در خدمت جمعی از بزرگان همچون مولی ابوالحسن شریف عاملی و آقا باقر بهبهانی و شیخ محمد مهدی فتونی و شیخ یوسف بحرینی تلمذ نموده و از شیخ یوسف بحرینی و مولی مهدی فتونی و آنا میر عبد الباقی امام جمعه اصفهان به اخذ اجازه مفتخر گردیده و جمعی کثیر از بزرگان علماء نیز در خدمت او تحصیل نموده و با کسب اجازه نموده اند از آنجمله است مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی (ص 86 سوم معارف الرجال)

و از جمله کراماتی که جهت سید بحر العلوم نقل می کنند آنکه وی خبر داد که سید شهرستانی بر جنازه من نماز میخواند و حال آنکه وی در آن موقع یعنی در موقع احتضار بحر العلوم در کربلا بود و قضیه بهمین نحو انجام گردید.

وفات صاحب عنوان در سال 1216 در ماه صفر در کربلا- اتفاق افتاده و دو پسر عالم فاضل از او بجای ماند : میرزا ابوالقاسم و میرزا محمد حسین متوفی در 1247 ، و در همین سال فرقه وهابیه به کربلا حمله کرده و آنجا را غارت نموده و بسیاری از مردم آنجا را از زوار و مجاور کشتند .

مرحوم شهرستانی را تألیفاتی است از آنجمله : 1- تفسیر برخی از سورههای قرآن 2- حاشیه بر مفاتیح الشرایع فیض کاشانی 3- فذالک در شرح مدارک 4 - مصباح در فقه .

فائده : اولاد پسری و هم اعقاب دختری او که سادات حسینی می باشند. بعلت اهمیت و شخصیت او به شهرستانی معروف و مشهور می باشند.

ص: 95

فرزند آقا سید مرتضی بن سید محمد بروجردی .

مرحوم آقا سید محمد بن عبد الکریم از علماء اواخر زمان صفویه در اصفهان بوده و ظاهراً در فتنه افغانه از این شهر مهاجرت کرده و در بروجرد متوطن شده است قبرش در آن شهر مزاری معروف است . پدرش مرحوم آقا سید مرتضی نیز از علماء و بزرگان بوده و در سال 1199 به نجف اشرف مهاجرت کرده و در آن ارض مقدس سکونت نموده و در سال 1204 هـ در آن شهر وفات یافته است.

مرحوم بحر العلوم : الامام الهمام الذی لم تسمح بمثله الايام سید العلماء الاعلام ومولی فضلاء الاسلام سید الفقهاء المتبحرین امام المحدثین و المفسرین ... صاحب المقامات العالیة والکرامات الباهرة (ص 676 دوم فوائد الرضویة).

مقامات علمی و شخصیت معنوی و روحانی این سید بزرگوار برتر از آنست که نویسنده ناتوانی همچون من و امثال من بتواند درباره او و مقامانش چیزی بنویسد و بهتر آنست که عجز و ناتوانی خود را وسیله پوزش مطلبی از ساحت مقدس آن بزرگوار قرار داده و به اختصار پردازم .

وی در شب جمعه ماه شوال 1155 در کربلا متولد گردید و پس از دوران کودکی و رسیدن به سن تحصیل در نزد عده زیادی از معاریف علماء و مجتهدین تلمذ نموده و از جمعی از آنان به کسب اجازه مفتخر گردید سپس به تالیف و تصنیف و تدریس پرداخته عده کثیری از بزرگان در خدمت او بمقامات عالیہ رسیدند .

در شرح حال او لازم است تذکر داده شود که تشریف او خدمت حضرت

بقية الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف از متواترات و مسلمان در بين علماء و بزرگانست واحدى در اين باره شك و ترديد ندارد .

و مقام قداست و بزرگواری او بحدی بوده که مرحوم شیخ جعفر نجفی گرد نعلین او را با تحت الحنک پاک مینموده اس . اساتید و مشایخ اجازه اویطوریکه در مکارم الاثار استقصاء نموده عبارتند از: 1- میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی اصفهانی 2- مولی محمدباقر بن مولی محمد اکمل وحید بهبهانی 3- آقا محمد باقر بن محمد باقر هزار جریبی 4 - شیخ محمد تقی دورتی 5 - آقا شیخ محمد جواد عاملی 6- سید حسین بن امیر ابراهیم قزوینی 7 - آغاسید حسین بن سید جعفر خونساری 8- امیر عبدالباقی امام جمعه اصفهان شیخ روایت تاریخ 1192 . 9- شیخ عبد النبی قزوینی 10- سیل قطب الدین محمد تبریزی بر حسب آنچه در طرائق الحقایق نوشته 11 - آقا سید مرتضی طباطبائی پدر بزرگوارش 12 - آقا شیخ محمد مهدی فتونی 13 - شیخ یوسف بحرینی رحمة الله علیهم أجمعین .

و عده کثیری در نزد او درس خوانده اند از آن جمله مرحوم سید حجة الاسلام شفتی بید آبادی است . ویرا تألیفات چندی است از آنجمله : 1- اثنی عشریات و آن دوازده قصیده در مرثیه حضرت سیدالشهداء علیه السلام می باشد 2 - اجازات 3- اجتماع الأمر والنهی 4 - ارجوزه در جمل و عقود 5 - ارجوزه درباره انار (القصيدة الرمانیه) چهل و شش بیت 6. ارجوزه در مرائی 7- ارجوز در مناقب و مثالب 8- أصالة البراءة 9- تحفه الکرام تاریخ مکه و مسجد الحرام 10 - دره و آن منظومه ای در فقه می باشد 11- دیوان اشعار 12 - رساله در سیر و سلوک منسوب به سید بحر العلوم 13 - شرح وافیة 14 - فوائد اولیه و در آن 45 فائده نقل فرموده است 15 - فوائد رجالیة 16 - قواعد الشکوک در شکیات نماز 17- مبلغ النظر در حکم مسافر و آنرا بنامهای دیگری نیز در الذریعه ذکر فرموده

است 18 - مجموعه الأجازات 19 - مشکوة درقه و آنرا مشکوة الهدایه و مصابیح نیز گویند . 20 - مصابیح در فقه یا مصابیح الاحکام و آن غیر از مصابیح (مشکوة) می باشد در سه جلد 21 - معركة الخمیس و آن عبارت است از مکاتبات و مراسلات شعری بین پنج نفر از شعراء که یکی از آنان سید بحر العلوم است و آنرا بحر العلوم باین نام ممد می گردانیده است 22 - منظومه ای در رد اخباریه و غیره .

توضیح و تکمیل :

انتساب کتاب سیر وسلوک به مرحوم سید بحر العلوم مورد شک و تردید علماء بزرگوار بوده و عموماً آنرا نفی کرده اند گرچه اخیراً بنام ایشان بچاپ رسیده است . چند دلیل از ادله نفی :

1- اول کسی که این کتاب را به مرحوم سید بحر العلوم نسبت داده مؤلف طرائق الحقایق است. ل

2- اول نسخه ای که از این کتاب تا کنون دیده شده مورخ بسال 1251 می باشد قریب چهل سال پس از فوت او .

3- خاندان مرحوم سید بحر العلوم انتساب این کتاب را به جد امجد خود انگار دارند. 4- هیچ یک از ارباب تراجم نام آنرا در ضمن تألیفات آن مرحوم ننوشته اند

5- تمام مؤلفات مرحوم بحر العلوم عربی است چه شده که این رساله بفارسی در آمده .

6- کتاب به دیگران نیز نسبت داده شده و هیچ یک ثابت نیست. : رده ها دلیل دیگر انتساب کتاب را به مرحوم بحر العلوم نفی می کند .

فائده : مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص 216 دوم) می نویسد :

ص: 98

در ذکری المحسنین(1) می فرماید که مرحوم میرزا محمد مهدی شهید ویرا بدین کلمه (بحر العلوم) ملقب کرد و آن از نظر کثرت احاطه بعلم اسلامیه و شدت تضلع بفتون فلسفه الهیه و طبیعییه و تبحر در مسائل عقلیه و نقلیه بود که ملقب به بحر العلوم گردید .

و در روضات الجنات (ص) می فرماید: دونبالت و بزرگواری او همین بس که بدون شرکت غیر ملقب به بحر العلوم گشته (انتهی) یعنی پیش از وی کسی دیگر بدین کلمه ملقب نشده است (انتهی).

نویسنده گوید: از یک قرن قبل و بخصوص در زمان معاصر این لقب مانده سایر القاب علماء: آیت الله - ثقه الاسلام - حجة الاسلام - شریعت مدار و غیره در بین علماء متداول گشته بطوری که در این زمان بهر طالب علمی یکی از القاب و عناوین را می گویند و می نویسند و او خود باور کرده و هیچ اظهار ناراحتی نمی کند .

(تنبیه و ارشاد): مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار (ص 416 دوم) پس از شرحی که درباره عظمت و بزرگی و بزرگواری مرحوم سید بحر العلوم مرقوم فرموده گوید :

بلکه خود آقای بهبهانی نیز در اواخر چون پیر شده بود و احتمال زوال ملکه اجتهاد در خود میداد ، در مسائل فرعیه بنای تقلید از او نهاد .

توجه خواننده محترم را بمطلب فوق جلب می کنیم . می نویسد مرحوم آقا باقر وحید بهبهانی با آنهمه عظمت و مقام علمی که او را مؤسس بهبهانی و مجدد قرن خواندند در آخر عمر به اجتهاد خود عمل ننموده بلکه از مرحوم سید بحر العلوم

1) کتاب ذکری المحسنین در ترجمه حالات آقا سید محسن بن حسن اعرجی کاظمینی متوفای سال 1227 تالیف علامه مرحوم سیدابی محمد حسن صدر الدین کاظمینی (1272-1354) می باشد و چاپ رسیده است .

ص: 99

1- کتاب ذکری المحسنین در ترجمه حالات آقا سید محسن بن حسن اعرجی کاظمینی متوفای سال 1227 تالیف علامه مرحوم سیدابی محمد حسن صدر الدین کاظمینی (1272-1354) می باشد و بچاپ رسیده است .

تقلید می کرد .

در قصه العلماء (ص 125) در ضمن شرح حال آنقا سید محمد مجاهد می نویسد :

آقا سید محمد وارد قم شد فاضل نمی صاحب قوانین بسیار معمر شده بود شبی آقا سید محمد و علماء دیگر را ضیافت کرد و با ایشان صحبت علمی داشت از آن پس گفت : غرض از احضار شما در این شب و مکالمه آنست که سن شیخوخیت نوای مراتحلیل برده ندانستم که ملکه اجتهاد و جواز افتاء در من باقیمانده یا نه خواستم با شما قدری صحبت داشته باشم که شما ملاحظه کنید که آیا ملکه استنباط در من باقی است یا نه . مرحوم آقا سید محمد عرض کرد که اگر ملکه مستنبطه اینست که بالفعل شما دارید پس من و امثال من را ملکه مستنبطه نیست .

ص: 100

بخش سوم: (مهاجرت سید حجه الاسلام بید آبادی به اصفهان)

اشاره

مهاجرت سید حجه الاسلام بید آبادی به اصفهان

ص: 101

اشاره

مهاجرت مرحوم سید حجة الاسلام به اصفهان مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی پس از تکمیل تحصیلات خود در کربلا - نجف - کاظمین - قم و کاشان و نیل به مقامات عالیه علم و اجتهاد و اخذ اجازات بقصد توطن به اصفهان ، یعنی مهد علم و دانش و مجمع علماء و حکماء و فقهاء و مجتهدین، یعنی دار العلم شرق مهاجرت نمود و تا پایان عمر ظاهراً به غیر از سفر مکه معظمه و مدینه طیبه و اعتاب مقدم ائمه عراق علیهم السلام دیگر از این شهر خارج نگردید .

سال ورود به اصفهان

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص 1615 پنجم) می نویسد : در سال 1206 بدون هیچ شهرت و ثروتی باصفهان آمد.

نویسنده گوید : درست است که مرحوم حجة الاسلام در سال ورود به اصفهان و شاید تا چندین سال بعد میچگونه ثروت مادی نداشت اما گنجی بود مملو از جواهرات علوم متنوعه و خزانه ای از دانشهای گوناگون مقرون به نفی و زهد و ملکات نفسانی و سجایای اخلاقی.

در الکرام البرره (ص 193 یکم) نیز ورود مرحوم سید حجة الاسلام را به اصفهان در سال 1206 می نویسد، لکن علامه صاحب روضات الجنات (ص 125) مهاجرت ویرا باصفهان در حدود سال 1217, 1216 می نویسد و قول او در این موارد حجت است چون وی معاصر با ایشان و از تلامذه و مجازین از او می باشد .

سکونت در مدرسه چهار باغ

مرحوم حجة الاسلام در بدو ورود به اصفهان در مدرسه چهار باغ سکونت نمود و شروع به بحث و تدریس نمود .

بیان شیوا و اطلاعات و معلومات کامل ووافر وحسن معاشرت موجب گردید که طلاب و دانشجویان در اطرافش گرد آمدند و بطوریکه می نویسند متولی و مدرس مدرسه نامبرده از این پیش آمد ناراحت و ناراضی گردید و چون مرحوم سید حجة الاسلام متوجه عدم رضایت متولی گردید بلا فاصله تغییر محل داد ، وظاهراً بطوری که برخی از مطلعین اظهار می داشتند ابتداء در مدرسه شفیعیه واقع در محله در دشت و بعداً به مدرسه میرزا حسین واقع در بازار بید آباد منتقل گردید حجره مرحوم سید حجة الاسلام در مدرسه میرزا حسین معلوم و معین و معروفست.

مدرس مدرسه چهار باغ

در زمان ورود مرحوم سید حجة الاسلام به اصفهان و سکونت ایشان در مدرسه چهار باغ متولی مدرسه نامبرده مرحوم آقا میرزا محمد رضا فرزند علامه محقق آقا میرزا ابوالقاسم مدرس میباشد .

مرحوم آقا میرزا محمد رضا مدرس خاتون آبادی از جمله علماء اصفهان وامام جماعت مسجد شاه و مدرس مدرسه چهارباغ بوده و در ماه رجب سال 1238

ص: 103

شش ساعت پس از تحویل آفتاب ببرج حمل وفات یافته ابتداء در اصفهان مدفون و سپس استخوان های ویرا به نجف اشرف حمل کردند و در آن ارض مقدس بن خاک سپردند (ص 1054 چهارم مکارم الاثار).

علت خروج مرحوم حجة الاسلام از مدرسه چهار باغ

بطوری که گفتیم مرحوم حجة الاسلام در بدو ورود خود در مدرسه سلطانی معروف به مدرسه چهار باغ حجره گرفته و بتدریس شروع نمود و طلاب پروانه وار گرد شمع وجودش جمع شدند . اکنون متولی مدرسه نامبرده با حریفی جوان وعالمتر از خود روبرو شده ودیگر طالبین علم بدرس او کمتر حاضر میشوند و قلباً از این موضوع نگران و ناراضی شد.

چون مرحوم حجة الاسلام نگرانی و نارضایتی او را احساس فرمود، بدون اظهار هیچ هیچ گونه عکس لعملی خود به اختیار واز روی میل نه اجبار از مدرسه خارج گردید.

مرحوم سید حجة الاسلام بخاطر خداوند تحصیل کرده بود و آن همه رنج ومشقت را بر خویشان هموار ساخته و در شهرهای مختلف بنزد اساتید شتافته بود اکنون نیز بخاطر خداوند به اصفهان یعنی مهد علم ودانش روی آورده که بهتر بتواند به علم و علماء خدمت کند حال نیز تدریس او بجهت رضا و خشنودی اوست و چون می داند شرعاً متولی هر مدرسه ای در ساکن بودن و نبودن طلاب مدرسه صاحب نظر است و احساس می کند که متولی مدرسه نامبرده از سکونت او در آنجا قلباً ناراضی است و شاید این عدم رضایت خود را بزبان نیز رانده باشد ، توقف خود را در آن مدرسه غیر مشروع ومعصیت میداند و بدون درنگ از آنجا نقل مکان مینماید .

بنابر این گفتار مؤلف قصص العلماء که می نویسد (ص 143): متولی مدرسه امر بخروج او کرد مبالغه و از روی مسامحه است.

منزل مرحوم سید حجة الاسلام

پس از آنکه وضع زندگانی مرحوم حجة الاسلام در اصفهان سر و سامانی گرفت و عنوان و شهرتی یافت و وجوهات بر به از خمس و سهم مبارک امام علیه السلام و زکوة دیگر وجوه واجبه و مستحبه بنزدش می آوردند در صدد تهیه منزل جهت سکونت خود و خانواده خویش بر آمده و در محله قبله دما خانه ای خرید که تا آخر عمر در آنجا ساکن بود و بعد نیز اولاد و اقباش آنرا مالک بوده و سکونت می نمودند و در سالهای اخیر فروخته شد.

منزلی که مرحوم سید حجة الاسلام در محله قبله دعا خرید قبلاً متعلق به عالم زاهد مرحوم آقا محمد بیدآبادی بوده و مقابل آن فضائی و محوطه ای کوچک بود که شاید قبلاً قبرستان بزرگی بوده و بعداً متروک مانده و تا این اواخر بصورت قبرستانی نیمه خراب باقی بود که در سالهای اخیر به سرنوشت دیگر گورستانهای اصفهان دچار گردیده و بصورت خانه مسکونی در آمد.

کرامتی از آقا محمد بیدآبادی

عالم جلیل مرحوم آقا شیخ محمد حرز الدین در کتاب معارف الرجال (ص 368 دوم) از قول هده ای از مردم اصفهان و آنان از قول بزرگان و مشایخ نقل می کند که؛

درب خانه آقا محمد بیدآبادی کوچک و کوتاه بود روزی درباره بزرگ کردن آن با ایشان مذاکره کردند آن مرحوم در جواب فرمود:

ص: 105

بزرگ کردن در خانه مربوط به کسی است که بعد از من مالک این خانه خواهد شد و او آنرا انجام خواهد داد (مفهوم ظاهری این حرف آنست که فرزندانم این کار را خواهند کرد) بعدا فرموده آن کس سید محمد باقر می باشد .

حاضرین به احترام شخصیت مرحوم آقا محمد وهم بعلت اطمینان بگفته های او که از روی علم و آگاهی پیشگوئی می کند ساکت شدند . صدق این گفتار پس از سالها بعد از مرگ آقا محمد آشکار گردید .

آقا محمدبید آبادی: حکیم فیلسوف متأله عالم عارف فقیه زاهد متشرع مرحوم آقا محمد فرزند ملا محمد رفیع گیلانی از اجله حکماء وفلاسفه مشاء وزنده کننده فلسفه و عقاید فلسفی مرحوم آخوند ملا صدرا شیرازی که آنرا به شاگرد ممتاز خود مرحوم آخوند ملا علی نوری اصفهانی آموخت و او آنرا به حاج ملا- هادی سبزواری انتقال داده و مرحوم حاجی سبزواری آن را به بهترین وضع واسلوب شرح و بیان فرمود. مرحوم بود آبادی در اصفهان متولد گردید. در رستم التواریخ (ص 406) مولد آن جناب را مازندران می نویسد.

در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان همچون ملا اسماعیل خواجهوئی و آقا میرزا محمد تقی مجلسی معروف به الماسی تلمذ نموده و عده ای از معاریف فضلاء در خدمت او تحصیل معارف و کمالات نموده اند و بمقامات عالیه علم و عرفان رسیده اند.

مرحوم آقا محمد بیدآبادی در حکمت و عرفان سر آمد علمای زمان و معروفست که علم کیمیا میدانسته و در این مورد حکایتی نقل می کنند . بر بسیاری از کتب حکمت حواشی داشته و از وی در کیمیا و عرفان و تفسیر جزواتی موجود است . برخی از آثار او بدی قرار است :

1- بندی در عمل کیمیا بفارسی (ضمن مجموعه شماره 1252، دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد)

2- تفسیر (ضمن مجموعه شماره 3360، مجلس شورای ملی)

3- تفسیر منتخب از تفسیر نیشابوری که در موقع تدریس و مباحثه در مدرسه حکیم در تاریخ 3 شنبه 14 رجب سال 1173 نوشته است (شماره 1854 « کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)

4- رساله ای در توحید بفارسی (ضمن مجموعه مجلس شورای اسلامی) 5- جنگی در کیمیا و علوم غریبه (شماره 354 کتابخانه مسجد گوهر شاد مشهد)

6- رساله ای در سلوک (ضمن مجموعه شماره 37840، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) ل

7- رساله ای در سیر و سلوک (ضمن مجموعه مجلس شورای اسلامی)

8- شعرهایی در کیمیا (ضمن مجموعه شماره 3778، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)

9- نامه ای در سیر و سلوک جواب میرزای قمی (ص 484 دانشمندان و بزرگان اصفهان)

10- نامه‌های فارسی جواب آقا سید حسین قزوینی در مسیر و سلوک (ضمن مجموعه مجلس شورای اسلامی)

11 - نامه هائی به اشخاصی که نام آنها در فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی ذکر نشده است.

در رستم التواریخ در باره آقا محمد بیدآبادی (ص 407) پس از شرحی

ص: 107

که راجع به دیدن علی مراد خان زند از ایشان و بازدید نمودن از وی می نویسد گوید :

مرحوم آقا محمد بیدآبادی بنفس نفیس خود بدر وکان خباز و بقال و نصاب و علاف و عصار و سبزی فروش می آمد و آذوقه و مایحتاج خود و عیال خود را بر دوش خود گرفته و بدامان خود نهاده و بیخانه میبرد و در این باب اعانت از کسی قبول نمیکرد و جامه های بی کرباس و پشمینه کم بهاه بود و به کسب تکمه چینی اشتغال داشت و خط شکسته را خوب می نوشته و چند دستگاه شعربانی هم داشت و قدری هم زراعت مینمود .

مرحوم آقا محمد بیدآبادی در قبل از ظهر روز نهم محرم الحرام (تاسوعا) سال 1198 در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در قسمت شرقی تکه آقا حسین خونساری نزدیک قبر پدر بزرگوار خود مدفون گردید و آنچه مؤلفین در تاریخ فوت او نوشته اند که سال 1197 بوده مسامحه می باشد که نه روز اول سال رابحساب نیاورده اند ، ماده تاریخ فوت او را هم که مرحوم آقا محمد کاظم واله شاعر عارف سروده همین حال را دارد .

فائده : در این جا به مناسبت نیست اسامی برخی از شاگردان انا محمد بیدآبادی را یاد آور شویم :

- 1- حاج محمد ابراهیم کلباسی (ص 68 یکم مکارم الاثار). 2- میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی (ص 131 یکم مکارم الاثار) .
- 3- سید اسماعیل جزائری (ص 127 یکم الکرام البرره).
- 4- سید محمد تقی مستجاب الدعوه خواجهوئی (ص 215 دانشمندان و بزرگان اصفهان).

5- شیخ جعفر شیخ الاسلام لاهجی (ص 239 طبقات اعلام الشیعة - الکرام البرره).

6- سید محمد حسین قزوینی (نامه به مرحوم بید آبادی نوشته و آن مرحوم بدان پاسخ داده است)

7- ملا عبدالکریم اشراق بیرجندی (ص 277 بهارستان آینی). 8- سید عبدالله دزفولی (م 770 دوم الکرام البرره).

9- میر سید علی بن محمد باقر حسینی (م 276 سوم مکارم الاثار). 10- حاج ملا علی نوری (ص 68 یکم مکارم الاثار). از 11- مولی علی اکبر اژه ای (ص 945 سوم مکارم الاثار). 12- میرزا محمد علی بن میرزا مظفر (ص 61 رجال اصفهانی). 13- مولی محراب گیلانی (ص 9- البدر التمام). 14- سید صدرالدین دزفولی (ص 68 یکم مکارم الاثار). 15- مولی مهدی بن ابی ذر نراقی (ص 75 هفدهم الذریعه). 16- میرزا محمد مهدی شهید موسوی (ص 68 یکم مکارم الاثار).

قبله دعا و جماله

در یکی از کتابهای مرحوم آقا سید محمود کلیشادی معروف به مفتی که مجموعه ای از یادداشت ها و مطالب متنوعه از مباحث علمی و غیره بود و در تصرف مرحوم آقا شیخ محمد رضا الهی فرزند حاج مولی محمد طاهر شهر کی اصفهانی بود و بعداً به کتابخانه مرحوم حاج آقا محمد مقدم و سپس به کتابخانه مسجد اعظم قم منتقل گردید بنخلافه نوشته بود:

در یکی از مسافرتهای فتح علیشاه باصفهان و دیدار شاه از مرحوم سید حجة

ص: 109

الاسلام روزی آن مرحوم باتفاق جمعی از علماء به بازدید شاه تشریف بردند .

ضمن صحبت های گوناگون شاه از حاج محمد جعفر آبادهای یکی از همراهان مرحوم سید حجة الاسلام پر سید منزل شما در کدام محلت از محلات اصفهانست حاجی فرمودند در محله جماله کله . شاهرا این نام خوش نیامد و روی در هم کشید پس از مدتی همین سؤال را از مرحوم حجة الاسلام کرد ایشان در جواب فرمودند در محله و قبله دعا .

شاه این نام را بفال نیک گرفته و آنرا به مبارکی و میمنت تلقی کرده و اظهار بشاشت و خوشحالی کرده

امامت جماعت

مرحوم سید حجة الاسلام پس از سکونت در اصفهان و از موقعی که عنوان و شهرنی بالنسبه یافت ابتداء در مسجد حاج طالب واقع در محله دروازه نو نزدیک سنبلستان که در آن زمان تا این اواخر به چملان (به ضم اول و سکون دوم) معروف بود، اقامه جماعت و سپس بذا بتقاضای اهالی بید آباد در مسجد میرزاباقر امامت می نمود و ظاهراً این در موقعی است که مرحوم سید حجة الاسلام در مدرسه میرزا حسین حجره گرفته و بتدریس مشغول گردیده است.

مرحوم سید پس از آنکه بنیان مسجد خود را در محله بیدآباد برپا داشت در آنجا اقامه جماعت نموده و یکی از بهترین شاگردان خود یعنی مولی علی اکبر خونساری را به امامت آنجا معین فرمود .

برخی از ائمه جماعت مسجد میرزا باقر

علما زیر پس از مرحوم سید حجه الاسلام بترتیب در ان مسجد اقامه جماعت

1- مولی علی اکبر خوانساری . 2- مولی محمد شفیع خوئی . 3- مولی محمد حسین بن علی اکبر خوانساری • 4- آقا کمال الدین بن مولی محمد حسین و 5- حاج آقا جلال الدین بن مولی محمد حسین خوانساری متولی سال

01348

6- آقا سید محمد باقر نحوی داماد مرحوم آقا کمال الدین مدت زمان اندکی صبحها (فوت 1350).

7- حاج آقا جمال الدین بن حاج آقا جلال الدین بن مولی محمد حسین و با فوت مشار الیه در اوایل ذی الحجه سال 1391 علم و روحانیت از خاندان مولی علی اکبر خوانساری به انتها رسید .

مسجد میرزا باقر : مزایای کار ایران ساری شاردن در سفر نامه خود می نویسد :

یکی از رسوم بزرگان ایرانی آنست که چون تمکن مالی یافتند در جنب منزل خود مسجد و حمام و بازارچه و گاهی کاروانسرائی بنا می کنند و برای بقاء و تعمیرات مسجد و احیانا مدرسه احدائی خود موقوفاتی معین می کنند.

سه نفر بنام محمد باقر هر یک حمام و مسجد و بازارچه بنا کردند که در امتداد بک کوچه قرار دارد :

1- میرزا باقر منجم . 2- مولی محمد باقر شیخ الاسلام . 3- میرزا محمد باقر یزدی دانشمند ریاضی .

نویسنده گوید: مسجد و حمام و بازارچه میرزا باقر منجم در محله نیم آورد واقع و تاریخ بنای حمام (صحت و عافیت 1065) می باشد و هنوز بنام حمام باقر معروفست و مسجد آنها بنام مسجد سرنیم آورد شهرت دارد.

مسجد و حمام و بازارچه مولی محمد باقر شیخ الاسلام بهمین اسم در جنب منازل شیخ الاسلام در محله سینه پائینی واقع و بهمین نام مشهور است.

مسجد و حمام و بازارچه میرزا باقر در محله بیدآباد واقع و مسجد آن از حیث وسعت بزرگتر از آن دو مسجد می باشد و اخیراً نام حمام را عوض کرده و بنام گلستان نامیده اند.

امام مسجد میرزا باقر در زمان حیات آقا محمد بیدآبادی با مشارالیه بوده و پس از فوت ایشان ظاهراً (احتمالاً) یکی از دو فرزند پسر ایشان: حاج محمد صادق و آقا شیخ حسن در آنجا امامت مینموده اند.

فائده: در محله جویباره اصفهان نیز مسجدی بنام مسجد میرزا باقر وجود دارد و همچنین در محله چهار سوق شیراز بها مسجد علامه فقیه آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی مؤلف کتاب روضات الجنات موجود است.

پیشنهاد امام جمعی

در قصص العلماء (ص 143) می نویسد:

موقعی که فتح علیشاه در طهران مسجدشاه را بنا کرد نامهای به مرحوم میرزای نمی نوشت و از ایشان در خواست کرد که عالمی را که شایسته باشد معرفی کنند که امامت مسجد مزبور رانموده و خود شاه نیز گامی بجماعتش حاضر شود. مرحوم میرزا در جواب نوشتند که:

آقا سید محمد باقر شفتی رشتی اکنون در اصفهان ساکن است و او قابل

ص: 112

است و من بهتر از او نشان ندادم ، شاه بحاکم اصفهان نامه ای نوشت که وسائل حرکت سیدرا بطهران فراهم نموده و ایشان را روانه آنجا کند . حاکم از علماء شهر از حال آقا سید محمد باقر شفتی پرسید (چون در آن موقع هنوز مرحوم حجة الاسلام شهرت و عنوانی نداشتند) پس از معرفت بر احوال ایشان کسی بنزدش فرستاده و پیغام فرستاد که شاه در طهران شما را خواسته است و من در صدد تهیه وسائل حرکت شما می باشم آماده و مهیا باشید. مرحوم سید جواب رد داده و امتناع نمود و اصرار حاکم در این باره بجائی نرسید ، حاکم شخصا خدمت ایشان رسیده و اظهار داشت که اطاعت امر پادشاه بر عموم افراد مملکت لازم است و کسیحی مخالفت ندارد ایشان فرمودند: من به اختیار خود نمیروم حاکم از زهد ایشان تعجب کرده و مایوسانه از خدمتشان بیرون رفت و مراتب را بعرض شاه رسانید و بعدا آقا میر محمد مهدی خاتون آبادی جهت این کار معین گردید . ابتدای تاریخ بنای مسجد سال 1224 می باشد.

اولین نهی از منکر و گرفتاری

در قصص العلماء (ص 144) در تحت عنوان : امر بمعروف و نهی از منکر داستان زیر را می نویسد :

در زمانیکه سید حجة الاسلام تازه باصفهان تشریف آورده بود و هنوز شهرت و عنوانی نداشت روزی از کوچه ای عبور میکرد، عده ای از اوباش و اشرار و لهو ولعب وساز و دف زدن مشغول بودند ، سید از آنجا که وظیفه شرعی در نهی از منکر بأو حکم میکرد و آنان را ابتداء نصیحت نموده کار به تغیر کشید و قصد زدن آنان را کرد تا شاید متفرق شوند . اشرار سیدراگرنه و حبس کردند خبر بطلاب مدرسه ای که وی در آنجا ساکن بود رسیده و آنان جریان را به امام جمعه گزارش

ص: 113

نمودند . مرحوم امام جمعه کسی فرستاد و آن سید بزرگوار را از زندان آنان نجات داد .

نویسنده گوید : امام جمعه اصفهان در این موقع مرحوم حاج میر محمد حسین سلطان العلماء خاتون آبادی متولد در سال 1158 و متونی شب دو شنبه

6 ماه صفر 1242 در اصفهان می باشد وی از رؤساء علماء و فقهاء این شهر و صاحب تالیفات چندی است (ص 959 سوم مکارم الآثار).

اولین قتل : معروف آنست که در اوایل ورود مرحوم سید حجة الاسلام که بسیاری از مردم این شهر حتی خواص و اهل علم ایشان را نمی شناختند ربه بمقامات علمی وی نبرده بودند، روزی جهت خریدن نان بدکان خبازی میروند ، یکی از کارگران دکان مزبور با رفیق خود صحبت میداشته و در ضمن گفتگو اقرار به انجام معصیتی می کنند که طبق موازین شرعی حکم آن قتل بوده است . مرحوم سید حجة الاسلام که در این موقع بنظر طلبه ای ساده میرسیده است و برا موعظه می کند و می فرماید : از تو که یک فرد مسلمان می باشی چنین عمل قبیحی هرگز صادر نشده است و شاید خواب دیده ای و اکنون خواب خود را نقل می کنی و آنهم جایز نیست ، کار گر نامبرده با کمال بی اعتنائی می گوید : خبر آقا سید من در بیداری چنین و چنان کردم و در باره اقرار می نماید دیگر بار مرحوم حجة الاسلام می فرماید : تو که مسلمان و دیندار مسنی مسلماً چنین معصیتی مرتکب نشده ای و حالا با رفیقت شوخی می کنی و جایز نیست اولاً چنین شوخیها ثانیاً در حضور مشتریان، و از این نوع فرمایشات وی با کمال گستاخی ریشرمی ضمن کلمه های اهانت آمیزیه مرحوم سید و شاید ... برای دفعه سوم در حضور جمعی از مشتریان اقرار به معصیت می کند. مرحوم سید حجة الاسلام بدون اظهار هیچ نوع عکس العملی از دهان خارج گردیده و فوراً به حجره مدرسه تشریف برده و شمشیر خود را

برداشته وزیر عبا پنهان داشته به دکان دارد و ناگهان بر فرق کارگر معصیت کار می گوید که او بر زمین افتاده و هماندم می میرد.

ماجرا شروع میشود و کار به حاکم و مجتهد و امام جمعه میرسد و عنوان سید از همین وقت شروع می گردد .

گرفتاری مرحوم سید :

مسلم است که در این وقت مأمورین دولت و صاحبان دم مرحوم سید را مأخوذ داشته بنزد حاکم میبرند .

از ایشان علت قتل را می پرسند در جواب میفرماید : مجتهده بودم و در حضورم سه بار اقرار کرد قتل در باره او واجب گردید و خود آنرا اجرا نمودم . مسئله صورت دیگری بنخود گرفت اولاً باید اجتهاد ایشان ثابت میشد تا بعداً به حکم قتل رسیدگی شود .

سؤال از آقا سید محمد . این پیش آمد مربوط به سالهائی است که علامه فقیه آقا سید محمد کربلانی که بعداً به مجاهد معروف گردید در اصفهان و مرجع امورات شرقی این شهر بوده است می باشد، در فصص العلماء (ص 143) می نویسد :

از آقا سید محمد پرسیدند که آقا سید محمد باقر مجتهد است یا نه؟ آن جناب در جواب فرمود :

مقام آقا سید محمد باقر بالاتر از اینهاست، از اجتهاد او از من سؤال نکنید بلکه از ایشان پرسید که سید محمد مجتهد است یا نه .

همین جواب که مرحوم آقا سید محمد فرموده بود موجب رفع گرفتاری از سید حجة الاسلام شده و سبب شهرت و عنوان وی گردید . .

ص: 115

(موجبات شهرت) در موقعی که مرحوم سید حجة الاسلام وارد اصفهان شد عالمی فقیر و گمنام بود، سرمایه او فقط علم و دانش و تقوا بود، و کسانی که او را می شناختند غیر از اساتیدش جمعی از علماء و بزرگان بودند که با ایشان در حوزه های علمی آشنائی داشتند و تعداد آنها زیاد نبود. از وسائل مادی هیچ چیز در اختیار نداشت و بطوریکه نوشته اند فقط یک سفره ثان و یک جلد کتاب مدارک همراه داشت. اما در عوض دریائی از علم و دانش بود که آرام و ساکن بنظر میرسید و کمتر موجی کافی بود که او را متلاطم سازد.

در این وقت اصفهان مرکز علمای بزرگ و دانشمندانی بنام بود که هریک از آنها در آسمان علم و دانش ستاره ای درخشان و خورشیدی فروزان و ماهی تابان بودند و کمتر کسی می توانست باور کنند که طلبه ای گمنام دارد دارالعلم شرق شود و تمام اعمار علم و دانش را تحت الشعاع خود قرار دهد.

اما مشیت و اراده خداوندی بر این قرار گرفته بود که پرچم پر افتخار زعامت و ریاست مسلمین بدست قائدی توانا و بیشوانی دانا قرار گیرد که بتواند قدرت از دست رفته علمای اسلام و بخصوص شیعه را تجدید کند. این ظهور مشیت خداوندی احتیاج به اسباب ظاهری داشت همچنان که حضرت صادق علیه السلام میفرماید:

أبي الله أن يجري الأشياء إلا بالأسباب (تا آخر حدیث نقل از مستدرک سفینه البحار ص 54 جلد دوم).

بنابراین

علل و موجبات ظاهری ترقی

و بیش رفت مرحوم سید حجة الاسلام را میتوان پس از اراده حضرت احدیت جل وعلا در این چند موضوع خلاصه کرد :

- 1- شخصیت بارز و علم و افروزد کامل و قلب مطمئن و تصلب به امر دین و امر بمعروف و نهی از منکر که در این راه از هیچ چیز نمی هراسید و به کمال قدرت و شهامت در برابر منہبات از هر کس و بهر نوع سر میزد ایستادگی و دفع میفرمود .
- 2- حالات و صفات نفسانی از جود و سخاوت و حلم و صبر و دیگر ملکات و خصائلی که در ایشان وجود داشت سبب گردید که مردم از هر طبقه و دسته بایشان متمایل گردیده و او را از جان و دل دوست میداشتند .
- 3- ترویج و تقویت علماء و مجتهدین معروف زمان از ایشان از آن جمله :

1- میرزای قمی بطوری که قبلا اشاره شد .

2- آقا سید محمد مجاهد بطوریکه قبلا اشاره شد.

3- حاج ملا علی نوری از اجلای حکماء متألّهین و استاد جمعی کثیر از بزرگان اهل علم و دانش در عموم شهرهای ایران بخصوص در اصفهان .

4- تقویت کردن حاجی کلباسی از ایشان و ارجاع مراجعین و مقلدین خود را آن بزرگوار . مرحوم حاجی کلباسی بسیار محتاط بود و در این باره حکایات زیادی از اعتباط ایشان نقل می کنند بدین جهت و جهات دیگر بسیاری از مراجعین خود را در مسائل مورد اختلاف در بین نگاه به ایشان احاله مینمود .

مؤلف قصص العلماء (ص) می نویسد : من خود از حاجی کلباسی شنیدم که در بالای منبر میفرمود :

ص: 117

اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر حسب ظاهر زنده بودند و میخواستند کسی را جهت حکومت و قضاوت شرعی به اصفهان بفرستند آن کس سید حجة الاسلام بود، و مسلم است که این سخن از گوینده ای همچون حاجی کلباسی که از هد و اعباد و اتقای علمای زمان و در علم و فضیلت و تقوی پیشوای همگان بود چه اثری در اجتماع خواهد داشت.

احترامی که حاجی کلباسی و آخوند ملا علی نوری در اجتماعات نسبت به سید حجة الاسلام رعایت مینمودند و بخصوص حاجی که هیچ موقع در راه رفتن از او جلو نمی افتاد و حال آنکه از نظر سن بر او مقدم بود گرچه سید حجة الاسلام نیز متقابلاً نسبت به حاجی کلباسی و بخصوص آخوند ملا علی نوری احترام زیاد قائل بود، حاجی دوش بدوش و پشت سر آخوند از نظر مقام استادی او راه میرفت، این طرز رفتار اندر بزرگوار علاوه بر آنکه حقوق یکدیگر را اداء کرده بودند موجب عظمت و شهرت و علو درجه و مرتبت آنان در نظر عموم مردم بود. رحمة الله علیهما و علی جمیع علمائنا الماضین .

مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران (ص 305 سوم) می نویسد:

یکی از موجبات پیشرفت کار سید حجة الاسلام شکستن آلت موسیقی که در دست شخصی بوده است می باشد که مرحوم حجة الاسلام آنرا گرفته و در ملاعام خورد می کند و علناً مشغول نهی از منکر میشود .

دید و بازدید

مؤلف قصعی العلماء (ص) می نویسد :

مرحوم سید حجة الإسلام بدیدن هیچ یک از حکام و بزرگان نمیرفت و آنها از وی دیدن میکردند اما هر وقت پادشاه به اصفهان می آمد بیدار او میرفت .

ص: 118

نویسنده گوید: علت دیدن کردن مرحوم سید حجة الاسلام از حکام و مأمورین دولتی آشکار است اما علت آنکه بدیدن بزرگان شهر نمیرفت ظاهراً بدان سبب بود که این ملاقاتها موجب تکلف و زحمت برای میزبانان بود و آن مرحوم راضی نمیشد که از ناحیه او بأحدی زیانی برسد علاوه بر آنکه اوقات مرحوم سید صرف مطالعه - تألیف - تدریس - قضاوت و رسیدگی بأمور مردم میشد و اگر میخواست کار دیگری مثلاً دید و بازدید ضمیمه آن کند نه وقتی برای آن داشت و نه میخواست از برنامه کار خود تخلف نموده باشد.

دیدار از فتح علیشاه

در فصص العلماء (144) شرح یکی از دیدارهای سید از فتح علیشاه بخلاصه می نویسد:

در سالی فتح علیشاه باصفهان آمد و سید را بدیدن او بردند (سید در ابتداء خود حاضر نبود بدیدن او برود) پس از معارفه شاه به سید اظهار کرد که از من چیزی بخواهید، مرحوم سید حجة الاسلام فرمودند که: احتیاجی ندارم شاه امرار کرد فرمودند: اکنون که در این باره اصرار دارید مرا استدعاء آنست که دستور دهید نقاره خانه را موقوف کنند. شاه سکوت کرد پس از برخاستن مرحوم سید و خارج شدن از مجلس، شاه به امین الدوله گفت عجب سیدی است از من میخواهد

که نقاره خانه که علامت سلطنت و پادشاهی است راموقوف کنم امین الدوله معذرت خواست.

دیدار او در سال بعد: سال بعد مجدداً فتح علیشاه به اصفهان آمده و پس از دید و بازدید از مرحوم سید حجة الاسلام به امین الدوله گفت؛

ابن سید آن سید سال قبل نیست اکنون بسیار زبرک شده است.

دیدار فتح علیشاه از سید حجة الاسلام

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 249) در ضمن وقایع سال 1240 و مسافرت فتح علیشاه به اصفهان به خلاصه و اندک تصرف می نویسد :

روزی شاه بملاقات سید حجة الاسلام رفت ، در ضمن این دیدار اظهار کرد که : شما خود حکم می دهید و هم خودتان اجرا می کنید پس من در مملکت چه کاره ام (رسم این بوده است که مجتهدین به امور مردم رسیدگی نموده و در دعاوی و حدود و دیات و قصاص و غیره حکم میداده و انجام احکام مربوطه به قصاص بعهد حکام و فرمانروایان بوده است، و علماء و مجتهدین خود اقدام نمیکرده اند) .

مرحوم سید حجة الاسلام در جواب فرمود :

اجرای احکام خداوند تبارک و تعالی را نمیتوان به این عنوان تأخیر انداخت که : حکم مجتهد به شما برسد و یا نرسد ، شما دستور اجرای آنرا بدهید و یا ندهید ، پس از آن مأمورین حکومتی این حکم را اجرا کنند و با نکنند. در هر حال تأخیر در اجرای احکام به هیچ عنوان و دلیلی جایز نبوده و باید بلافاصله اجرا گردد. شاه با شنیدن این جواب ساکت شد و دیگر حرفی نزد.

نویسنده گوید : مسافرت شاه در این سال به اصفهان ظاهراً جهت سرکوبی الوار بوده و باطناً برای مخالفت با مرحوم سید حجة الاسلام که در قسمت اول موفقیت حاصل کرد اما به مقام شامخ و والای مرحوم سید حجة الاسلام زیانی وارد نشده بلکه بر هیبت و عظمت او افزود .

مسافرت های فتح علیشاه به اصفهان

فتح علیشاه. در زمان مرحوم سید حجة الاسلام چندین دفعه باصفهان مسافرت

ص: 120

1- در سال 1216 یعنی سال ورود مرحوم سید حجة الاسلام به اصفهان جهت رفیع غائله حسین قلی خان .

2- در سال 1225 در این سفر معادل یکصد هزار تومان بقایای مالیات اصفهان را بخشید .

3- در سال 1245 جهت سرکوبی الوار لبنان . 4- در سال 1245 جهت رفتن به شیراز و نظم آن مامان .

5- در سال 1297 جهت رفتن به شهر کرد و بختیاری باتفاق عباس میرزا نایب السلطنه .

6- در سال 1250 و مرگ او در دوشنبه 16 جمادی الثانیة بمرض سکنه در عمارت هفت دست

(لطیفه) : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 249) در ضمن وقایع 1240 می نویسد:

هاشم خان لرلبنانی (لبنان از محلات اصفهانست) والوار تابع او به پشتیبانی امین الدوله شوهر خواهر خود در اصفهان شرارت مینمودند و مردم را اذیت و آزار میرسانیدند و سیدی بی گناه را کشتند فتح علیشاه خود شخصاً جهت سرکوبی آنان باصفهان رفت و هاشم خان را دستگیر نموده و محمد خان پسر امین الدوله را عزل نموده و الوار را گرفته سیاست مینمود .

الوار از ترمی سیاست لباس خود را به لباس روستائیان تبدیل نموده و خود را دهانی معرفی میکردند هر یک از آنها را که می گرفتند در ضمن محاکمه به آنها می گفتند که بگویند :

خر - خور - خرما (خاء منقوطة) آنها می گفتند حر - حور - حرما . از این

تلفظ معلوم میشد که تراست وروستائی نیست زیرا که الوار عموماً خاء منقوطة را داء مهمله تلفظ می کنند و مثلاً خالو بمعنی دائی را هالو می گویند. فائده: لرهای ساکن اصفهان عموماً در سه محله سکونت دارند:

1- در محله بیدآباد معروفند به شیرانی. 2- در محله لبنان اینان نیز به شیرانی شهرت دارند. 3- در محله مسجد حکیم و در کوشک و اینان عموماً به استکی شهرت دارند.

نکته قاریخی): یکی از وقایع سال 1240 قمری در مسافرت فتح علیشاه به اصفهان عزل مرحوم عبدالله خان امین الدوله از حکومت اصفهان است پس از برکناری او حکومت اصفهان را به سلطان محمد میرزا ملقب به سیف الدوله سی و هشتمین پسر خود از تاج الدوله (طاوس خانم اصفهانی) که بیچه ای سیزده ساله بوده و آگزار نموده و یوسف خان گرجی سپهدار را بوزارت او تعیین نمود.

حکومت تمام شهرهای ایران با پسران شاه بود و افرادی همچون یوسف گرجی وزارت آنان را داشتند.

(بیان حاجی شیروانی): حاج زین العابدین شیروانی در بستان السیاحه (ص 334 چاپ اصفهان) در ضمن برشمردن معاصی کبیره که یکی از آنها ظلم است گوید:

فقیر معروض میدارد که در اکثر معموره عالم گردیده و بخدمت بسیاری، لوک ترک و تاجیک و سلاطین دور و نزدیک رسیده در هیچ دیاری عشری از اعشار ظالم ایران ندیده بلکه بنیاد حکومت ایران بر ظلم است (انتهی).

نویسنده گوید: چرا چنین نباشد حکام ولایات پسرانشاه و وزرای ایشان مردمی ظالم و خودخواه هرچه می توانستند از ظلم و بیداد نسبت به افراد رعیت انجام

میدادند و راه نجاتی هم برای آنان نبود .

سیف الدوله از 1240 تا 1250 حاکم اصفهان بود و در زمان سلطنت محمد شاه از کار برکنار شد. در سال 1246 دایه او موسوم به مریم در اصفهان مرد او و برادر تخت فولاد دفن نمود. و مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی علامه فقیه زاهد بر حسب وصیت او برایش بقعه ای بنام نمود و تکیه های ساخت که بنام تکیه مادر شاهزاده معروف و بعدا خود مرحوم آقا شیخ محمد تقی و مولی محمد صالح جویبارهای و آقا میرزا زین العابدین خونساری را در آن بقعه مدفون ساختند.

در سالهای اخیر عده ای از علمای اصفهان از خاندان مرحوم آقا شیخ محمد تقی را نیز در داخل و خارج بقعه نامبرده دفن نمودند . تکیه را گاهی بنام تکیه آفا شیخ محمد تقی نیز می خوانند. تاریخ فوت مادر شاهزاده را محمد اسماعیل ضیاء شاعر اصفهانی ضمن قطعه ای گویند:

ضیاء از بهر تاریخش رقم زد به حوران همنشینی کرده مریم

تخت طاووس در قصر گلستان تهران بنام طاووسی خانم اصفهانی عبال فتح علی شاه باین اسم شهرت یافته است.

برخی از موجبات اختلاف شاه با سید حجة الاسلام

1- بطوری که قبلاً گفته شد شاه از اینکه مرحوم حجة الاسلام بدون اعتناء بدستگاه حکومتی و حکام اصفهان خود به شخصه احکام شرعی را درباره مقصرین و مجرمین اجراء می کرد ناراضی بود و آنرا برای دستگاه سلطنت وهنی تصور میکرد و میکرد در مکرر این عدم رضایت خود را به وزراء و علماء و حتی به خود سید حجة الاسلام اظهار داشته بود و مایل بود که ایشان احکام را بدست مامورین دولتی اجرا کنند.

2- عمال دولتی و حکام شهرهای ایران که عموماً اولاد و اعقاب و وابستگان

نزدیک شاه بودند نسبت بمردم ظلم و آزار بی اندازه میکردند و تنها پناهگاه آنها علماء و مجتهدین بودند شاه و وابستگانش این تکیه آنکه مردم را نمی پسندیدند و مایل بودند که در اعمال خود آزاد بوده و کسی از آنها جلوگیری نکند و علماء بزرگوار و بالاخص مرحوم سید حجة الاسلام بر حسب وظیفه شرعی در برابر ستمگری های اینان ایستادگی میکردند و شاه از این بابت راضی نبود .

3- قدرت و نفوذ کلمه و محبوبیت مرحوم سید حجة الاسلام و مقبولیت عامه و ثروت او مورد دلخواه فتح علیشاه نبود. او عالمی فقیر را می پسندید که بعلت فقر مادی از شاه و درباریان و حکام طرفداری کند و یا حداقل در برابر آنها ستمگر بها ساکت بماند و مرحوم سید حجة الاسلام نه تنها خود ساکت نمی نشست بلکه علماء دیگر شهرها را نیز تقویت مینمود.

4 - هاشم خان لبنانی سر کرده اشرار (بقول مورخین دوره قاجاریه) برادر زن عبدالله خان امین الدوله بود در امین الدوله از وابستگان و مردان مرحوم سید حجة الاسلام بود و مامورین دولتی و درباریان در طهران اینطور وانمود کرده بودند که هاشم خان به پشتگرمی مرحوم سید حجة الاسلام مرتکب این اعمال خلاف میشود .

سفر حج

مرحوم سید حجة الاسلام در سال 1231 یا 32 بنا بنقل علامه صاحب روضات الجنات از راه دریا سفر حج رفت.

در باره این سفر و آثار مترتبه بر آن مطالب بسیاری نقل شده است از آنجمله : ۱- در کتاب تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص 31) می نویسد :

ص: 124

و زیارت حج ایشان معروفست که در مزار شیعه در رکابش بحج مشرف شدند .

2- مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 291 متن) ضمن تاریخچه بنای مسجد حاج محمد جعفر آبا ده ای می نویسد :

از اصحاب خاص مرحوم سید بزرگ بود (سید بزرگ در مقابل سید کوچک از اولین مرحوم سید حجة الاسلام و از دوم حاج سید اسد الله مراد می باشد) و در سفر حج که علمای عامه خواسته بودند با سید مباحثه و احتجاج نمایند و مسائلی را انتخاب نموده که مشکل باشد حاجی آبادهای خود را بشکل آشپزی در آورده وقتی علماء بیان سؤال نموده بودند سید فرموده بود :

جعفر آشپز بیا این مسائل را جواب بگو (اشاره به اینکه مسائل شما آنقدر ساده و سطحی است که حتی آشپز من قادر بجوابگویی از آنها میباشد) حاجی با زنجیر آویزان و کارد مطبخی که به کمر زده بود آمد و نشست و همه آن سؤالات را جواب گفت مطابق فتاوی ائمه خودشان . 3- مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (97) در ضمن شرح حال مرحوم سید حجة الاسلام می نویسد : در حج بیت الله علمای مذاهب اربعه تمکین مقام بزرگش را نمودند و میخهائی که برای تعیین حدود طواف بزمین نصب فرمود را پذیرفتند و شیعه را در رکن شافعی متعرض نشدند.

4- و هم در این سفر فدک را که حق حضرت زهراء سلام الله علیها بود و در طول تاریخ غصب شده بود گرفته و به سادات مدینه واگذار فرمود .

تذکر: در زمان برخی از خلفاء فدورا ظاهرآبه بنی فاطمه علیه اسلام برگردانیدند لکن ائمه اطهار علیهم السلام آنرا قبول نفرمودند از آن جمله در زمان :

1- عمر بن عبدالعزیز بن مروان .

ص: 125

2- ابو العباس سفاح اولین خلیفه بنی عباس . 3- مامون الرشید .

5- در این سفر پس از زیارت حرمین شریفین به اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام مشرف شد. تنکابنی در قصص العلماء (ص 144 می نویسد :

در ایران حضرت سید الشهداء علیه السلام نماز جماعت میکرد یکی از طلاب که در دوره تحصیل با مرحوم سید معاصر و معاشر وهمداری بود بعد از نماز عشاء به خدمت ایشان آمده و خواهش کرد که شب به حجره او جهت تعشی بروند مرحوم سید با کمال گشاده روئی قبول فرمودند و بحجره او رفته و پس از صرف شام فرمودند اگر قبل از نماز دعوت میکردی چون موجب تکلف و زحمت جهت شما بود نمی پذیرفتم اما اکنون با کمال میل آمدم چون کاشف از بی قیدی و درویشی

است.

چند پیش آمد تاریخی

را در بسیاری از وقایع مهمه قابل ذکر در زمان مرحوم سید حجة الاسلام در این دوره :

1- در سال 1237 بروز مرض وبا در صفهان و یزد و شیراز و دادن تلفات بسیار .

2- در سال 1239 وقوع زلزله سخت در اصفهان و شکست برداشتن ابوان جنوبی مسجد شاه . .

3- در سال 1241 صدور حکم جهاد از طرف مرحوم آقا سید محمد مجاهد .

4- در سال 1244 مجددا بروز و شیوع مرض وبا در شهرهای ایران بالاخص اصفهان .

ص: 126

5- در سال 1247 بروز نحطی و گرانی در اصفهان و بیشتر از شهرهای ایران که در سال بعد شدت یافت.

6- در سال 1250 قحط و غلای سخت در اصفهان .

شروع ساختمان مسجد سید

مرحوم سید حجة الاسلام از سال 1245 شروع ساختمان مسجد بزرگ و جامعی در محله بیدآباد نزدیک منازل خود نمود تا هنگام وفات بآن اشتغال داشته و مسجد ناتمام از دنیا رحلت نمود لکن اساس مسجد ساخته شده بود و تزیینات آن ناتمام مانده بود.

شرح و کیفیت بنای این مسجد عظیم که بیانگر علو همت و معه نظر و قدرن مادی و معنوی مرحوم سید حجة الاسلام می باشد بعدا نوشته میشود .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 288) شروع ساختمان مسجد را بسال 1940 مینویسد و قول اول از علامه صاحب روضات الجناتست .

رد تقاضای فتح علیشاه

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 149) می نویسد :

روزی فتح علیشاه با سید حجة الاسلام بتماشای مسجد رفتند . شاه از سید استدعا کرد که او را در ساختمان مسجد شریک گرداند . مرحوم سید حجة الاسلام تقاضای او را رد نموده و قبول نفرمودند .

فتح علیشاه به سید اظهار داشت که شما ندرن براندام و انجام آنرا ندارید. مرحوم سید در جواب فرمودند : دست من در خزینه خلاق عالم است (اشاره به اینکه هر مبلغ مخارج ساختمان باشد خداوند عالم بلطف و کرم خود حواله

ص: 127

فرموده و مردمان خیر و نیکوکار بدون هیچگونه توقع کمک خواهند کرد).

پناهندگی مشیر الملک شیرازی به سید حجة الاسلام :

مرحوم انصاری در ضمن وقایع سال 1248 در تاریخ اصفهان وری (ص 253) می نویسد :

میرزا محمد علی مشیر الملک شیرازی نظر بدشمنی حاج میرزا علی اکبر قوام الملک و ایلخانی فارسی از وزارت عزل و به عتبات رفته و پاصفهان برگشته به حجة الاسلام سید پناهنده شد.

مهدی بامداد در کتاب : شرح حال رجال ایران (ص 456 سوم) به خلاصه می نویسد : میرزا محمد علی بن میرزا ابراهیم حسینی شیرازی در سال 1177 متولد و در 1243 بوزارت فارس در حکومت حسینعلی میرزا فرمانفرما انتخاب شده و در 1248 معزول گردید.

سرانجام در سال 1262 با 1264 وفات یافت .

برای آگهی بیشتر از جریان زندگانی مشیر الملک شیرازی طالبین بکتاب : شرح حال رجال ایران و فارسنامه ناصری و دیگر کتب مربوطه مراجعه فرمایند .

ص: 128

اشاره

(ثروت و دارائی مرحوم سید حجة الاسلام) یکی از موضوعاتی که از زمان حیات مرحوم سید حجة الاسلام تاکنون مورد بحث موافقین و مخالفین قرار گرفته است مربوط به ثروت و مکنت ایشانست

هر یک از دو دسته در این مورد مطالبی اظهار داشته و آنرا بگونه ای تعبیر کرده اند . مطالب مورد بحث قرار زیر است :

1- منبع این ثروت از چه راهی بوده است ؟ 2- مقدار آن چقدر بوده ؟ 3- در چه راهی بکار میرفته است ؟ ایک بطور اختصار پشرح موارد بالا میپردازیم .

ثروتمندان از علما شیعه

(مقدمه) : در بین علماء بزرگوار شیعه چند تن به ثروتمندی و قدرت مالی مشهورند از آنجمله است :

سید مرتضی علم الهدی: ابوالقاسم علی بن ابو احمد حسین بن موسی بن محمد بن موسی بن ابراهیم بن الإمام موسی الکاظم علیه السلام

درباره ثروت او مطالب زیادی نقل شده از آنجمله :

- کتابخانه او دارای 140 هزار جلد کتاب بوده .

2- قیمت کتابخانه او را سی هزار دینار نوشته اند . (غیر از کتب نفیسه ونادره)

3- کتابهای او را مفتصد شتر باید حمل میکردند . 4- هشتاد هزار کتاب تالیفات ومحفوظاتش بوده است .

5- و به عوائد املاکش سالیانه 26 هزار دینار بوده . (دینار طلای هزار سال قبل)

6- در سفر حج از بغداد تا مکه همه جا در ملک خود منزل کرده است . 7- املاک او هشتاد تریه بوده .

در باره ثروت و دارائی اور مطالب بیشتری در کتب تراجم رجال نقل شده طالبین به آنجا مراجعه کنند. وی در رجب 355 متولد و در یک شنبه 25 ربیع الاول 436 وفات یافته ، در خانه خود در بغداد و یا در کاظمین دفن شده سپس جنازه بکر بلا منتقل و در جوار قبر شریف حضرت سیدالشهداء علیه السلام مدفون گردید.

(تذکر) : خوانندگان محترم باید متوجه باشند که علماء اسلام و فقهاء بزرگوار شیعه هرگز کاری بر خلاف موازین شریعت مطهر انجام نداده و آنچه عمل کرده اند مطابق احکام دین وسنت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم وائمه طاهرین علیهم السلام بوده است. البته نمی گوئیم معصوم بوده اند لکن کار خلاف شریعت نیز انجام نداده اند.

اما اینکه این ثروتها از کجا بدست آمده است مطلبی است که پس از گذشت قرنها از زمان آن بزرگواران راه تحقیق آن بر ما بسته است . همه نویسندگان صاحبان آنها را بصفت عدالت ستوده اند بنابر این کاوش و تحقیق در باره منبع ثروت آنان لزوم ندارد .

یکی دیگر از علماء بزرگوار شیعه که بداشتن ثروت زیاد معروف گردیده است مرحوم سید حجة الاسلام شفتی می باشد .

نویسندگان کتب در باره ثروت و دارائی مرحوم سید حجة الاسلام داستاها و گزافه گوئها کرده و هر یک بر حسب نوع فکر و اندیشه خود آنرا بگونه ای تفسیر و تعبیر نموده است .

افسانه ثروت

مرحوم تنکابنی اول کسی است که در باره ثروت و مکنت مالی مرحوم سید حجة الاسلام در قصص العلماء (ص 141) سخن گفته است . مشار الیه در باره این موضوع بخلاصه می نویسد :

دولت آن بزرگوار از احصاء گویا گذشته است. او درباره این موضوع می نویسد :

1- خانه اش مشتمل بود بر دور ویوت بسیار . (منزل آنا محمد بیدآبادی)

2- هفت پسر داشت هر یک اندرونی و بیرونی علیحده و مخارج ایشان جدا بود .

3- فرزند اکبرش آقا میرزا زین العابدین در اصطبل خود هفده اسب بسته داشت.

4 - شتر خانه و قاطر خانه داشت.

5 - عیال حجة الاسلام قطع نظر از پسران و عیال ایشان میبند نفر بودند از غلامان و کنیزان و زنان .

6- قراء و ضیاع و عقار بی اندازه داشته 7- در شهر اصفهان گویا چهار صد کاروانسرا داشته.

ص: 131

8- زیاده از دو هزار باب دكاكین داشت.

9- یکی از قرای آن در اصفهان کرونند بود که نهصد خروار برنج مقرری آنجا بود غیر از گندم و جو و سایر حبوبات .

10 - یک باب آسیا در نجف آباد داشت که اجاره آن روزانه یک تومان بود . 11 - املاکی در بروجرد داشت که در آمد سالیانه اش شش هزار تومان

12 - املاکی در یزد داشت که در آمد سالیانه آنها دو هزار تومان بود . 13 - دهانی در شیراز داشت که در آمد آنها سالیانه چند هزار تومان بوده 14 - سالی هفده هزار تومان مالیات میداد .

15 - پس از وفات کتابخانه او را مرحوم حاج سید اسد الله در سهم خود برداشت و بقیه املاکرا دیگران (م 14 فصص العلماء)

16- کتابخانه او را پنجاه هزار تومان قیمت کردند (ص 142 قصص)

نویسنده گوید : مرحوم تنکابنی در اول بیان خود اظهار نظر کرده که ثروت ایشان از حد گذشته است و سپس خود آنرا احمداه نمود و مقدار آنرا معین کرد . حتی میزان مالیات آنرا نیز ذکر نمود .

آیا صورت ریز دارائی واملاک مرحوم سید حجة الاسلام و میزان در آمد آنها را چه کسی به مرحوم تنکابنی داده است. این عالم بزرگوار که مطابق آنچه همه مؤلفین کتب تراجم رجال در باره او نوشته اند فقیهی ساده لوح و زودباور بوده و هر چه را از هرکس می شنیده باور کرده و احتمال دروغ در باره آن نداده و آنرا عیناً در نوشته های خود متذکر میشده است. کتاب قصص العلماء از این نوع مطالب زیاد دارد

سید محمد علی جمال زاده کتاب قصه قصه ها را از کتاب قصص العلماء اقتباس

ص: 132

نموده است.

واما آنچه راجع به خانه سید حجة الاسلام گفته ، تمام خانه های بزرگان راعیان و علماء و بازرگانان اصفهان و اغلب شهرهای ایران تا قبل از سالهای اخیر مشتمل بر بیرونی و اندرونی بود . بیرونی جهت دید و بازدیدها و مراجعین و اندرونی برای زن و فرزند صاحب خانه که در آنجا به آسودگی دور از چشم و نظر بیگانگان و نامحرمان بکارهای خود مشغول باشند.

مرحوم سید حجة الاسلام در موقع وفات دارای هفت فرزند پسر بوده که بعضی از آنها کوچک بوده وزن و فرزند نداشتند که احتیاج به خانه جدا گانه داشته باشند مانند مرحوم حاج سید جعفر متوفی در عاشورای سال 1320 قمری.

می نویسد در شهر اصفهان گویا چهار صد کاروانسرا داشت .

مرحوم حاج میر سید علی جناب اصفهانی (1287 - 1349) در کتاب : الأصفهان (ص 56 و هفت مقدمه) در سال 1343 یعنی تقریباً هشتاد سال پس از وفات مرحوم سید حجة الاسلام جمعه در اصفهان 172 کاروانسرا و تیمچه ذکر می کند معلوم نیست که 227 کاروانسرای دیگر که مرحوم سید داشته کجا بوده و چه نام داشته و در این مدت هشتاد سال چه بر سر آنها آمده است. آیا غیر از این چهار صد کاروانسرا که او می نویسد باز هم در اصفهان کاروانسرائی وجود داشته است یا خیر .

همین حالت را دارد در هزار باب دکان که می نویسد مالک آنها مرحوم سید حجة الاسلام بوده است.

بر اساس تر از همه آنکه می نویسد : یکی از قرای ملکی ایشان کرونند است .

مرحوم جناب در الأصفهان (ص 161) و مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص 180) در باره کرون بخلاصه می نویسند : کرون از دو قسمت تشکیل یافته :

ص: 133

- کرون 2- دهق.

بلوک کرون در مغرب اصفهان واقع است، ابتدای آن مفت فرسخ و انتهای آن 24 یا 22 فرسخ تا شهر فاصله دارد دارای حدود چهل و اندی قریه و مزرعه می باشد.

قراء معروف و معتبر آن عبارتند از : تبران (طهران) - اسفید واجان - بر پشت (ورپشت) - چاجا- عسکران - کهریزجان - افجان - نسیم آباد- گنهران - احمد رضا.

قسمت دیگر کرون که به عربستان معروفست قراه مهم آن : دهن - علوی (علویجه) حسنی (به ضم اول) اشن (به فتح اول و دوم) - چاله سیاه وغیره .

اما در عرف محل قریه شیران را کرون می نامند و محصول عمده آنجا غلات است انگور و بادام آنجا معروفست و آب مزروعی بیشتر دهات از قنوات کم عمق و بی اعتبار است . سه چشمه در آنجا جاریست که آبش بمصرف زراعت میرسد.

برنج در بلوک کرون کشت نمیشود تا آنکه سهم مالکانه آن نهصد خروار باشد و این بیان از مؤلف قصص العلماء گزافه ای بیش نیست.

ظاهراً مرحوم سید حجة الاسلام از تمام بلوک کرون مالک مزرعه تندران (یا قسمتی از آن بوده) که گاهی از ایام در تابستان جهت هواخوری و استراحت بدانجا مسافرت مینموده و مرحوم تنکابنی تصور کرده است که بلوک کرون یعنی قریه بامزرعه تندران .

داستانی شنیدنی

یکی از علماء سماکن دمت اصفهان در زمان ریاست وزعامت و قدرت مرحوم

ص: 134

حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی مسجد شاهی (1262 - 1232) از طرف ایشان جهت رسیدگی به امور دینی مردم و فصل خصومات و دعاوی تعیین شده بود .

مردم قراء و دهات اطراف محل سکونت وی در کلیه کارها با مراجعه نموده و او با دقت تمام به کار آنها رسیدگی کرده و حکم شرعی صادر مینمود احکام را جهت تنفیذ و اجراء بنزد مرحوم آقا نجفی آورده ایشان بدون تأمل امضاء می کردند .

وقتی مابین دو نفر از مالکین اختلاف شد و مبلغ ما به النزاع قریب یکصد هزار تومان بود عالم مزبور به اختلاف رسیدگی نموده و پس از بررسی های لازم در اسناد و شهود طرفین به نفع یکی از آنها حکمی نوشت . حکم را جهت امضاء بنزد آقا نجفی بردند مرحوم آقا نجفی پس از مطالعه با کمال آرامی و متانت حکم را زیر تشک قرارداد و فرمود (تا به بینم) و امضاء نکرد . خبر به عالم نامبرده رسید این عمل مرحوم آقای نجفی را توهین بخود و دلیل عدم توثیق دانسته فوراً بشهر آمده و در مسجد شاه موقع درس شرفیاب شد و بدون رعایت آداب فریاد زد :

آقا مگر من مجتهد نیستم ؟ چرا شما مجتهد می باشید . مگر من عادل نیستم ؟ چرا، عدالت شما جای شبهه نیست . مگر مورد وثقون شما نیستم ؟ چرا .

با این وصف مگر من قابل حکومت کردن بین مردم نیستم ؟ البته شما شایستگی دارید و بدون آنکه از داد و فریاد او ناراحت شده باشد با کمال آرامی و خوشروئی فرمود:

بی شما تا حدود بیست هزار تومان را میدانید چقدر است و در حکمی در باره آن بدهید صحیح و قابل اجرا می باشد اما شما هرگز صد هزار تومان را نمیدانید چرن تاکنون چنین پولی ندیده اید و فقط عدد آنرا شنیده اید و بنا بر این هر حکمی

که بدهید قابل تأمل و دقت است چون ممکن است در صدور حکم تعجیل و یا غفلت شده باشد .

مرحوم تنکابنی با ساگی میزان ثروت مرحوم سید حجة الاسلام را نوشته است.

اما آنچه مسلم و یقینی است آنکه مرحوم سید حجة الاسلام دارای ثروتی سرشار بوده و پولهای زیادی بعنوانین مختلفه نزد او جمع میشده و ایشان آنها را طبق موازین شرعی به مستحقین آن می پرداخته است.

منبع ثروت مرحوم سید حجة الاسلام

درباره منبع ثروت و دارائی مرحوم سید حجة الاسلام روایات و افسانه های زیادی گفته شده است از آنجمله :

- 1- بنا بفرموده خود سید دست او در خزانه غیب خداوندی بوده است بعضی از افراد مفهوم این جمله کوتاه و پر معنی را درک نکرده اند که مقصود از بیان آن چیزی غیر از خواست خداوند و اراده حق تعالی عز شانه نبوده که در شش آیه از آیات قرآن کریم می فرماید « یسط الرزق لمن یشاء ویقدر» و در سه آیه دیگر میفرماید و « یسط الرزق لمن یشاء من عباده ویقدر» و جمعاً در ته آیه گشاده روزی بودن و تنگ بودن روزی را خداوند بخود نسبت میدهد.
- 2- ایشان علم قرطاس داشته یعنی کاغذ را می پیچیده و با انجام دادن اعمالی کاغذ تبدیل به ورقه طلا میشده که این خرافه ای بیش نیست .
- 3- دارای علم کیمیا بوده که بوسیله آن مس را به طلا تبدیل می نموده و این نیز افسانه ای بیش نیست.
- 4- در یکی از خانه های خود که قبلاً متعلق به علامه جلیل حکیم بزرگوار

آقا محمد بیدآبادی بوده گنجی یافته است. ظاهراً این نیز توهمی و خیالی بیشتر نباشد .

و یکی از خوانین شفت مالی گزاف بنزد مرحوم سیدحجة الاسلام فرستاده و گفت قسمتی از آن متعلق به خود آن مرحوم باشد و بقیه را بمعامله داده نمود آن نیز متعلق به خود سید حجة الاسلام بوده و پس از فوت خان مزبور آن مبلغ در مصارف خبر به بکار برده شود . (آنچه یقینی است مقدمه ثروت مرحوم سید حجة الاسلام از همین جا شروع میشود).

6- مرحوم سید حجة الاسلام از پولیکه از شفت رسیده بود و سهمیه خود آن جناب بود مزرعه ای خرید و زراعت کرد و در آمد زراعت را بهره ای صرف زندگی خود نموده و با ما زاد آن املاک دیگری خرید

7- با پولی که قرار بود تجارت نماید آنرا بکار کسب و تجارت زده (مضاربه) و از این راه سودی سرشار بدست آورد و آنچه مربوط بخود ایشان بود بمصرف شخصی می‌رسانیدند.

8- چون مرجعیت نامه یافت از اطراف وجوانب وشهرهای ایران و خارج از کشور مانند هند وافغانستان وجوهرات شرعیه از خمس و زکوة و صدقات وسهم مبارک امام علیه السلام بنزد ایشان می‌آوردند و مرحوم سید آنرا طبق موازین شرعیه مصرف مینمود .

9- چندین سال متوالی در ایران مرض وبا شیوع داشت و تلفات زیادی داد بطوری که در شهر رشت تنها در سال 1247 فریبا هفتاد هزار نفر مردند وعده زیادی از آنها وارثی نداشتند و ما ترک آنها طبق احکام اسلام به امام علیه السلام و در زمان غیبت آن حضرت به نواب عام آن حضرت میر سید . این اموال نزد سید حجة الاسلام جمع شده و ایشان آنها را بمصارف شرعیه می‌رسانید .

10- از طرف تجار و مالکین واعیان تحف و هدایائی خدمتشان تقدیم میشد. اینک به چهار داستان زیر توجه کنید : 1- تنکابنی در فصح العلماء (ص 142) می نویسد :

وقتی فتح علیشاه در اصفهان و در عمارت هشت دست منزل داشت دوربین انداخته از دور می بیند که فیلی را بار کرده اند می آورند ، به اطرافیان می گوید که فیلی با بار برای ما می آورند . پس از مدتی مشاهده می کنند که آنرا از روی پسل زاینده رود گذرانده بسمت شهر میبرند ، شاه میپرسد که این فیل از کیست و بارش چیست؟ در جواب می گویند فیل از تجار هندوستان است و بار آن وجوهات شرعیه است که نزد سید حجة الاسلام میبرند .

فتح علیشاه قلباً ناراضی میشود لکن بصورت ظاهر چیزی اظهار نمی کند . چون فیل و بار آنرا نزد مرحوم سید حجة الاسلام میبرند و داستان را نقل می کنند آن بزرگوار وجوهات را تصرف کرده و فیل را برای شاه می فرستد .

2- حاجی شیروانی در بستان السیاحه (ص 208) می نویسد :

فریب دوازده سال میشود (در سال 1247 نوشته است که در تمامت ایران من جمله ارض گیلان لشکر وبا و طاعون آمده گروه انبوه و قوم باشکوه در عرصه عدم گوشه گرفتند چنانکه در همین سال (یعنی سال 1247) از ریفه رشت که یکی از شهرهای گیلانست شصت هزار و بروایتی هفتاد هزار کس بعلت طاعون بعالم آخرت رفتند دیگر بلاد آنجا را از این قرار حساب کنید .

3- در فصح العلماء (ص 149) می نویسد :

در سال طاعون در شهر رشت اموال بلا وارث و مالک بسیار جمع کرده بودند. فتح علیشاه بدیدن سید رفت و گفت :

پادشاه صاحب عیال و بسیار فقیر شده است شما از آن اموال که در رشت جمع

ص: 138

شده بمابرات کرده باشید. مرحوم سید حجة الاسلام بیست هزار تومان بشاه برات کرد که در رشت از آن اموال باو بدهند .

4- باز مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 149) می نویسد :

در روز عید غدیر تجار اصفهان هر کسی بفراخور حال خود از صد تومان و دویست تومان و کمتر و بیشتر خدمت آنجناب میدادند که بفقراء بذل کند .

یک روز عید غدیر

مرحوم تنکابنی در دنباله گفتار بالا می نویسد :

مرحوم سید حجة الاسلام در یک روز عید غدیر به مسجد رفته و بر منبر بر آمد و در اطراف او کیسه های وجوهات را گذارده بودند از طلا و نقره و مس . مرحوم سید حجة الاسلام حکم کرد که فقرا مقابل یکی از درهای مسجد جمع شده سپس یک یک آمده سهمیه خود را گرفته از در دیگر بیرون روند .

فقراء جمعیت کرده و هر کدام می آمدند مرحوم سید یک مشت از طلا و نقره بآنها میداد تاچه مبلغ باشد (یعنی نمیشمرد و میداد) در مدت یک ساعت تمام وجوهات را بفقراء داده بود حساب کردند مبلغ آن هیجده هزار تومان بود .

سخاوت سید

اکنون که خوانندگان محترم از میزان تقریبی ثروت مرحوم سید حجة الاسلام و منبع آن اجمالا آگهی یافتند لازم است بدانند که سید حجة الاسلام این اموال خداداد را در چه راهی و چگونه مصرف می کرده است.

علامه صاحب روضات الجنات (ص 290 دوم ترجمه روضات) در باره

ص: 139

این موضوع می نویسد :

حجة الاسلام در جود و بخشش بوايه ای بود که میتوان گفت همه موجودات در گرو احسان او بوده و او از علم و مال و مقام نسبت به هیچیک از نیازمندان دریغ نمیداشت

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 147) می نویسد :

سخاوت مرحوم سید حجة الاسلام بیشتر از توصیف واصفین است چه خود آن وجود مبارک بر اسم برمکیان و حاتم عربان خط محو کشید .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص 96) می نویسد : فتوتش نام اسخیای جهان را بر طاق نسیان نهاد . ایک چند نمونه از سخاوت و فتوت آن بزرگوار :

1- مرحوم انصاری در کتاب تاریخ اصفهان (ص 97) می نویسد :

غالباً در تألیف قلوب سنیان عطایای گزاف دادی ، وقتی به شیخی کردستانی دو هزار تومان بخشید.

2- در عموم کتب تراجم رجال در باره اعانت و رسیدگی او بحال علماء و طلاب مطالب زیادی نقل شده که بعداً بمناسبت ذکری از برخی از آنها میشود.

3- هر ساله برای فقرای مدینه و جوهی میفرستاد .

4 - غیر از فقراء که بحال آنان رسیدگی مینمود و علماء را که زندگانشانرا اداره میکرد به تجار و کسبه و حتی اعیان و بزرگان شهر نیز اعانت و کمک مینمود چه بعنوان فرض و چه باسم بخشیدن .

5- در قصص العلماء (ص 147) از قول عالم جلیل مولی علی اکبر خونساری نقل می کند که: روزی در کتابخانه مرحوم حجة الاسلام وارد شدم دیدم انقدر پول طلا و نقره از بابت سهم مبارک امام علیه السلام ریخته اند که ایشان که

ص: 140

در آن طرف نشسته بود به سختی دیده میشد و آن وجره در بین من و ایشان حایل بود.

مرحوم سید حجة الاسلام برای من دستور قلیان داد گماشتگان سید قلیان را آورده و من مشغول کشیدن شدم. قرار سادات را خبر کردند و آنها بحالت جمعیت آمدند. مرحوم سید حجة الاسلام بهر یک از آنها باندازه یک مشت پول طلا و نقره میداد. هنوز قلیان کشیدن من تمام نشده بود که آن پول تمام شده بود.

مولی علی اکبر خونساری می گوید: من در حال تعجب و خوشحالی اظهار داشتم که:

شمارا در اموال امام علیه السلام زیاد تجری و بیباکی است. سید در جواب فرمودند: بلی پسر در مال پدر بیشتر از این تصرفات می کند.

6- مؤلف قصص العلماء در کتاب نامبرده (ص 147) می نویسد:

فقیر مؤلف کتاب روزی از منزل خود بمدرسه میرزا حسین (که در جنب مسجد سید و در بازارچه بید آباد قرار دارد) میرفتم در اثناء راه بکوچه جنب خانه سید حجة الاسلام گذارم افتاد جمعیت زیادی از فقرا و سادات را دیدم که بسمت خانه سید میرفتند. بطوری که از کثرت مده آنان عبور از کوچه سخت شده بود. علت را پرسیدم جواب دارند که معادل هشتصد تومان سهم مبارک امام علیه السلام از بروجرد آورده اند نزد سید حجة الاسلام و ایشان دستور فرموده اند فقراء سادات را خبر کنند تا آن وجه را بین ایشان تقسیم کند. پس از حضور سادات بهر یک از آنان معادن یک دکله با بیشتر قلمکار و مقداری پول داد. و تمام آن وجوه را در نیم ساعت تقسیم نمود.

7- در بازار چه بید آباد دو باب دکان یکی نانوائی و دیگری قصابی داشت

ص: 141

برای قراء که گندم نانوائی از خود ایشان بود و همچنین گوشت دکان قصابی (یعنی نان و گوشت از خود مرحوم سید حجة الاسلام بود) و بفقراء حواله مینمود که هر کدام روزانه مقدار معینی معادل مایحتاج آنها از آن دکانها نانو گوشت مجانا دریافت دارند و ظاهرا عده موظفین حدود هزار نفر بودند یا بیشتر (قصص العلماء ص 149)

8- مؤلف قصص العلماء (ص 149) گوید :

شخصی نقل کرد که موقعی گرفتار فقر شده بودم و چند روز بود که غذائی بدست نیاورده بودم ، یکی از شبها در حین عبور از کوچه به سید حجة الاسلام بر خورد کردم . چون بمن رسیدند بدون آنکه من بایشان اظهاری کرده باشم مقداری سکه طلا بمن عنایت نموده و گذشت، و این خود یکی از کرامات آنجناب است که از حال آن شخص مطلع گردید بدون آنکه کسی بایشان خبر داده باشد .

یک نمونه از بخشندگی و رسیدگی بامور طلاب

9-داستان زیر را نویسنده از یکی از علماء اصفهان راجع به مرحوم سید حجة الاسلام شنیدم:

در یکی از شبهای سرد زمستان که برف به شدت میارید طلبه فقیری از شاگردان مرحوم حاجی کلباسی از مدرسه بمنزل میروند بارسیدن بمنزل مشاهده می کند :

1- سقف اطاق مسکونی او خراب شده و نیمی از آن فروریخته است . 2- عیال او در حال وضع حمل است.

3- هیچ نوع وسیله ای برای گرم کردن اطاق و برای خود و عیالش غذا و خوراک و برای بچه لباس ندارد .

ص: 142

4 - دکاندارهای محله در اثر سرما و بارندگی عموماً بسته اند و ضمناً در اثر نسبه گرفتن و دبر پرداخت کردن وجه آن باو نسبه نمیدهند .

مطالبه نامبرده در حال اضطراب و تشویش به استاد خود مراجعه نموده و شرح حال و گزارش کار خود را کلاً جهت ایشان نقل می کند .

مرحوم حاجی کلباسی که در مصرف وجوهات شرعیه نهایت احتیاط را میفرموده طبق معمول جهت کمک بآن بیچاره استخاره می کند و اتفاقاً بد می آید، باکمال ناراحتی میفرماید : وضع ترا میدانم و از گرفتاری آگاه شدم و بدین جهت خیلی ناراحت می باشم لکن استخاره جهت کمک مادی به تو در این وقت بد آند شاید حکمتی در آن باشد. طلبه مزبور با کمال یأس و ناامیدی به مرحوم سید حجة الاسلام مراجعه می کند وقتی به آن جناب میرسد که ایشان از مسجد عازم منزل بوده اند در بین راه وضع نابسامانی خود را برای ایشان نقل می کند، مرحوم سید حجة الاسلام حرفهای او را گوش داده و چیزی نمیفرماید فقط پرسد خانه تو کجاست اونشائی منزل خود را داده در این وقت پدرسرای مرحوم سید رسیده بودند باتفاق وارد شده و با هم به اطاق داخل می شوند، سید به او میفرماید شما این جا زیر کرسی نشسته باشید تا من بیایم . بیچاره زیر کرسی می نشیند در اثر خستگی از یک طرف و گرمی کرسی خوابش میبرد ، پس از اندک زمانی سراسیمه و وحشت زده از خواب بیدار میشود مشاهده می کند که سید در گوشه اطاق ایستاده و بحال خود مشغول است و با دیدن او میفرماید :

آسوده باشید راحت باشید عیالتان سلامتی فارغ شد و اکنون در اطاق مجاور خوابیده است اگر میخواهید بروید و او را ببینید مطالبه نام برده نمیداند که : آنچه می بیند و از سید حجة الاسلام می شود به بیداری است یا بخواب . با استجازه از

سید به اطاق مجاور رفته و مشاهده می کند : اطاقی آراسته و گرم کرسی و بخاری و منقل پر از آتش و عیال او با کودک خود در زیر لحاف کرسی استراحت نموده اند به اطاق اولیه برمیگردد لکن دیگر سید حجة الاسلام تشریف ندارند . سرما و شدت برف همه چیز را از یاد او میبرد. اکنون اطاق مرتب و شام مهیا و خدمتگزاران آماده فرمانبرداری دیگر از خانه خراب و زندگی بی سروسامان خود بادی نمی کند مدتی قریب یکماه کمتر یا بیشتر می گذرد و هیچ بفرکر خانه خود نیست روزها به جلسه درس مرحوم سید حجة الاسلام رفته و بعداً بخانه می آید.

پس از گذشتن تقریباً یک ماه روزی سید حجة الاسلام در اطاق بیدارش تشریف می آورند و در ضمن احوال پرسى میفرماید :

آقا . خانه و اطاقان ساخته شده است. اگر خواسته باشید تا موقعی که من حیات دارم در این جامی مانید و اگر بخواهید بمنزل خود میروید بسته بنظر خودتان است . اگر خواستید بروید آنچه از مایحتاج زندگی در این اطاقست متعلق به شما می باشد . هر ماه حقوق خود را از نمایندگان ما دریافت دارید ، اگر وقتی کاری داشتید و نیازی پیدا کردید مستقیماً به خود من مراجعه کنید ، طلبه نامبرده با کمال مسرت و خوشحالی ضمن دعا کردن به آن بزرگوار اثاث البیت را جمع آوری نموده و خود و عیالات بمنزل قدیم خود که مخروبه بود و اکنون تعمیرات کافی در آن شده است نقل مکان می کنند.

پس از مدتی یک روز به مرحوم حاجی کلباسی برخورد می کند ، حاجی میفرماید : من در آن شب برای تو خیلی ناراحت شدم اما استخاره بد آمد، تودر آن شب چه کردی ؟

طلبه نامبرده جریان کار خود را من البدو الی الختم برای حاجی تعریف کرد

و گفت سید مرا از گرفتاری و فقر نجات داده مرحوم حاجی فرمودند: اکنون متوجه سر بد آمدن استخاره در آن شبه شدم زیرا اگر من بتو کمک می کردم مبلغ خیلی

جزئی بود که شاید مخارج همان شب را نیز کفایت نمی کرد اما سید حجة الاسلام بعون الله تبارک و تعالی و نظر اجداد کبارش را از گرفتاری و مصیبت و هم غم فقر نجات داد . 10 - ملا قربانعلی قزوینی شاعر متخلص به بیدل مداح و مرثیه سرای معروف وقتی خدمت سید حجة الاسلام رسید و از گرفتاری و فقر خود شکایت نمود ، آن مرحوم نقدا مبلغ یکصد تومان به او پرداخت و یکصد تومان دیگر نیز به تاجری در بروجرد حواله کرد و به تاجری دیگری نیز یکصد تومان دیگر برات فرمود که جمعة مبلغ سیصد تومان به وی پرداخت نمود . (قصص العلماء ص 147).

اینار

از قول مرحوم سید حجة الاسلام نقل شده است که فرموده بودند :

در اواخر دوران فقر و ناداری روزی قلیل وجهی رسید بیازار رفته و خواستم غذائی جهت خود و خانواده ام تهیه کنم ، از قصاب جگر بندی بعلت ارزانی آن خریدم و بسمت منزل روانه شدم در بین راه خرابهای بنظم آمد در آنجا نگاه کرده سگی ماده و چندین توله سگ دیدم که دور مادر جمع شده بودند ، ماده سگ ضعیف و در پستان هایش شبر نبود و بچه های او چون در پستان مادرشان شیر نبود مرتب زوزه می کشیدند، من بر حالت آن سگ و بچه هایش رقت آوردم و آنها را بر خود و عیالم مقدم دانستم .

جگر بند را نزد آنها انداخته آن حیوانات بی چاره و گرسنه یک باره بر آن حمله آورده و بیک آن آنرا خوردند . من ایستاده و تماشا میکردم .
پس از

ص: 145

آنکه از خوردن فارغ شدند ماده سگ سر بر آسمان بلند کرده گویا دعا میکرد .

مرحوم سید حجة الاسلام فرموده بودند که پس از آن روز در های روزی بر من گشاده شد و دولت و مکتب و ثروت روی بمن آورد و هر روز در تزیید بود (ص 140 قصص العلماء)

کتابخانه مرحوم سید

مرحوم سید حجة الاسلام عشق و علاقه زیادی به کتاب و جمع آوری نسخ آن داشت ولی همچون عموم دانشمندان علاوه بر آنکه خود کتاب را وسیله مطالعه و تالیف و تصنیف میدانست برای حفظ و نگهداری آثار علمی گذشتگان از دستبرد زمان نهایت سعی و کوشش را مبذول میداشت.

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 142) در این موضوع بشرح زیر داستانی نقل می کند:

مرحوم سید حجة الاسلام تا آخر عمر کتاب می خرید ، در همان سالی که فوت شد در ایام ماه مبارک رمضان به مسجد او رفتم و کسبه از هر صند ، در مسجد او بساط انداخته بودند (این رسم تا حدود پنجاه سال قبل نیز در آن مسجد برقرار بود) کتابفروشی هم در آنجا آمده بساط گسترده بود، روزی برای دیدن و خریدن کتاب نزد او رفتم در میان کتابهای او چند کتاب برداشتم که یکی حاشیه شیخ محمد پسر صاحب معالم بود بر تهذیب شیخ طوسی و بعضی از کتب ریاضیه چون به قیمت پرداختم گران قیمت میکرد ...

روز آخر ماه مبارک شد پس از اداء نماز به سراغ کتابفروش رفتم و همان کتابها را برداشتم در میان گفتگو سید حجة الاسلام به آنجا آمد و نشست و فهرست

ص: 146

کتابها را دید و همان کتابها را که منظور نظر من بود برداشت قیمت کرد کتابفروش آنها را پنج تومان قیمت کرد ، سید مبلغ پنج تومان داده کتابها را به ملازمان خود سپرد که به کتابخانه اش ببرند .

(بیان مرحوم سید حجة الاسلام درباره کتابهای خود). مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 163) می نویسد که :

گویند سید فرموده بود که همه کتب در نزد من هست. بعداً مرحوم تنکابنی گوید : بنظر من این سخن یا خطاست یا مراد از کتب در فن خاصی و یا نوعی بخصوصی باشد والاحیازت کتب مؤلفه اسلامیه در این جزء از زمان گویا از محالات عادیه می باشد .

نویسنده گوید : اگر نقل این بیان از مرحوم سید حجة الاسلام درست باشد ظاهراً گفته ایشان را بدینگونه باید تعبیر کرد که از هر فنی از کلیه فنون کتابی در

نزد من می باشد .

(قیمت کتابخانه مرحوم سید) : همچنین مرحوم تنکابنی می نویسد : در سالی که سید حجة الاسلام بمکه مشرف می شد قیمت کتابخانه او را پنجاه هزار تومان معین کردند، سپس بطور مثال می نویسد : مثلاً شرح لمعه متعدد داشته از کاغذ ترمه و جلد طلا و وزیری ونیم ، ورقی و بغلی وغیره .

(بیانی خارج از حقیقت) : مرحوم تنکابنی در دنباله مطالب خود راجع به کتابخانه مرحوم سید می نویسد :

پس از وفات مرحوم سید حجة الاسلام بعد از وضع قروض آنجناب ترکه ایشان را چون خواستند تقسیم کنند مرحوم حاج سید اسدالله کتابخانه را در سهم خود قبول کرد و املاک دیگر را سایر ورثه برداشتند .

نویسنده گوید : این سخن کلامی است بیرون از تحقیق و حقیقت زیرا که :

اولاً سایر ورثه مرحوم سید نیز همگان از اهل علم و دانش و اجتهاد بودند و علاقه دانشمند به کتاب پیوندی ناگسستنی است و نمیتواند از آن چشم پوشی کند.

ثانیاً از بقایای کتب مرحوم سید حجة الاسلام تا کنون در بین اعقاب و احفاد مرحوم سید حجة الاسلام موجود است با وجودی که در طول زمان بسیاری از آنها با دیگران فروخته شده و یا بنحوی از انحاء دیگر از تصرف آنان خارج گردیده است.

مالیات املاک مرحوم سید حجة الاسلام

مرحوم تنکابنی از شاگردان مرحوم حجة الاسلام بوده سالها در اصفهان میزیسته و آنچه مربوط به مرحوم سید حجة الاسلام است با خود برای العین دیده و یا شنیده است. البته در مسموعات او چون عالمی ساده لوح و زود باور بوده باید با گفته های دیگران تلفیق شده و نتیجه مطلوب را از آن حاصل نمود.

وی در قصص العلماء (ص 141) می نویسد:

فتح علیشاه به مرحوم سید حجة الاسلام گفت: ما از مالیات دهات شما صرف نظر می کنیم. سید فرمودند: این مبلغ را از مالیات اصفهان کسر می کنید یا خیر گفت مالیات اصفهان ثابت است و این مبلغ سرشکن دهات دیگر می شود. سید فرمودند این ظلم است من راضی نمیشوم که مالیات املاک مرا دیگران پردازند و من خود پرداخت می کنم.

وهم مرحوم تنکابنی می نویسد: مالیات املاک اصفهان او سالی هفده هزار تومان بود.

مهدی بامداد که او را باید از مخالفین کلی علماء و بالأخص مجتهدین صاحب قدرت و نفوذ دانست. در ضمن شرح حال سید حجة الاسلام (می) می نویسد:

ص: 148

مالیاتی که در حدود یک صد و پنجاه سال قبل از بابت املاک خود در سال پس از ملاحظات مأمورین دولت از او سالی هفتاد هزار تومان به دولت مالیات بدار ویدر آبادیها و خانه ها و میزان تقدینه او را بچ کس جز او نمیداست .

نویسنده گوید : این نوشته ها به افسانه بیشتر شباهت دارد تا بحقیقت و آقای بامداد که این مطالب را می نویسد نمی گوید از کجا و چه کسی نقل می کند . اگر مأخذ اوقصص العلماء می باشد که از مالیات را هفده هزار تومان نوشته عدد هفتاد هزار تومان از کجا آمده

از این گذشته این آبادی ها و خانه ها و تقدینه ها که هیچ کس میزان آنرا نمیداند پس از مرگ او چه ند و کجا رفت و چرا به فرزندان و نواده و نیرگانش نرسید که برخی از آنها را سراغ داشتیم که در فقر و ناداری و قناعت زندگانی میکردند .

اما آنچه مسلم است مرحوم سید حجة الاسلام عالمی ثروتمند (نسبت ب برخی دیگر از علماء نه نسبت به اعیان و حکام و فرمانروایان) بوده است و آنچه از طریق شرعی بدست می آورده خود نگاهداری و اندوخته نمیکرده و آنها را بفقراء و نیازمندان و مستحقین شرعی آن بخصوص علماء و طلاب و ارحام فقیر خود بذل مینموده و آنچه برای او باقیمانده نام نیک و افسانه ثروت است .

مرگ فتح علیشاه به نفرین سید حجة الاسلام

در سال 1250 یعنی سالیکه فتح علیشاه به اصفهان آمده و در آن وفات یافت در دیداری که از مرحوم سید حجة الاسلام نمود اظهار داشت که :

شما بحمدالله ثروتمند هستید و شاه دارای عیال و فرزند زیاد است و در آمد ار جهت مخارجش کفایت نمی کند لازم است که به او کمک مالی کنید و به این

بهبان میخواست مقداری از اموال و دارائی سید را از تصرف او خارج گرداند .

مرحوم سید حجة الاسلام فرمودند :

رعایت حال افراد مملکت بر پادشاه واجب است و من نیز یکی از افراد این مملکت می باشم ضمناً فقراء و نیازمندان و برخی از خاندانهای شریف و اصیل که راهی جهت اعاشه ندارند را باید سرپرستی کنم و همچنین امور طلاب علوم و علماء و مجتهدین در اصفهان و دیگر ولایات را باید حقوق پردازم و محلی برای کمک به شاه ندارم . فتح علیشاه در خواهش خود اصرار کرد و برای آن مبلغی معین و جهت پرداخت مهلتی مقرر داشت که مرحوم سید حجة الاسلام پردازد.

در روز مقرر مامورینی جهت وصول بدر خانه سید گسیل داشت و آن وقتی بود که جناب سید مشغول وضو گرفتن برای رفتن به مسجد بودند، مأمور وصول پول را تقاضا کرد سید در همان حال دست بدعا برداشته و فرمود : خدایا فتحعلی را با من چکار است دفع شر او بفرمادران استانی

مامورین توقف کردند تا مرحوم سید از مسجد مراجعت نمود اینان تقاضای خود را تکرار کردند . سید فرمود : فرستادم برو به اردو و ببین چه خبر است . مأمور مراجعت کرده چون بنزدیک اردو رسید شنید که میگویند : شاه مرد . یقین حاصل کرد که برترین سید در همان حال بههدف اصابت کرده است .

(علت مرگ فتح علیشاه) . در سبب مرگ فتح علیشاه اختلاف است و در آن دو قول ذکر شده است ؛

1- شاه بمرض سگته مرده است . . 2- مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (م 254) می نویسد : او را مسموم کرده اند .

فتح علیشاه در شب 18 شوال 1185 تولد یافته و در عصر روز پنج شنبه 19 جمادی الثانیه ، 1250 در عمارت مفت دست اصفهان مرد و جنازه او بقم منتقل گردید و دفن شد. آثار قبرش را چند سال اخیر از بین بردند .

برای اطلاع بیشتر از جریان زندگی این پادشاه طالبین به کتب تاریخ مراجعه کنند.

ص: 151

فصل نهم (کیفیت مرافعات مرحوم سید حجه الاسلام) مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 138) در ضمن بیان شرح احوال مرحوم سید حجه الاسلام می نویسد :

فراست سید در قضا و حل خصومات

احکام ایشان در نهایت اتقان بود و در حکم دادن بسیار دقت میفرمود و مرافعات را طول میداد و گاهی اتفاق می افتاد که بک مرا به مدت یک سال با کمتر و بیشتر بطول می انجامید و تا یقین به حقیقت موضوعی حاصل نمیکرد حکم صادر نمی فرمود .

آن جناب در امر قضا و مرافعات فراست عجیب داشت چنانکه فقهاء رضوان الله علیهم در کتاب قضاوت نوشته اند که : قاضی باید فراست در امر مرافعات داشته باشد. چند نمونه از مرافعات مرحوم سید حجه الاسلام : 1- در قصص العلماء (ص 138) بخلاصه می نویسد :

(الف) زنی خدمت آن مرحوم عرض کرد که کدخدای فلان محل ملک صغار مرا غصب کرده است، چون ویرا حاضر کردند وی منکر شده و احکام چندی از علماء وقضاة اصفهان را نشان داد که همگی حکم به حقانیت کدخدا نموده و دعوی آن زرا مردود شناخته بودند .
مرحوم حجه الاسلام پس از ملاحظه احکام فوق

رو بزن نامبرده نموده و فرمود: کدخدا مرد درستی است و حرف بیجا نمی زند و طبق این اسناد ملک متعلق به اوست. زن شروع به گریه و زاری و آه و ناله نمود و اظهار داشت که وی حقیقت را بر علماء مشتبه نموده و آنان حکم بظاهر فرموده اند.

مرحوم سید به کارهای دیگران پرداخت و ظاهراً از کار آن زن و کدخدا منصرف شده در بین مرافعات رو به کدخدا فرمود و پرسید:

آیا این ملک را خریده ای؟ جواب داد: خیر مگر شرط مالکیت خریدن است.

سید فرمودند: نه ممکن است از راههای دیگری نیز انسان مالک شود.

پس از این سؤال و جواب به کار دیگری شروع فرموده و پس از مدتی رو به کدخدا نموده و فرمود:

آیا این ملک از راه ارث بتورسیده است؟ جواب داد: خیر مگر شرط مالکیت میراث است، آن جناب فرمودند: خیر من نیز املاکی دارم که به ارث به من منتقل نشده است.

پس از مدت زمانی برای سومین بار از کدخدا سؤال فرمودند: آیا این ملک را کسی بتوصلح کرده و یا بخشیده است و جواب داد: خبر هیچ یک از این حرفها نیست مگر در مالکیت اینگونه حرفها شرط است. خلاصه در ضمن چند پرسش کلیه علل و موجباتی که ممکن است ملکی در تصرف کسی شرعاً در آید را سؤال فرمودند و او همه آنها را منکر شد. مرحوم سید حجة الاسلام در دفعه آخر فرمودند: پی به چه دلیل و سبب تو مالک ابن ملک شدی؟ وی در جواب گفت سیب نمیخواهد (آسمان سوراخ شد و این ماک بگردن من افتاد) سید فرمودند پس چرا برای من و دیگران سوراخ نمی شود، و فرمودند که

تو غاصبی و فوراً ملک صغار این زن را به آنها رد کن و به کدخدای ریه مجاور مرقوم فرمودند که آن ملک را از تصرف او خارج نموده و در اختیار آن زن قرار دهد.

(ب) مرافعه دیگر: همچنین مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 139) می نویسد:

شخصی در باب یکی از فرای اصفهان سندی درست کرد و هر چند تن از علماء قدیم را بلطائف الحبل از وراث آنها گرفته آن سند را بدانها مهر نمود همچون علامه مجلسی و محقق خونساری و مرحوم آقاجمال خونساری و غیره (ویا مهر و امضای آنان را نیز جعلی کرده بود و با این سند مجعول با صاحبان اصلی قریه که پدر مالک و صاحب ید بودند و نسلاً بعد نسل بمیراث به آنها منتقل شده بود بمرافعه برخواست.

این مرافعه چندین ماه در خدمت سید حجة الاسلام بطول انجامید، مرحوم سید حجة الاسلام به ساختگی بودن سند متوجه شدند که خط و کاغذ نو و تازه است و آنرا کویپه کرده اند. روزی مرحوم سید حجة الاسلام چند تن از کشیشان ارامنه جلفای اصفهان را احضار نموده و کاغذ اسناد را بدانها نشان داده و فرمودند تاریخ آنرا که در گوشه کاغذ است و چاپ شده است بخوانید.

چون خواندند معلوم شد تاریخ ساختن کاغذ سالها پس از وفات علماء نامبرده می باشد و بدین ترتیب مجعول و ساختگی بودن سند مهین شد و آن مرحوم آنرا پاره کرده و حکم به نفع صاحبان واقعی آن قریه صادر فرمودند.

(ج) نمونه دیگر خواندنی و شنیدنی:

مردی را در حضور آن جناب در محکمه مرافعات حاضر کرده و مدعیان اظهار داشتند که نام این شخص (حسن) می باشد و ما مبلغ چهار صد تومان از روی

طلب داریم . چون از وی سؤال شد که درباره ادعای اینان چه جواب می گویی کالا :

اینها از آنها حسن طلبکارند (طبق ادعای خودشان) و مرا بنام آقا حسن گرفته و مطالبه پول خود را می کنند و حال آنکه من آقا حسن نیستم

مرحوم سید دیگر چیزی به او نفرمود و به کارهای دیگر مشغول شد و جمعیت گرم گفتگو وقیل وقال شده سر و صدا همه مجلس را فرا گرفته ، در این بین بناگاه مرحوم سید حجة الاسلام فرمودند : آقا حسن . همان شخصی که می گفت من آقا حسن نیستم نا آگاهانه گفت : بله آقا . مرحوم سید حجة الاسلام فرمودند فوراً برخیز و برو و چهار صد تومان بدهی خود را بپردازد وی ناچار اطاعت نموده و از محکمه مرافعات با مدعیان خود خارج گردید.

(د)

یک نمونه دیگر از مرافعات نزد سید

فرج بعد از شدت انجات پس از نومیدی .

مقدمه : در قرن سیزدهم هجری در قریه فرادبته از قرای چهار محال بختیاری از بلوک گندمان در طائفه زندگی میکردند یکی بنام : زمانیها و دیگری رفیعی ها که طایفه دوم از حیث تعداد نفرات بر دسته اول برتری داشته و همیشه بین این دو طایفه اختلاف و نزاع وجود داشته است.

کدخدای فرادبته بنام کاظم آقا از رفیعی ها مردی متنفذ و مقتدر و ثروتمند بود . و بطوری که نقل می کنند در سالی که فتح علیشاه با عده زیادی از پسران و اطرافیان خود به اصفهان مسافرت می کند و جهت گردش و تفریح بصفحات قهوه رخ (قهفرخ) و چهار محال میرود اطرافیان خود را بدهات و قصبات اطراف تقسیم می کند که همه از این ظلم شاهانه بهره ای داشته باشند (سهمیه قریه فراد بته شصت نفر میشود . به منزل کدخدا وارد می شوند و او از آنان بخوبی پذیرائی می کند و هنگام شب جهت خوابیدن آنان کدخدا شصت دست رختخواب ترمه

ص: 155

می گسترده. سایر لوازم زندگی و تجملات او را بر همین گونه می توان قیاس نمود (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل).

عمارت منزل کدخدا دوطبقه بوده و روی سردرب عمارت اطاق مخصوص کدخدا قرار داشته که خود در آنجا می نشست و مراجعین پای دیوار در کوچه ایستاده و عرایض خود را می گفته اند و او جواب میداده است.

در همین زمانها مرد شجاع و دلیر و بی باکی بنام ابوالقاسم فرزند کریم (ابوالقاسم کریم) زندگی مینموده که راه معیشت او علاوه بر زراعت شکار نیز بود و در تیر اندازی مهارت کافی داشته است و کمتر میشده که بر او خطا رود، در زراعت نیز استعداد و پشت کار لازم را داشته بطوری که شجاعت و زراعت او زبان زد خاص و عام بوده و در تمام بلوک گندمان بلکه چهار محال شهرت و عنوانی داشته است بطوری که ایل قشقائی که در موقع بیلاق و قشلاق که از مجاورت دهات عبور میکردند بدون آنکه دستبردی به اغنام واحشام واموال مردم بزننده نمی رفتند در موقع عبور از کنار فرادبنه به احترام او و تاترس از او از دزدی و قتل و غارت در آن حدود صرفنظر میکردند.

(اکنون اصل داستان): نقل نمود فاضل محترم آقای آقا سید مصطفی حسینی فرادبنه ای از فول پدر خود عالم فاضل مرحوم آقا سید علی اکبر حسینی ادیب شاعر متخلص به نوائی امام جماعت و واعظ قربه مزبور که وقتی ما بین دو نفر از مردم قریه یکی از طایفه زمانی و دیگری رفیعی اختلاف و نزاعی روی داد وعده ای از هر طایفه بحمایت و جانب داری هم قبیله خود جمع شدند و بدرخانه کدخدا رفتند، ابوالقاسم کریم نیز که از طایفه زمانیه بود بطرفداری هم قبیلهای خود جز وعده شروع بداد و فریاد و قیل و قال نموده و تظلم می کند. کدخدا باحال

غضب ویرا مخاطب ساخته و با کلمات تند و زننده و با پرخاش ویرا امر بسکوت می کند . نزاع بین کدخدا و ابوالقاسم شروع میشود و جمعیت بنای داد و فریاد می گذارند، در این بین کدخدرا تهدید به قتل می کنند او با کمال بی اعتنائی می گوید: اگر مرد هستی بزن وی نیز تیری رها کرده و کدخدا را هدف قرار داده که بلافاصله جسد او از بالاخانه بزیر می افتد . تیراندازی از طرفین شروع شده و پس از مدتی متفرق میشوند.

خانواده کدخدا در اصفهان به محضر سید حجة الاسلام حاضر شده و شکایت می کنند و ابوالقاسم را قاتل معرفی می نمایند . مأمورین مرحوم سید حجة الاسلام به فرادبنه رفته ابوالقاسم را گرفته بشهر می آورند در محاکمات اقرار به قتل نمی کند و می گوید : دعوای ده داری بود و او کشته شد و معلوم نشد که به تیرچه کسی کشته شده است و من قاتل نیستم .

چون اقرار به قتل نمی کند و ضمناً قتل غیر عمد تشخیص میشود اررا بازداشت کرده و روزها در بیرون جلسه درس و محکمه قضاوت و محاکمات نگه میداشتند، خود ابوالقاسم جهت مرحوم آقا سید علی اکبر حسینی نقل کرده بود که روزی مرحوم سید حجة الاسلام در بین محاکمه عده ای دیگر ناگهان صدا زدند : ابوالقاسم قاتل . من که حواسم همه جا بود بغیر از محاکمه خودم بی اختیار از جا بلند شده و فریاد کردم : بله آقا .

جرم ثابت شد و این جواب مرا اقرار بقتل محسوب داشتند (شاید قبل و بعد از این قضیه نیز صریحاً یا بطور غیر صریح اقرار کرده باشد و خود متوجه نبوده است اما قتل غیر عمد بوده است) امین الدوله مالک قریه فرادینه دیه مفتول را بعهدده میگیرد و بورثه مقتول میپردازد و ابوالقاسم رهامیشود و آزادانه به موطن خود

بر میگردد .

وی گفته بود: نمیدانم این حالت را چگونه تعریف کنم ، قتل واقع شده و من قاتل هستم و به قتل نیز اقرار نموده ام و یقین دارم که سید حجة الاسلام مرا در برابر آن خواهد کشت اکنون خود را آزاد می بینم .

ص: 158

اشاره

(قضاوت و اجرای حدود شرعیه و فصل خصومات) (مقدمه) : آنچه از نظر عقل و منطق بدیهی و قبول آن از نظر اسلام ضروری است آنکه :

احکام خداوند تبارک و تعالی تعطیل بردار نیست و باید تماماً اجرا گردد. لکن ممکن است در برخی از زمانها بنا بعلل و مقتضیاتی و با بعلل سیاسی و بمناسبت وجود موانع یکی با چند تا از این احکام بطور موقت اجرا نشود بطور مثال :

1- وجوب حج از ضروریات دین اسلام است اما اگر راه ناامن بود و یا مابین در دولت اسلامی اختلافی بود که در اثر آن ممکن باشد به حجاج وزائرین حرمین شریفین زیان مالی و باجانی برسد در این حالت برای مدت زمانی که این اختلاف برطرف نشده و احتمال موجود است مجتهد میتواند دستور بدهد که حاجیان جهت حفظ جان و مال خود بمکه مشرف نشوند .

مثالی دیگر : استعمال تنباکو و دخانیات بطور کلی مباح و از نظر شرعی بلا اشکال است امارتی مجتهد مرجع تقلید مشاهده می کند که تنباکو وسیله استعمال شده و دست خارجیانی یعنی دولت استعمارگرو صاحب قدرتی در میانست و میخواهد از این راه نفوذ خود را در اجتماع مسلمین زیاد نموده و نتیجه این نفوذ اسارت مردم مسلمان و گرفتاری آنان به چنگ ظالمین و غاصبین خارجی و عاقبت الامر

استعمار و استثمار مملکت است حکم به حرمت آن می‌دهد .

اجرای حدود اسلام نیز همین حالت را دارد وقتی دولت غاصب و جابر و ظالم و مقتدری بر مردم حکومت می‌کند که تمام اختیارات را از علماء اسلام و مجتهدین گرفته و مردمانی نااهل و نادان به احکام و غیر مؤمن را بر آنان مسلط گردانیده خواه و ناخواه احکام حدود و قصاص و دیات و کفارات اجرا نخواهد شد.

اما وقتی مجتهدی بزرگوار و قیبهی مقتدر و میسوط الید در مملکت اسلامی صاحب قدرت و نفوذ گردید که می‌تواند احکام خداوند عزوجل را اجرا کند بر او واجب است که وظیفه شرعی خود عمل نماید.

این یکی از خصوصیات مذهب شیعه است که مجتهدین می‌توانند دولتی را روی کار بیاورند یا آنرا از کار بر کنار کنند زیرا وظیفه تمام شیعیان پیروی از اوامر مجتهد عادل است اما دولتها قدرت ندارند که مجتهدی را از مقام والای اجتهاد بر کنار سازند. کم کاری در ساری

نظریه علماء شیعه درباره قضاوت

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: مرافعه نزد علمای دین ببرید که من آنها را بر شما حاکم گردانیدم .

عن الصادق علیه السلام: من کان منکم ممن قدروی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فلیرضوا به حکماً فانی قد جعلته علیکم حاکماً . (مقبوله عمر بن حنظله).

در کافی و وسائل و دیگر کتب است که امام ششم علیه السلام در جواب سؤال عمر بن حنظله در ضمن حدیثی دستور رجوع به محدثین بزرگوار شیعه فرمودند .

در مذهب شیعه حکومت مخصوص خدا و رسول خدا و ائمه طاهرین علیهم السلام

است زیرا خداوند اطاعت غیر معصوم یعنی کسی که ممکن است دانسته یا ندانسته خطا و اشتباه کند را بر مردم واجب نفرموده است و آیه شریفه (اطیعوا الله واطیعوا الرسول و اولی الامر منکم)، اشاره بهمین موضوع است.

در دوره غیبت امام زمان علیه السلام تا آنجا که در توقیع مبارک اجازه فرمودند (حوادث الواقعه) کارها بعهدده محدثین بزرگوار و مجتهدین عالی مقدار می باشد .

برخی از مجتهدین معتقد می باشند که در کلیه کارهاییکه ممکن است تأخیر انداخت، باید آنها را تأخیر انداخت همچون جهاد (البته دفاع در هر زمانی که لازم باشد واجب است و احکام آن غیر از جهاد است) و غیره لکن کارهاییکه تأخیر در آنها جائز نیست مانند : نصب قیم جهت حفظ اموال صغار و محجورین - رسیدگی به دعاوی و اختلافات مردم به کیفر دادن به دزد و قاتل و جانی و غیره باید کسی متصدی این امور شده و بکارهای اجتماعی مردم رسیدگی کند.

در دعاوی و مرافعات بین مردم چون هرچه قاضی حکم کند بر حسب ادله ظاهر می باشد و به هیچ حکمی نمیتواند علم واقعی و حقیقی پیدا کند ، از اینرو عده ای از فقهاء با داشتن صلاحیت از علم و اجتهاد و عدالت و غیره که لازم قضاوت و جزو صفات قاضی شمرده میشود و بعدا به آنها بطور اجمال اشاره خواهیم کرد از روی احتیاط گرد قضاوت نگشته و خود را از امور اجتماعی بدور نگاهداشته اند اگر قضاوت را برای مجتهدین واجب کفائی بدانیم وعده ای که رفع نیاز اجتماع بوجود آنها میشود متصدی امر شدند آن وقت دیگران میتوانند با خیال آسوده به کارهای دیگری از تحصیل و تدریس و تألیف و عبارت که هر یک در مقام خود لازم و ضروری است پردازند والا...

بنابر این عده ای از علماء خود را از اجتماع مردم و نیاز مندیهای آنها بر کنار داشته و جمعی دیگر در بین اجتماع بوده و در رفع نیاز مندیهای دینی و اجتماعی

آنان از قضاوت و حکومت شرعیه و دخالت در امور حسبیه و دیگر مواردیکه از وظائف مجتهدین است کوشیده اند .

این علماء بزرگوار پس از رسیدگی کامل به پیش آمدها از اختلافات ناشیه از جهت تقسیم میراث رسیدگی به شرابخوری و دیگر معاصی که در شرع مطهر جهت آن حد مقرر گردیده است مانند دزدی و غیره حکم صادر میکردند . برخی از علماء خود نیز احکام صادره را اجرا میکردند (غیر از قتل و بریدن دسته سارق) و برخی دیگر اجرای احکام را منوط به امضای مجتهدین مبسوط الید و متنفذ شهر ما را میگذاشتند .

اهمیت قضاوت و مقام قاضی

قاضی و داور در حقیقت کسی است که از طرف خداوند متعال اختیار جان و مال و آبرو و حیثیت و ناموس مردم بدست او سپرده شده است . او می تواند با صدور حکم ناروا خاندانی را نابود سازد اموالی را هدر نماید خونهای ناحقی بریزد و خویشتن را مورد لعن و نفرین ابدی و عذاب الهی قرار دهد، و همچنین با صدور حکمی از روی عدالت و دادگری میتواند حقی بر گرداند و از مظلوم و ستمدیده‌های رفع ستم کند ...

(قاضیان بر سه گونه اند): از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که بخلاصه فرمودند: قاضیها بر سه گونه اند . (ص 427 دوم نهج الفصاحه) قاضیان فی النار وقان فی الجنة: 1- قاضی عرف الحق فقضی به فهو الجنة ، 2- قاض عرف الحق فجار متعمدا، 3- اور اسی بغیر علم فهما فی النار .

ص: 163

1- آن کس که حق را بشناسد و بدان حکم کند در بهشت باشد . 2- آنکس که حق را بشناسد و دانسته بر خلاف حکم کند 3 - یا بدون داشتن علم و تمیز حق از باطل حکم نماید ایندو در دوزخ باشند .

قضایه بر چهار گونه اند) : از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و همچنین امام ششم علیه السلام روایت شده است که فرمودند :

القضاة أربعة ثلاثة في النار وواحد في الجنة :

1- رجل قضى بجزور وهو يعلم فهو في النار، 2- ورجل ففى بجزور وهو لا يعلم فهو فى النار ، 3 - ورجل قضى بالحق وهو لا يعلم فهو فى النار 4- ورجل قضى بالحق وهو يعلم فهو فى الجنة .

یعنی: داوران بر چهار دسته اند سه گروه آنان در آتشند و یک فرقه در بهشت:

کسانی که حق را می شناسند و دانسته بر خلاف آن حکم می کنند یا ندانسته بر خلاف حکم می کنند و یا ندانسته یکم حقیقی و واقعی می دهند موسسه دسته در آتشند و آنان که حق را میدانند و می شناسند و بدان از روی معرفت حکم می کنند در بهشت جای دارند.

قضاوت کار پیغمبران و اوصیای آنانست :

با توجه به اخبار مرویه از ناحیه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام قضاوت داوری در بین مردم کار بسیار مشکلی است که هر کس نمیتواند و نباید متصدی آن شود .

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به شریح قاضی فرمودند :

یا شریح قد جلست مجلساً لا یجلسه الا نبی اووصی نبی اوشقی . و همچنین روایت شده است که فرمودند : ان القاضی علی شفیر جهنم (قاضی در کنار جهنم قرار گرفته با کوچکترین غفلت و کمترین خطا اهل دوزخ خواهد بود .

وهمچنین از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند: من جعل قاضياً فقد ذبح بغیر سکین: هر کس در مقام قضاوت و دادگری قرار گرفت کشته شده است بدون کارد .

در روایتی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده است که : روزی به ابوموسی اشعری فرمودند:

ایا ناسخ و منسوخ را (در قرآن) از یکدیگر تمیز میدهی (یعنی آیا آیات ناسخ منسوخ را میدانی و بتورسیده است که کدامیک از آیات منسوخ است و آیه ناسخ آن کدامست).

در جواب عرض کرد : نه (نمیدانم).

حضرت فرمودند : هم خودت در هلاکت هستی و هم دیگران را در ملاکت انداخته ای، پس از آن حضرت گوش ابو موسی را گرفته و فشار دادند و فرمودند:

تو داوری و قضاوت مکن (ص 55 مقدمه جلد یکم ترجمه قرآن تألیف زین العابدین رهنا).

قضاوت باید مطابق حکم خداوند متعال و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باشد.

طبق نص صریح قرآن که میفرماید : فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله والرسول (سورة النساء آیه 59) مصدر و منشا صدور احکام در قضاوت باید احکام قرآن مجید و روایات صادره از ناحیه مقدسه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام باشد و هر حکمی که بر خلاف ایندو صادر شود حاکم آن را خداوند متعال طاغوت خوانده و محاکمه نزد او را نهی فرموده است.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند :

من حکم فی درهمین بحکم جورثم جبر علیه کان من اهل هذه الایة [ومن لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکافرون]

کسی که در دردهم مطابق حکم پادشاه ظالم و قانون خلاف دین حکم کند سپس محکوم را مجبور به اجرای آن حکم نماید از اهل این آیه است ...

راوی سؤال کرد که چگونه ویرا مجبور می کند؟ حضرت فرمودند: قاضی تازیانه و زندان در اختیار دارد و اگر محکوم راضی نشد او را شلاق میزند (شکنجه میدهد و محبوس و زندانی میگرداند (قاراضی شود).

وهم از امام ششم علیه السلام روایت شده است که فرمودند : من حکم فی درهمین بغیر ما انزل الله عز وجل فقد کفر (وسائل الشیعه).
و در روایتی دیگر فرمودند :

من حکم فی در همین بغیر ما انزل الله عزوجل ممن له سوط او عصا نهو کافر بما انزل الله علی محمد صلی الله علیه و آله و سلم (وسائل الشیعه).

زبان قاضی : این کار در ساری

در حدیث وارد شده است که : لسان القاضی بین جمرتین من نار حتی بقفی بین الناس فاما فی الجنة واما فی النار .

انواع قاضی : قاضی بر دو گونه است ؟

1- قاضی منصوب از طرف پیغمبر با امام علیهم السلام و با مجتهد جامع الشرائط مبسوط الید .

2- قاضی منتخب که آنرا حکم (به فتح اول و دوم) گویند و برخی از شرائطی که برای قاضی گفته میشود چون اجتهاد و ایمان و برخی دیگر در این نوع از داوران معتبر نیست.

ص: 166

در بیان شرایط و صفات قاضی :

علماء بزرگوار شیعه برای کسانی که منصب قضاوت را در بین مسلمین بدست میگیرند صفات و شرائمی مقرر فرموده اند که از آنجمله است :

- 1- مکلف بودن (بلوغ). 2- مؤمن بودن . 3- عاقل ورشید بودن . 4- عادل بودن . 5- حلال زاده بودن . 6- مرد بودن . 7- عالم بودن .
- 8- صاحب نظر بودن (مجتهد باشد) و کافی نیست که قاضی بفتوای دیگران عمل کند. برخی از مجتهدین میفرمایند در صورتی که مجتهد واجد شرائط نباشد غیر مجتهد بدستور مجتهد واجد شرائط میتواند قضاوت کند.
- 9- ضابط بودن یعنی دارای حافظه قوی باشد و قدرت حافظه خود را از دست نداده باشد و بتواند منداعیین وشهودرا در هر وقت بشناسد و آنان را با دیگری اشتباه نکند (نسیان بر او چیره نشده باشد).
- 10 - امین و مورد اعتماد بودن و این شرط را میتوان جزو عدالت محسوب گردانید.
- 11- در زمان پیغمبر و امام علیهم السلام منصوب از طرف آنان بودن و در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه مرفقیهی که جامع جمیع صفات قاضی باشد میتواند در بین مردم قضاوت نماید و به امور عامه رسیدگی کند . در مقبوله

ص: 167

عمر بن حنظله است که : فاذا حکم بحکمنا فلم یقبله منه فانما استخف بحکم الله وعلینا الراد علینا الراد علی الله وهو علی حدالشرك بالله (وسائل الشیعه - ابواب صفات القاضی).

برخی از علماء صفات و شرائط دیگری همچون :

1- کورنبودن 2- آزاد بودن (بنده نبودن) 3- قدرت بر خواندن و نوشتن داشتن (و این خود شرط اساسی عالم و مجتهد بودن است) 4- افضل واعلم از سایرین بودن را نیز ذکر کرده اند. البته مقصود افضل واعلم از کسانی است که رجوع بدانها در قضایای اتفایه و دعاوی ممکن باشد در شهری که حکم و قضاوت در آنجا انجام می گیرد.

(توضیح و تنبیه) : همان گونه که ذکر شد هر مجتهد عادل که باقی شرائط ذکر شده در او باشد میتواند در بین مردم قضاوت کند و تا قبل از دوره مشروطیت و ایجاد دادگستری بصورت فعلی نیز کارها بهمین رو به انجام میگردد، اما پس از استقرار حکومت مشروطه و پیدایش وزارت دادگستری (علیه) برای آنکه کارها بصورت منظم و اداری انجام گیرد کسانی را (که شاید بیشتر آنان شایستگی آنرا نداشتند) جهت قضاوت استخدام میکردند و بدین شغل خطیر می گماردند و عملاً مجتهدین بزرگوار را از حق مشروع و وظیفه شرعی آنان محروم و ممنوع ساختند. امید است که بفضل و کرم حضرت حق جل و علا در این دوره کلیه این نواقص برطرف گردیده و داوری بین مسلمین به علماء شایسته و فقهاء بزرگوار محول گردد و لیس ذلک علی الله یعزیز .

در وسائل الشیعه (ابواب صفات القاضی) از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند :

ایاکم أن يحاكم بعضكم بعضاً الى اهل الجور ولكن انظروا الى رجل منكم يعلم شيئاً من قضایانا فاجعلوه بینکم فانی قد جعلته قاضياً فتحاكموا اليه .

برای آگهی بیشتر در موضوع قضاوت و کلیه موضوعات مربوط به آن مطالبین بکتاب: وسائل الشیعه و کلیه کتب فقهی که مجتهدین بزرگوار مرقوم فرموده اند رجوع نمایند و در بین کتب فقهی فارسی به کتاب: جامع عباسی مراجعه نمایند . خداوند توفیق تحصیل علم و عمل بدان را بهمه ماها عنایت فرماید . بمنه و کرمه .

نظریه حجة الاسلام راجع بوظائف مجتهدین در زمان غیبت

مرحوم سید حجة الاسلام عقیده داشت که اقامه حدود در زمان غیبت امام علیه السلام بر مجتهدین واجب است و میفرمود که حکم مجتهد در این قبیل موارد بعینه حکم امام علیه السلام می باشد و آنان باید طبق موازین شرعی اجرای حدود نموده و هیچ حکمی از احکام خداوند عزوجل را مهمل و بلا اجرا نگذارند و بهمین دلیل خود در اجرای حدود اصرار داشت و هیچ مجرمی را بدون کیفر شرعی رها نمیکرد .

آنها که باید تعزیر شوند را تعزیر میفرمود . کسانی که باید حل بخورند را حد میزد . دست سارق را پس از ثبوت دزدی میبرید .

قاتل را حکم به قصاص میفرمود و دستور کشتن میداد . مجرمین دیگری که طبق موازین شرعی باید کشته میشدند را نیز حکم به قتل میفرمود ، و گاه میشد که خود شخصاً حکم را اجرا میفرمود (بک یا دو مرتبه ثابت است و بیشتر از آن شهرت دارد . ثبوت این بک یا دو مرتبه نیز علی المشهور است) .

در بین نویسندگان در تعداد کسانی که به حکم مرحوم سید حجة الاسلام کشته شده اند اختلاف است و شماره آنرا از هشتاد نفر تا یکصد و بیست نفر نوشته اند لکن هیچکدام از این دو عدد ثابت نیست و همگان از روی مظنه و تقریب نوشته اند.

(نماز گزاردن مرحوم سید بر مقتولین):

مرحوم سید حجة الاسلام به پیروی از جد بزرگوار خود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که پس از جنگ نهروان بر کشته های دشمن نماز خواندند ایشان نیز بر مقتولین اهل معصیت و کبائر پس از کشته شدن نماز میخواند و در حال نماز حال خوشی داشت از راز و نیاز و توجه حضرت حق و طلب استغفار برای آنان و گاهی در بین نماز از شدت گریه غش میکرد.

عباس اقبال در مجله یادگار (ص 42 شماره دهم سال پنجم) اجرای حدود الهی و قصاص را که مرحوم سید حجة الاسلام مطابق حکم خداوند متعال انجام میداده قساوت حیوانی و میرغصبی نام نهاده است ، او حق دارد زیرا با اسلام و احکام آن آشنا نیست . مهدی بامداد نیز به اجرای حدود از طرف آن مرحوم انتقاد می کند . خلاصه آنکه از زمان حیات آن بزرگوار تاکنون کلیه کسانی

که مرحوم سید حجة الاسلام را مورد ایراد و اعتراض قرار داده اند تکیه کلامشان و هدفشان فقط اجرای حدود بوسیله ایشان بوده است (وداشتن ثروت).

(محل دفن مقتولین) : در بین عوام و بلکه برخی از خواص ساکنین محله قبله دعا یعنی محل نماز خانه و سکونت مرحوم سید حجة الاسلام چنین شهرت داشت که قبرستان کوچکی که مقابل منزل آن مرحوم قرار داشت محل دفن اینگونه مقتولین می باشد . این قبرستان در سالهای اخیر مانند بسیاری دیگر از

قبرستانهای داخل و خارج شهر اصفهان که تعداد آنها نسبتاً زیاد بود در مرحله اول بوسیله شهرداری وقت و مردم تسطیح گردیده و سپس بصورت خانه و مغازه و غیره در آمد.

قضاوت و فصل خصومات

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 119) در ضمن بیان شرح احوال مرحوم حاجی کلباسی می نویسد:

من خود از حاجی شنیدم که در بالای منبر میفرمود:

اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه می برد واهل اصفهان از آن حضرت قاضی می خواستند آنحضرت آقا سید محمد باقر را بقضاوت نصب میکرد.

خواننده محترم در این جمله بیشتر دقت کن ، گوینده ای همچون حاجی کلباسی که مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 118) درباره او می نویسد:

هرگز مرافعه نکرد و من خود بر بالای منبر از او شنیدم که میفرمود: این مدت مرافعه نکردم و میخواستم رساله هم ننویسم لکن میرزای قمی رحمة الله علیه حکم کرد که رساله برای فتوی نوشته باش .

آن وقت حاجی کلباسی با آن همه احتیاط وزهد و تقوی میفرماید: اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای اصفهان قاضی و حاکم شرع می فرستاد آن کس آقا سید محمد باقر بود .

اجرای حدود:

ادوارد برون انگلیسی در تاریخ ادبیات خود (ص 262 جلد چهارم) در

ص: 171

تحت عنوان: مقام مجتهدین در زمان صفویه و جانشینان آنها می نویسد: در نظر سلاطین صفویه یک نفر مجتهد نایب امام منتظر بود (ادوارد برون گویا نمیداند که این عقیده کلیه شیعیان در تمام ادوار بوده و منحصر بزمان صفویه نیست) امامی که هر وقت نام او برده میشود عبارت عجل الله فرجه را بر زبان میرانند، مجتهد بر جان و تن مردم صاحب اختیار بود.

سپس ذکری از حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی و اجرای حدود بوسیله ایشان می کند که قبلاً نوشته شده است.

همین نویسنده در همان کتاب (ص 263) در تحت عنوان: فتوی می نویسد:

توقف علماء و مجتهدین در کربلا- و نجف و خارج از قلمرو ایران بیشتر بر مصونیت آنها افزوده بود و آنها می توانستند احکام خداوند تبارک و تعالی را که عموماً برخلاف میل حکام و سلاطین بود به آزادی بنویسند و به مردم مسلمان ابلاغ کنند (درهم شکستن یا ضعیف ساختن آنها منظور و آمال بسیاری از سلاطین ایران قبل و بعد از صفویه بوده است اما اقدامات آنها کمتر به نتیجه مطلوبه رسید.

وهم او می نویسد که: مجتهدین در جمیع کارها و تکالیف انسان از کوچکترین اعمال طهارت شخصی تا بزرگترین امور سیاسی دخالت می کنند.

نویسنده گوید: ادوارد برون یقیناً نام مقبوله عمر بن حنظله را شنیده است راز توابع مبارک ناحیه مقدسه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که فرمودند:

فأما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة احاديثنا فانهم حجتى عليكم وانا حجة الله را شنیده و خوانده است و می داند که علمای بزرگوار شیعه در کلیه زمانها نایبان عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه بوده و از همین رو بدانها نایب الامام خطاب میکرده اند.

شیعیان در زمان غیبت اطاعت اوامر و دستورات مجتهدین را واجب میدانسته و میدانند و معتقد بوده اند که: الراد عليهم كالراد عليهم عليهم السلام.

بخش چهارم: (حجه الاسلام از مرگ فتحعلی شاه تا هنگام وفات)

فصل دهم: (مرگ فتحعلی شاه و روی کار آمدن محمد شاه)

اشاره

(مرگ فتح علیشاه و روی کار آمدن محمد شاه)

طبق ماده هشتم عهدنامه ترکمن چای که ولایت عهدی ایران به عباس میرزا واعقاب او اختصاص داده شده بود (آیا این ماده چه ارتباطی با جنگ در مملکت داشته و آیا نمیتواند دلیلی بر خیانت امضاء کنندگان قرار داد باشد و بطور یقین این ماده قرار داد با موافقت لندن و بطرزبورک نوشته شده است) و چون عباس میرزا در شب دهم جمادی الثانیه سال 1249 در سن چهل و هفت سالگی در مشهد مرده بود سلطنت به فرزندش محمد میرزا رسید .

تعیین ولیعهد

فتح علیشاه پس از مرگ عباس میرزا در سال 1250 ولایت عهدی را به محمد میرزا واگذار نمود ، عده ای از بزرگان مملکت هر یک بعلتی به این امر راضی نبودند من جمله مرحوم میرزا عبدالله خان امین الدوله نظر بوصلتی که با فرمانفرما کرده بود راضی به این موضوع نبود و این خود منشأ بروز بسیاری از اختلافات بعد میباشد.

محمد شاه در هنگام مرگ فتح علیشاه در تبریز بود چون خبر مرگ شاه را

ص: 173

شنید به حمایت میرزا ابوالقاسم قائم مقام وزیر با تدبیر و با کفایت خود به تخت سلطنت جلوس کرده و کلیه رقبای خود را با کشت و یازندانی و یا تبعید کرده و قائم مقام که برای به سلطنت رساندن محمد شاه وسیله آن همه جنایت شده بود عاقبت الامر اجرت شاهانه دریافت نمود، یعنی بدستور شاه او را خفه کردند و به جای او صوفی بی کفایتی که روزی معلم شاه بوده یعنی حاج میرزا آقاسی همه کاره مملکت شد.

از کارهای محمد میرزا که اکنون محمد شاه و محمد شاه غازی شده است کور کردن جهانگیر میرزا و خسرو میرزادو برادر زندانی خود در اردبیل و همچنین کور کردن حسنعلی میرزاشجاع السلطنه برادر دیگر خود و خفه کردن میرزا ابوالقاسم قائم مقام دوم یعنی کسی که در سلطنت رسانیدن او رنجها برده و سعیها پیوسته بود (در شب آخر ماه صفر 1251) را میتوان نام برد

واما محمدشاه پادشاهی سست عنصر و تحت تربیت وزیر بی تدبیر خود یعنی حاج میرزا آقاسی صوفی مسلک و معاشرت او با صوفیه بود، وی در اثر تلقینات صوفیان از یک طرف و دستور اربابان خارجی خود که قدرت علماء شیعه را دیده بودند با علماء اسلام شدیداً مخالف بود و در این زمان که مرحوم سید حجة الاسلام در رأس علماء شیعه و پشت و پناه مردم و جلوگیری ظلم و ستم و بیداد بی حد و اندازه حکمرانان بود علناً مخالفت نموده و عناد میورزید.

در روضة الصفاى ناصرى (ص 163 دهم) در ضمن فضائل و محامد مرحوم قائم مقام نامی از معاشرین و مصاحبین محمد شاه میبرد و آنان را بدین گونه ذکر می کند: حاجی میرزا آقاسی ایروانی و حاجی زین العابدین شیروانی و میرزا نصر الله اردبیلی و میرزا مسلم خوئی و میرزا نظر علی حکیم باشی. - این کسانی را که ذکر نموده همه از اصحاب خانقاه و مخالفین علماء یمنی

صاحبان مسجد و محرابند، ضمناً محمد شاه نسبت به حاج میرزا آقاسی بی حل علاقمند بود. در ناسخ التواریخ جلد قاجاریه (ص 40 جلد دوم) می نویسد: پادشاه او را قطب فلک شریعت و طریقت میدانست... و مصدر کشف و کرامت میشمرد، اما چون حاجی میرزا آقاسی روزگار خویش را به تعلیم و تعلم گذرانیده بود از اسرار سلطنت و رموز ملک داری بی خبر بود.

مخالفت شاه و وزیر او با علماء

یکی از آثار شوم انتخاب حاجی میرزا آقاسی بصدارت مخالفت نمودن شاه است با قاطبه علماء اسلام خصوصاً آنانکه قدرت و ریاستی داشتند و شاید در این قسمت رضایت و اشاره روسیه نیز در کار بوده است.

در اصفهان نیز بدستور شاه و صدر اعظم دستگاه حکومتی بنای مخالفت با سید حجة الاسلام را گذارده و هر روز پیش آمدی تازه ایجاد میکردند و آنرا به علماء و بالخصوص به مرحوم سید حجة الاسلام مربوط می نمودند.

پناهندگی امین الدوله

عبد الله خان امین الدوله فرزند حاج محمد حسین خان صدر با ولیعهدی و سلطنت محمد شاه مخالف بود و علت آنرا سروسر داشتن با فرمانفرم میدانند.

در ناسخ التواریخ (ص 26 جلد دوم قاجاریه) در این باره می نویسد:

امین الدوله با سلطنت محمد شاه چه در زمان ولیعهدی و چه پس از مرگ فتح علیشاه و برای روی کار آوردن و به سلطنت نشانیدن حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارسی فعالیت زیاد می کرد. وقتی که کار سلطنت محمد شاه تمام شد و او رسماً در طهران

ص: 175

تاجگذاری کرد و ظل السلطان که بزرگترین خان او بود تسلیم شد ، عبدالله خان نزد محمد میرزا سیف الدوله (حاکم اصفهان) فرستاد و پیغام کرد که :

اکنون که پادشاه ایران معین شده است مرا دیگر در امور این مملکت (این شهر) مداخلت نخواهد بود . این پیغام را نزد حاکم فرستاد و خود از ترس جان و مال بخانه حاج سید محمد باقر حجة الاسلام پناهنده شد و در آنجا جای گرفت

محمد شاه محمد رحیم پیش خدمت خاصه خود را در شوال 1251 به اصفهان فرستاده و امین الدوله را پیغام کرد که : توقف تو در اصفهان موجب اختلال حکمرانان است با خیالی آسوده و مطمئن رابطهران بیا و یا در قم ساکن باش و هر وقت از ما آسوده خاطر شدی بطهران بیا ، امین الدوله رحیم خان را مدت شش ماه (تا ربیع الأول 1252) در اصفهان نگه داشت و سپس بوسیله سفارت انگلیس خواستار مسافرت بعبتات شد و رخصت یافته بدانجا مهاجرت نمود و در آنجا بود تا وفات یافت.

و هم در ناسخ التواریخ گوید (ص 41 دوم قاجاریه) مخفیانه به عتبات عالیات سفر نمود.

نویسنده گوید : اگر امین الدوله را شاه رخصت سفر به عتبات داده بود پس دیگر چرا مخفیانه سفر کرد و اگر سفارت انگلیس در کنار آنها بوده پس این حرفها دیگر معنی ندارد .

عباس اقبال آشتیانی در مجله یادگار (صفحه 37 شماره دهم سال پنجم) پس از شرح بست نشستن امین الدوله در خانه سید حجة الاسلام می نویسد :

او شهرت داد که دیگر در امور مملکت مداخله نخواهد کرد، اما این ادعا حقیقت نداشت و او به پشت گرمی مرحوم حجة الاسلام و شفاعت او مشغول توطئه و زمینه سازی بود ، خبر این دسیسه های او در طهرات بقائم مقام میرسید . عاقبت

قائم مقام از قول شاه نامه دلیل را در جواب وساطت حجة الاسلام به او نوشت.

نامه قائم مقام به سید حجة الاسلام

متن نامه قائم مقام به نقل از مجله بادگار :

مسطورات آن جناب بنظر اصابت رسید و چون وصول مکاتبات بقاعده مشهوره بدلی از حصول ملاقات میتواند شد خاطر مهر مظاهر را که در هوای شوق دیدار بود زاید الوعن مسرور و سبتهج ساخت.

سابقاً در باب مقرب الخاقان امین الدوله اظهاری کرده بودند و برفق خواهش آن جناب مقرر شد که اگر مصلحت خود را در تقلد اشغال دنیوی میداند باستانه قدس شتابد و اگر باقتضای سن و التزام تشرع راغب اعمال اخروی است به عتبات مالیات عرش درجات عازم شود و در هر حال بعد از فضل خدا بواسطه آن جناب در کف رأفت و توجه ما باشد لیکن بعد از آن طور توسط آن جناب و اینگونه تققد ما چندی گذشت که بهیچ یک از این دو کار اقدام نکرد و در میان دنیا و آخرت معطل بود و بتواتر و شیاع رسید که در این ظرف مدت بیکار نبوده و بی سبب تعطیل جایز نداشته بر آن جناب مستطاب بهتر معلوم است که تا حال چه مبلغ مال مردم در اصفهان تلف شده و چقدر دماه و نفوس در خارج و داخل آن ولایت بر باد فنا رفته اگر سخن مردم در حق او صدقات واجب است که از آن ولایت اعراض کند و اگر مبنی بر اغراض است چه لازم است که در میان دارالخلافه و فارس بنشیند و غرض سهام تهمت گردد بالجمله باز آنچه در باب مصلحت مملکت و آسودگی او بخاطر میرسد همین است که بخدمت ما در طهران با بطاعت خدا در عتبات پردازد و تا زود است به یکی از این دو کار اقدام کنند و در هر صورت آن جناب مادون است که بوکالت نواب همایون مشار الیه را اطمینان دهد اما هر گاه از این مصلحت

ص: 177

دید ما که محض خیر خواهی خلق و رافت درباره اوست تخلف کند از آن جناب خواهش داریم که او را در جوار خودراه ندهد و من بعد هر گونه خواهشی که باشد اظهار کند که معتقدانه در مقام انجام بر آئیم . (انتهی).

پس از کشته شدن قائم مقام در زمان صدارت حاج میرزا آقاسی (میرزا عباس بن مسلم بن عباس ایروانی) بطوری که گفته شد محمد رحیم خان به اصفهان آمد و بدون موفقیت مراجعت نمود و سر انجام امین الدوله به کمک و یاری وزیر مختار انگلیسی در ایران (مستر مکنیل) از محمد شاه تأمین جانی گرفته و عتبات رفت .

امین الدوله بهتر از هر کسی میدانست که تأمین جانی شاه و هر دو صدر اعظم و همچنین دعوت او بکار خدمه ای برای گرفتاری او بوده و منظورشان خارج ساختن او از بست و گرفتاری وی و کشتن او می باشد بنابر این راضی به هیچکدام نمی شد.

علل و موجبات مخالفت شاه با سید حجة الاسلام

همانگونه که قبلاً متذکر شدیم : شاه مردی ضعیف النفس وسست اراده و صوفی مسلک بود و صدر اعظم یعنی حاج میرزا آقاسی مردی بی کفایت و بی تدبیر و ضمناً مرشد و مربی و معلم شاه به وزیر از نظر صوفیگری با قاطبه علماء مخالف بود و شاه را مطابق میل خود رهبری مینمود .

امین الدوله مخالف شاه بود و در ظل حمایت مرحوم سید حجة الاسلام، این مورد نیز یکی از موجبات عناد و دشمنی دام و وزیر او با سید حجة الاسلام بود .

دیگر از موجبات عناد داستان زیر می باشد؛

یکی از وابستگان حکومت در کاشان که از منسوبین شاه بود مرتکب معصیتی شد که حکم شرعی آن قتل بود . علماء کاشان مجرم را گرفته نزد سید حجة الاسلام

فرستادند تا پس از ثبوت شرعی حکم خداوند را درباره او اجرا نماید .

از طرف شاه و وزیر سفارشنامه ای بعنوان سید حجة الاسلام آمد که به پاس احترام مقام سلطنت حد شرعی در باره این شخص اجرا نشود . اما احکام خداوند تبارک و تعالی باید اجراء شود و در آن شاه و گدا تفاوت ندارند. مرحوم سید حجة الاسلام چند تن از علماء اصفهان را خواسته و در حضور آنان از مجرم قرار گرفت و او صریحاً به جرم خود اعتراف نمود و شرعاً حدبر او ثابت گردید. بلافاصله حکم صادر و بموقع اجرا در آمد.

چون خبر بطهران رسید شاه بی نهایت خشمگین شده و وزیر بیشتر او را تحریک کرد بقصد انتقام جوئی باعدهای سرباز بطرف اصفهان حرکت کرد. برخی از علماء این شهر از این جریان خبر یافته و در صدد اصطلاح ذات البین بر آمدند لکن شاه حاضر نبود مطیع امر خداوند و دستورات شرع مطهر بوده و از تصمیم خود چشم پوشی کند . با خود مرحوم سید حجة الاسلام در این باره مشورت کردند ایشان با کمال اطمینان قلب فرمودند : شاه نمیتواند هیچ کاری بکند چون حکم خداوند بوده که اجرا شده و من نیز بخاطر رضا و خشنودی او عمل کرده ام . محمد شاه به اصفهان آمد و چند روزی در این شهر مانده و نتوانست کمترین اذیت و آزاری به مرحوم سید حجة الاسلام برساند.

البته در این میان حاجی کلباسی شاه را از عواقب سوء تصمیم او آگاه ساخته و با پند و اندرز و موعظه و نصیحت ویرا از مقابله و خصومت با حجة الاسلام بر حذر داشت . محمد شاه پس از چند روز خائباً خاسراً بطهران مراجعت نمود . اما این موضوع عندهای شده در خاطر شاه و وزیر او در هر موقع قصد انتقام جوئی داشتند و با سید مخالفت مینمودند.

مرحوم حاج میرزا ابوالهدی (کمال الدین) کلباسی در رساله: البدر التمام (ص 13) در ضمن شرح حال حاجی کلباسی می نویسد:

غیور در امور دینی و ساعی در دفع بدنها و آنچه که موجب اهانت بدین و شریعت باشد میبرد. سپس می نویسد:

در ابتدای سلطنت محمد شاه صوفیه قدرتی یافتند و مردم نادان بدانها توجهی پیدا کردند و بیشتر مردم را گمان آن بود که پادشاه نیز بآنها میلی و نظری دارد، مرحوم حاجی ترسید که مبدا همین حرفها موجب توجه بیشتر مردم به صوفیه شود. یک سال از ابتدای سلطنت محمد شاه گذشته بود و در این مدت مکرر از ایشان خواسته بود که بطهران مسافرت کند بجهت تهنیت جلوس.

در این موقعیت مرحوم حاجی کلباسی لازم دانستند که سفری بطهران نموده و شام را از عواقب این امور برحذر دارند. مرحوم حاجی با عده ای از علماء بسمت طهران حرکت نموده و در بین راه بدرس و بحث و مباحثه اشتغال داشتند زیرا آن مرحوم تحصیل را واجب عینی می دانست،

سپس شرح مبسوطی از استقبال مردم طهران خصوصاً علماء و بزرگان از آنجناب نوشته و میفرماید:

در منزل شیخ المشایخ العظام قدوة العلماء الفخام سمی ثا من الائمة (1) علیه

ص: 180

1- اظهراً مراد از این عالم جلیل مرحوم آنا شیخ محمد رضا بن مولی محمد بن عاشور کرمانشاهی طهرانی است، مشار الیه از علماء معروف و مراجع طهران بوده و خانه اش مهمانسرای علماء و دانشمندان و خود ملجا و ملاد خاص و عام بوده و در پنجم رمضان المبارک 1277 در طهران وفات یافته جنازه اش را به نجف اشرف حمل و در وادی السلام در مقبره هود و صالح دفن گردید.

آلاف التحية والسلام وارد شد . پس از چند روز که از دید و باز دید علماء و تجار و اعیان و مردم اندکی کاسته شد محمد شاه بزیارت و دیدار حاجی رفته پس از اداء تعارفات رسمیه حاجی خطاب به شاه فرمودند :

مبادا حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام از شما ملول و دلتنگ باشد . محمد شاه معنی این بیان را درک ننمود و حشت زده گفت : من الاسم نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام در حد کمالست . حاجی کلباسی در جواب فرمودند :

به اعتقاد من تاکنون عالمی همچون سید الطائفه (مقصودشان سید حجة الاسلام بوده است نیامده است و او امروز مانند جد بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام می باشد بجز اینکه آن حضرت معصوم بودند و ایشان معصوم نیستند . بعدا در ادامه سخن خود فرمود:

کسی که سید حجة الاسلام را اذیت کند حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را اذیت کرده و آن کس که باید دشمنی کند با آن حضرت دشمنی کرده است .

امین الدوله کیست

نوشتیم که امین الدوله طرف توجه و عنایت مرحوم سید حجة الاسلام بوده و این موضوع یکی از علل مخالفت شاه با آن بزرگوار می باشد . این اجمال شرح حال امین الدوله :

عبدالله خان امین الدوله پسر بزرگ و ارشد مرحوم حاج محمد حسین خان

صدر اصفهانی در کتاب صدر الثواریخ (ص 108) درباره او می نویسد:

مروج شریعت سید المرسلین که مرحوم شیخ جعفر نجفی و شیخ موسی و حاج سید باقر رشتی اصلی الله مقامهم او را علی بن یقظین خطاب می کردند در زهد و ورع بی عدیل و در جلالت قدر بی بدیل .

و در صفحه (105) همان کتاب است که :

مرحوم عبدالله خان امین الدوله در جلالت قدر بی نظیر و همیشه مصدر خدمات دولتی بود و در سنه 1268 درگذشت ، تاریخ وفات آن مرحوم این است :

ثم با قصر العز تاریخه جنه عدن از لفت بالامین نویسنده گوید : مرحوم امین الدوله از مردان خیر و خدمتگزار و متدین و حقاً ویرا باید خبرالظلمه دانست ، آثار زیر از او در نجف اشرف بجای مانده است :

1- ترمیم قناتی در نجف 2 - اتمام سورنجف که پدرش شروع به ساختمان آن کرده بود 3- ساختن دو باب حمام بزرگی در نجف 4 - ایجاد چندباب دکان ووقف کردن آن در نجف و 5- ایجاد کاروانسرای در نجف ووقف آن بر مدرسه صدر وغیره . در سال 1193 متولد و در پنجشنبه 25 شعبان 1263 وفات یافته و در مقبره خانوادگی در مدرسه صدر نجف مدفون گردید (ص 202 دانشمندان و بزرگان اصفهان).

شرح حالش در کتاب شرح حال رجال ایران (ص 278 جلد دوم) مذکور است.

شورش مردم اصفهان

یکی از وقایع تاریخی در سال 1255 در شهر اصفهان شورش و قیام مردم این شهر است علیه حاکم جابر و ظالم خود خسروخان گرجی. هر یک از نویسندگان کتب تاریخ و رجال آنرا بگونه ای تفسیر و تعبیر کرده اند .

ص: 182

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 256) ضمن وقایع سال 1253 می نویسد :

شورش مردم اصفهان بر خسروخان گرجی که در عمارت هفت رست محصور شد و نصب فضلعلی خان به حکومت اصفهان . سپس در ضمن وقایع سال 1255 می نویسد : نهضت شاه (محمد شاه با قشون بسیار باصفهان ظاهراً به تأدیب اشرار و باطناً بترهیب مرحوم حاج سید محمد باقر که هیبت الهی مرحوم سید قضیه را برگردانیده و سیاست شاه صد و پنجاه تن معاریف اشرار ابعضی بچوبه دار و برخی به آوارگی دار بدیگر دیار سر دسته شان حاج غلامحسین (نوکر) امام جمعه بود. در آگهی شهان از کار جهان (ص 31 جلد سوم) نیز مرحوم انصاری همین مطالب را مختصراً نقل می کند

در روضة الصفای ناصری (ص 203 جلد دهم) بخلاصه می نویسد :

محمد شاه در 22 ذی الحجه 1255 بشهر اصفهان با قشون بسیار وارد ودر عمارت هفت رست منزل کرد و در محرم سال 1256 هفتاد نفر را گرفته برخی را کشته و جمعی را زندان کرده و برخی را بطهران بردند و حکومت اصفهان را به معتمد الدوله گرجی داده و در رجب 1256 بطهران مراجعت نمودند .

مرحوم سپهر در ناسخ التواریخ (ص 100 جلد دوم چاپ امیر کبیر) می نویسد:

شهریار غازی (مراد محمد شاه است) روز 25 شهر ذی حجه (سال 1255) وارد اصفهان گشت و نصرالله خان کشیکچی باشی را مأمور ساخت تا اشرار در هر جا باشند ماخود دارد. یک صد و پنجاه تن از مردم شریر بیدین در مدت اقامت شهریار در آن دیار دستگیر شد و بیشتر عرضة دمار گشته و برخی را مأمور بتوقف اردبیل فرمودند و چنان آن عرصه امن گشت که بسیار شب بحکم معتمدالدوله (منوچهر خان کرجی) امل حرفت دکاکین را در نمی بستند و بخانه های خویش

ص: 183

می شدند و آسوده می خفتند و هیچ وقت فلوسی از مال کسی نابودنگشت . (واکر گشت جرأت دم زدن نداشت).

در مقدمه این بیان (ص 91) شرحی از فجایع اشرار در اصفهان نوشته مطالبین بدان کتاب مراجعه کنند . ضمناً می نویسد : در کاشان قریب پنجاه نفر را که بشرارت شهرت یافته بودند گرفته و به استرآباد تبعید کرد .

اکنون توجه خوانندگان محترم را بنوشته مهدی بامداد در کتاب : شرح حال رجال ایران (ص 109 جلد سوم) جلب می کنیم .

وی در ضمن بیان شرح حال فضلعلی خان قزلباشی می نویسد :

شورش مردم اصفهان در سال 1253 به تحریک حاج سید محمد باقر شفتی و علمای دیگر علیه خسروخان گرجی حاکم این شهر .

نویسنده گوید : چه خوب بود که نویسنده ای همچون مهدی بامداد در علل و موجبات شورش مردم اصفهان در این سال علیه حاکم جائز و ظالمی همچون خسرو گرجی ارمنی مدعی اسلام بیشتر دقت و تحقیق مینمود و بعداً کتاب خود را با اینگونه مطالب غرض آلود کم ارزش نمینمود .

آیا علت شورش ظلم بی حد و بی عدالتی دستگاه حکومتی نبوده ، آیا استبداد رای وزیر یعنی حاج میرزا آقاسی مردم را عاصی و نافرمان نساخته ، آیا بی توجهی شخص شاه و اطمینان بیش از حدار به وزیر موجب ناراحتی مردم نشده که سرانجام بشورش و غوغا منتهی گردیده و گویا نویسنده گرامی نمیداند که علمام بزرگوار اسلام وظیفه حمایت و جانبداری از مظلوم و برابری باظالم و دفع و رفع شر او را دارند و اگر در این دوره (و در تمام ادوار) علماء بداد ستمدیدگان نرسند چه کسی و چه مقامی در اندیشه آنان است .

آیا اگر سید حجة الاسلام میخواست خسرو گرجی حاکم دست نشانده حاج میرزا آقاسی را از شهر اخراج کند نمی توانست ؟ آری مرحوم حجة

الاسلام قدرت و توانائی آنرا داشت که او را با ذلت و خواری هر چه بیشتر از اصفهان بیرون کند.

اگر امین الدوله نمیخواهد و یا نمی تواند جلو الوار لبنانی و دیگر اشرار را بگیرد که وابستگان عیالش بودند چه ارتباطی به علمای بزرگوار دارد که مهدی بامداد و دیگران دامان اینان را لکه دار کنند.

آقای مهدی بامداد در کتاب خود (ص 110 سوم) عین عبارات مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری را در آگهی شهان بدون ذکر مأخذ نقل می کند .

علمای شیعه همیشه با ظالم مخالف بوده اند

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 101) در ضمن شرح حال ملاحسین یزدی مؤلف کتاب مهیج الاحزان شرحی راجع به اخراج حاکم بزد نوشته و گوید : محاکم از طرف فتح علیشاه حکومت میکرد و چون ظلم زیاد بر مردم روا داشت مرحوم آخوند ملاحسین حکم به اخراج او فرمود و مردم ویرا با انواع فضاحت و رسوائی از شهر بیرون کردند .

پس از شرحی که در این باره می دهد می گوید :

در بلاد ایران ستم بی اندازه و فراوانست بنحوی که در هیچ بادی از بلاد ربع مسکون چنین نیست و اگر رعایا و برایا عارض شوند امر را اعیان و وسایط بر سلطان مشتبه می سازند .

همچنین مرحوم تنکابنی در کتاب نامبرده در ضمن بیان شرح حال حاج ملا احمد نراقی (ص 131) می نویسد :

در زمانی حاجی حاکم ظالمیرا از کاشان بیرون کرده و مکرر این قضیه اتفاق

ص: 185

افتاد .. دنباله مطلب را طالبین از کتاب نامبرده بخوانند.

با این اوصاف آیا عالمی مقتدر و مرجعی همچون سید حجة الاسلام و علمای دیگر اصفهان برای اخراج خسرو گرجی حاکم احتیاجی بشورش و تحریک مردم داشتند و با آنکه خود قدرت آنرا داشتند .

توجه : باید خوانندگان عزیز متذکر و متوجه باشند که :

اگر برخی از علمای بزرگوار با حکام و سلاطین مماشاة کرده اند آنهم از روی مصالحی بوده و حفظ منافع مسلمین در نظر بوده است و هیچگاه مقصودی جز اسلام و امور مسلمانها نداشته اند .

اکنون به حدیث زیر توجه فرمائید :

علامه مجلسی رضوان الله علیه در بحار الانوار نقل از کنز الفوائد کراچکی از قول حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که :

والمملوک حکام علی الناس والعلماء حکام علی المملوک . پادشاهان فرمانروا بر مردمانند و علماء و دانایان فرمانروایان بر پادشاهان .

داستانی از امیر کبیر

مرحوم جابری انصاری در آگهی شهان (ص 56 سوم) داستانی از امیر کبیر میرزا تقی خان نقل می کند که خلاصه آن چنین است:

در وقتی مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم امام جمعه طهران نامه توصیه ای جهت شخصی مرقوم داشته و نزد اتابک فرستاد . اتابک بفرستاده امام جمعه گفت : به آقا بگو : اگر دیگر چیزی نوشته ای اخراج بلدت می کنم . چون خبر به امام جمعه رسید نامه دیگری به اتابک نوشته و در آن نوشته : اگر من بعرض مظلومین نرسم بس مظلوم کجا رود و به چه کسی داد خواهی کند ؟ امیرا این جواب

ص: 186

پسند آمد و حضوراً از امام جمعه تقاضا کرد که هر کجا مظلومی دیدید بمن آگهی دهید رسیدگی می کنم (شرح داستان مفصل است طالبین بکتاب نامبرده مراجعه کنند)

نتیجه این بیانات آنکه علماء بزرگوار هستند که طبق وظیفه شرعی باید به امور مردم رسیدگی کنند و میکردند و اگر احياناً در جایی سکوت کرده اند آنهم مطابق موازین شرعی و وظیفه آنها بوده است.

برای آگهی از طرز رفتار خسرو گرجی و فضلعلی خان قراباغی و منوچهر خان گرجی باید بکتاب تاریخ مراجعه نمود . ضمناً کتاب آقای مهدی بامداد نیز اطلاعات فراوانی از این افراد و عملیاتشان در حکومتهای خود در بر دارد . من جمله می نویسد : در سال 1234 خسرو خان گرجی حاکم گیلان بود و گیلانیان از او شکایت کردند او را عزل کردند (ص 401 سوم) و در سال 1252 فضلعلی خان حاکم ساری بود و بواسطه تعدیاتش مردم شورش کردند و ارک دولتی محل سکونت او را محاصره کردند دولت او را عزل کرد (ص 81 سوم) لکن در هیچ یک از این موارد به شکایت مردم رسیدگی نشده و حکام ظالم مقامی والاتر یافتند.

مهدی بامداد پس از نقل شورش مردم مازندران در سال 1252 در پاورقی (ص 81 سوم) می نویسد :

شورش مردم مازندران در سال 1252 مانند شورش مردم اصفهان در سال 1253 علیه خسروخان بود با این تفاوت که شورش اصفهان به واسطه رفتن محمد شاه به هرات دست بیگانگان نیز در این کار دخالت داشته (این است طرز قضاوت نویسنده کتاب شرح حال رجال ایران)

نامه وزیر مختار انگلیس به سید حجة الاسلام

مهدی بامداد در کتاب : شرح حال رجال ایران در سه قرن اخیر (ص 259

ص : 187

سوم) در ضمن شرح حال محمد شاه و لشگرکشی او بهرات و اشکالات و موانعی که دولت انگلیس در این راه ایجاد نموده بود و سفر وزیر مختار آن مملکت (سر ژون ماکنیل) به زنجان پس از شرح مفصلی می نویسد :

وی از زنجان نامه ای به حاج سید محمد باقر شفتی معروف به حجة الاسلام بزرگترین مجتهد و پیشوای تشیع در آن زمان نوشت و از وی در این باره کمک خواست.

جواب سید حجة الاسلام به نامه سفیر کبیر انگلستان :

مرحوم سید حجة الاسلام در جواب نامه فوق ضمن تأیید اقدامات دولت ایران (یعنی جنگ برای برگرداندن افغانستان به ایران) تذکر داده بودند که در این قبیل مسائل بهتر است با خود امنای دوات تماس گرفته شود (و پای علماء اسلام را در آن داخل نکنند که پس از گذشت یکصد و پنجاه سال نویسنده ای در کتاب خود بنویسد شورش مردم علیه حاکم ظالم و جابر به تحریک علماء و دسیسه خارجیان بوده است).

(بازدید سید حجة الاسلام از محمد شاه) : هر موقع فتحعلی شاه و محمد شاه به اصفهان می آمدند و چند روزی در این شهر می ماندند بدیدار علماء این شهر میرفتند و آنان نیز از شاه بازدید میکردند . البته برخی از علماء نیز قبلاً بدیدن شاه میرفتند لکن معمولاً شاه بدیدن حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام و شاید برخی دیگر از علماء میرفت و آنان از وی بازدید میکردند که فرمودند : مثل الامام والعالم کمثل الکعبة یؤتی الیها ولانأتی الیهم (ص 78 منتخب الدعاء تألیف حاج شیخ محمد باقر شریعتی دهاقانی (اصفهانی)

مرحوم تنکابنی در فصص العلماء (ص 144) می نویسد (به خلاصه و اندک تصرف):

در سالی که محمد شاه بقصد ارباب و تهدید مرحوم سید حجة الاسلام به اصفهان آمد و به خواست و مشیت حتی جلا و علا اوضاع دگرگون شد، روزی مرحوم سید بقصد بازدید از شاه سوار بر استر (قاطر) شده و با عده ای از علماء واصحاب خود از محله بیدآباد بقصد عمارات هفت دست در سمت جنوب زاینده رود حرکت فرمود .

سید علی نقی عرب بر حسب عادتش که همیشه در این گونه موارد در جلو سید سوار بر اسب قرآن میخواند با صدای بلند و آهنگ دلنواز تر آن میخواند ، در آن زمانها در دو طرف رودخانه تا زمین های زراعتی و بئر بود و مانعی از ساختمان و غیره برای تماشای اطراف وجود نداشت. شاه از دور تماشا میکرد و دستور داد که اطرافیانش از وزراء و رؤساء قشون حتی سربازان از مرحوم سید حجة الاسلام استقبال نکنند و نسبت به او احترام نمایند .

چون نزدیک عمارت هفت دست که محل سکونت شاه بود رسید سید علی نقی این آیت را قرائت کرد « قل اللهم مالک الملك تؤتی الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء» الخ.

محمد شاه گفت : یقین است که عزت منحصرأ بدست خداوند قادر متعال است که به این مرد این اندازه قدرت داره ویرا عزیز و گرامی داشته است.

و چون بنزدیک چادرهای سربازان که گرداگرد عمارت هفته دست بودند رسید این آیت را تلاوت نمود و با ایها النمل ادخلوا مساکنکم لایحطمنکم سلیمان و جنوده ، الخ. با شنیدن این ایه تمام سربازان و فرماندهان از چادرها بیرون ریخته و دست

ص: 189

و پای استر حامل مرحوم سید را می بوسیدند و در این کار بر یکدیگر سبقت می جستند.

با دیدار این منظره بر حیرت شاه و وزیرش افزوده گشت. چون مرحوم سید حجة الاسلام به در سرای شاه رسید این آیت را قرائت نمود « انا ارسلنا الی فرعون رسولا نعصی فرعون الرسول »، الخ.

نویسنده گوید: تا کسی مؤید بتأییدات خداوندی نباشد و در آنچه انجام میدهد رضا و خشنودی خداوند را در نظر نداشته باشد، این قلب نوی وایمان راسخ جهت او پیدا نمیشود. چنین کسی جز از خداوند تبارک و تمالی از هیچ کس و هیچ چیز نمی هراسد.

شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب صفات الشیعه (ص 77 حدیث 55) از قول حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

«ان المؤمن من یخافه کل شیء وذلک انه عزیز فی دین الله ولا یخاف من شیء وهو علامة کل مؤمن».

ابی العلاء گوید که امام ششم علیه السلام فرمودند:

مؤمن کسی است که همه از او باک دارند و حساب میبرند و این بدان جهت است که او در نزد خدا عزیز و گرامی و صاحب قدرت در دین خدا می باشد و از هیچ چیز (جز خداوند) نمیهراسد و این نترسیدن از چیزها نشانه همه مؤمنین است.

سید علی نقی مذکور از اهل کاظمین بوده و قرآن مجید را به آهنگ حجاز بسیار شیوا و زیبا میخوانده و صدائی رساو لهجه ای گیرا داشته است و نقل شده است که صبح ها که در مسجد سید اذان می گفته صدای او را تا فاصله زیادی دور از شهر می شنیده اند.

مولی محمد تقی بن ابیطالب یزدی اردکانی متوفی بسال 1268 یکی از علماء اخبار و صلحاء روزگار و عالم و فاضل و متقی و از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام شفتی بوده و به مناسبتی مورد اتهام دستگاه حکومت و مأمورین محمد شاه واقع شده و آنان در صدد اذیت و آزار وی بر آمدند ، وی ناگزیر به اصفهان آمده و در خانه سید حجة الاسلام متحصن گردید و به امید نجات در آنجا معتکف شد.

(گرفتاری مرحوم اردکانی بدست مأمورین شاه) : در قصص العلماء (ص 167) بخلاصه می نویسد : سالی که محمد شاه به اصفهان آمد نسبت بعموم علماء بالاخص مرحوم سید حجة الاسلام و وابستگان ایشان بسیار رفتار بدی داشت و نهایت سوء رفتار را مسلوک داشته و دستور داد که آخوند ملا محمد تقی (اردکانی) را از خانه سید بیرون آورده و محبوساً بطهران برند .

محمد حسن خان اعتماد السلطنه در کتاب المآثر والاثار (ص 145) در ستون اول درضمن شرح حال مرحوم آخوند ملا محمد تقی اردکانی مدرس مدرسه فخریه طهران می نویسد :

در سال 1257 وقتی که غالب علماء ممالک محروسه را حاج میرزا آقاسی صدر اعظم محترماً بطهران حرکت میداد او را نیز آوردند (در نظر اعتماد السلطنه کسیرا که محبوساً بطهران بیرند یعنی محترماً بطهران برده اند).

مرحوم اردکانی در برخی از تألیفات خود اشاره به زندانی بودن خود بدون آنکه جرمی مرتکب شده باشد، می نماید . علامه طهرانی در الذریعه (ص 270 پنجم پاورقی) می نویسد :

اما زمان حبس و علت زندانی بودن او را نمیدانیم بغیر از آنکه احتمال داده

میشود که علت آن علاقه او به حاجی میرزا آقاسی بوده و زمانش پس از مرگ محمد شاه یعنی بعد از شوال 1264 باشد.

نویسنده گوید: بطوری که ملاحظه میشود مرحوم ننگایینی که خود معاصر با علامه اردکانی بوده و احتمالاً در موقع گرفتاری او نیز در اصفهان بوده است پناهندگی و گرفتاری او را در سال 1257 می نویسد و علامه طهرانی بطور احتمال در سال 1264 می نویسد و ظاهراً قول مرحوم تنکابنی بیشتر مورد اعتماد است.

طرز رفتار محمد شاه با مرحوم سید حجة الاسلام

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 167) در ضمن بیان مسافرت شاه به اصفهان (در سال 1257) می نویسد:

محمد شاه به اصفهان آمد و زیاده از سی هزار تومان به آن جناب (یعنی مرحوم سید حجة الاسلام) ضرر وارد آورد.

مرحوم حاج سید شفیع جاپلقی در روضة البهیه (ص 21) می نویسد:

سید حجة الاسلام در نزد جمیع طبقات از شاه و مردم محترم و معزوز و مقبول القول بود وقتی که فتح علیشاه مرد و محمد شاه بجای او نشست... در این موقع از طرف شاه به تحریک وزیر او نسبت به سید بی احترامی شده و هتک حرمت او شد، برخی از نوکران او را گرفته و اذیت و آزار رسانیده و کسانی را که بوی پناهنده شده بودند ما خود داشته و حرمت بست او را شکسته از آن جمله ملا محمد تقی اردکانی است.

اموال زیادی از سید ماخوذ داشته (به بهانه های گوناگون) که مقدار آنرا حدود سی هزار تومان می نویسند.

پس از این اعمال شاه مدت اندکی زنده بود و وزیرش نیز به نکبت و بدبختی

ص: 192

در خارج مملکت مرد راقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین .

مرحوم رضا قلی خان هدایت در روضة الصفای ناصری (ص 253 جلد دهم) طبق عادت مألوف خود همه بدرفتاری های شاه و وزیر را بعنوان تقدی خام و صحبتی مخصوص باد نموده و گوید : عموماً (یعنی عموم علماء من جمله سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی رضوان الله علیهما) به حسن خلق و غور درک و علو همت و سمورتبت شاهنشاه اسلام پناه متفق الکلمه گشتند ...

آثار باقیه محمد شاه

در ناسخ التواریخ (ص 212 دوم قاجاریه) آمار زیر را از محمد شاه ذکر می کند که همگان مربوط به صوفیه است :

1- ساختن بقعه جهت شیخ محمود شبستری در تبریز .

2- ساختن قبه و بارگاه جهت شیخ فرید الدین عطار در نیشابور . 3- ساختن قبه برای شیخ ابوالحسن خرقانی در خرقان بسطام . 4 - ساختن بقعه برای حاج محمد حسن نائینی در شهر نائین 5- ساختن گنبد و بارگاه برای حاج ملارضا همدانی در شهر کرمان .

6- تعمیر و ساختن بقعه ملا عباسعلی بنایی صوفی در مراغه (صفحه 602 دوم مکارم الآثار).

معاشرین و معتمدین و مشاورین محمد شاه :

در روضة الصفای ناصری (ص 163 جلد دهم) در ذکر علل و موجبات قتل میرزا ابوالقاسم قائم مقام می نویسد:

ص: 193

عالی جنابان حاجی میرزا آقاسی ابروانی و حاجی زین العابدین شیروانی و میرزا نصرالله اردبیلی و میرزا مسلم خوئی و میرزا نظرعلی حکیم باشی از ارباب حال واصحاب کمال در رکاب اقدس از هر سوی اجتماع یافته بودند و در خلوت خاص بصحبت و نصیحت اختصاصی کامل داشتند و حضرت اقدس را همی از بازجویی اعتمادی بدین طائفه و اعتقادی بدین طبقه بود وغالباً بحق تعلیم تقدیم یافته بودند ...

نتیجه این بیانات آنکه محمد شاه باصوفیه یعنی مخالفین علماء محشورو مأنوس بوده و در کارهای مملکت با آنان مشورت مینموده است .

علاوه بر اینهاوی طبق عهدنامه ننگین ترکمن چای و به حمایت روسها به سلطنت ایران رسید و روسیان در جنگ های ده ساله خود با ایرانیان قدرت علمای بزرگوار شیعه را از نزدیک لمس کرده بودند گرچه بدلیل خیانت برخی از رؤسای لشکر و حکام ولایات و برخی دیگر از متنفذین شهر تبریز جنگ به نفع آنان و ضرر ایران تمام شد اما آنها معتقد بودند که این مرکز قدرت باید از بین برود . شاه که دست نشانده آنها و مشهور است وزیر صوفی مسلک مخالف با علماء بود با علماء اسلام به مخالفت برخواسته جمعی را زندانی وعده ای را بعنوانین مختلف بطهران کشانید .

وزیر بی تدبیر و کم سواد اما پرادعا و بانفوذی که در شاه داشت هر کجا لیاقت واستعدادی می دید و با قدرت و نفوذ کلمه و محبوبیتی مشاهده میکرد درصدد از بین بردن آن بود ، قتل قائم مقام بجرم لیاقت و شایستگی او بود و آنچه در این دوره با علماء اسلام مخالفت شده است همه به اشاره همین وزیر بوده است. و در پاورقی کتاب صدر التواریخ (ص 156) نقل از سفر نامه رضاقلی میرزا نوه فتح علیشاه (صفحه 30) می نویسد :

میرزا آقاسی ابروانی مردی دیوانه و شریر مطلقاً عقل در سرش جای نگرفته

و با وجود عدم عقل افلاطون حکیم را طفل دبستان خود ندانسته و فاسد العقیده‌های که به هیچ وجه از مبدأ و معاد تصویری می نمود از عرفانیت فقط با سم تصوف قناعت و دعوی این مرحله را به قانون سوسفطانی کفایت میدانست در بدو حال از اوامر و اوپاش ایروان محسوب می شد ...

این شخص علاوه بر نادانی بسیار متعصب بود خط مشی و روش او نسبت به بیگانگان عبارت از یک سوء ظن شدید و عمیق بوده است (ص 160 صدر التواریخ نقل از تاریخ ایران تألیف سر پرسی سایکس).

اما چون حاجی میرزا آقاسی روزگار خود را به تعلیم و تعلم بسر برده بود از اسرار سلطنت و رموز مملکت داری بی خبر بود (ص 40 جلد دوم قاجاریه ناسخ التواریخ - ص 160 صدر التواریخ).

حاجی مرحوم در صدارت خود مبعوض جمیع مردم بود جز چند نفری دیگر هیچ کس به وزارت او راضی نبود در پیش حاجی سعاة و خبر رسانان مطلوب بودند با او سر بگوشی سخن می گفتند که دیشب فلان و فلان انجمن داشتند و در عزل شما هم داستان شدند به این واسطه تقرب پیدا میکردند ... به مردم فحش بسیار میداد، هر کسی از زخم زبان او مجروح و هر دلی از تیر دشنامش مشروح بود ... حاجی به جز فحش کار دیگر نداشت.

در کتاب: حقایق اخبار ناصری (ص 250 بنقل پاورقی صدر التواریخ ص 159) می نویسد: صدارت عظمی به حاجی میرزا آقاسی که سابقاً در آذربایجان به تعلیم امیرزادگان می پرداخت مفوض شد.

از این صدارت کار مملکت به خسارت رسید انورملکی مختل گشت و حقوق دیوانی لم یصل آمد.

در عهد حاجی در هر سال در کرور (به پول آن زمان) مخارج ایران بر مداخل

آن زیادی پیدا میکرد .

در کتاب صدر التواریخ وروضه الصفای ناصری و ناسخ التواریخ و دیگر کتب مطالب مفصلی از فساد دستگاه حکومت و نابسامانیها و جنایتهای اطرافیان و وابستگان حاجی میرزا آقاسی نوشته اند که باید طالبین بدانها مراجعه نمایند. ضمناً از کارهای اساسی و مفید او تأسیس قورخانه و ریختن توپ و تهیه وسائل جنگی حفر قنات را می نویسند

در فصوص العلماء (ص) می گوید که ملا قربانعلی قزوینی شاعر معروف به بیدل در هجوم میرزا آقاسی می گوید: نگذاشت برای شاه حاجی در می شد صرف قنات و توپ هر بیش و کمی نه مزرع دولت را از آن چاه نمی نه خایه خصم را از آن توپ غمی

همچنین می نویسند که حاج میرزا آقاسی در سال 1253 مجموع دهات و املاک و مستغلات خود را که یک هزار و چهار صد و سی و هشت قریه و مزرعه می باشد (از ترس مخالفین و طمع شاه) به محمد شاه بخشید .

توضیح آنکه حاجی میرزا آقاسی پس از قائم مقام که در شب شنبه آخر ماه صفر سال 1252 بدستور محمد شاه در باغ نگارستان خفه گردید بمقام صدارت رسید و تا هنگام مرگ محمد شاه یعنی 6 شوال 1264 با کمال قدرت در منصب صدارت برقرار بود بنابراین واگذار کردن املاکش به شاه در سال دوم صدارتش بوده و این همه املاک و مستغلات را در زمان معلمی ولیعهد و دیگران بدست آورده است و عملاً حقیقت درویش مسلکی و صوفی منشی خود را ثابت نموده است .

در خاتمه این مقال گوئیم که علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 691 دوم)

ص: 196

بنا بنقل از سید مصطفی بن اسماعیل موسوی در کتاب: اللوامع المحمدیه در وصف حاجی مرقوم می نویسد:

آیه الله الاستاد الأفخم والفيلسوف الأعظم والبحر الخضم لسان العرب قدوة العلماء الراسخين معلم الحكماء الأساطين العالم العامل الورع الكامل الشيخ عباس بن مسلم الايرواني .

علامه طهرانی دنباله عبارات فوق می نویسند: ان المسموع من الثقات العارفين خلاف ذلك كله (انتهى).

(تالیفات حاجی): کتب ورسائل زیر را به میرزا آقاسی نسبت میدهند و در مجمع الفصحاء (ص 388 دوم) می نویسد بیشتر تالیفات او از بین رفته است . 1- تفسیر آیه نور (مأخذ آنرا فراموش کرده ام که یادداشت نمایم . 2- تفسیر بعضی از آیات مشکله (ص 158 صدر التواریخ).

3- چهل فصل سلطانی- شمیم فرخی در عرفان تاریخ ختم رساله سوم جمادی الأولى 1246 پس از بازگشت از سفر حج در فهرست کتابخانه دانشکده الهیات مشهد مقدس (ص 258 دوم) شمیم فرخی می نویسد لکن در طرائق الحقایق (ص 135 سوم) و به پیروی از آن در مکارم الاثار (ص 76 یکم) شمیم فخری مینویسد در هر حال رساله در طرائق الحقایق بچاپ رسیده است .

4- ده فصل در حکمت، در طرائق الحقایق (ص 135 سوم) بچاپ رسیده است. 5- دیوان اشعار در مجمع الفصحاء گوید جمع آوری نشده است ، تخلص نفری بمناسبت لقب استاد و مرشد او ملا فخر الدین عبد الصمد همدانی مفتول در روز عید غدیر سال 1216 در کربلا بدست فرقه وهابی . 6- رد پادری ، در طرائق الحقایق (ص 158 سوم) گوید: رد پادری

تألیف میرزا بزرگ قائم مقام به اعانت و همراهی حاجی میرزا آقاسی بوده است.

7- رساله در اصول دین بطوری که دانشمند بزرگوار آقای حاج سید محمد علی روضاتی نقل فرمودند نسخه ای از آن در کتابخانه مرحوم آقا میرزا ابوالحسن کتابی در اصفهان بوده است.

8 - سهام عباسیه بفارسی در اوائل جنگ ایران و روس تألیف شده است نسخه ای از آن در کتابخانه آستانه رضویه موجود است (ص 260 دوازدهم الذریعه).

* - شمیم فخری همان چهل نسل است که مذکور گردید در طرائق الحقایق (ص 1350 سوم) گوید: مطالب مهمه شریعت و حقیقت را در نهایت وضوح و اختصار بیان نموده است

9- مصباح محمدی (ص 158 صدر التواریخ) و در الکرام البرره (ص 692 دوم) بنام مصابیح محمدیه در اصول و فروع خوانده شده و گوید نسخه ای از آن در یکی از کتابخانه های بروجرد موجود است . .

نویسنده گوید: ممکن است رسانه در اصول دین و مصباح محمدی به کتاب باشد. .

10- نگارنامه در جغرافیا (ص 142 سوم) طرائق الحقایق .

(اولاد حاجی) مرحوم حاج میرزا آقاسی دارای دو فرزند پسر بنامهای 1- شیخ محمد جعفر (ص 162 کتاب المآثر والاثار) 2 - میرزا عبدالوهاب مؤلف رساله در لغات گلستان (ص 329 هیجدهم الذریعه) بوده است .

مرحوم حاجی در سال 1198 (ص 78 یکم مکارم الاثار) متولد و در شب جمعه 12 رمضان المبارک سال 1265 در اعیان مقدسه ائمه عراق علیهم السلام وفات یافته و همانجا مدفون گردید .

ص: 198

یکی از قضایای قابل توجه در اواخر زندگانی مرحوم سید حجة الاسلام آوردن میرزا علی محمد باب است به اصفهان که منوچهر خان گرجی حاکم این شهر انجام داد .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 258) در ضمن وقایع ساله 1259 می نویسد :

شدت مرض نقرس محمد شاه ... و سیاست معتمد که در چنین فرصت با مرغ شاه و سخافت وزیر و بی صاحبی ایران بوسیله دعوی او شاید بتواند ایران مدار شود فرستاد او را (میرزا علی محمد باب) از حبس شیراز آوردند و در برج چهل ستون پنهانش کردند خفای او از انظار موجب توهمات مو همه مردم ساده شد.

در ناسخ التواریخ (ص 150 دوم قاجاریه) شرحی راجع به او نوشته و گرفتاریش را در شیراز و مباحثه ویرا با علمای آن شهر و زندانی شدنش را بیان داشته ، در آنجا که گوید :

منوچهر خان ایچ آقاسی معتمد الدوله به گمان اینکه شاید ویرا در دین جاه و مقامی باشد و از ادعای او که می گفت من صاحب الامر هستم و کتابی بهتر از قرآن آورده ام (نعوذ بالله) بی خبر بوده کس فرستاد که او را از زندان شیراز رهانیده به اصفهان بیاورد، اتفاقاً در این وقت بیماری وبا در شیراز شیوع یافته و کسی را پروای دیگری نبود. میرزا علی محمد را به اصفهان آورد و علمای این شهر را انجمن کرد و چون وی را علمی نبود که قدرت مباحثه داشته باشد خود را به نوشتن مشغول داشت تا مجلس مباحثه ختم گردید سپس معتمد ویرا پوشیده از مردم نگاه داشت و چنین وانمود که او را از اصفهان بیرون نموده است.

معتمد تازنده بود ویرا در اصفهان نگاه داشت و شبها عده ای را دعوت میکرد که ویرا دیده و سخن او را بشنوند و ظاهراً از این کار ترویج او و پیشرفت مقاصد خود را در نظر داشت و نظر خارجیان نیز در آن بی اثر نبود.

شرح مباحثه میرزا علی محمد با علمای اصفهان در ناسخ التواریخ و دیگر کتب مسطوراست طالبین بدانها مراجعه کنند. و اما انتقال میرزا علی محمد شیرازی از زندان شیراز به اصفهان و نگهداری او در تحت حمایت منوچهر خان گرجی ارمنی مدعی اسلام به هر اسم و عنوانی بوده بضرر اسلام و مسلمین و مملکت ایران بود و فتنه ها و زیانهای غیرقابل جبرانی در دنبال داشت که مجال ذکر آنها نیست.

شرح حال معتمد الدوله منوچهر خان خواجه ارمنی گرجی در بسیاری از کتب و تواریخ زمان قاجار به اختصار و تفصیل نقل گردیده و مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران (ص 159 تا 163) مفصلاً بیان داشته است مطالبین مراجعه

کنند.

مشار الیه در طول حکومتهای خود در ولایات مختلف مال و ثروت فراوانی تحصیل نمود که پس از مرگش در سال 1263 دولت بعنوان خواجه بودن و وارث نداشتن همه را تصرف کرده.

در باره شقاوت و سنگدلی او درد گرزن در کتاب: ایران و مسأله ایران (ص 219 جلد دوم) بنقل مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران (صفحه 162 چهارم) می نویسد:

معتمد الدوله منوچهر خان از حکم خونخوار ایران بوده، در سال 1256 سیصد نفر را در نزدیکی شیراز زنده زنده گج گرفت.

ص: 200

اشاره

سید حجة الاسلام از مرگ فتحعلی شاه تا هنگام وفات

(1250 - 1260)

ص: 201

اشاره

عبادت و بندگی کردن و خضوع مرحوم حجة الاسلام (

مقدمة :

قال الله تبارك و تعالی : و انما يخشى الله من عباده العلماء ، (سوره فاطر آیه

28)

خشیت و ترس از خدا

بمعنی ترس شدید و گاهی آمیخته با تعظیم است ، در این آیه خداوند متعال میفرماید : سرکاری سیاسی داروسازی

منحصراً دانشمندان از خداوند میترسند (ترسی که در اثر علم به عظمت مقام حضرت پروردگار و خردی خود حاصل گردیده، خویشتن را در مقام عبودیت کوچک می بینند و خداوند را بزرگ)

در کتاب کافی در ذیل تفسیر این آیه از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود:

علماء کسانی هستند که کردارشان مؤید و مصدق گفتارشان باشد و اگر کسی خیر آنچه می گوید عمل کند عالم نیست (اصول کافی باب صفة العلماء حدیث 2).

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند : بالعلم يطاع الله ويعبد وبالعلم يعرف الله ويوحد وبالعلم توصل الأرحام و به

ص: 202

بعرف الحلال والحرام والعلم امام العقل والعقل تابعه ويلهمه الله السعداء ويحرمه الأشقياء.

بوسیله علم خدا شناخته و پرستش می شود و بوسیله دانش خدا شناخته شده و جویندگان حق ازرا بوسیله علم می یابند ، بوسیله علم صله ارحام انجام میشود وحلال وحرام شناخته می گردد.

علم پیشوا و رهبر خرد است و خرد پیرو علم است ، خداوند سبحان علم را به بندگان سعادت مند الهام نموده و اشتباه و بدبختان را از آن محروم میگرداند. (الثالی الاخبار ص).

از ابن عباس روایت شده که می گفت :

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مکرر در مکرر از خوف خداوند متعال غش میکرد و بی هوش میشد اما در جهاد در راه خدا چون کوه ثابت و برقرار بود . راز واجبات فوق العاده مراقبت میفرمود و در تمام کارها رضای پرودگار را در نظر داشت ، و کسی بیشتر از آن حضرت با مشرکین قتال و کارزار نموده است

تفسیر جامع م 441 پنجم).

نشانه های شیعه

شیخ صدوق رحمة الله علیه در کتاب : صفات الشیعه (ص 44) از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند :

شیعتنا اهل الورع والاجتهاد واهل الوفاء والأمانة واهل الزهد والعبادة اصحاب احدى وخمسين ركبة في اليوم والليله القائمون بالليل الصائمون بالنهار بزكون اموالهم ويحجون البيت ويحجتنون كل محرم

حضرت صادق علیه السلام در این حدیث طبق روایت ابوبصیر از آنحضرت

ص: 203

دوازده صفت از صفات شیعیان را بدین شرح بیان می فرماید :

شیعیان آن حضرت کسانی هستند که : 1 - مردمانی پرهیز کارند (از معاصی اجتناب می کنند). 2- در امر عبادت و آنچه مربوط به دین است کوشا می باشند . 3- بمهد و میثاق خود وفادارند. 4- امانت پیشه اند و خیانت نمی کنند ه - نسبت به امور دنیائی بی اعتناء می باشند . 6- عبادت پیشه می باشند .

7- در شبانه روز پنجاه و یک رکعت نماز واجب و ناقله آنها را بجا می آورند.

8- در شبها بعبادت خداوند ایستاده اند 9- روزها را روزه میدارند . 10 - زکوة اموالشان رامیپردازند . 11- حج خانه خدای بجای می آورند . 12 - از هر کار حرام و ناشایسته ای دوری می جویند .

نویسنده گوید : باید من و عموم کسانی که خود را پیرو آن حضرت میدانیم این حدیث و دیگر احادیثی را که در باره صفات شیعه از ائمه اطهار علیهم السلام روایت شده است را مطالعه کرده و با خود تطبیق دهیم و متوجه باشیم که تا چه حد در ادعای خود صادق می باشیم.

با مطالعه در شرح حال بیشتر علماء و بزرگان و بالاخص مرحوم سید حجة الاسلام می بینیم که آنها و آن مرحوم یکی از مصادیق واقعی شیعه بودند .

(حدیثی دیگر در نشانه های شیعه):

ص: 204

شیخ صدوق رضوان الله علیه در کتاب صفات الشیعه (ص 53 حدیث 22) جابر جعفی از قول حضرت باقر علیه السلام هنده صفت بدین شرح جهت شیعیان روایت می کند؟

1- از خداوند میترسند (واز معاصی میپرهیزند). 2- اطاعت او امر حق تعالی می کنند. 3- بتواضع و فروتنی شناخته میشوند (و تکبر نمی کنند). 4- در برابر خداوند تبارک و تعالی خاشعند 5- امانت پیشه اند. 6- همیشه بیاد خدا هستند (و ذکر خدا زیاد می گویند).

7- زیاد نماز میخوانند 8- روزه دار هستند.

9- نسبت به پدر و مادر نیکی می کنند. 10- نسبت به همسایگان متعهدند (واز حال آنان بی خبر نیستند). 11- به حال قراء و درماندگان رسیدگی می کنند. 12- به قرض داران میرسند (وقرض آنان را ادا می کنند). 13- از یتیمان سر پرستی می کنند

14- راستگو می باشند. 15- تلاوت قرآن می کنند. 16- زبان از عیب جوئی مردم می بندند و از آنها جز خوبی نمی گویند. 17- در بین خاندان و ملت خود امین هستند.

(نکته قابل توجه): آنچه بیشتر از همه چیز در زندگانی مرحوم سید حجة الاسلام جالب توجه است. موضوع عبادت و خضوع خشوع او در برابر حضرت

ص: 205

حق جل و علا می باشد .

مهمترین تألیفات اور کتاب : مطالع الانوار و تحفة الابرار است که فقط مربوط به نماز است و در سایر مباحث فقهی کتاب مستقلی تألیف نفرموده بخیر از رساله در دیات و آنچه از مباحث دیگر نقل کرده در این کتابها بمناسبت می باشد و یا در رساله (کتاب) سؤال و جواب در پاسخ پرسش مقلدین می باشد . بنابراین یکی از خصوصیات آن مرحوم موضوع عبادت و نماز و تهجد و زیارت و دعا می باشد.

عبادت مرحوم سید حجه الاسلام

علامه صاحب روضات در ضمن بیان صفات و ملکات مرحوم سید حجة الاسلام میفرماید :

حجة الاسلام عالمی شاکر بود و این حقیقت را در برابر سپاسگذاری از عنایات خاصه حضرت پروردگار که نسبت به او ارزانی داشته بود بزبان و قلب و عمل ابراز می نمود (ص 290 دوم ترجمه روضات).

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 136) در این باره می نویسد :

اما عبادت حاجی سید محمد باقر پس فوق طاقت تحریر خامه قاصر است و وصف نماز او بشرح زیر است که در ضمن شرح حال علامه شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام (ص 505) مرقوم داشته است.

نماز سید:

او (یعنی مرحوم سید حجة الاسلام) زمانی که تکبیرة الإحرام قراءت میفرمودند مد میداد من از بعضی از تلامذه ارسوال کردم که لفظ جلالة (الله) جای ما نیست

ص: 206

و چرا مد می دهند و در جواب گفت :

ما با ایشان این سخن را در میان نهاده ایم در جواب فرمودند که :

زمانیکه به کلمه مبارکه (الله) تکلم می کنم از حالت اختیار بیرون میروم و این مد دادن اختیاری نیست.

مرحوم سید حجة الاسلام همه نماز را با خضوع تمام و باحزن بلکه با گریه قرابت میکرد و بر هر شنوندهای واضح میشد که نماز او با نهایت حضور قلب است، در نوافل هم ذکر رکوع و سجود را سه دفعه میخواند وزیر کفهای دسک هم مهر می گذاشت . مجملاً نماز آن بزرگوار در حضور قلب و خضوع عدیل و بدیل نداشت بلکه مستمع را هم گریه غالب میشد.

در روایت وارد شده است که حضرت موسی علی نبینا وعلیه السلام مناجات کرد و در مناجات عرض نمود بارالها پاداش کسیکه از خوف تو یگرید و اشکش جاری شود چیست؟ حضرت حق جل و علا فرمود : اقی وجهه من النار واومنه یوم الفزع الاکبر (مستدرک سفینة البحار ص 326 دوم) وایضاً روایت شده است که : چشمی که از خوف خداوند بگرید در روز رستاخیز نمیگرید (سفینة البحار ص 94 یکم) روایات درباره گریه از خوف خداوند و ثواب آن زیاد است طالبین به کتابهای مربوطه مراجعه فرمایند .

محدث قمی علیه الرحمه در فوائد الرضویه (ص 429 دوم) به نقل از کتاب تکمله امل الامل در شرح حال مرحوم حجة الاسلام می نویسد :

.آن بزرگوار عالمی ربانی و روحانی (بود) و از جمله کسانی بود که حلال و حرام آل محمد علیهم السلام را میدانست و احکام آن بزرگواران راه حکم نمود مخالف هوای نفس خود و مطیع اوامر و دستورات مولای خود بود و همیشه در حال

ص: 207

مراقبت و توجه بحضرت حق سبحانه و تعالی بود هیچ چیز مانع حضور قلب و مراقبه او نمیشد .

مؤلف تکمله از قول پدر خود نقل می کند که :

گوشه های چشم مرحوم سید حجة الاسلام در اثر کثرت گریه در نماز شب مجروح بود . حضرت سجاد علیه السلام در ضمن دعا و تضرع میفرماید : (ص 117 بند 30 دمای 16 چاپ فض الاسلام) با الهی لوبکیت الیک حتی تسقط اشفار عنی الی آخر الدعاء ، مرحوم سید حجة الاسلام به پیروی از اجداد بزرگوار خود آنقدر از خون خداوند گریست تا پلکهای چشمهای او مقروح گشت.

همچنین مؤلف تکمله از قول برخی از نزدیکان سید حجة الاسلام نقل می کند که :

با مرحوم سید به برخی از قراء و دهات رفتیم در بین راه جائی منزل کردیم هنگام شب مرا فرمود آیا نمی خوابی ؟ به رختخواب خود رفتم . پس از اندک زمانی سید حجة الاسلام تصور کرد که مرا خواب ربوده است ، از جای خود برخاست و بنماز ایستاد بخدا قسم دیدم که اعضا و جوارحش می لرزید به کیفیتی که یک کلمه را چندین بار تکرار می نمود در اثر شدت حرکت نکین و آنقدر تکرار میکرد تا آن کلمه را صحیح اداء میکرد .

و همچنین یکی از نزدیکان و اشخاص مورد وثوق و اطمینان مرا گفت : مرحوم سید حجة الاسلام از شدت حضور قلب در برابر خداوند متعال تمام اعضا و جوارحش می لرزید و چون مجلس او خالی می شد و مردمان از اطرافش متفرق می گشتند اشکش جاری می شد و او گفت من خود جاری شدن اشک هایش را دیدم همان موقعی که مردم از مجلس او خارج می گشتند بلافاصله .

ص: 208

نویسنده گوید: از حضرت سید الشهداء علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

من هیچگاه بر پدرم وارد نشدم جز آنکه ویراگریان دیدم (ص 590 نمونه معارف اسلام دوم).

بیماری فتق

مرحوم تنکابنی در قمس العلماء (ص 137) می نویسد:

سید حجت الاسلام) در اواخر عمر آنقدر گریسته بود و به هایهای ناله و بیقراری و گریه و زاری کرده بود که او را باد فتق عارض شده بود و با فتق بند آنرا بسته بود، اطباء هرچه معالجه کردند مفید نیفتاد آخر الامر او را از گریه منع کردند و گفتند که گریه بر شما حرام است چه گریه موجب زیادتی آن بیماری می شود.

پس هر وقت مرحوم سیدبه مسجد میرفت تا موقعی که ایشان نشسته بود اکران به منبر نمیرفتند مگر وقتی که او از مسجد بیرون میرفت و اگرذاکری بمنبر میرفت او نشسته بود بر نمیخواست و شروع بگریستن می نمود.

مرحوم تنکابنی در دنباله این مطلب میفرماید: به این نحو گریستن کسی را نشان نمی دهند مگر فرزندش مرحوم حاج سید اسدالله وحاجی ملا محمد اشرفی و شهید ثالث (ملا محمد تقی برغانی).

اما عبادت این دو سه نفر را نسبت به عبادت سید حجة الاسلام نمیتوان داد.

مناجات خمسة عشر

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء گوید (ص 137):

ص: 209

مرحوم سید حجة الاسلام در قنوت تمام نمازها و در همه اوقات این دعا را میخواند :

290 مرحوم سید حجة الاسلام مناجات ختمه عشر را در حفظ داشت و با گریه بر آن مداومت داشت ، و شهید ثالث نیز آنرا در حفظ داشت و در سجود نماز میخواند و در سجده مشغول خواندن مناجات ششم با حال گریه و زاری بود که او را شهید کردند (شنبه 17 ذی القعدة 1214).

در دنباله این موضوع مرحوم تنکابنی می نویسد : مرحوم حاج سید اسدالله فرزند مرحوم سید بدلیل اینکه این مناجاتها سند معتبر ندارد و علاوه بر آن صلوات بر محمد و آل محمد در آن مناجاتها نیست با آنکه عموماً دعاهای منقوله از خاندان عترت و طهارت علیهم السلام صلوات در ضمن آنها می باشد مانع از فراموشی او بود . سپس خودگوید که :

سابق بر این سندی برای این مناجات یافته بودم و از آن گذشته برخی دیگر از ادعیه منقوله هم صلوات ندارد و اگر کسی بقصد ورود نخواند قطعاً اشکالی ندارد و اگر بقصد ورود هم بخواند مانعی ندارد و از ادعیه مرسله محسوب می گردد.

اما برای پرستاری محدث قمی در مفاتیح الجنان میفرماید :

علامه مجلسی رحمه الله علیه در بحار الانوار فرموده است که من یافتم این مناجات را مروی از حضرت سجاد علیه السلام در کتب بعضی از اصحاب رضوان الله علیهم .

قنوت :

مرحوم تنکابنی (ص 127 أمم العلماء) می نویسد :

ص: 210

اللهم اهدنا فيمن هديت، وعافنا فيمن عافيت وتولنا فيمن توليت وقنا شر ما فضيله وبارك لنا فمن اعطيت ، .

سپس گوید که مدت یکسال در خدمت حجة الاسلام بودم (واطب بنماز اور خصوصاً نماز صبح باوجود بعد مسافت منزلم تا مسجد سید حاضر میشدم) بغير از این دعا در قنوت او نشنیدم چنانکه شیخ بهائی در قنوت نمازها غالباً این دعا را میخوانده است

اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنا في الدنيا والاخرة انك على كل شي قدير .

مرحوم آقا میرزا محمد تقی فقیه احمد آبادی عالم جلیل زاهد در کتاب : آداب الجمععات و ادعیه ای که ائمه معصومین علیهم السلام در قنوت نماز جمعه وغیره میخواندندرا نقل فرموده مطالبین بکتاب نامبرده مراجعه کنند. .

تهجد و شب بیداری

مرحوم سید حجة الاسلام شبها از حالت عادی خارج گردیده و از نیمه شب به بعد به نماز ودها اشتغال داشت و تا صبح به گریه و زاری و بیقراری مشغول بوده و در صحن کتابخانه میگردید و بسرو سینه خود میزد و در حال گر بستن دعا میخواند و نریاد ناله اورا همسایگان می شنیدند .

دو حالت متضاد

مرحوم ننگابی در قمع العلماء (ص 138) در ضمن داستانی از تهجد و عبادت شبانه مرحوم حجة الاسلام می نویسد:

چون شب میشد آنجنامی دیوانه میشد و روزعاقل و کیفیت آن چنان بوده که:

ص: 211

چون پاسی از شب می گذشته در صحن و سرای کتابخانه مانند دیوانگان بر سر خود میزده و های های گریه میکرده و بهتر است ادعیه و مناجات و نماز مشغول می شد و چون صبح طالع می گردیده عمامه بر سر نهاده و عابر دوش گرفته مانند عقلاه و فرزندگان می نشست، این طرز رفتار تمام شبهای او بوده است.

سهو در نماز : در قصص العلماء (ص 138) می نویسد :

گویند در مدتی که مرحوم سید حجة الاسلام در مسجد نماز جماعت میخواند (مسجد حاج طالب - مسجد میرزا باقر - مسجد سید) هرگز در نماز سهونکرد مگر یک روز که فرزندش سید هاشم وفات کرده بود که در آن روز در نماز ظهر سهو کرد.

چراغ جهت روشنائی

همچنین در قصص العلماء می نویسد :

شبهها مرحوم سید حجة الاسلام در کتابخانه تنها بود (نیمی از شبه مطالعه و تصنیف و نیمی عبادت می گذرانید و اندکی استراحت نموده و بخواب میرفت) چراغ او در فتیله داشت یکی کلفت و دیگری باریک هر وقت بیدار بود فتیله کلفت را روشن میکرد و هنگام خواب فتیله باریک را . چون قرص خورشید پنهان میشد چراغ را روشن میکرد و چون آفتاب طلوع میکرد آنرا خاموش میفرمود . تنکابنی گوید که : گویند این اسم (روشن و خاموش کردن چراغ) مایه گشایش امور و اتبال و روی آوردن دولت است.

ص: 212

حمام رفتن :

مرحوم سید حجة الاسلام جهت نظیف روزهای چهارشنبه بحمام میرفت و حدیث نیز بهمین مضمون وارد است و معرو است که روز چهارشنبه سر تراشیدن باعث ازدیاد دولت میشود (قصص العلماء ص 138).

قیافه و اندام سید حجة الاسلام

مرحوم تنکابنی در فصص العلماء (ص 144) می نویسد :

(مرحوم سید حجة الاسلام) نهایت قلیل الجثه و باریک اندام و کوتاه و ضعیف و نحیف بود.

در قریه چالستر (چال شتر - چالش تر) واقع در نه کیلومتری غرب شهر کرد (دهکرد سابق) عمارت سرپوشیده ای است که شرح آنرا دانشمند فرزانه آقای سید کریم نیک زاد امیر حسینی در کتابهای خود (ص 143 جلد اول جغرافیا و تاریخ چهارمحال و بختیاری و صفحه 461 جلد دوم تاریخ و جغرافیای چهارمحال) بطور تفصیل مرقوم فرموده و خلاصه آن بدین قرار است : عمارت سرپوشیده تالار بزرگی

در وسط دارد به طول 9/5 متر و عرض 5 متر و ارتفاع حدود پنج متر سپس شرح مفصلی راجع به چگونگی بنا و کیفیت درهای آن واریسی ها و همچنین گچ بریها و بقاشی ها مرقوم داشته تا آنجا که می نویسد :

در طاقچه ها و طاقچه بلندهای آن صور بعضی از سلاطین مانند : نادر شاه

ص: 213

و کریم خان زند و آقا محمد خان و فتح علیشاه و محمد شاه و ناصر الدین شاه نقش شده به صورت ناصرالدین شاه کمی جوانتر و گویا اوایل جلوس او که مصادف با (تاریخ) ساختمان این بنا بوده نقاشی کرده .

(همچنین) در طاقچه بلندهای آن صورت بعضی از عرفاء مانند : با یزید بسطامی از متقدمین و نور علیشاه از متأخرین و بسیاری دیگر را نقش کرده اند .

و از علماء صورت شیخ بهائی و حاج سید محمد باقر رشنی و پسرش حاج سید اسداله و امام جمعه اصفهان (میر سید محمد حسین) نیز منقوش بوده است .

و عکس میرداماد و میرفندرسکی بینهایت جالب توجه بوده است .

سپس مؤلف محترم می نویسد: متأسفانه این ساختمان (با همه اهمیتش) مانند بسیاری دیگر از ساختمانهای قدیمی و قابل توجه در اثر بی دقتی و عدم توجه مالکین رو بخرابی نهاده و عکس ها نیز در شرف از بین رفتن است .

ص: 214

سید حجة الاسلام و برخی از معاریف علماء و ادباء و حکام معاصر)

در این فصل فقط بذکر اسامی عده ای از علماء و بزرگان و کیفیت برخورد مرحوم سید حجة الإسلام با ایشان بطور اجمال بحث می کنیم .

1- مرحوم آقا سید ابراهیم حسینی مختاری سبزواری ساوجی.

از علماء و فضلاء زمان و در ساوه سکونت داشته باصفهان مهاجرت نموده و مورد توجه و عنایت مرحوم سید حجة الاسلام واقع گردیده و مرحوم سید در جنب منازل خود جهت مشار الیه منزلی تهیه نموده که اعقاب و اخلاق او تاکنون در آن محله و خانه سکونت دارند و به مناسبت مقام قدس و شوای او به مقام معروف بوده که خاندان او به همین شهرت تاکنون معروفند و آنرا نیز نام خانوادگی خود قرار داده اند .

2- میرزا محمد ابراهیم بن محمد باقر جوهری هروی الاصل قزوینی المسکن اصفهانی المدفن

شاعر ادیب واعظ محدث مؤلف کتاب معروف : طوفان البكاء در مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام . در اواخر عمر به اصفهان مهاجرت نموده و مورد احترام مرحوم سید حجة الاسلام قرار گرفته و مشارالیه آن مرحوم را مدح

و ستایش گفته سرانجام در سال 1203 در اصفهان وفات یافته در قبرستان آب بخشان مدفون گردید . در دوران اخیر که قبرستان را تسطیح نموده و تبدیل به خانه و مغازه و مدرسه و خیابان و میدان شد قبری در گوشه مدرسه تبریزی قرار گرفت و به همت تاجر دیندار نیکوکار مرحوم حاج ابوالقاسم تبریزی جهت او اطمینی ساخته و به

کوچه مجاور مدرسه در گذاردند و از آن همه آثار و قبور بزرگان و علماء فقط همین یک نبر باقی ماند . اعقاب و اخلان او در اصفهان با نام خانوادگی جوهری از تجار و کسبه و محترمین بشمار میروند .

3- حاج محمد ابراهیم بن حاج محمد حسن بن حاج محمد قاسم کاخکی کرباسی (مشهور به حاجی کلباسی) .

از اعظام علماء و مجتهدین و اکابر فهساء و رؤساء ملت و دین . آشنائی آن مرحوم با سید از زمان تحصیل در نجف اشرف بوده و این آشنائی و رفاقت به دوستی بلکه ارادت و یک جهنی و صمیمیت مبدل گردید بطوری که عموم نویسندگان کتب تراجم رجال در شرح حال آند و بزرگوار نوشته اند : کمتر دو عالم (و حتی غیر عالم) دیده و یا شنیده شده است که تا این حد متحد و یکدل بوده باشند هر کجا می خواستند بروند با یکدیگر وعده کرده و باتفاق تشریف میبردند در راه رفتن هر به دیگری را مقدم میداشتند و هر دو حاج ملاعلی نوری را مقدم بر خود می داشته اند معرو است که حاجی کلباسی در اصفهان احدی را غیر از سید حجة الاسلام مجهد نمی دانسته و خود با آن همه مقام و شخصیت به زواره رفته و جهت مرحوم سید عبال انتخاب نموده و بشهر می آورد .

4- حاج ملا اسدالله بروجردی . عالم فاضل محقق مدقق معروف به حجة الاسلام .

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 145) می نویسد :

ص: 216

مرحوم سید حجة الاسلام سه نفر از علماء عصر را تفسیق کرد. یکی حاج ملا اسد الله بروجردی بود. چند نفر از علماء بروجرد مانند آخوند ملا علی و غیره سید را هستند برفست او نموده پس سید ویرا تفسیق نمود.

محدث قمی در فوائد الرضویه (ص 42 یکم) می نویسد:

اسد الله بن عبدالله بروجردی عالم فاضل کامل در فقه و اصول شاگرد صاحب قوانین و داماد او بود (وی همچنین شاگرد مرحوم آقاسید محمد مجاهد کربلائی نیز بوده است) بطوری که در کتاب: المآثر والأثار (صفحه 140) می نویسد: مشارالیه در اواخر عمر ادعاء اعلیمت نموده و باب علم رامفتوح میدانسته است. در تاریخ بروجرد (صفحه 344 دوم) می فرماید: در دهه سوم سال 1271 در بروجرد وفات یافت. ویرا از زنان متعدد هفت فرزند پسر بهم رسیده است (ص 1953 ششم مکارم الاثار).

نویسنده گوید: مقام علمی شخصیت والای مرحوم حاج ملا اسد الله خیلی بالاتر از اینگونه اتهامات است که ویرا نعوذ بالله به فسق آلوده سازند، بلکه اینگونه اتهامات بیشتر از ناحیه کسانی است که بر مقام و شخصیت او حسد میبردند و با فریب متظاهرين بدیانت را میخوردند.

5- آقا محمد اسماعیل فرزند حاج محمد حسن عارف نائینی.

در طرائف الحقایق (صفحه 351 سوم) و از آنجادر مکارم الاثار (صفحه 2025 ششم) شرحی راجع به او نوشته خلاصه آنکه:

وی عارف و صوفی بود و عده ای در خدمت مرحوم سید حجة الاسلام شهادت بر کفر او دادند تا اینکه آنجناب حکم کفر و ارتداد و بالنتیجه حکم قتل او را صادر فرمود، وی از اصفهان فرار کرد و سالها مخفیانه در مشهد مقدس میزیست و در زمان محمد شاه صوفی که صوفیه کروفری یافتند و از مخفیگاه خود خارج

ص: 217

شده به نائین رفت و در آنجا متأهل شده و اولادانی یافته و بالاخره بسال 1272 در شهر نائین فوت شده و در جنب پدر بخاک رفت. همچنین در طرائق و مکارم می نویسند که پس از ثبوت ارتداد او زنش را به میرزا عبدالحسین شوهر دادند و مضحک تر آنکه می گویند شورش مردم اصفهان در سال 1265 و کشته شدن میرزا عبدالحسین در اثر شامت این ازدواج بوده است .

علامه روضاتی حفظه الله که چاپ مجلدات شش گانه مکارم الاثار بهمت رسمی ایشان و زیر نظر مستقیم و تصحیحشان انجام یافته در پاورقی مطالب فوق (صفحه 2026 ششم) می نویسند؛

داستان تکفیر بنحوی که راوی آن ساخته و پرداخته است از حقیقت دور و گواه سوء نیت راوی (و نویسنده کتاب ط) و قصد اهانت بروحانیت و تحقیر مقام شامخ سید حجة الاسلام اعلی الله مقامه بوده است کما لا یخفی (انتهی) .

نویسنده گوید : اگر حقیقاً جمعی از مردم عادل و آگاه بر کفر و ارتداد اوشهادت داده باشند حکم مجتهد در این مورد نافذ است مگر آنکه جرح شهود نموده و حکم نقض شود و باید محمدشاه مدعی مسلمانی وقتی بدو دست یافت او را فوراً بقتل برساند نه آنکه ویرا آزاد بگذارد که به نائین رفته و در آنجا عده ای را گمراه گرداند .

ثانیاً عیال مرقد مطابق قوانین اسلام احتیاج به طلاق ندارد که نویسنده طرائق و مکارم بنویسند که زوجه او بی طلاق شوهر کرده

ثالثاً آقا محمد اسماعیل صوفی مرتد و کافر چه شخصیتی است که فتنه اصفهان در اثر شوهر کردن بدون طلاق زن او باشد بلکه اگر گفته بودند که فتنه اصفهان (البته شورش مردم اصفهان) در اثر انجام ندادن حکم خداوند درباره مرتد بوده است بهتر و شایسته تر بود .

با للعجب چه مهملاتی که باید از صوفیان بشنویم و چه مردم خوش باوری

که نوشته صوفیان را در کتاب خود نقل می کنند، خداوند از تقصیرات همه ماها در گذرد اینه غفور شکور.

6- مرحوم آقا شیخ محمد تقی بن محمد رحیم رازی ایوان کیفی اصفهانی

عالم فاضل محقق مدقق فقیه اصولی صاحب حاشیه بر کتاب: معالم الأصول بنام «هدایة المسترشدين» .

وی از شاگردان مرحوم شیخ جعفر نجفی معروف به کاشف الغطاء وهم داماد ایشان بوده و نزد جمعی دیگر از فحول علماء و مجتهدین نیز تلمذ فرموده و از حدود سال 1222 در اصفهان ساکن و در مسجد شاه امامت و تدریس مینموده

است .

مرحوم تنکابنی در فصوص العلماء (ص 117) در ضمن شرح حال او می نویسد :

حجة الاسلام به اور مالی نداشت و احکام او را امضاء نمیکرده

شیخ محمد تقی در ظهر جمعه 15 شوال المکرم سال 1248 در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه مادر شاهزاده مدفون شد.

نویسنده گوید : مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (صفحه 16) در ضمن شرح حال آقا سید ابراهیم قزوینی بمناسبتی می نویسد :

حاجی کلباسی را اعتقاد آن بود که اجتهاد در نهایت صعب است و آنانکه مدعی اجتهادند اکثر مجتهد نیستند و اگر کسی ادعای اجتهاد و مرافعه مینمود حاجی او را تفسیق میکرد (انتهی).

بظن نویسنده بیشتر تفسیق ها که در آن زمان انجام گرفته روی همین اصل بوده است . و معروف آنست که حاجی مرحوم شیخ محمد تقی را نیز

7- مولی محمد تقی بن علی محمد نوری مازندرانی

ص: 219

عالم فاضل زاهد عابد از شاگردان حاجی کلباسی و حاج ملاعلی نوری و آنا سید علی صاحب ریاض المسائل بوده است .

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (صفحه 145) پس از شرحی که درباره ایشان می نویسد گوید :

میرزای مزبور را فتاوای غریبه ای که خارج از قانون فقاهت است بسیار است لیکن در امر بمعروف و نهی از منکر اوحد زمان و نادره دوران بود .

جماعتی از اهل نور در خدمت حجة الاسلام شهادت به فسق او دادند پس سید او را تفسیق نمود.

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (صفحه 118 یکم) می نویسد :

شاید مراد صاحب قصص از تفسیق سید صاحب عنوان را کلامی باشد که در و البدر التمام ، (صفحه 21) از کتاب سؤال و جواب مرحوم سید نقل کرده بدین عبارت : بدین عبارت : سر و کار دارای

و اما آنچه در این اوقات اُستماع شده که در بلاد طبرستان کسی ادعا نموده که غلیان کشیدن در ماه مبارک رمضان جایز و بی عیب بلکه خود می کشد و ترغیب مردم در کشیدن آن می نماید، اگر اصل داشته باشد چنین کسی قابل تصرف در احکام خلاق جهان جلت عظمته نیست، بلکه چنین اشخاصی مخرب شریعت پیغمبر آخر الزمان و مطرود درگاه وهاب علی الاطلاق می باشند برکافه اهل ایمان اجتناب از ایشان بلکه امانت آنها لازم است و انتی .

نویسنده گوید : مسئله مفطر بودن و نبودن غلیان در روز ماه مبارک رمضان از مسائل خلافی بین فقهاء بزرگوار است که باید در حوزه های درس و مباحثه درباره آن سخن گفته شود و هر یک از طرفین در نفی و اثبات نظریه خود اقامه دلیل و برهان نمایند ، اما اینکه مسائل خلافی را در بین مردم عوام ترویج کردن مسلماً خارج

از قاعده فقهاء بزرگوار بوده و زیانهای غیر قابل جبرانی دارد

مرحوم آقا میرزا محمد تقی در شنبه 11 شوال 1201 متولد و در ربیع المولود 1263 وفات یافته در نجف اشرف مدفون گردیده است و مقام او بالاتر از آنست که باین گونه تهمت ها آلوده گردد و این سخن ها از ناحیه کسانی است که میخواستند روحانیون بزرگوار همچون سید حجة الاسلام یا حاجی بروجردی و با صاحب عنوان را در نزد مردم کوچک و بی اعتبار کنند . والله متم نوره ولو كره المشركون .

در مکارم الاثار (ص 118 یکم) بنقل از دار السلام مرحوم محدث نوری فرزند مشار الیه بیست کتاب و رساله از تألیفات نامبرده را ذکر نموده است.

8- میرزا سید جعفر فرزند میرزا محمد حسین بن میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی اصفهانی حائری نواده دختری آقا محمد علی بهبهانی متصدی موقوفات شهرستانها و موقوفات میرزا فضل الله شهرستانی.

چون از طرف مرحوم حجة الاسلام شبهاتی در باره موقوفات شهرستانی ها شد به اصفهان مهاجرت کرده و خدمت مرحوم حجة الاسلام شرفیاب گردیده و مباحثاتی انجام داد . ویرا تألیفاتی است از آن جمله : 1- رساله در انساب و حید بهبهانی 2- رساله در دفع شبهات وارده بر موقوفات میرزا فضل الله بعربی 3- رساله دیگری در همین موضوع بفارسی 4- رساله در جواز تقلید میت 5- رساله در غیبت 6- رساله در غذا 7- رساله در حکم عصیر 8- رساله در حکم آب

گوشتی که در حال جوشیدن قطره خون در آن بیفتد (ظاهراً این دو رساله از افادات مرحوم سید حجة الاسلام و موضوع بحث آن بزرگوار بوده).

مرحوم میرزا سید جعفر در سال 1260 وفات یافته است (ص 467 یکم الکرام البرره)،

ص: 221

9- مرحوم میر محمد حسین بن میر عبد الباقی خاتون آبادی امام جمعه میفهان

در ضمن حالات مرحوم سید حجة الاسلام نوشتیم که در موقعی که هنوز عنوان وشهرتی نداشتند در حین عبور از کوچه ای به منکری از منکرات برخورد نموده بموجب تکلیف شرعی در مقام نهی بر آمده لکن جمعی از اشرار وولگردان و عاملین منکرویرا گرفته و پس از اذیت و آزار حبس می کنند خبر به مرحوم امام جمعه رسیده نوکران خودرا فرستاده و ایشان را نجات میدهد . در کتبی که این جریان را نقل کرده اند نام امام جمعه ذکر نشده است لکن از روی قرائن همین بزرگوار می باشد .

مرحوم حاج میر محمد حسین سلطان العلماء در حدود سال 1158 متولد و در شب دوشنبه ششم ماه صفر 1233 وفات یافته و تالیفاتی نیز دارد (ص 959 سوم مکارم الآثار).

10- ملا حسین بشر و بهای فرزند عبد الله

مهدی بامداد در کتاب خود : شرح حال رجال ایران (ص 279 یکم) شرح دوران زندگی پر ماجرای او را مفصلاً نوشته و گوید: از طرف میرزا علی محمد شیرازی مأمور شد که در اصفهان بنزد مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام برودلکن در باره این سفر و برخورد او با مرحوم سید حجة الاسلام چیزی ننوشته است و ناگفته پیداست که با جرأت ملاقات نیافته و یا خائناً خاسراً مراجعت نموده . تولدش 12279 و کشته شدن او 1265 می باشد.

11 - حاج محمد حسین شیخ زین الدین معروف به حسینعلی شاه اصفهانی عارف از اقطاب صوفیه .

در قصص العلماء (ص 151) بخلاصه می نویسد : وقتی از اوقات صوفی معروفیرا تکفیر کردند پس خدمت آخوند استفتاء

ص: 222

نمودند آخوند ملا علی نوری شرح مفصلی در تکفیرش نوشت و گفت توای قتل با مجتهدین است، خدمت مرحوم سید حجة الاسلام رسیده که حکم به قتل کند مرحوم سید در این قبیل موارد بر حسب تکلیف شرعی مسامحه داشت (حکم قتل نوشت و نوشته دیگران را نیز امضاء فرمود) نوشته آخوند ملا علی را نزد او برده و ماجرا را نقل کردند مرحوم آخوند بسیار ناراحت شده و فرمود : من اهل خبره ایشانم و ایشان کافرند و حکم بقتل کردن تکلیف حاکم شرع است چرا باید مسامحه نمایند .

در طرائق الحقایق (ص 100 جلد سوم) شرح این جریان را مفصلاً نوشته لکن امضاء فرمودن حکم را از طرف مرحوم سید حجة الاسلام ذکر ننموده است فقط می نویسد : چون حسینعلی شاه را بطهران بردند نمیدانم از جایی به پادشاه خبری رسید یا دل او را اثری عارض گردید .

نویسنده گوید : ظاهراً علت تغییر وضع و اظهار محبت فتح علیشاه نسبت به حسینعلی شاه آن بوده که مرحوم سید حجة الاسلام با قتل او موافق نمی باشد و حکم قتلی که دیگران داده و نمیدانیم چه کسانی هستند را امضاء فرموده است.

حسینعلی شاه در اصفهان ساکن و در مسجد علی آقا اقامه جماعت مینموده (ص 101 سوم) و هم در آنجا موعظه و تدریس مینموده و در 11 محرم 1234 در کربلا وفات یافته ، ویرا کتابی است در رد بادری نصرانی

شرح حال حسینعلی شاه در کتاب مکارم الآثار (ص 972 سوم) ذکر شده است .

12 - خسرو خان گرجی حاکم اصفهان .

مهدی بامداد در کتاب خود : شرح حال رجال ایران (م 479 سیم) شرح حالی از او نوشته و گوید :

از میان حکام کسی بود که به شفاعت علماء اعتنائی نمی کرد (انتهی).

شورش اصفهان در سال 1253 در زمان حکومت او و علیه او بعلت ظلم و ستم و بی عدالتی های او نسبت بمردم رویداد است نه بتحریرک علماء اسلام بلکه اگر پای علمام بزرگوار در این میان بوده عنوان هدایت و رهبری نداشته اند و وظیفه شرعی آنان در دفع ظلم و ستم بوده است و آنرا نباید تحریک نام نهاد که بامداد می گوید .

اوتا سال 1263 زنده بوده و بعد از این تاریخ نمیدانیم چه وقت وکی مرده است.

13 - عالم فاضل محقق شیخ خلف بن الحاج عسکر حائری

از مشاهیر شاگردان صاحب ریاض المسائل بوده و علامه صاحب روضات الجنات درباره او میفرماید (ص 267 چاپ اول):

از کثرت تتبع سید همنام ما صاحب و (مطالع الانوار) در شگفتی و تحسین و ستایش بوده است،

(قل به معنی) در معارف الرجال (ص 298 یکم) فوت او را در رای سال 1247 می نویسد ولکن صاحب روضات میفرماید در دهه پنجم بعد از هزار و دویست وفات یافته است.

14 - حاج سید رضی مازندرانی ، حکیم و فیلسوف از مدرسین عالیمقام

تکابنی در قصص العلماء (ص 119) در ضمن شرح حال حاجی کالباسی

می نویسد:

از قول آقا سید رضی مازندرانی نقل کردند که گفته است : علماء دین ندارند این خبر به مرحوم حاجی رسید او را خواسته فرمودند که از قول شما چنین می گویند و یکی از ملاها من هستم پس معلوم میشود دین تو غیر از دین من می باشد و من

ص: 224

مأمورم که هر که دینی غیر از دین من داشته باشد او را بقتل برسانم ، سید بهانه ای آورد و طبعی تصدیق بیماری او نمود حاجی از قتل او در گذشت و او را نفی بلد نمود ، مدت یک سال وی در نجف آباد ساکن بوده بعداً مرحوم سید حجة الاسلام از او شفاعت کرده بشهر بازش گردانید .

نویسنده گوید : آنچه معروفست مرحوم حاجی کلباسی در این قبیل موارد ساکن بوده و حکم قتل نمیداد . والله اعلم .

مرحوم حاج سید رضی لاریجانی اصفهانی طهرانی از اجله علماء و معاریف شاگردان آخوند ملا علی نوری بوده در اواخر عمر در طهران ساکن و در مدرسه خان مروی تدریس مینموده و در سال 1270 وات یافته است . (ص 174 المآثر والاثار - ص 1957 ششم مکارم الاثار)

15- شیخ صادق رشتی

مرحوم تنکابنی در فصوص العلماء (ص 146) می نویسد : سومین عالمی که مرحوم سید حجة الاسلام ویرا تفسیق نمود حاج ملا صادق رشتی بود، در شرح حال او می نویسد : وی جامعیت داشته و نطاق بوده و در وعظ تسلطی داشته و از شاگردان آقا سید علی صاحب ریاض المسائل بوده و یکصد و هیجده سال عمر کرده و نا آخر عمر حواس او برجا بوده است ، پس از شرح مختصری می نویسد : بعضی از اهالی رشت جمع شدند و در خدمت حجة الاسلام شهادت بر فسق او دادند لهذا جناب سید اور تفسیق نمود و مطلب را به اهالی رشت مرقوم فرمود . سپس مرحوم تنکابنی می نویسد : یحتمل که امر پر جناب سید مشتبه شده باشد .

نویسنده گوید : احتمال آنکه دست استعمار و بیگانه در این شهادتها و در نتیجه آلوده ساختن آن علماء بزرگوار بسیار است . فاعتبروا یا اولی الابصار .

16- سید سلیمان طباطبائی یزدی نائینی

سید ورع فاضل از تلامذه شیخ

ص: 225

جعفر کاشف الغطاء و دیگران بوده و حال او در عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام در ایام عاشوراء بدین گونه بود که : لباس سیاه می پوشید و جمیع لذائذ را بر خود حرام میکرد و شب و روز در این مصیبت جانسوز می گریست و اقامه مزا در منزل خود نموده و اطعام میکرد و خود بنفس نفیس خدمت مؤمنین میکرد و عمامه از سر بر می داشت و استنبها بالا میزد و در منبر پس از موعظه در ذکر مصیبت خود بیشتر از همه گریه میکرد و حاضرین از دیدن حالت او منقلب می شدند .

وی پس از سال 1250 وفات یافته است. خواب سید حجة الاسلام : در فوائد الرضویه (ص 204 یکم) می نویسد :

گویند مرحوم آقا سید محمد باقر حجة الاسلام پیش از وفات او خواب دید که عصا از دستش افتاد پس از آن خبر فوت این سید جلیل بار رسید .

خوابی دیگر از مرحوم سید حجة الاسلام :

همچنین نقل شده است که مرحوم حجة الاسلام قبل از فوت مرحوم میرزای قمی همین خواب را دیده است.

17 - حاج میرزا عبد الرحیم بن حاج سعید شیخ الاسلام بن میرزا رحیم شیخ الاسلام نائینی

شیخ الاسلام نائین ، صوفی و عارف ملقب به نظر علی شاه متوفی سال 1240 قمری .

مرحوم حاج سید عبدالحجته بلاغی در تاریخ نائین (ص 117) بخلاصه می نویسد :

نزد مرحوم سید حجة الاسلام در اصفهان سعادت کردند که شیخ الاسلام صوفی شده است مرحوم سید شیخ الاسلام را به اصفهان می طلبد چون به اصفهان

ص: 226

وارد میشود به محضر سید میرود آن مرحوم بر منبر نشسته و بدرس مشغول بوده اند شیخ الاسلام شروع بمباحثه می کند و پس از فراغت از درس مرحوم سید از ساعیان و شاکیان سؤال میفرماید آن شخص که احضار شده آمده است؟ می گویند بلیو اشاره به شیخ الاسلام می کند و می گویند همین است.

سید میفرماید تو به چنین عالمی توهین می کنی و تهمته صوفیگری باو میزنی و آن کس را از نزد خود بیرون کرده و رعایت احترام شیخ الاسلام را میفرماید

مرحوم شیخ الاسلام جد اعلای علامه فقیه مرحوم آقا میرزا محمد حسین غروی نائینی مجتهد معروف می باشد (فرزند میرزا عبد الرحیم بن محمد سعید بن حاج عبد الرحیم (محمد رحیم) شیخ الاسلام صاحب عنوان فرزند حاج سعید بن حاج میرزا رحیم منوچهری نائینی).

18 - حاج عبدالله خان امین الدوله فرزند حاج محمد حسین خان صدر .

سابقاً شرح وابستگی او را به سید حجة الاسلام و سپس پناهندگی و برابده خانه ایشان و وساطت و شفاعت کردن آن مرحوم از وی و بالاخره مهاجرتش بعراق نوشتیم در این جا گویم که :

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 149) می نویسد : در سالیکه سید حجة الاسلام وفات یافت من در اصفهان بودم که امین الدوله دعوی بیست هزار تومان بر آنجناب نمود و مرحوم سید در جواب فرمود که در آن تنخواه را داده بودی که من بابت مظالم بفقراء داده باشم و من داده ام . امین الدوله گفت که من بودیعه نزد شما گذاشته بودم . سید فرمود مرا اشتغال دمه به تنخواه تو نیست لکن الحال که قبول نداری من خود قبول دارم و اینکه بفقراء داده ام مال خود من باشد و وصیت کرد که از مال او بیست هزار تومان به امین الدوله بپردازند (و پس از وفات مرحوم سید وراث او پرداختند).

نویسنده گوید: با توجه به نوشته مرحوم تنکابنی که از شهود عینی بوده گفته مرحوم انصاری که مرحوم سید مسجد را از پول امین الدوله بنا نمود بی اعتبار و کلامی بدون دلیل می باشد.

19 - آقا محمد علی بن محمد باقر مازندرانی.

عالم فاضل محقق مدقق مواد در 1188 متوفی در 1245 مدفون در بقعه جناب امامزاده سید علی اکبر در قمشه .

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 134) می نویسد :

زمانی که شیخ جعفر نجفی وارد اصفهان شد روزی آقا محمد علی و حاجی محمد ابراهیم (کلباسی) در خدمتش بودند که بدیدن مرحوم حاج سید محمدباقر رفت و شیخ به سید عتاب فرمود که : آقا محمد علی فاضل رقیه است چراتو و حاجی محمد ابراهیم رعایت نمی کنید و سبب اشتها او نمی شوید و تقصیر از شما دو فراست، سید و حاجی در مقام معذرت بر آمدند لیکن حاج سید محمد باقر قلی با او مربوط نبود بلکه او را مجتهد نمی دانست. سری

زوجه او دختر شیخ جعفر بود و پس از فوت مشار الیها دختر میرزا محمد باقر نواب لاهیجی را بزوجیت گرفت.

نویسنده گوید: وقتی عالمی جلیل همچون آقا محمد علی مازندرانی و یا محلی مدتی همچون شیخ محمد تقی رازی را که استاد فقهاء و مجتهدین زمانست و عموم معاصرین مقامات علمی آنان معترفند را مجتهد ندانند تکلیف مدعیان اجتهاد در زمان حاضر و در کلیه زمانها روشن و معلوم است . فاعتبروا یا اولی الابصار .

20 - مرحوم آخوند ملا علی بن جمشید نوری مازندرانی.

حکیم فیلسوف ادیب شاعر متخلص به (نور) ، شرح حالش را بطور اجمال در ضمن اساتید مرحوم سید حجة الاسلام نوشتیم در این جاگوئیم مرحوم آخوند

ص: 228

از جمله ارادتمندان به سید بوده و با وجود ضعف مزاج و کهولت سن و شیخوخیت بنماز ایشان حاضر میشده ، اینک دو داستان از او نقل می کنیم :

1- وقتی جهت اقتداء بنماز به مسجد میرزا باقر می آید و در صف جماعت می نشنید اتفاقاً مرحوم سید اندکی دیرتر از وقت بمسجد می آیند چون مرحوم آخوند را در صفوف جماعت مشاهده می کنند میفرمایند : چرا جلو نایستادید تا مردم بشما اقتدا کنند و نماز از اول وقت عقب نیفتد؟ آخوند می گوید: من خود را عادل نمیدانم . سید میفرماید : در این سن هنوز عادل نیستید، خود جلورفته و شروع نماز می کند .

2- دفعه ای دیگر آخوند به مسجد سید آمده بودند اتفاقاً پیش آمدی جهت سید روی میدهد که بمسجد تشریف نمی آورند (و خبر می دهند که نمی آیم) روز دیگر که آخوند سید را می بیند با حال تغیر اظهار میدارد : من بخاطر شما مسجد می ایم آنوقت خود شما به مسجد نمی آید مرحوم سید عذر میخواهد .

21- مولی علی اکبر بن محمد باقر اژه ای.

عالم فقیه زاهد حکیم متکلم امام مسجد علی و مدرس در آنجا مؤلف کتابهای عدیده از آن جمله : 1- رساله در معراج 2- رساله در نماز شب خیلی مفصل 3- زبدة المعارف در اصول دین و اعتقادات بسیار مفصل و معروفترین تألیفات ایشانست هر سه کتاب بفارسی و مطبوع است و چندین کتاب و رساله دیگر ، در 11 شوال 1232 وفات یافته و در تخت فولاد مدفون گردید .

22- ملا قربانعلی بن رمضان رودباری قزوینی شاعر متخلص به بیدل.

قبلاً شرح مسافرت او را به اصفهان و عطا و بخشش مرحوم سید حجة الاسلام نسبت به او را نوشتیم در این جا گوئیم : کتب زیر از اوست :
1- دیوان اشعار 2- ماتمکده تاریخ فراغت از نظم 1266 مطبوع 2- مصیبت نامه دو جلد مطبوع

4- منقول که احتمالاً یکی از دو کتاب چاپ شده سابق الذکر است .

رباعی معروف زیر را در هجو حاج میرزا آقاسی گفته است: نگذاشت برای شاه حاجی در می شد صرف قنات و توپ هر بیش و کمی نه
خانه دوست را از آن چاه نمی به خانه خصم را از توب غمی

23 - شیخ محسن بن محمد خنفر نجفی.

عالم فاضل محقق مدقق فقیه زاهد صاحب کرامات و مقامات شرح حالش در فوائد الرضویه (ص 274 دوم) واحسن الودیعه (ص 11 یکم) ومعارف الرجال (ص 175 دوم) وتکمله نجوم السماء (ص 108 یکم) ومکارم الاثار (ص 1985 ششم) ومعجم رجال الفکر والادب (ص 169) و دیگر کتب مسطور است

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 144) می نویسد:

شیخ محسن خنفر که یکی از مشاهیر مشایخ وفقهاء نجف بود وفاضل ودر فقه زیاد ماهر و از شاگردان شیخ علی بن شیخ جعفر نجفی بود
.... باصفهان رفته بود و می گفت :

سید محمد باقر فضیلات اوزیادتر از شهرت اوست واشتهارش از فضیلت او کمتر است.

در معارف الرجال (ص 175 دوم) گوید :

شیخ محسن بن محمد بن خنفر در حدود سال 1176 متولد و در شب شنبه آخر ربیع الاول سال 1270 (در فوائد الرضویه 22 ذی
القعدة 1271 می نویسد ودر تکمله نجوم السماء وفات او را از قول سید محمد هندی یکی از شاگردانش 29 ربیع الثانی 1270 شب شنبه
بعد از عشاء در اواخر پائیز و اوایل حلول و بء بمرض تب مطبقة نوشته است) در نجف وفات یافت و در کتاب نام برده از شخصیت

ص: 230

و مقام علمی و زهد و تقوای اوستایش شده و گوید از مدرسین معروف بوده و حافظه بسیار قوی داشته بطوری که کتاب قانون ابوعلی سینا و وسائل الشیعه شیخ حر عاملی را در حفظ داشته و در تدریس طب یونانی متخصص بوده است .

24 - آقا سید صدر الدین محمد بن صالح موسوی عاملی اصفهانی عالم جلیل و محقق بی نظیر.

مرحوم آقا سید صدر الدین از علماء بزرگوار و مجتهدین عالی مقداری است که بکثرت علم و حلّیت تقوی معروف بوده در کلیه علوم دینی بالاخص فن رجال مهارتی فوق العاده داشته در سال 1294 متولد و در شب جمعه 14 محرم الحرام سال 1263 در نجف اشرف وفات یافت ویرا تألیفاتی است.

مرحوم آقا سید صدر الدین بعللی به اصفهان مهاجرت نمود و با وجودی که بنا بگفته مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت در کتاب نسب نامه الفت (بنا بنقل مرحوم حاج سید عبدالحجت بلاغی در کتاب : اعلاط (به عین مهمله) در انساب (ص 27) با سید حجة الاسلام رفتار خوشی نداشته لکن مرحوم سید حجة الاسلام با آن خلق و خوی بزرگوارانه و سخاوت و بخشش که در نهاد او سرشته بود نسبت به آن عالم جلیل نهایت لطف و مرحمت را داشته و در محله آب بخشان در کوچه شیخ ابو مسعود رازی چندین بلب خانه به ایشان بخشیده که وی و عیالاتش در آنها باسودگی زندگی کنند و ضمناً متکفل مخارج ایشان و دختر شیخ جعفر یعنی عال ایشان نیز گردیده .

مرحوم آقا سید صدر الدین ازدوزن عقدی و چندین عیال منقطعه جمعاً بازده فرزند (پنج نفر پسر و شش دختر) داشته که اعلم واشهر ایشان مرحومین آنا مجتهد و آقا سید اسماعیل صدر می باشند . رحمة الله علیهم اجمعین .

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص 178) می نویسد :

در وقتی از اوقات میرزا محمد اخباری وارد اصفهان شد در مجلسی از مجالس میرزا محمد اخباری و حاجی کلباسی رسید حجة الاسلام جمع شدند . میرزا محمد در مقام گله به حاجی اظهار داشت که :

من و شما در ایام تحصیل باهم رفیق بودیم و مرا با شما حق رفاقت است چرا پدیدن من نیامدی ؟

حاجی در جواب سکوت نموده حجة الاسلام در جواب فرمود:

حاجی از شاگردان کسی است که بشاگردانش گفته است : هر که از شما با اخباری مجالست و معاشرت داشته باشد عاق من است و از این جهت جناب حاجی بدیدن شما نیامده است.

میرزا محمد گفت : اکنون مسئله ای پیش آمد و آن اینست که : اگر حقوق با عقوق تعارض کنند کدامیک مقدم است ، سید فرمود که عقوق مقدم است و بر طبق مدعای خود حدیثی ذکر فرمود . میرزا محمد در سند آن حدیث قدح کرد و بر طبق مدهای خود که حقوق را مقدم بر حقوق میدانست چند حدیث با ذکر مند از کتاب کافی قرایت کرده

مؤلف قصص العلماء پس از نقل این داستان می نویسد :

میرزا محمد اخباری در جدل ید طولائی داشت و کسی غیر از آقا سید علی بر او غلبه نکرده . مجادل بودن میرزا از این بابت بود که او را جامعیت بود و در مسئله ای که صحبت میداشت اگر خود را عاجز میدید حضم را بتدابیر و حیل از آن مسئله بیرون برده و در علم دیگر وارد می کرد و اگر در آنجا نیز عاقبت کار را جز خویش مشاهده میکرد بالطائف الحیل بعلم دیگر می رفت و همین گونه عمل میکرد تا خصم را مجاب و عاجز مینمود و در یک مسئله استقامت و پایداری نداشت (انتهی).

میرزا محمد اخباری در 21 ذی قعدة 1178 متولد و در روز شنبه 27 ربیع الأول سال 1232 در کاظمین کشته شده است. شرح زندگانی و دوران حیات او را عموم نویسندگان بطور اجمال و تفصیل در کتب خویش نوشته اند ظاهراً مفصل تر از همه کتاب مکارم الاثار (ص 925 سوم) می باشد .

نویسنده گوید : در نزد نویسنده مجموعه ای است شامل 12 رساله مختصر که مالک آن میرزا محمد اخباری بوده و در پشت صفحه اول آن بخط خود نوشته است :

ملکها بالشراء وانا العبد الانیم محمد بن عبد النبی النیسابوری عفی عنهما سجع مهر : صل علی محمد.

و در چند جای دیگر تملک خود را نوشته و مهر نموده است . بسجع مهر : اللهم صل علی محمد و آل محمد.

26- مرحوم آقا سید محمد مجاهد کربلائی علامه فقیه.

قبلا در موجبات شهرت مرحوم حجة الاسلام بیان مرحوم آقا سید محمد را نقل کردیم . در این جا احتیاج به تکرار آن نیست .

27- منوچهر خان معتمدالدوله گرجی حاکم اصفهان.

در صفحات قبل نوشتیم که در سال 1252 محمد شاه حکومت اصفهان را به خسرو خان گرجی داده و پس از شورش سال 1252 مدت زمانی فرخ خان غفاری و از آن پس فضلعلی خان قراباغی حاکم اصفهان شد سپس در سال 1254 حکومت اصفهان را به منوچهر خان گرجی ملقب به معتمدالدوله دادند و او نا هنگام وفات مرحوم سید حجة الاسلام حاکم اصفهان بوده و در سال 1262 مرده است .

در باره شخصیت و خدمات منوچهر خان نویسندگان کتب بطور اجمال و تفصیل مطالبی نقل کرده اند . برخی ویرا بسیار ستوده و اعمال و خدماتش را به

ص: 233

اصفهان و ایران بشرح نوشته اند طالبین به کتابهای مربوطه مراجعه کنند .

آنچه مسلم است آنکه منوچهر خان با مرحوم سید حجة الاسلام رفتاری عاقلانه و مؤدبانه داشته و مرحوم حجة الاسلام نیز بر حسب شبوه مرضیه خود با او طریق مسالمت پیموده است . در سال 1263 مرد واموالش را دولت خورده.

کتاب سؤال وجواب مرحوم سید حجة الاسلام در سال 1242 بچاپ رسیده و چاپ آن معروف به چاپ معتمدی است که مقصودهمین منوچهرخان است.

28- آقا سید مهدی بن آقا سید علی طباطبائی حائری عالم زاهد فقیه .

تکابنی در قصص العلماء (ص 124) می نویسد :

مرحوم آقا سید مهدی چون دید یهود بشرايط ذمه عمل نمی کنند از عتبات به اصفهان آمد مرحوم سید حجة الاسلام نهایت اعزاز و احترام نسبت به آن بزرگوار مرعی داشت . وی از مرحوم حجة الاسلام خواهش کرد که به همراه او بطهران رفته و در این باره اقدام مقتضی انجام دهند. مرحوم حاج سید محمد باقر نه تنها تقاضای او را قبول نفرمود بلکه او را نیز از این اقدام منع نمود . مرحوم آقا سید مهدی که مصمم بر این کار بود از گفتار مرحوم سید رنجیده و بی اطلاع مردم و ایشان از اصفهان بطهران حرکت نمود . بعد از ورود بطهران حکم نمود که آب را بر یهودیان بستند . محمد شاه حکم بر خلاف کرد ، یعنی دستور باز کردن آب را داد.

محمد شاه بدیدن آقا سید مهدی رفت لکن آن مرحوم بعنوان بیماری از خانه اندرون بیرون نیامد و عذر خواست بعداً بعنوان قهر به عبدالعظیم رفت در آنجا بیمار کشته شاه بیعادت او رفت باز بیرون نیامد و در همانجا وفات یافت و آخوند ملاجعفر شیرازی که از تلامذه شریف العلماء و از زهاد عصر بود بتغسیل و تجهیزات او پرداخت.

ص: 234

نویسنده گوید: علت عدم موافقت مرحوم سید حجة الاسلام چند چیز بوده است.

مرحوم سید که شاه و وزیر را بهتر از هر کسی می شناخت میدانست که این اقدام متمر ثمری نخواهد بود و شاید موجب وهن مقام روحانیت و ایشان بشود. در ضمن این شدت عمل را (بستن آب بروی زن و بچه یهودیانی که در حمایت اسلام می باشند) نمی پسندید و شرعاً جایز نمیدانست و وضع مزاجی ایشانهم اجازه مسافرت نمی داد.

مرحوم آقا سید مهدی برادر کوچکتر مرحوم آقا سید محمد مجاهد کربلایی بوده، و برا تألیفانی است از آن جمله: 1 - رساله در اصالت براهت 2 - رساله در حجیت ظواهر کتاب وغیره.

فوتش در سال 1260 رویداده است و قبرش در کربلا در مقبره برادرش می باشد.

ص: 235

در چندین مجلد می باشد .

29 شیخ نوح بن قاسم قرشی نجفی عالم وفاضل جلیل.

در معارف الرجال (ص 211 سوم) می نویسد :

وی درست و مصاحب مرحوم سید حجة الاسلام بوده و مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی در خدمت او تلمذ نموده است . در سال 1260 به اصفهان مهاجرت نموده و مورد احترام قرار گرفت .

مشار الیه در حدود سال 1213 متولد و در سال 1300 در حین مراجعت از سفر حج در بین راه وفات یافته و جنازه به نجف اشرف حمل و در منزل خود دفن گردید . وی در رواق قبلی حرم مطهر در نجف اشرف اقامه جماعت می نمود وعده کثیری از مقدسین و متدینین از عموم طبقات به نماز او حاضر می شده اند . از تألیفاتش : 1- کتابی در امامت تاریخ تألیف 1293 ه ق 2- شرح شرایع در چندین مجلد می باشد.

آثار وجودی مرحوم سید حجة الاسلام رحمة الله علیه:

والباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً .

در قرآن مجید در دو جا این عبارت یکی باضافه (وخیر املا) و در سوره کهف (آیه 46) و دیگری در سوره مریم (آیه 76) با اضافه رو (خیر مردا) ذکر شده است.

مفسرین در معنی باقیات الصالحات از قول حضرات معصومین علیهم السلام چندین قول روایت نموده اند ، از آن جمله :

1- ذکر : سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر . 2- نمازهای پنج گانه واجب بالاخص نماز ظهر . 3- نماز شب است که حضرت باقر علیه السلام می فرماید : قیام اللیل لصلاة اللیل .

4- محبت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و حضرت صادق علیه السلام آنرا (اول النعم) فرموده است .

5- گفتن لا اله الا الله واستغفر الله است .

6- نماز و روزه و حج و جهاد و عتق وصله رحم . 7- صلوات بر رسول اکرم و خاندان آن حضرت صلوات الله علیهم اجمعین . 8- کلیه اعمال نیک است.

میزان سنجش شخصیت افراد آثار وجودی آنها می باشد ، و بهترین یادگار و اثر هر انسانی چیزهای مفیدی است که از او در جامعه باقی میماند .

مرحوم سید حجة الاسلام در طول تقریباً نیم قرن (چهل و چهار سال) که

در اصفهان ساکن بود منشأ خدمات گرانقدری گردید که ذیلاً بذکر پاره ای از آنها مبادرت می نمائیم :

1- تربیت و تعلیم شاگردان که هر یک عالمی بزرگوار و مربی و معلم اجتماعی شدند که در آن زندگانی می نمودند از شهرهای مختلف و قراء و قصبات و غیره .

2- تألیف و تصنیف کتب مختلف در موضوعات فقهی و رجالی .

3- تعیین حدود حرم و مسجد الحرام و مطاف در مکه معظمه در سالی که به حج خانه خدا مشرف گردید .

4- بنیاد تأسیس مسجد در محله بید آباد که بنام خود آن مرحوم به مسجد سید مشهور است .

5- ایجاد محله و بازار بیدآباد .

6- تشکیل خاندان جلیل آل حجة الاسلام که اینک در اصفهان و طهران و برخی دیگر از شهرهای ایران با نامهای خانوادگی : جعفری - شفتی - عمادی - فقیه - موسوی - موسوی بیدآبادی و غیره شهرت دارند .

اینک بخواست خداوند متعال و باری از ارواح مقدسه اولیای دین بشرح موارد ششگانه فوق میپردازد .

ص: 237

(تدریس - شاگردان)

مقدمه اول:

اسب افغانها به جامعه روحانیت

انقراض سلسله صفویه در سال 1135 (سال کشته شدن شاه سلطان حسین) و روی کار آمدن افغانه بزرگترین لطمه و آسیبی بود که به جامعه روحانیت شیعه و مرکز علمی آنان یعنی شهر اصفهان پای تخت پادشاهان صفوی وارد گردید .

پادشاهان صفوی که خود نسبت به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام می‌رسانیدند و از دیرزمانی به تشیع و ترویج آن از راه تصرف خدمتها کرده بودند از بزرگترین حامیان علماء شیعه و مروجین این مذهب و طریقه بودند، در دوره ابن سلاطین ایران پایگاه مقتدر تشیع و مرکز حکومت شیعه آنهم حکومتی بسیار توانا و نیرومند که میتوانست با تمام مشکلاتی که در راه استقلال و حاکمیت و حتی موجودیت او از حکومت‌های سنی همچون عثمانیها و ازبکها و غیره برابری کند .

از سال 1006 که اصفهان رسماً بعنوان پای تخت ایران معین شد تا سال 1135 یعنی حدود 129 سال اصفهان مرکز علم و دانش و مجمع علماء و فضلاء و حکماء و شعرای بزرگ گردید . علمای بزرگوار شیعه از گوشه و کنار ممالک اسلامی بدین شهر روی آوردند و با ترویجی که از طرف سلاطین از آنها می شد با کمال

ص: 238

فراغت و آسودگی بنشر علم و دانش و ترویج دین از کلیه راههای ممکن کوشیدند

وجود دانشمندانی همچون شیخ بهائی - میرداماد - مولی لطف الله عاملی - مولی عبدالله شوشتری و فرزندش مولی حسنعلی و مولی محمد باقر سبزواری و محقق خونساری آقا حسین و فرزندش آقا جمال الدین محمد و علامتین مجلسی مولی محمد تقی و مولی محمد باقر و دامادهای مجلسی اول و دهها بلکه صدها عالم رقیه و مجتهد دیگر محصول این دوره پرافتخار می باشند .

وجود این دانشمندان در اصفهان سبب شد که طالبین علم و دانش از هر طبقه و در هر موضوع از تمام شهرهای مملکت و خارج بدانجا روی آورند و بطور یقین در اواخر عهد صفویه طالبین علم در اصفهان چندین هزار نفر متجاوز بوده است .

فتنه افغان سبب شد که شیرازه این مجمع علمی و دار العلم مشرق از هم گسیخته شود. در طول مدت محاصره اصفهان و قبل و بعد آن جمعی از علماء و اعیان بابه مرگ طبیعی مردند و یا به تیغ جفای سربازان افغان شربت شهادت نوشیدند. جمعی کثیر نیز ترک خانه و کاشانه نموده و جلای وطن کردند، برخی در دهات اطراف سکونت نمودند و عده ای بشهرهای دور دست رفته و بعضی نیز به اعتبار مقدمه مهاجرت نمودند .

خاندان میر سید احمد عاملی سبط میر داماد - خاندان مولی محمد اکمل اصفهانی پدر علامه وحید بهبهانی - خاندان طباطبائی میر ابوالمعالی جل صاحب ریاض المسائل - سلسله جلیل طباطبائی بروجرد اعقاب میر سید محمد جد علامه بحرالعلوم و شیخ محمد علی حزین از این دسته علماء می باشند .

از آن همه عالم و فقیه و دانشمند که در اصفهان سکونت داشتند عده کمی باقی ماندند، آنان نیز در گوشه انزوا و غربت بسر میبردند طلاب علوم و دانشجویان بطور کلی متفرق شدند زیرا دیگر نه مدرسی بود و نه شرقی و نه امنیتی .

در دوره نادر شاه (1160 - 1135) نیز هیچگونه توجهی به علماء و دانشمندان و طلاب نمیشد و نادر سرگرم کارهای دیگر بود. زمان کریم خان نیز (1193 - 1163) نسبت به اینگونه امور توجهی نداشت لکن آرامش نسبی و امنیتی در اصفهان پیدا شده بود که باقیمانده دانشمندان می توانستند یکارهای علمی و تدریس و تالیف پردازند.

علمای معروف این دوره یعنی از بعد از صفویه تا ابتدای قاجاریه در اصفهان همان خاندانهای علمی ما سابق بودند - سادات امام جمعه و خانون آبادی - خاندان علامه مولی محمد تقی مجلسی - سادات خلیفه سلطانی و غیره.

معروفترین عالم این زمان مرحوم ملا اسماعیل خواجهی متوفی در 11 شعبان 1173 مؤلف حدود یکصد و پنجاه کتاب و رساله می باشد پس از او دو عالم بزرگوار در اصفهان ظهور کردند هر دو از شاگردان مرحوم خواجهی که فی الجمله توانستند چراغ علم و دانش را از نو برافروزند و حوزه علمیه این شهر را دوباره رونقی دهند اینان عبارت بودند از: 1- میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی (فوت او اخروی الحجه الحرام 1202) 2- علامه فقیه حکیم فیلسوف آقا محمد بیدآبادی (فوت جمعه 9 محرم 1197).

این دو بزرگوار و دیگر علمای این زمان در اصفهان عده زیادی از طالبین علم و دانش و مستعدین را تربیت نموده و اصفهان را آماده یک جنبش علمی و دینی نمودند.

در اوایل قرن سیزدهم هجری چندین نفر از بزرگان فقهاء و مجتهدین به اصفهان مهاجرت نمودند و وجود اینان در اصفهان موجب شد که از هر شهر و دیار طالبین علم و حکمت باین مرکز علمی روی بیاورند. اینان عبارت بودند از:

1- حاج محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی) پدرش نیز در این شهر ساکن بوده است .

2- حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی .

3- آقا شیخ محمد تقی بن محمد رحیم رازی صاحب حاشیه معالم (فوت نیمه شوال 1248).

4- حاج ملا علی بن جمشید نوری حکیم (فوت 22 رجب 1246). 5- آقا سید صدرالدین محمد عاملی (1193-1263). - آقا سید محمد مجاهد طباطبائی کربلائی (فوت 1292). مشار الیه پس از فوت پدرش آقا میر سید علی صاحب ریاض المسائل به کربلا مراجعت نمود . و جمعی دیگر از علماء و مجتهدین .

وجود این مجتهدین بزرگ و دیگر علمای این شهر سبب شد که طالبین علم از گوشه و کنار دو مرتبه جمع شوند و از هر نقطه دور و نزدیک و از داخل و خارج ایران محصلین دانشجویان برای درک فیوضات علمی و معنوی بدین شهر روی آورند و حوزه علمیه اصفهان رونق و رواج اولیه خود را بدست آورد.

ملکات نفسانی و فضائل روحانی و تفقد و دلجوئی در حرم سید حجة الاسلام از علماء و طلاب و رسیدگی بامور مادی و معنوی ایشان یکی از موجبات پیشرفت این نهضت علمی می باشد .

در کتب تراجم رجال و شرح حال علماء قرن سیزدهم هجری بنام بسیاری از علماء برخورد می کنیم که درباره آنها می نویسند : نزد علماء اصفهان تحصیل نموده است بدون آنکه نام استاد را ذکر کنند و یا از علماء اصفهان اجازه داشته بظن قریب به یقین میتوان گفت بیشتر کسانی که در نیمه اول قرن سیزدهم (یعنی از سال 1216 سالی که سید حجت الاسلام باصفهان وارد شدند تا سال 1260 سال وفات ایشان

یعنی 44 سال) در اصفهان به تحصیل فقه و اصول و سایر علوم دینی اشتغال داشته اند و در محضر مرحوم حجة الاسلام رانموده و از علوم و فضائل ایشان بهره مند شده و از خوان نعم او منتعم و برخوردار بوده اند ، اگر چه مدت زمان آن اندکی باشد.

مقدمه دوم :

تدریس

در روضات الجنات (ص 294 دوم ترجمه) در این باره می نویسد :

در موانع تدریس با مناسبت مختصری بشرح احوال رواة اشاره میکرد و درسش منحصر به فقه و حدیث بود و نعمتی در اصول و امثال آن نمی نمود .

در قصه العلماء (ص 136) در این موضوع می نویسد :

اما تدریس حجة الاسلام پس در نهایت دقت و متانت بود و نهایت تفصیل اقوال فقهاء میداد و در فهم عبارات ایشان وجوه و احتمالات بسیار ذکر میکرد و جمعیت زیاد در درس او می شد لیکن کم درس میفرمود هفته ای دو روز با سه روزها کمتر بعضی از ایام هیچ درس نمی گفت و در بعضی از اوقات در میان درس ارباب مرافعه میان مجلس می ریختند و درس بهم میخورد.

در جای دیگر می گوید : هر زمانی که در رجال تکلم مینمودگوئیا از زمان ولادت ایشان تا وقت وفات هر یک حاضر بوده است.

آنچه از فرمایشات بزرگان درباره تدریس مرحوم سید حجة الاسلام استفاده میشود آنست که : آن مرحوم درس را محققانه و از روی تدقیق بیان میفرمود، و در نقل هر مسئله از مسائل فقهی کلبه اقوال بزرگان از مجتهدین و صاحبان نظران را نقل میفرمود و در بیان مطالب تمام وجوه و احتمالات را بتفصیل شرح میداد ،

ص: 242

بطوری که هیچ نکته مجهولی برای شاگردانش باقی نمی ماند سپس به نقض و ابرام و نقد و انتقاد فرمایشات علماء میرداخت و در تایید یا رد گفتار آنها می کوشید و آنرا با ادله عقلی و نقلی بیان میفرمود و نسبت به ماه گذشته کمال احترام را رعایت میکرد و نام آنها را با عظمت و بزرگی یاد میکرد

بدین جهات و بعلت های دیگر عده زیادی از بزرگان و مجتهدین و دانشجویان در محضر او حاضر می شدند و از برکات مادی و معنوی او بهره مند میشدند .

اینک اسامی برخی از شاگردان و مجازین از ایشان بر حسب حروف تهجی

1- سید آقا بزرگ حسینی قاضی عسکر اصفهانی

سادات قاضی عسکر اصفهان از سلسله سادات حسینی راز اعقاب می رسید محمد معروف به قاضی عسکر که در عهد نادر شاه افشار منصب قضاوت لشکر داشته از اعتاب میر سید محمد مشهور به میر آفتاب از معاریف عهد صفوی که نسب او با بیست و پنج واسطه به جناب زید بن الامام علی بن الحسین علیهما السلام منتهی میشود، می باشند .

صاحب عنوان از شاگردان سید حجة الاسلام و از خواص اصحاب حاج سید اسد الله و منشی و نویسنده جواب استفتاءات و سؤالات و مکتوبات ایشان بوده است در حدود سال 1300 در اصفهان وفات یافته و در قبرستان آب بخشان مدفون گردید.

از آثارش کتابی است بنام : درر المنثور در پنج باب و خاتمه تاریخ تألیف 1270 نسخه ناقصی از آن نزد نویسنده موجود است .

نسب میر سید محمد جد سادات قاضی عسکر اصفهان ساکنین محله بیدآباد

ص: 243

بقرار زیر است :

السید الجلیل السید محمد الشهیر بقاضی عسکر ابن محمد بن طاهر بن محمد ابن بدر الدین بن محمد الملقب بمیر آفتاب ابن علی بن حیدر بن نورالدین بن عطاء الله بن احمد بن محمد بن محمد بن طاهر بن محمود بن حمید بن علی بن طاهر بن محمد بن احمد بن محمود بن ابراهیم بن حسن بن اسحق بن حمزة بن محمد بن حمزة بن احمد بن جعفر بن محمد بن زید بن الامام علی بن الحسین زین العابدین علیهما السلام .

(فائده) : مرحوم معلم حبیب آبادی در مقدمه جلد یکم مکارم الاثار (ص50) به نقل از تذکرة الملوک (ص3) می نویسد: قاضی عسکر به کشیک خانه دیوان بیکیان بحکم شرعی عساکر منصوره میرسیده ... شغل قاضی عسکر در اواخر زمان سلاطین صفویه منحصر بآن شد که عساکر نصرت مآثر سواد ارقام تنخواه مواجب خود را که بممالک محروسه میفرستادند قاضی عسکر میرسانیدند ...

2- آقا دگمه چین

مرحوم آقا میرزا محمد بن میرزا محمد باقر بن میر محمد صالح بن سید جعفر بن میر محمد صالح خاتون آبادی سبط علامه مجلسی رحمة الله علیه .

میر محمد صالح در محله چهارسو علی قلی آقا از متفرعات محله بیدآباد ساکن ودر مسجد علی آقا امامت مینموده و به آقای دگمه چین (تکمه چین) مشهور بوده و این شهرت تا این زمان در بین اعقاب او مشهور و به سادات تکمه چین و در سالهای اخیر کلمه : سادات را نام خانوادگی خود قرار دارند .

در هر حال مرحوم آقا میرزا محمد عالم فاضل جلیل از شاگردان مرحوم

ص: 244

حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام شفقی بوده و در محله چهارسو علی قلی آقا مورد توجه و عنایت مؤمنین و مقدسین بوده و نظارت موقوفات علی قلی آقا را داشته است

فائده: برخی دیگر از علماء این زمان از راه دگمه چینی اعاشه مینموده اند از آن جمله: آقا محمد بید آبادی است بطوری که در کتاب رستم التواریخ نقل می کند.

3- حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی

(1) از علماء وشها، ومجتهدین بزرگوار و از شاگردان و مخصوصین مرحوم محدث قمی رضوان الله علیه در سفینه البحار (ص 477 دوم) می نویسد که: انه باب من أبواب الجنة

دقیقه در جه طول جغرافیای آن - عرض 1، 0 انمان قبله ون

26 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا (1290) 1320 متر (تاریخ طهران تألیف

سرتیپ یکرنگیان) شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران نشریه سازمان گیتاشناسی

ص: 245

1- قزوین بروزن پروین حاجی شیروانی (1254 - 1194) در بستان السیاحه (ص 431 چاپ اصفهان) خلاصه می گوید: قزوین شهری است دلنشین در زمین هموار افتاده و اطرافش گشاده اصل آن گزویں بوده عربان معرب نمودند .. آبش از قنوات و بسیار کم هوایش انقلاب دارد، حمد الله مستوفی احادیث چندی در اوصاف قزوین در کتاب نزهة القلوب روایت می کند . انتهى . محدث قمی رضوان الله علیه در سفینه البحار (ص 427 دوم) می نویسد که: انه باب من أبواب الجنة. ثانیة/دقیقه/درجه طول جغرافیای آن -/50 عرض 50/15/36 . انحراف قبله 55/-/34 درجه جنوب غربی . ارتفاع از سطح دریا (1290) 1320 متر (تاریخ طهران تألیف سرتیپ یکرنگیان) شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران نشریه سازمان گیتاشناسی

سید حجة الاسلام بوده و سید حجة الاسلام در تاریخ 1246 جهت مشار الیه اجازه مفصلی مرقوم فرموده و در آن از وی ستایش بسیار نموده و تصریح کرده است که مدتها خدمت او رفت و آمد مینموده و بدرس او حاضر میشده تا بدرجه اجتهاد نائل گردیده است .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص 89) می نویسد : از خواص شاگردان سید بوده تا جائیکه حاج محمد جعفر آبادهای با آن جلالت قدر آرزوی مقام او را مینمود و بحال او غبطه میخورده است.

صاحب عنوان در قزوین متولد گردیده و در آنجا و اصفهان تحصیل نموده و در این شهر سکونت اختیار نموده و در مسجد آقا نور واقع در محله در دشت امامت مینموده و از آثار باقیه اش شبستان و نابی وهشتی و سر درب و حوضخانه مسجد مزبور است (ص 128 سپاسگزاری از مردم نشریه اوقاف اصفهان) دیگر از آثار او کتابخانه مشار الیه می باشد که از کتابخانه های کم نظیر در اصفهان در قرن سیزدهم بوده و پس از وفات ایشان بتدریج از بین رفته و قسمتی از آنرا در سالهای اخیر به کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف که بوسیله مرحوم علامه حاج شیخ عبدالحسین امینی تبریزی تأسیس شده بود اهداء نمودند و اینک از این کتابخانه اثری باقی نیست.

چون سید محمد علی بن سید مؤمن حسینی اردستانی در رمضان سال 1259 قرآنی جهت منوچهرخان معتمد الدوله گرجی حکمران اصفهان بخط نسخ زیبا روی پارچه کتان نوشته بود تمام شد مرحوم قزوینی آنرا تصحیح نمود . و اینک قرآن نامبرده بشماره (114) در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است (ص 569 سوم آتشکده اردستان).

تنها آثار علمی صاحب عنوان حواشی مشار الیه است بر حدیث غمامه که

فرزند دانشمندش مرحوم حاج شیخ محمد حسین آنها را بدون نموده و بصورت کتابی مستقل در آورده است (ص 191 سیزدهم الذریعه).

مرحوم قزوینی بعد از سال 1393 وفات یافته و دو فرزند دانشمند از او بجای ماندند : 1- حاج شیخ محمد متونی در شب 18 ذی الحجه سال 1304 در اصفهان 2- حاج شیخ محمد حسین .

مرحوم حاج آقا محمد قزوینی پس از وفات پدر وارث محراب گردید و پس از فوت ایشان فرزندش مرحوم آقا محمد جواد و بعد از ایشان مرحوم حاج آنا باقر قزوینی معروف به دردشتی متوفی بسال 1362 و بعد از ایشان برادر دانشمندش مرحوم حاج آقا کمال الدین قزوینی در مسجد آقا نور امامت مینمود و در شب 16 محرم سال 1394 در اصفهان وفات یافته روحانیت در این سلسله به انتها رسید ایشان آخرین فرد روحانی این خاندان جلیل بشمار میرفت و رحمة الله علیهم

اجازه مرحوم سید حجة الاسلام ضمن مجموعه اجازات حجة الإسلام بنظر علامه طهرانی رسیده است،

آغاز : الحمد لله الذی انزل علی عبده القرآن ...

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص 1629 پنجم) وفات صاحب عنوان رادو ساعت بر آمده از روز چهارشنبه بیست و نهم محرم الحرام سال 1261 می نویسد ، سپس خود ایشان می نویسد چهارشنبه 21 درست نیست زیرا غره محرم این سال جمعه بوده (بنابر این جمعه می شود و چهارشنبه 27 بوده و یکی از این در روز هفته و ماه اشتباه است).

دانشمند محقق متبع جناب آقای روضاتی در پاورقی این صفحه رصفحه بعد راجع به شیخ محمد حسین مطالبی نقل نموده اند که قابل دقت و توجه است

ص: 247

و از آنها چنین بر می آید که شیخ محمد حسین قزوینی نبوده و فرزند صاحب عنوان نمی باشد .

4- سید محمد ابراهیم موسوی کابلی

4- سید محمد ابراهیم موسوی کابلی (1)

از بنی اعمام مرحوم سید حجة الاسلام و مورد وثوق ایشان و در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان از آن جمله مرحوم سید حجة الاسلام تلمذ نموده تا خود عالمی کامل گردید . مشار الیه نویسنده دیباچه برکناب سؤال و جواب سید حجة الاسلام می باشد و در آن فهرست مطالب کتاب را آورده است، نسخه این سؤال و جواب بشماره (740) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (ص 1801 پنجم فهرست کتابخانه دانشگاه).

مشار الیه سرکاری و نظارت ساختمان قسمتی از بنای مسجد سید را بعهدده داشته و نامش در کتیبه مسجد مذکور است، از آنجمله در بالای اسپرهای طرفین ایوان جنوبی اشعاری است که در آن می گوید : اور سزد گر کعبه اش دانی که شده سر کار اتمامش

سمی زاده آزر سلپسل خواجه کیهان

مشار الیه پس از وفات در مقبره کوچک مسجد مدفون گردید . سال وفاتش بدست نیامد فرزندش مرحوم سید عبدالحفیظ مدفون در بقعه العلماء تکیه آفاحسین خونساری در تخت فولاد و فرزند زاده اش مرحوم آقا میرزا محمد علی و فرزند

ص: 248

1- کابل از شهر های افغانستان است. ثانیه/دقیقه/درجه طول : 69/9/00 عرض : 34/31/00 انحراف قبله: 70/05/37 جنوب غربی

ایشان مرحوم حاج آقا نصیر الدین موسوی متوفی در مکه معظمه همگی اهل فضل و دانش و علاوه بر آن دارای خطی نیکو بودند .

مرحوم عماد الاسلام نواده مرحوم حجة الاسلام در آخر نسخه ای از کتاب هدایة السالکین در شرح احادیث اربعین می نویسد : جهت منسوب شدن ایشان بالی این است که : مرحوم سید حجة الاسلام در صدد بودند کتاب مدینة العلم تألیف شیخ بزرگوار صدوق را بدست بیاورند خدمت ایشان گفته شد نسخه آن در کابلی موجود است علی هذا مرحوم حجة الاسلام عموزاده خود صاحب عنوان را جهت تحصیل کتاب بدان سمت روانه کردند و ایشان پس از مدتی توقف و جستجو مأیوسانه مراجعت نمود.

ص 44 بزرگان و دانشمندان اصفهان

5- ملا محمد ابراهیم بن علی اکبر بن علی جان دهکردی

(1):

سالها در اصفهان بدر حجة الاسلام شفتی (وخبیر ایشان) حاضر شده تا بدرجه رفیعه اجتهاد نائل گردید در مسجد محله نو اصفهان امامت مینموده تا موقعی که برخی از خوانین چالشتر از خدمت حاج سید محمد باقر تقاضا می کنند که عالمی

ص: 249

1- دهکرد که در سالهای اخیر انجا را شهر کرد نامیدند در قدیم جزو اصفهان بوده و در تقسیمات اخیر کشور استان مستقلی شده (استان چهار محال). ثانیه/دقیقه/درجه طول: 50/25/00 عرض: 32/22/00 انحراف قبله: 44/25/21 جنوب غربی جمعیت سی و پنجهزار نفر (ص 286 تاریخ و جغرافیای چهارمحال جلد یکم) . ارتفاع از سطح دریا 2060 متر .

با تقوی جهت رسیدگی بأمور شرعی و کارهای دینی مردم شهر کرد اعزام دارد و از ایشان استدعا می کنند که آخوند ملا محمد ابراهیم را که از هر جهت شایستگی دارد اعزام فرماید .

مرحوم سید حجة الاسلام با تقاضای آنان موافقت نموده و صاحب عنوان را بدانست فرستاده و طی نامه‌های مورخ 21 ذی الحجه 1246 سفارش مشار الیه را بمردم آن سامان میفرماید .

سال وفات مولی محمد ابراهیم معلوم نیست و سن مشار الیه هنگام نموت بین شصت و هفتاد سال بوده است. وی جد خاندان جلیل آل ابراهیم دهکردی می باشد .

ص 593 - تاریخ و جغرافیای چهار محال جلد یکم

در کتاب نام برده می نویسد: مرحوم سید حجة الاسلام قریه هارونی که مجهول المالک و در اختیار ایشان بوده است را به جهت مخارج زندگی به مرحوم آخوند واگذار می نماید و ایشان را به همراه فرزند خود مرحوم حاج سید اسدالله به دهکرد اعزام میفرماید و در نامه یکی به عباسقلی خان و دیگری به حاج محمد رضا خان چالشتری مرقوم فرموده در معرفی و سفارش مرحوم آخوند در هر دو نامه آخوند را به عناوین : محامد صفات محاسن اخلاق فضائل ماب فواضل اکتساب علام مهام وصف نموده و می نویسد که از معتمدین علماء می باشد و همچنین در نامه دوم می فرماید که :

این خادم شریعت مطهره علی صادمها آلاف التحیه مأذون نمودم ... در اقدام به شعائر اسلام مثل نماز جمعه و انیان فرائض بجماعت و اخذ زکرة و ایصال به ارباب حاجات از ارباب استحقاق و تصرف در سهم امام علیه السلام و اموال غایب و صغار بنحوی که اصلح بحال آنها دانسته و قطع و ختم نزاع ما بین متنازعین

ص: 250

بمصالحه و تحطین و عقود و نکاح و معاملات و طلاق و نحوها ... الخ.

حرره خادم الشریعه فی سنه 1264

6- سید ابوالحسن بن محمد ابراهیم موسوی

از بنی اعمام سید حجة الاسلام شفتی بوده و در اصفهان نزد جمعی از بزرگان علماء تلمذ نموده و عمده تحصیلات مشار الیه در نزد مرحوم سید حجة الاسلام شفتی بوده است.

سال تولد روقات مشار الیه بدست نیامد . پس از فوت در مقبره کوچک وانع در دالان مسجد سید مدفون گردید ، اولاد و اعقایش به موسوی و کابلی شهرت دارند .

دکتر عیسی صدیق (صدیق اعلم) استاد دانشگاه تهران و رئیس اسبق دانش سرایعالی از نواده های دختری مشار الیه می باشد .

دکتر عیسی صدیق مؤلف کتب و رسائل عدیده ای است و بسال 1398 فوت گردید .

7- سید ابوطالب بن ابی تراب بن قریش

بن ابیطالب بن یونس حسینی قاینی (1)

شهرکی است نزدیک طبس بین نیشابور و اصفهان، و در معجم البلدان گوید قاین قصبه لهستان و دهانه خراسان و خزانه کرمانست و بین قاین و نیشابور نه مرحله راهست و تا طبس سینان دوروزه راه.

مرحوم حاج شیخ محمد حسین آیتی در بهارستان (ص 13) می نویسد :

قاین شهری است کوچک در حدود هشت هزار جمعیت دارد محصول عمده ائی زعفران است... در زمان سابق دار الملک قهستان بوده ...

ثانیه/دقیقه/درجه

طول جغرافیائی آن: 51/11/30

عرض: 33/43/00

انحراف قبله: 59/13/09 جنوب غربی میباشد

1- قاین بر وزن مایل . شیروانی در بستان السیاحه (ص 415 چاب اصفهان) بخلاصه می نویسد : ولایتی است مشهور و دیار پست مذکود ... هوای بعضی بلادش گرم و بعضی ملایم آبش از کاریز و محالش حاصل خیز ... از مضافات خراسان است، عموم مردم ایشان ما بر وقائع و شجاع و دلیر و در بعضی اوصاف حمیده دلپذیرند : اور اعیان الشیعه (ص 322 هفتم) بنقل از سمعانی گوید :

از اعظام فقهاء و مجتهدین و رؤساء ملت و دین . مرحوم حاج شیخ محمد حسین آیتی در کتاب بهارستان (م 300) و همچنین علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 40 یکم) و مرحوم مدرس تبریزی در ریحانة الادب (ص 278 سوم) ویرا عنوان نموده اند و همگان اورا بعلم و فقاہت ستوده اند، در بهارستان گوید : گاهی در بیرجند و گاهی در این اقامت داشته و بدان ریاست مطلقه و عظمت و بزرگی در این نواحی عالمی بهم نرسیده جمعی امر تقلید او را بر گردن نهاده و اجرای حدود مینمود و بفتوای او چند نفر را امیر علم خان حاکم وقت گردن زد.

سالها در اصفهان در خدمت حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام تلمذ نموده و سپس به نجف اشرف مهاجرت نموده و خندهت علماء ان ارض مقدس از آنجمله شیخ محسن خنفر تحصیل نموده تا بمقامات عالیہ علم و اجتهاد رسیده از حاجی کلباسی و شیخ محسن خنفر مجاز بوده است پس از مراجعت مدتی در مشهد مقدس ساکن و سپس به بیرجند و قائن رفته و بتدریس و ترویج و تألیف پرداخته سرانجام

ص: 252

در روز پنج شنبه 6 شوال سال 1293 در مراجست از سفر حج در کراچی وفات یافته و هم در آنجا دفن گردید .

کتب زیر از تألیفات اوست: 1- الدرّة الباهرة در توحید و امامت 2- الدروس الفقهية 3- رساله در صلوة مسافر 4- رساله در عقاید 5- رساله در قضا و شهادت

6- رساله دروقف 7- السبعة السیارة بالكواكب السبعة در هفت مسئله از مسائل اصولیه 8- سؤال و جواب نظیر جامع الشتات 9- الفوائد الغروية در درایه و رجال 10- اللؤلؤة الغالية در اسرار شهادت 11- ماهی الضلالة والغوايه در رد کتاب شمس الهدایه تألیف ملا شمس هراتی سنی (ملا خان مفتی مرات) 12- مرآة الوحده و این کتاب آخرین تألیف اوست 13- مکاسب 14 و 15- مناسک حج دو رساله 16- ینابیع الولاية در علم فقه و غیره .

در تاریخ علماء خراسان (ص 114) ویرا عنوان نموده و فوتش را قبل از انجام اعمال مناسک حج در سال ذکر شده نوشته و کتب زیر را بر تألیفاتش افزوده است: 1- احیاء موات 2- تعلیقات متفرقه .

8- شیخ ابوالقاسم اصفهانی

(1)

مشهور به قاری از فضلاء و دانشمندان اصفهان بوده محضر میرزای قمی را درک نموده و در اصفهان خدمت مرحوم سید حجة الاسلام و مولی ابوالحسن قاری

ص: 253

1- اصفهان - شهرت و عظمت اصفهان مارا از شرح و بیان درباره ان بی نیاز می گرداند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 30/41/51 عرض: 00/40/33 انحراف قبله: 28/03/46 جنوب غربی

اصفهبانی تلمذ نموده است و جمعی از بزرگان همچون آقا محمد مهدی فرزند حاجی کلباسی در خدمت او تلمذ نموده اند و از کلمات و مواعظ او بهره مند گردیده اند.

ص 43 یکم الکرام البرره

نویسنده گوید: مراد از مولی ابوالحسن قاری ممانا مولی ابوالحسن خواجهی اصفهبانی از اساتید فن قراءت و تجوید می باشد، وی مؤلف رسالهای است در تجوید بفارسی که آنرا در سال 1225 تألیف نموده است.

ص 69 دانشمندان و بزرگان اصفهان - ص 136 یازدهم الذریعه

بنابر این صاحب عنوان از اساتید فن فرامت بوده و آقا محمد مهدی کلباسی نیز ظاهراً در فراغت خدمت او تحصیل نموده است، والعلم عند الله تبارک

وتعالی.

9- شیخ ابوالقاسم بن محمد صادق

بن محمد تقی بن زین العابدین بن محمد تقی بن محمد باقر بن حیدر علی بن کلب علی بن مولی نورا بن محمد بن محمد بن الشیخ علی بن عیسی عاملی استاد شهید دوم وعموزاده شیخ شمس الدین جزینی و از طرف مادر از نوادههای مولی اشرف بن حیدر علی فروشانی سدهی مؤلف تفسیر آیه الكرسی.

عالم فاضل محتن در حدود سال 1230 در قریه ونوسفاداران (بن اصفهان)

ص: 254

متولد گردیده و در نزد علماء سده و اصفهان تحمیل و تلمذ نموده در نجف اشرف نیز بدرس اساتید آنجا حاضر گردیده است و تقریرات اساتید خود را در ته و اصول برشته تحریر در آورده است: 1- کشف الاصول در 6 مجلد بزرگ 2- کشف الفقه در 1 مجلد بزرگ و خبره، مشار الیه ظاهراً (بر حسب آنچه نواده ایشان مرحوم حاج شیخ أبو القاسم نورائی میفرمود) از شاگردان سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی و بالاخص آقا سید حسن مدرس میر محمد صادقی در اصفهان بوده و در سال 1305 در سده وفات یافته و همانجا مدفون گردید (ص 20 و 51 هیجدهم الذریعه و اطلاعات متفرقه)

10- سید ابوالقاسم بن محمد کاظم

محمد بن محمد کاظم زنجانی (1) فرزند امیر محمد حسین بن سید محسن (جدسادات موسوی زنجانی اصفهان)

ص: 255

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 305) به خلاصه می نویسد: زنجان شهریست بهجت توامان ... از مضافات آذربایجان آبش خوب و هوایش مرغوب ... آن شهر سمت مغرب سلطانیه واقع و از اقلیم رابع و اطرافش واسع است دورش بارونی کشیده اند ... دانشمند محترم حجة الإسلام حاج سید ابراهیم موسوی زنجانی در مقدمه کتاب تاریخ زنجان اقوال مختلف بزرگان را در باره این شهر نقل نموده است خلاصه آنکه: زنجان بازنگان در قدیم بنام خسه مشهود بوده در سر راه طهران به آذربایجان قرار دارد و جزء استان یکم کشور می باشد، زنجان باضافه آبادیهای آن حدود 445 هزار نفر جمعیت دارد، شهر زنجان حدود 30 مسجد بزرگ و کوچک و چندین مدرسه علوم دینی دارد، صنعت چاقوسازی این شهر مشهور است. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 48/28/00 در تاریخ زنجان 48/29 عرض: 36/39/00 -/26/35 انحراف قبله: 28/38/12 جنوب غربی و ارتفاع از سطح دریا 1900 متر می باشد. جمعیت شهر در سال 1330 خورشیدی 65021 نفر. ارتفاع از سطح دریا 1650 متر.

فرزند امیر سلیم بن برهان الدین بن سید شامی ابن حسن بن عبد الله بن علی بن سلیمان بن عبد الصمد (احمد) بن محمد بن داوود بن ابراهیم بن علی بن خلیل بن ابراهیم السمین بن تاج الدین بن عزالدین بن عبدالرحیم بن قاسم بن ابراهیم بن حسین بن موسی الثانی بن ابراهیم الاصغر ابن الإمام موسی الکاظم علیه السلام . .

در سال 1212 (ص 175 تاریخ زنجان) ویا 1224 (ص 61 یکم الکرام البرره) در زنجان تولد یافته در موطن خود مقدمات علوم را فرار گرفته سپس در قزوین نزد مولی عبدالوهاب قزوینی و مولی محمد تقی شهید مدنی تلمذ نموده سپس به اصفهان مهاجرت نموده در این شهر خدمت حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام شفتی به تحصیلات خود ادامه داده تا بمقام اجتهاد رسیده و در سن سی و پنج سالگی با داشتن اجازات روایتی واجتهاد از حاجی کلباسی و دیگران به زنجان مراجعت نمود و به ترویج دین و امر بمعروف و نهی از منکر واقامه حدود و تدریس و تألیف و تصنیف پرداخته و در فتنه باب دچار رحمانی شده و در دفع و رفع ایشان جدبلیغ نموده و در ابطال عقاید آنان کتابها نوشته است. در تاریخ زنجان چهل و سه کتاب و رساله از تالیفات او را نام میبرد که از آن جمله است: 1-ایضاح الدلائل فی عقد الانامل 2 - تسلية الملهوفین 3- حجة الابرار در اثبات حرمت شراب در تمام ادیان و اعصار 4 - الحسينیه در جواز شبیه در عزاداری 5 - خلاصة الفروع 6 - سد الباب و کتابهای تخریب الباب و قلع الباب و امع الباب و رساله دیگر هر پنج کتاب در رد با بیه 7- شرح خلاصة الحساب 8- شرح قواطع

ص: 256

الاهام 9- القبسات در مصائب آل محمد عليهم السلام 10- قره الابصار در زبر و بينه 11- كشف دساتر در شرح كلمات بابا طاهر 12
- لب اللباب در حبه 13- مقاليد الابواب در پنج مجلد 14- ملاحم القرآن 15- نور العينين در مصائب حضرت اباعبد الله الحسين عليه
الاسلام 16- وسيلة الغفران در علم كلام

17- هلالیه .

صاحب عنوان در روز سه شنبه سوم جمادی الاول 1292 در زنجان وفات یافته و سه فرزند دانشمند از او بجای ماند: 1- میرزا ابوالمکارم
2- میرزا ابوطالب 3- میرزا ابوعبدالله رحمة الله عليهم اجمعين .

11- حاج میرزا ابوالقاسم بن حاج سید مهدی کاشانی

(1) در لباب الألقاب (ص 78) درباره او گوید: از رؤساء علماء کاشان عالم فاضل و فقیه کامل و ورع صالح عابد زاهد محتاط.

ص: 257

1- شیروانی در پستان السیاحه (ص 460) می نویسد: کاشان بلده ای است مسرت نشان به این شهر ما بین قم و اصفهان اتفاق افتاده و
جوانب اربعه اش گشاده است آتش معتدل و هوایش بگرمی مایل گویند در بیده خاتون زوجه هارون این شهر را احداث نموده و در زمان
صفویه بغایت معمور ... مردمش از قدیم مذهب امامیه دارند اور احسن الودیعه (ص 182 دوم) نقل از یائون گوید: شهری است نزدیک
اصفهان و همیشه باشم گفته و ذکر می شود و مردم آنجا همگی شیعه می باشند (انتهی) در تمام کتب جغرافیا که در قدیم نوشته شده
است مردم کاشان را به تشیع و تصلب در آن ستوده اند همچنین مردم قم که از اشعریین و از دوستان خاندان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و
آله و سلم بوده و عده ای زیاد از اصحاب ائمه اطهار عليهم السلام در بین آنان بوده است. سنیان که از دشمنان اهل بیت بودند دوستان
این خاندان را نیز به بدی یاد میکردند و مثل معروفی که در بین برخی از عوام و جهال از روی عدم بصیرت گفته میشود که: نه قم خوبست نه
کاشان - الخ، از همین جا سرچشمه گرفته است و من می گویم: هم قم خوبست و هم اشان - لعنت به بدگوهاشان. ثانیه/دقیقه/درجه
طول جغرافیائی: 51/29/00 عرض جغرافیائی: 23/59/00 ارتفاع از سطح دریا: 42/15/51 جنوب غربی

قوی القلب از هر شائبه و پاک از آلودگیهای حرص طمع مرجعیت خواص و عوام داشته و به حکام بدون اعتنا و توجه بوده است.

از شاگردان حاج سید محمد باقر اصفهانی (شفتی) بوده در سال 1281 وفات یافته و قبرش در کاشان معروف است.

12- حاج سیداحمد بن میر سید حسین حسینی مرندی اصفهانی

(ا) شیروانی در بستان السیاحه (ص 585) می نویسد:

مرند ناحیه ای است ارجمند از نواحی تبریز و محلی است فرح انگیز گویند نام قصبه آنها نیز مرند است باغات خوب دارد. .

ثانیه/دقیقه/درجه

طول جغرافیائی: 45/45/30

عرض جغرافیائی: 38/26/00

ارتفاع از سطح دریا: --/1334/--

در حدود سال 1225 در شهر مرند متولد گردیده و مقدمات علوم را در آنجا فرا گرفته سپس جهت تکمیل تحصیلات خویش به اصفهان مهاجرت نموده و در خدمت حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام و جمعی دیگر از علماء سالها تلمذ نموده کا عالمی جامع و فقیهی بارع گردید . سرانجام در شوال سال 1298 در اصفهان

ص: 258

وفات یافته در تکیه حاجی آبادهای مدفون گردید .

این سه سطر شعر بر روی سنگ قبر او مقور است : حاج سید احمد از شهر مرند آمد و در اصفهان مارا گرفت دانش این آیت الله بزرگ در میان عالمان والا گرفت در هزار و دوصد و نود و هشت در جوار رحمت حق جاگرفت

سلسله سادات مرندی که عموماً اهل فضل وادب می باشند از اعقاب مشار الیه می باشند .

در البدر التمام (ص 7) بشاگردی او نزد حاجی کلباسی اشاره شده و از قول او گوید :

زمانی عازم مسافرت بطهران شدم خدمت حاجی جهت خداحافظی مشرف شدم از من پرسیدند طول مسافرت شما چقدر خواهد بود؟ در جواب عرض کردم سه ماه الی چهار ماه، فرمودند بیست و یک ماه. از این بیان متحیر شده بمنزل آمدم و در پشت تر آن روز حرکت را باد داشت نمودم بطهران رفتم و در آنجا کاری در مرند پیش آمد مجبوراً بمرند رفتم و پس از انجام کار مراجعت بطهران و سپس به اصفهان نمودم چون به روز حرکت خود در پشت قرآن نظر کردم طول مدت مسافرتم دقیقاً بیست و یک ماه بود و این از کرامات حاجی کلباسی می باشد .

مرحوم حاج سید احمد فرزندانانی داشته که از آن جمله است مرحوم حاج سید عبد العلی مرندی عالم فاضل از شاگردان آقا سید محمد باقر در چه ای و شیخ مرتضی ریزی متوفای سال 1354 مدفون در بقعه تکیه مرحوم آقا شیخ مرتضی ریزی در تخت فولاد اصفهان رحمة الله علیه .

ص: 259

(1)

فرزند میرزا محمد رحیم اول بن میر مرتضی بن میر محمد اشرف بن سید عبدالحسیب محمد بن میر سید احمد عاملی داماد میر محمد باقر داماد و بهمین مناسبت اعقاب او به میر دامادی شهرت یافته اند فرزند سید زین العابدین بن میر عبدالله بن میر محمد بن میر صالح بن میر محمد جعفر بن احمد بن حمزه بن ابوالقاسم بن حسین بن ابی احمد عبد الله المشهدی بن میر محمد بن میر علی بن حسین بن محمد طبان بن حسین بن ابی احمد علی بن محمد عزیزی بن ابی جعفر بن ابی محمد الاطروش بن ابوالحسن علی بن حسین الطواف بن ابوالحسن علی الخارص بن ابی الحسین محمد الدیباج بن الإمام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام (منقول از مقدمه الطائف غیبیه) .

در مقدمه لطائف غیبیه (ص 32) درباره او می نویسد .:

از اکابر علماء و دانشمندان دوره فتح علیشاه قاجار و از شاگردان مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام و مرحوم حاجی کلباسی بوده کتاب زیادة الاسرار

ص: 260

1- مرکز بلوک ماریین از توابع اصفهان و مرکب از سه ده می باشد 1- حوران 2 - فروشان 3- در ورنوسفادران در قدیم دهات سه گانه از یکدیگر مجزا بوده لکن امروز بهمیدگر پیوسته و خود شهری نسبتاً بزرگ گشته و در فتنه افغان در طول هفت سال اقامت نتوانستند آنجا را تسخیر کنند و این افتخار برای همیشه برای مردم شجاع و غیور و متعصب این شهر باقی ماند که مردم این شهر نباید آنرا فراموش کنند. در سالهای اخیر نام این شهر که حقا باید برای همیشه سده گفته شود تا این افتخار فراموش نگردد مانند برخی از شهرهای دیگر تغییر نموده در اول همایون شهر و اخیراً خمینی شهر شده و فاصله آن ها اصفهان 18 کیلومتر است .

(در اوراد و اذکار) از تألیفات اوست .

در رجال اصفهان (ص 237) گوید : امامت جمعه و جماعت سده از طرف پدر بدو محول بوده است در 22 محرم الحرام سال 1243 در سده وفات یافته در مقبره معروف به مقبره میر سید عبدالله در خوزان مدفون گردید . در همین روز پدرش نیز وفات یافت (بشرح حال اومراج می شود) .

14- ملا احمد بن علی اکبر تربتی

(1):

در تاریخ سه شنبه 23 شوال المکرم 1273 جهت مرحوم حاج سید اسدالله فرزند حجة الاسلام شفتی اجازه ای مرقوم داشته بنام و اجازه الحدیث ، در پانزده برگ و در آن اجازه مرحوم سید حجة الاسلام جهت خود و همچنین شمه ای از حالات ویرا نقل می کند .

ص: 261

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 189) به خلاصه می نویسد : تربت بضم تاء وفتح بام و سکون راه و تاء ولایتی است روحانی ... آبش از کاری رهوایش بهجت انگیز و خاکش حاصلخیز مردمش شیعی مذهب و دلیر و در بعضی اوصاف دلپذیر ... اصل قصبه تربت در زمین هموار واقع شده ... و شهر تربت از بلاد خراسان و در سه منزلی مشهد مقدم اتفاق افتاده . چون قطب الدین حیدر مقدم حیدر پان آنجا مدفونت لهذا آنان را تربت حیدریه گویند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 59/13/30 عرض: 35/16/00 انحراف قبله: 56/05/59 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا 1350/910 تربت جام و حیدریه

این اجازه بشمار (83) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم يارحمن يارحيم اعذنا من شر الشيطان الرجيم الحمد لله على كل نعمة من نعمائه حمداً دائماً بدوام كبريائه ..

انجام: ختم الله لنا بالخير والعافية وحشرنا مع خاتم النبيين وعترته الطاهرين صلى الله عليهم صلاة كثيرة دائمه (ص 88 يكم فهرست كتابخانه آیت الله گلپایگانی).

در الكرام البرره (ص 98 يكم) بنقل از بغية الطالب از دانشمندی بنام مولى احمد بن على اكبر قائنى نام ميبرد كه شرحى بر اشارات حاجى كلباسى نوشته و در 1256 وفات يافته و فقط دختری از او بجای مانده است. در بهارستان مرحوم حاج شيخ محمد حسين آيتى (ص 278) پدرش را نام برده و در جای دیگر (ص 317) ويرا عنوان نموده است و هيچ کدام به تربتى بودن او اشاره ای نموده اند احتمال اتحاد ايندو نفر بعيد است، والله العالم.

15- مولى احمد بن مولى على اكبر نصرآبادى

(1): خراشدارى فاينى عالم فاضل فقيه.

در كتابهاى بغية الطالب و بهارستان (ص 317) والكرام البرره (ص 98 يكم) ومكارم الآثار (ص 1523 پنجم) ويرا عنوان نموده اند و گویند:

در امر بمعروف و نهى از منكر ساعى و كوشا بوده و بمدرس شهرت داشته و شرحى بر اشارات حاجى كرباسى نوشته و سيصد و چهل مجلد كتاب خود را وقف

ص: 262

1- نصر اباد و خراشاد از اعمال قاينات است

بر مدرسه قدیمه بیرجند نموده و در سال 1256 وفات یافته و در قبرستان شرقی بیرجند در پهلوی حکیم نزاری قهستانی مدفون گردیده است. صاحب عنوان فقط دارای یک دختر بوده است.

نویسنده گوید: بطوریکه شنیده شد تحصیلات مشار الیه در اصفهان و نزد علمای این سامان همچون حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام شفتی بوده است. بنا بر این مشار الیه شاگرد سید حجة الاسلام می باشد. و ظاهراً مشار الیه غیر از مولی احمد بن علی اکبر تربتی سابق الذکر است که در سال 1273 جهت حاج سید اسدالله اجازه مرقوم داشته است. والعلم عند الله تبارک و تعالی.

16- سید ابوالقاسم احمد بن محمد حسنی حسینی کوپائی اصفهانی

(1)

از معاریف فضلاء و دانشمندان اصفهان و خدمت حاجی کلباسی رسید حجة

ص: 263

1- شروانی در بستان السیاحه (ص 465) می نویسد: قهپا به بمعنی کهپا به نام ناحیه ای است از نواحی اصفهان مزارع فراوان و مواضع بهجت تشان دارد. مرحوم جابری انصاری در تاریخ اصفهان (ص 188) می نویسد: کوهپایه از مشرق مایل بشمال و ابتدایش هفت فرسنگ و انتهاء فریب بیست و پنج فرسنگ و کوهستان آنها بحدود نائین شده آتش از توانی است عمیق که غالباً به سنگ بر خورده و بمشقت قطره آبی بیرون آورد. عبای قهپایه و صفاری هرند مشهور، دهانش مرل - جبل - جشوقان - تهی - نشارک - سجزی - زفره می باشد. ثانیه دقیقه درجه طول جغرافیائی زفره میباشد. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی زفره: 52/17/00 عرض: 32/56/1 انحراف قبله: 46/54/00 جنوب غربی

الاسلام تلمذ نموده و به امرودستور مرحوم حجة الاسلام فهرستی از ابواب کتب اربعه ترتیب داده و تا سال 1259 که سال تالیف کتاب 1- الارشاد فی احوال الصاحب الکافی اسماعیل بن عباد استحبات داشته نسخه ای از این کتاب در کتابخانه فاضل جلیل مرحوم آقا میرزا محمد رضا بن حاج ملا طاهر الهی که ظاهراً از اسباط مؤلف بود بنظر رسید کتاب نامبرده بسعی و اهتمام دانشمند بزرگوار وفاضل عالی مقدار آقا سید جلال الدین طهرانی فرزند حاج سید علی حسینی بضمیمه کتاب محاسن اصفهان تالیف مافروخی در سال 1312 خورشیدی بچاپ رسیده است . دیگر از تألیفات صاحب عنوان کتاب : 2- تحف العقول فی توضیح قوانین الاصول حاشیه بر کتاب قوانین نزدیک هزاربیت و نسخه آن در کتابخانه علامه مفضال حاج سید محمد علی روضاتی در اصفهان می باشد 3- فهرس ابواب الکتب الاربعه در پنج هزار بیت نسخه ضمن مجموعه شماره (2059) کتابخانه آیت الله مرعشی در قم (ص 280 هشتم فهرست مرعشی) ص 92 بزرگان و دانشمندان اصفهان - ص 109 یکم الکرام البرره

17- مولی احمد علی اصفهانی

از معاریف علماء وفضلاء اصفهان بوده خدمت سید حجة الاسلام مدتی تلمذ نموده است .

مرحوم سید حجة الاسلام ویرا در سال 1252 جهت ارشاد و هدایت مردم رشت بدانسمت گسیل داشته و سفارشنامه ای بعنوان او جهت مردم رشت و آن نواحی مرقوم فرموده و مردم را برای رجوع در امور شرعی خود بدانجناب توصیه نموده است و در آن ویرا به : العلامة الفهام والمجتهد العادل

ستوده است.

ص: 264

این سفارشناسه ضمن مجموعه ای از اجازات صاحب عنوان در کتابخانه علامه آقا سید محمد باقر حجت طباطبائی در کربلا بنظر علامه ماهرانی رسیده است (ص 120 یکم الکرام البرره) .

18- حاج سید اسد الله بیدآبادی

(1):

فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی و خود به حجة الاسلام ثانی مشهور بوده، شرح حالش در عنوانی مخصوص نوشته میشود مطالبین مراجعه

نمایند .

19- ملا اسماعل طبسی خراسانی

(2):

فاضل جلیل در طبس متولد گردیده و پس از تحصیلات مقدمات علوم جهت تکمیل به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر در نزد جمعی از بزرگان علم و دانش به فرا گرفتن علوم اشتغال جسته که از آن جمله است مرحوم سید حجة الاسلام شفتی ، ضمناً علاوه بر منبر و موعظه به کتابت روزگار می گذرانیده و در این شهر

ص: 265

1- در خاتمه این رساله شرح مختصری راجع به سابقه تاریخی و عظمت مخله بیدآباد و برخی از منسوبین باین محله در قدیم و این اواخر خواهیم نوشت طالبین مراجعه فرمایند .

2- شیروانی در بستان السیاحه (ص 354) بخلاصه می نویسد: طبس بفتح اول و دوم و سکون سمن بلده ای است دلنشین از مضافات خراسان ... هوایش گرم و آبخ از کاریزه آن شهر در زمین هموار واقع و اطرافش واسع. در تاریخ علمای خراسان (66) گوید: طبس نام یکی از فرای سبزوار است و هم نام شهری است در بلاد خراسان . ودر بهارستان (ص 22) گوید : طبسین (به صیغه تثنیه) و آن دو قصبه است یکی طبس التون و دیگری طبس العنایت (در اولی درخت خرما و در دومین درخت عناب فراوانست) یکی را طبس گللیک و دیگری را طبس سینا خوانند

وفات یافته در صحن امامزاده هرون ولایت (هارون بن موسی بن جعفر علیهما السلام) مدفون گردید.

فرزندش ملا محمد حسین عارفچه در اصفهان متولد و در نزد بزرگان علماء این شهر همچون حاج سید اسد الله بیدآبادی و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی و آقا میر سید محمد شهبهانی و جمعی دیگر تحصیل نموده و در عداد خطباء و واعظین و ذاکرین مصائب معدود بود و کتب چندی تألیف نموده از آن جمله : 1- انیس الواعظین 2- زاد العارفین در پنجاه مجلس منیری در سال 1371 به همه همت فرزندش مرحوم آقا میرزا محمد علی عارفچه بچاپ رسیده است 3- زاد الموافق در مواعظ در پنجاه مجلس بسال 1370 در طهران بچاپ رسیده است 4- زاد الواعظین وغیره . مشار الیه در سال 1322 وفات یافته در تخت فولاد در تکیه آقا سید رضی در جنب قبر آقا سید عبدالباقی قزوینی مدفون گردید .

و فرزندش مرحوم آقا میرزا محمد علی عارفچه شاعر ادیب واعظ فاضل کامل مؤلف کتب کثیر منفی سال 1380 مدفون در تخت فولاد اصفهان می باشد (ص 284 بزرگان و دانشمندان اصفهان).

20- محمد اسماعیل بن محمد ابراهیم

در تاریخ پنج شنبه 10 ذی الحجه 1240 کتاب نسخه ای از کتاب : تحفه الابرار تألیف مرحوم سید حجة الاسلام را بیابان رسانید است.

نسخه بشماره (4829) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و نویسنده محترم فهرست می نویسد :

بشار الیه ظاهراً از شاگردان سید حجة الاسلام می باشد (ص 2753 چهاردهم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران).

ص: 266

طباطبائی:

در تاریخ چهارشنبه اول محرم سال 1246 کتابت نسخه ای از رجال مرحوم سید حجة الاسلام را بخط نسخ پایان رسانیده (در پایان رساله در ترجمه اسحاق بن عمار) نسخه کتاب بشماره (1249) در کتابخانه آیت الله مرعشی درقم موجود است (ص 52 جلد چهارم فهرست کتابخانه).

مشار الیه احتمالاً از شاگردان و حاضرین مجلس درس مرحوم سید حجة الاسلام بوده است.

22- شیخ اسماعیل بن شیخ محمد حسین سلطانیه ای

(1).

در سال 1219 متولد شده و در نزد سید حجة الاسلام حاجی کلباسی و دیگران تلمذ نموده تا بمقامات عالیہ علم و دانش رسیده است. از آثار علمی او شرح قواعد الاحلام حلی است در چهار مجلد. وفات مشار الیه حدود سال 1300 رویداده است.

ص 143 تاریخ زنجان - ص 48 فهرست علمای زنجانی

ص: 267

1- سلطانیه زنجان شیروانی گوید (ص 312) در دو منزلی قزوین اتفاق افتاده و آنجارا سلطان غازان بنا نموده و سلطان محمد خدابنده تمام کرده شهری خوش و مدنه ای دلکش بود. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 58/17/00 عرض: 35/12/00 انحراف قبله: 54/45/05 ارتفاع از سطح دریا 1780 متر

علامه طهرانی در الذریعه (ص 18 چهاردهم) وهمچنین در الکرام البرره (ص 135 یکم) می نویسد:

سید اسماعیل بن امیر اسد الله حسینی (در الکرام نام پدر ذکر نشده است) مؤلف شرح قواعد الاحکام در چهار مجلد و متوفی حدود سال 1300 (در الذریعه میفرماید پس از 1300 باندک زمانی) و فرزندش علامه میرزا ابوالمعالی در 27 ربیع الثانی 1442 وفات یافته است.

در این دو کتاب اولاً او را سید و ثانیاً پدرش را سید اسدالله و ثالثاً اشاره ای بشاگردی او نزد حجة الاسلام شفتی نشده است احتمال تعدد (شیخ اسماعیل و سید اسماعیل) بعید بنظر میرسد .

23- حاج میرزا اسماعیل بن میرزا محمد حسین دوم طباطبائی زواره ای

(1) فرزند میرزا محمد صادق بن محمد حسین اول بن رفیع الدین محمد

ص: 268

1- شیروانی در پستان السیاحه (ص 305) گوید: زواره نام دو ولایت است یکی در عراق شهر آن اردستان است ... و دیگری زواره خراسان شهر آن تربت است. دانشمند معاصر آقای ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی ساکن طهران صاحب تالیفات عدیده سه جلد کتاب بنام: آتشکده اردستان در شرح تاریخ و جغرافیای زواره و اردستان مرقوم فرموده و بچاپ رسانیده است و الحنی کتابی مفید و قابل استفاده است. مشار الیه در کتاب خود (ص 145 یکم) مطالبی در فقه اللغه زواره و عقاید جغرافی نویسان قدیم را مفصلاً بیان داشته و از اوضاع طبیعی و جغرافیائی آن کاملاً بحث نموده است طالبین مراجعه نمایند. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 52/28/00 عرض: 33/30/40 انحراف قبله: 45/56/00 جنوب غربی .

بن محمد مهدی بن ابوالحسن بهاء الدین محمد بن رفیع الدین محمد نائینی اصفهانی (میرزارفیعاً) فرزند حیدر بن زین الدین بن علی بن حیدر بن کمال الدین حسن بن شهاب الدین علی بن عباد بن احمد بن حمزة بن اسحق بن طاهر بن علی بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد رئیس بن ابراهیم الطباطبای بن اسماعیل الدیباج بن ابراهیم الغمر بن الحسن المثنی بن الامام ابی محمد حسن المجتبی السبط الاکبر علیه السلام .

در کتاب آتشکده اردستان (ص 290 دوم) می نویسد : از علماء و محدثین عصر حجة الاسلام رشتی بشمار می رفته و از سود استجازه کرده و مرحوم حجة الاسلام باو اجازه نداده است . سپس به نجف مشرف شده و آنجا از صاحب جواهر اجازه گرفته و سواد آنرا برای مرحوم سید فرستاده است .

نویسنده گوید : بظن قوی صاحب عنوان شاگرد مسید حجة الاسلام بوده و در موقع اجازه خواستن شایستگی آنرا نداشته سپس به نجف مشرف گردیده و خدمت صاحب جواهر تلمذ نموده و پس از نیل بمقامات علمی مرحوم آنایشیخ محمد حسن اصفهانی باو اجازه داده اند .
والعلم عند الله تبارک و تعالی .

در تکمله نجوم السماء (ص 128 یکم) می نویسد : فاضلی تحریر و عالمی با توقیر در علوم حکمیه و فنون فلسفیه کوی سبقت از اقران عصر خود ربوده خواهرش در حباله عند حجة الاسلام آقا سید محمد باقر رشتی بود و حاج سید عبدالله فرزند سید حجة الاسلام خواهر زاده ایشانست سپس شرحی از تحصیلات او و مسافرتش . به هند و تدریس او در آنجا نوشته، در آنجا گوید و بعید نیست که وی از سید حجة الاسلام هم استفاده کرده باشد .

در سال 1261 بهند (لکهنو) رفته و یک سال در آنجا توقف نموده و بتدریس اشتغال جسته و جمعی از دانشمندان آنجا همچون : سید مهدی شاه متوفی بسال

1314 وسید عبدالله وملاجواد کشمیری وغیره شاگردار بوده و خود از شاگردان شیخ محمد تقی رازی وصاحب جواهر و دیگر انست. کتب زیر از اوست : 1- حاشیه پرشرع هدایه ملاصدرا شیرازی 2 - شرح دره منظومه سید بحرالعلوم وغیره .

24 - شیخ اسماعیل بن محمد ورنوسفاد رانی

ورنوسفاد ران (بن اصفهان) یکی از دهات سه گانه سده ماریین اصفهانست(1).

مشارالیه در تاریخ سه شنبه 15 ماه رمضان المبارک سال 1243 کتابت نسخهای از مجلد دوم کتاب : مطالع الانوار تألیف سید حجة الاسلام را بخط نسخ پپایان رسانیده است. کتاب نامبرده به شماره (1145) در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است (ص 255 بکم فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه تألیف دانشمند محقق جناب حاج شیخ رضا استادی تهرانی) احتمالاً مشار الیه از شاگردان سید حجة الاسلام می باشد.

25 - میرزا بابا اصطهباناتی

(2)

عالم فاضل جلیل از فضلالی مورد وثوق مرحوم سید ححجة الاسلام شفتی بوده

ص: 270

1- یکی از دهات سه گانه شهرستان سده (همایونشهر- خمینی شهر) می باشد واکنون باید گفت یکی از محلات بزرگ این شهرستان میباشد .

2- اصطهبانات یکی از بخش های چهارگانه فسا و دارای 25 قریه و مزرعه و قصبه و حدود بیست و سه هزار نفر جمعیت می باشد ، زبان آنها فارسی ومذهب آنان شیعه اثنی عشری است . مرکز آن قصبه اصطهبانات (بکسر اول و سکون دوم وفتح سوم) در هفتاد و دو کیلو متری شمال خاوری فسا می باشد. (ص 43 یکم دانشمندان و سخن سرایان فارسی یا اندک تصرف) ثانیه/دقیقه/درجه طول:00/04/54 عرض:00/09/57 انحراف قبله:57/06/46 ارتفاع از سطح دریا 1730 متر

و آن مرحوم مشار الیه را متولی و تصدی ثلث یکی از ثروتمندان (ظاهراً اصطهبانات) نموده و صاحب عنوان از محل آن ثلث خانه و آسیائی در نجف خریده و آنها را وقف بر طلاب علوم دینی نمود و همچنین در اصطهبانات از همین محل مدرسه ای و گرمابه ای در سال 1264 بنا نمود و آنها را نیز وقف کرد .

احتمالاً مشار الیه از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام بوده و تاریخ وفاتش پس از سال 1264 می باشد و احتمالاً وی همان عالم عامل حاجی بابا مذکور در البدر التمام (ص 7) می باشد . اگر این احتمال صحیح باشد وی شاگرد حاجی کلباسی نیز بوده است . العلم عند الله .

26 - مولی محمدباقر ترشیزی

(1):

از علماء طهران بوده و در اصفهان تحصیلات خویش را نزد علماء این سامان

ص: 271

1- ترشیز اکنون انجارا کاشمر گویند از ناحیه خراسان و نزدیک تر کسنانست ثانیه/دقیقه/درجه طول: 58/27/00 عرض: 35/12/00 انحراف قبله: 54/44/05 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا 1050 متر

خصوصاً نزد سید حجة الاسلام رشتی اصفهانی پایان رسانیده و از ایشان مجاز بوده است ، در طهران مرجع امور دینی و مقبول القول در نزد عموم طبقات بود . در حدود سال 1275 وفات یافته است.

ویرا دو پسر عالم و دانشمند است : 1- شیخ حسین متوفی بسال 1343 پدر عالم معاصر روحانی حاج شیخ زین العابدین سرخه ای امام جماعت مسجد امام زاده یحیی 2- شیخ محمد متوفی حدود سال 1320 هجری قمری.

علامه طهرانی می نویسد : چون این دو برادر هنگام فوت پدر کودک بودند آنان را ناپدریشان مولی عباسعلی سرخه ای از شاگردان شیخ انصاری تربیت نموده و بدین مناسبت به سرخه‌های شهرت یافتند .

ص 161 یکم الکرام البرره - ص 335 شخصیت و زندگانی شیخ انصاری

27 - حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی

فرزند مرحوم شیخ محمد تقی بن محمد رحیم بیک بن محمد قاسم بیک رازی ایوان کیفی اصفهانی عالم محقق جلیل .

مرحوم علامه فقیه رجالی حاج سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه (صفحه 35 پنجاهم) در ضمن احوالات مرحوم حاج شیخ نورالله نجفی مسجد شاهی فرزند مشار الیه می نویسد :

علامه جلیل آیت الله آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی از ایشان روایت می کند و او از پدرش مرحوم شیخ محمد باقر و او از سید حجة الاسلام

بنابر این صاحب عنوان نیز از علماء مجازین از مرحوم سید حجة الاسلام بوده لکن شاگردی وی در نزد ایشان محقق نیست گرچه محتمل الوقوع می باشد.

ص: 272

مرحوم آقا شیخ محمد باقر در سال 1235 متولد و در ماه صفر سال 1301 در نجف وفات یافته . ویرا تألیفاتی است از آنجمله : 1- حجة المظنة 2- لب الاصول 2- لب الفقه وغيره .

28 - آقا میرزا محمد باقر خونساری

بن حاج میرزا زین العابدین موسوی خونساری چهارسوئی (1) اصفهانی.

علامه نیه زاهد محقق متتبع اصولی رجالی، از بزرگان و مفاخر علمی در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم در اصفهان مؤلف کتاب نفیس روضات الجنات که احتیاج به تعریف و ستایش نداشته و هیچ نویسنده و دانشمندی از داشتن آن بی نیاز نمی باشد .

ص: 273

1- شیروانی در پستان السیاحه (ص 274) گوید : قصبه ای است طد آثار در چهار فرسخی گلپایگان واقع در میان کوه اتقاق افتاده آبش سیار و مقابت خوشگوار هوایش سازگار و باغاتش فراوان قریب سه فرسخ طول باغات آنها است و الحق بدایت دلکش است اکثر فراکش ممتاز و گز انگبین آنجا با نیاز است ... ناشق خوب تراشند و کاتب خط نسخ در آنجا بسیار باشند . علامه صاحب روضات الجنات (ص 196) در کتاب خود در باره خونسار بحث نموده طالبین مراجعه نمایند . در رمن خوسار کت شلم است : سه فرسخ در سه فرسخ لاله زار است بهشت روی دنیا و تسار است . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 50/19/00 عرض: 33/13/00 انحراف قبله: 40/50/11 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا 2250 متر

در دوشنبه 22 صفر سال 1226 در خونسار متولد گردیده و در نزد جمعی از امام بزرگوار تلمذ نموده و از عده ای از آنها به اجازه روایتی و اجتهاد مفتخر گردیده است که از آن جمله افراد زیر می باشند : 1- سید ابراهیم صاحب ضوابط

2- شیخ محمد تقی رازی اصفهانی 3- آقا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی 4- حاج میرزا زین العابدین پدر بزرگوارش 5- شیخ قاسم بن محمد نجفی 6- میر سید محمد بن عبد الصمد شهشهانی اصفهانی 7- شیخ محمد بن علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء و بخصوص سید حجة الاسلام و هم از ایشان مجاز بوده است و جمعی کثیر از علماء در خدمت ایشان تلمذ نموده و از ایشان مجاز می باشند که علامه مولی محمد حسین بن مولی اسدالله کرمانی اصفهانی (جد امی نویسنده) از آنجمله است متوفی در شب جمعه 21 جمادی الاولی 1330 در اصفهان . کتب زیر از تألیفات صاحب عنوانست: 1- احسن العطیه در شرح الفید2- ارجوزه در اصول فقه

3- اسباب بلایا نازله بر سعید و شقی 4- امر بمعروف و نهی از منکر (رساله در) 5- تسلیة الاحزان بفارسی 6- تعلیقه بر شرح لمعه 7 - تعلیقه بر قوانین 8- دستور العمل برای عمل مکلفین 9- رساله عملیه 10- روضات الجنات در شرح حال علماء و سادات از شیعه و سنی در چهار مجلد و این معروفترین تألیفات صاحب عنوانست و بهمین علت اولاد و اعقاب آن بزرگوار به آل صاحب روضات و یا روضاتی مشهورند 11- شرح حدیث حماد 12- رساله در ضروریات دین 13 - رساله در فضیلت جماعت 14- قره العین منظومه فارسی در اصول دین 15- قصاید عربی و فارسی در مصائب و مرائی 16- مجالس در مصیبت و مواعظ 17- منشآت و نوشتجات که ادیبانه و منشیانه و مسجع و مقفی نوشته اند 18- منظومه عربی در اصول و غیره .

مرحوم صاحب روضات در دوشنبه 8 جمادی الاولی سال 1314 در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در جنوب مسجد مصلی مدفون گردید و برای او تکیه‌های

بزرگ وقبه ای شایسته بنا نمودند و جمعی از اولاد و اعقابش در بقعه و اطراف مدفون می باشند که جمعا اهل فضل و دانش و از علماء معروف و مورد توجه مردم اصفهان می باشند . اللهم اغفر لهم ولجميع المؤمنين والمؤمنات .

29 - سید محمد باقر قزوینی بن سید علی حسینی قزوینی

در المآثر والاثار (ص 145) در باره او گوید :

از بزرگان مجتهدین بود و ریاستی عظمی داشت میر محمد صالح و میر محمد رفیع که هر دو از مجتهدین مسلم زمان صفویه اند از اسلاف او می باشند. تلمذ و تکمیل مراتبش در محضر شیخ الفقهاء شیخ محمد حسین نجفی صاحب الجواهر بود و زمانی نیز در معیت حاجی سید محمد باقر اصفهانی حجة الاسلام گذرانید و در فقه و اصول و فنون معقول تصنیفات پرداخت و در خط نسخ و شکسته میان علماء کافه نظیر نداشت در سال 1286 هجری قزوین در گذشته و شصت و پنج سال داشت .

با توجه بسن صاحب عنوان در سال وفات تولد او حدود سال 1230 خواهد

مرحوم تنکابنی مؤلف قصص العلماء مدتی در خدمت او تلمذ نموده و گوید ویرا تألیفاتی است از آن جمله : 1- رساله در اثبات ملک مقاله 2- رساله در مقدمه واجب و غیره در فن جدل و مناظره قدرت و مهارت تامی داشته بطوریکه مولی عبدالکریم ابروانی که در فضل و کمال استاد او بحساب می آمده است را در مباحثه عاجز می نموده است ضمناً خطوط نسخ و شکسته را استادانه می نوشته و پس از وفاتش فرزند دانشمندش آقا سید موسی جانشین پدر گردید و برا فرزند دیگری است بنام میرزا ابوالقاسم ناظم العلماء . رحمة الله علیهم اجمعین

ص: 275

(1)

از شاگردان و مجازین از حاج سید محمد باقر حجة الاسلام بود . در این اجازه مرحوم حجة الاسلام شفنی ویرا بدین گونه وصف نموده است:

السید الجلیل التقی المنقی جامع فنون الفضائل والکمالات حائز قصبات السبق فی مضممار السعادات السید العلی العالی محمد تقی ...

تاریخ اجازه سحر شب نهم محرم 1254 . علامه طهرانی اجازه نامبرده را ضمن مجموعه اجازات سید حجة الاسلام دیده است.

ص 203 یکم الکرام البرره در تاریخ زنجان (ص 316 / 408) گوید : فرزند او سید محمد جواد از شاگردان شیخ انصاری بوده است . و در فهرست مشاهیر علمای زنجان (ص 116) گوید : اجازه سید حجة الاسلام شفتی را جهت صاحب عنوان در نزد علامه شیخ فضل الله زنجانی زیارت کردم ونواده صاحب عنوان سید اسماعیل محقق جلیل القدر وعظیم المنزلة بوده در اصفهان در خدمت مولی حسینعلی بن نوروز علی نویسرکانی تلمذ نموده و از استاد نامبرده بأخذ اجازه مفتخر گردیده تاریخ اجازه 1279 می باشد .

ص: 276

1- بنکته نام قریه است در جنوب غربی شهر زنجان در پنج فرسنگی (ص 116 فهرست مشاهیر علمای زنجان)

(1):

عالم فاضل از مقدسین و پیشوایان بوده و خیلی آثار خیر از او در جز باقی مانده و نزد مرحوم سید و حاجی مقبول القول و معتمد و بتقوی و قدس در بلد. نیز معروف بوده است .

در قریه جز وفات یافته در قبرستان آنجا مدفون گردید. در اول قبرستان جز (گزی) تکیه دارد معروف بمقبره در وسط گنبد آن دفن است .

مشار الیه جد امی علامه جلیل مولی عبد الکریم جزی مؤلف تذکره القبور می باشد (ص 167 رجال اصفهان).

وی شاگرد حاجی و سید بوده و فرزندش ملا محمد باقر ابوالفقراء ادیب و شاعر و عالم و فاضل متوفی بسال 1286 می باشد .

ص 210 و ص 159 دانشمندان و بزرگان اصفهان

32 - مولی محمد تقی بن ابیطالب اردکانی یزدی

از بزرگان علماء و فقهاء واجله مشایخ و مجتهدین در المآثر والاثار (ص 145)

ص: 277

1- گزی و معرب آن جز برون از وید و سر از بلوک برخوار اصفهان است. در کتاب: گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص 187) مینویس د: قریه گر در 18 کیلومتری شمال شهر اصفهان واقع شده از نواحی قدیمی و تاریخی حومه اصفهان محسوب میشود دارای یک مسجد قلبه ازدور سلاها و پتایای یاشاره داره سلولی در کاروانسرائی از دوره صفویه است. شرح و توصیف مسجد و مناره و کاروانسرای آنجا مفصلاً در کتاب نامبرده ذکر گردیده طالین مراجعه کنند مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص 171) در وصف بلوک برخوار می نویسد: مرکز قریه جز است که شش هزار جمعیت و کرباس بافیش ممتاز . 1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 68) می نویسد: اردکان نام دو قصبه است؛ یکی از توابع یزد جائی خوب و محلی مرغوبست و منقل آهنی در آنجا ممتاز سازند. دیگر از محان شیر از قصبه ای بهجت امتیاز است .. آبش در کمال عذوبت و هوایش در فایت برودت در میان دو کوه واقع و طرف جنوبش فی الجمله واسع است. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی اردکان یزد: 54/49/00 عرض: 32/20/30 انحراف قبله: 52/09/24 ارتفاع از سطح دریا 1035 متر

در ضمن شرح حال او می نویسد :

در سال 1257 حاج میرزا آقاسی صدراعظم وقت غالب علماء ایران را محترماً بطهران حرکت داد مشارالیه نیز در بین آنها بود . صاحب عنوان در مقدمه برخی از تألیفات خود بزندان بودن در طهران اشاره می کند . آقای دکتر علی تقی منزوی فرزند علامه طهرانی در پاورقی الذریعه (ص 270 پنجم) شرحی راجع به این موضوع می نویسد طالبین مراجعه کنند ولکن در قمع العلماء گوید وی مورد تهمت قرار گرفته و در اصفهان بخانه سید حجة الاسلام پناهنده شده و در سالی که محمد شاه باصفهان آمد ویرا به عنف از خانه حجة الاسلام بیرون کرده و بطهران برده (وزندانی کردند و ظاهراً علت زندانی بودن مشارالیه همین موضوع است نه آنچه در پاورقی الذریعه نوشته شده است) مرحوم اردکانی پس از نجات از گرفتاری سالها مدرس مدرسه فخریه (مروی) طهران بوده تا سرانجام در سال 1267 مطابق گفته المآثر والاثار والذریعه (169 پنجم) ویا سال 1268 مطابق نوشته الکرام البرره (ص 206 بکم) وفات پانته کتب زبر از تألیفات اوست : 1 . الافاضات در فقه دو مجلد 2 - الجواهر الزواهری احکام المبانی وایضاح السرائر در اصول فقه 3 - رساله در تقلید 4 - رساله در حجیت مطلق ظن 5 - رساله در

ص: 278

صلح بفارسی 6- رساله در مفهوم و معارف تاریخ فراغت از تألیف نزدیک ظهر روز جمعه 22 شعبان 1228 هجری 7-الثالی الغالیه در فنون مختلف مانند کشکول بیشتر آنرا در ایام حبس تألیف نموده است.

مشار الیه خواهرزاده مولی اسماعیل عقدائی وعموی مولی محمد حسین بن محمداسماعیل اردکانی متونی سال 1302 می باشد و از سبد حجة الاسلام اجازه روایت داشته است.

33 - مولی محمد تقی بن حسینعلی بن رضا بن اسماعیل هروی

اسماعیل هروی(1)

اصفهانی حائری . از معاریف علماء ومجتهدین وفقهاء و مصنفین صاحب

ص: 279

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 608) می نویسد: هرات شهر پست جنت آیات ... جوانب اربعه اش واسع آبش خوشگوار و هوایش سازگار و در خوبی هوای آنجا گفته اند: الوجد تراب اصفهان و شمال هرات رماه خوارزم فی بقعة لم یمت فیها أحد أبدا یکی از شعرا گوید: . گر کسی پرسد را از شهرها خوشتر کدام در جواب از راست خواهی گفت او را گوهری این جهان را همچو دریا دان خراسان را صدف در میان آن صدف شهر هری چون گوهری (انتهی) از شهرهای بسیار که در خراسان قدیم بوده و در هنگام حمله و غلبه مغول خراب گردیده است: ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:--/62/10 عرض جغرافیائی:--/34/20 انحراف قبله:62/30/20 جنوب غربی

تألیفات کثیره ادیب فقیه اصولی رجالی عابد وزاهد . در رمضان المبارک 1217 در هرات متولد گردید . پس از فراگرفتن مقدمات علوم در موطن و مولد خود در سال 1235 باصفهان مهاجرت نموده و به محضر آقا شیخ محمد تقی رازی و حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام شرفی حاضر شده سپس به مشهد رضوی و از آنجا به اعتاب مقدسه ائمه عراق مهاجرت نموده و بدرس صاحب جواهر و آقا سید کاظم رشتی و میرزا علی نقی طباطبائی و احتمالاً آقا شیخ مرتضی انصاری حاضر شده تا بدرجات عالیہ علم و اجتهاد رسیده و به اصفهان مهاجرت نموده و شهرت و ریاستی یافته و در سال 1272 بمناسباتی مجبور به مهاجرت به عتبات شده و تا آخر عمر یعنی 17 ربیع الاول سال 1299 در کربلا وفات یافته و در مقبره صاحب ضوابط دفن گردید . ویرا تألیفات و تصنیفات زیاد است که تعداد آن متجاوز از پنجاه کتاب و رساله میشود، ذیلا بنام برخی از آنها اشاره می کنیم: 1- اجوبة المسائل 2 - الأربعین 3- اصالة الإمكان 4- تحقیق معنی الف و لام 5- توضیح الحساب 6- التفحه استادش سید حجة الاسلام 7 - المعارضی بن المطلق والمقید 8 - تعادل و تراجیح 9- المعارض بین المفرره والناقلة 10 - تعلیقه بر حواشی ملا میرزا شیروانی بر مما ام 11 - تعلیقه بر نجات العباد 12 - تفسیر آیه : فکان قاب قوسین اوادنی 13 - تنبیه الغافلین در رد بایه 14 - حاشیه پر خلاصة الحساب - ریاض المسائل - قوانین - منهاج تالیف حاجی کلیاسی - حاشیه ملا میرزا جان 15 - خلاصة البیان در تفسیر مشکلات قرآن 16- الدرر المنوره 17 - دیوان خطاب و مرآتی 18 - رسالتی در ارث - مبحث زوال شرح لمعه - و تنجیز تعلیق در شرط واقع در عقود - در طلاق بعوض - در عدالت - در عرق جنب از حرام - کسبیکه پنج نمازش را به پنج وضو بجای آورد سپس بطلان یکی از وضوها ثابت شود 19 - السبع المثافی در احوال چهارده معصوم علیهم السلام 20 - شرح الاسباب

21 - شرح خطبه همام 22 - شرح دعای ابوحمزه 23 - طریق النجاة در احکام طهارت و نماز بفارسی 24 - عیون الاحکام بعربی 25 - الفرائض 26 - قواطع سفر 27 - کاشف الاستار 28 - الطائف الفوائد 29 - لوامع الفصول 30 - اللغز (کرون) 31 - لغز یوم الخمیس 32 - مجالس المواعظ 33 - مسائل مبسوطه 34 - مشارع الوصول 35 - المطلق والمقید 36 - معیار الفکر والخیال 37 - المقاصد العلبه 38 - مختصر تفسیر آیه الکرسی استادش سیدکاظم رشتی 39 - المیراث 40 - مناسک حج 41 - المناقب الحسینیه 42 - نتائج الافکار در اصول 43 - نفی حجیت مطلق ظن 44 - نهاییه الامال در کیفیت رجوع بعلم رجال وغیره .

و دیگر از مصنفات او کتاب 45 - حدیقه النجفیه یا تحفه النجفیه در شرح . روضه البهیة در چندین مجلد تاریخ ختم جلد اول 1249 و تاریخ فراغت از جلد دوم 1252 و تاریخ جلد سوم 1296 می باشد چنانکه علامه طهرانی در الذریعه (ص 390 ششم) می نویسد ، در ریحانة الادب (ص 318 چهارم) می نویسد در حواشی بعضی از چاههای شرح لمعه بطبع رسیده است .

فائده : منسوب به هرات را هروی و هراتی گویند .

شرح احوال صاحب عنوان در کتابهای : دانشمندان اصفهان (ص 211) - الکرام البرره (ص 21 یکم) تکملة نجوم السماء (ص 397 یکم) المآثر والاثار (ص 183) مکارم الآثار (ص 625 سوم) و مواضع مختلفه مجلدات الذریعه .

34 - ملا محمد تقی بن حاج ملا محمد علی اردستانی

(1):

فرزند ملاعبد العظیم بن محمد تقی بیدگلی از علماء ساکن اردستان در اصفهان

ص: 281

1- آقای ابوالقاسم رفیعی مهر ابادی از فضلاء و دانشمندان معاصر در کتاب : اتشکده اردستان وجه تسمیه و تاریخ اردستان را مفصلاً بیان نموده طالبین مراجعه نمایند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 52/22/00 عرض جغرافیائی: 33/23/00 انحراف قبله: 45/59/37 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا 1205 متر . جیلان معرب گیلان از مناطق معروف ایران . شیروانی در بستان السیاحه گوید: ولانی است معروف و بکثرت آب و خضرت زمین و رطوبت هواموصوف مشتمل است بر بلاد معمود و قصبات مشهوره و جبال پر درخت و مسالک بسیار سخت باعث معمور و اکثر مشتتهیات درانجا موتور و اقسام ماهی و مرغابیش ما محصور است اکثر بلادش در کنار دریاست ابریشم آنجا فراوان برنجش ارزانست ... و در جنگل واقع شده آب گیلان از رود و بسیار وهوایش ناسازگار است و مختلف آثار (ص 207 بستان السیاحه) دانشمند معاصر آقای حسن شمس گیلانی در کتاب : تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص 21) می نویسد : ایالتی است سبز و خرم و دارای مناظر طبیعی جنگل و کوه و دریا ... سرزمین پهناور و بوفور نعم معروف و اهالی آن بسیار مردمان خوش ذوق و عارف مشربند از دیر زمان معروف بمهمان دوستی و ساده لوحی .. محصولات مهم گیلان برنج و دیگر چای و سیگار و زیتون است و ماهی آن فوق العاده مهم است پای تخت گیلان شهر رشت است.

خدمت علماء این سامان تحصیل علوم نموده تا بدرجات عالیہ افضل و کمال رسیدہ سپس بموطن خود معاودت کردہ بہ نشر احکام و اقامہ جماعت و امر بمعروف ونہی از منکر پرداختہ تا قبل از 1300 وفات یافتہ است. از اساتید او در اصفہان مرحوم سید حجۃ الاسلام وانا میر سید حسن مدرس را میتوان نام برد (اطلاعات متفرقہ از شمائل از خاندان عظیمی).

فرزندش میرزا حسین داماد ملا علی اکبر فشارکی بودہ است (ص 164 یکم آتشکدہ اردستان).

35 - ملا محمد تقی بن محمد قاسم گیلانی

(1: در حدود سال 1220 در رامسر متولد گردیدہ پس از طی مقدمات علوم باتفاق

ص: 282

برادرش ملا عبد الواسع به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر از محضر سیل حجة الاسلام و آخوند ملا علی نوری ردیگران استفاده نموده است.

از آثار او منظومه مختصری است در علم نحو که بنظر مؤلف کتاب: بزرگان رامسر رسیده است تاریخ اُختتام نظم 68 رمضان المبارک 1257 می باشد. وی برادر مولی عبدالرزاق نحوی آنی الذکر می باشد

ص 162 بزرگان رامسر

36 - شیخ محمد جعفر جاسبی

(1):

عالم فاضل در رجب سال 1254 کتابت نسخه ای از مناسک حج سید حجة الاسلام را بپایان رسانیده و در آخر آن عده ای مسائل با جواب آنها را مطابق فتاوی مرحوم سید حجة الاسلام بفارسی مرقوم فرموده و رساله مناسک را تصحیح و مقابله نموده است .

مرحوم سید حجة الاسلام در آخر نسخه مرقوم فرموده است که :

ص: 283

1- جاسب از بلوک قم است و از منسوبین بدانجاست ؛ 1- شیخ نجم الدین ابوالقاسم علی بن الحسین الجاسبی فقیه واعظ صالح. 2 - شیخ رشیدالدین علی بن محمد الجاسبی فيه ص 218 و 219 تاریخ قم ناصر الشریعه 3- شیخ محمد بن عبدالرحیم جاسبی (ص 406 دوم مکارم الاثار).

بعد از نهم مطالب مشاوره در این رساله هر کس عمل بمقتضای آن نماید عمل او مبرء ذمه او است . حرره خادم الشریعه فی 22 رجب 1254 سجع مهر: محمد باقر بن محمد نقی .

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 236 یکم) پس از نقل مطالب یاد شده می نویسد: ظاهر آنست که فوت صاحب عنوان بعد از این تاریخ بوده و بظن قوی مشار الیه از شاگردان سید حجة الاسلام می باشد .

37 - سید جعفر حسینی خلیفه سلطانی

از علماء اخبار فاضل متقی از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی بوده و عمده تلمذ او در نزد مرحوم آنا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی بوده است قبل از سال 1300 در اصفهان وفات یافته در قبرستان سنی فاطمه مقابر خانوادگی خود مدفون گردید و آثار قبر همچون دیگر قبور و مقابر در سالهای اخیر از بین رفت.

مشار الیه پدرزن علامه جلیل فقیه مرحوم حاج سید مهدی نحوی عم بزرگوار نویسنده بوده عموزادگان محترم از این منخدره محترمه می باشند.

فائده: سادات خلیفه سلطانی اصفهان از اعقاب عالم جلیل فقیه سید علاء الدین حسین بن میرزا رفیع الدین محمد بن امیر شجاع الدین محمود مرعشی آملی اصفهانی معروف به سلطان العلماء و خلیفه السلطان حسینی از شاگردان شیخ بهائی و پدر خود و جمعی دیگر از فحول علماء و بزرگان بوده و کتب و رسائل عدیده‌های تألیف فرموده در سال 1064 پس از سفر فتح قندهار در هنگام وزارت خود در شهر اشرف مازندران بسن شصت و چهار سالگی وفات یافت. رحمة الله علیه.

(1)

ساکن قزوین از شاگردان سید حجة الاسلام در اصفهان و مجاز از شهید ثالث و حاج ملاصالح بوده است. وی دانشمندی فاضل و جامع بوده و در قزوین سطوح فقه را تدریس مینمود.

مؤلف قصص العلماء میفرماید: من در نزدی قسمتی از شرح لمعه را تلمذ کردم ویرا تألیفاتی است از آن جمله: شرحی بر کتاب مختصر نافع.

مؤلف قصص العلماء در ضمن شرح حال سید حجة الاسلام از قول صاحب عنوان می نویسد:

من طهارت و صلوة شرح کبیر را در مجلس در محجة الاسلام نوشته ام یعنی در زمانی که در بین درس گفتن سید حجة الاسلام جمعیت مترافین مانع از تدریس می شدند و ما معطل می ماندیم من مشغول کتابت شرح کبیر میشدم.

(ص 146 قصص العلماء)

39 - شیخ محمد جعفر بن حاج محمد ابراهیم کلباسی

(فرزند حاجی کلباسی معروف) عالم فاضل جلیل ادیب محقق، در اصفهان متولد گردیده و در نزد جمعی از علماء و مجتهدین این شهر همچون پدر بزرگوار خود وسید حجة الاسلام و حاج محمد جعفر حکیم لنگرودی (بطوریکه از برخی

ص: 285

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 586) می گوید: نظر آباد گویند قریه ای است خسته بنیاد در کشور عراق راقم ندیده (انتهی) نویسنده گوید نظر اباد از قرای قزوین است.

از اعقابشان شنیدم) تلمذ نموده تا بمقامات عالیله علم و فقاهاهت رسیده و بعضی اوقات امام مسجد حکیم را داشته و بطوریکه علامه گزی در تذکره القبور می نویسد (ص 162) وضع تقوی و دیانت داشته و خیلی متواضع بوده است سر انجام در روز جمعه 26 محرم الحرام سال 1292 در اصفهان وفات یافته در مقبره پدر واقع در مقابل در شرقی مسجد حکیم پشت قبر برادر خود آقا محمد مهدی پای دیوار مدفون گردید . کتب زیر از تألیفات اوست : 1- تحفة الجعفریه در دیات کتاب مفصل و بزرگی است انجام تألیفش شب 18 رمضان المبارک 1284 هجری 2- رساله ای در احوال مرحوم سید حجة الاسلام و پدر بزرگوار خود که مرحوم علامه فقیه زاهد حاج شیخ کمال الدین ابو الهدی کلباسی برادرزاده اش در کتاب : البدر التمام از آن مطالبی نقل می نماید 3- رساله ای در حدود و تعزیرات 4- منهاج الهدایه از تألیفات مرحوم حاجی کلباسی است در آخر آن که بسال 1263 بچاپ رسیده مقاله ای از صاحب عنوان در باره پدر بزرگوارش می باشد (ص 180 بیست و سوم الذریعه) و آن ، خنصر همان رساله قبلی می باشد 5- منهج الرشاد الی احکام الدین والایمان در شرح ارشاد الازمان تاریخ قرائت مجلد اول 23 شوال 1273 و غیره .

مخفی نماند که کتاب شریف ارشاد الاذهان علامه حلی در قرن سیزدهم مورد توجه و عنایت خاص علماء و مجتهدین قرار گرفته و عده ای بر آن شروحو نوشته اند که شرح فوق و شرح آقا محمد مهدی برادر او بنام منهج السداد از آنجمله است.

از کتاب منهج الرشاد نسخه ای در کتابخانه علامه مفضل جناب حاج سید محمد علی روضاتی موجود است که شرح آنرا ایشان در مجلد یکم فهرست کتب

خطی کتابخانه های اصفهان بشماره (52) از صفحه 227 تا 231 مرقوم داشته اند طالبین مراجعه نمایند .

40- محمد جعفر بن محمد صالح رشتی

(1)

مشار الیه نسخه ای از جلد چهارم کتاب : مطالع الانوار تألیف مرحوم سید حجة الاسلام را که در اواخر دهه سوم ماه صفر سال 1233 کتابت آن به پایان رسیده است را مقابله نموده است ، سجع مهر او : الواثق بالله محمد جعفر بن محمد صالح . و مهر دیگر : محمد جعفر بن محمد صالح .

نویسنده کتاب : تراجم الرجال احتمال داده است که مشار الیه از علماء ساکن اصفهان بوده و من می گویم شاید وی از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام بوده باشد . پرده باشد .

(ص تراجم الرجال)

ص: 287

1- رشت از شهر های گیلان ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: عرض: انحراف قبله: ارتفاع از سطح دریا 10- (منهای ده متر) توضیح: طول و عرض و ارتفاع از شناسنامه جغرافیائی طبیعی ایران نقل شده است.

صفی آباده ای (1)

عالم فاضل فقیه مجتهد محقق مدقق از علمای بزرگوار اصفهان بعلم و فطانت و ذوق و کیاست و حسن اخلاق و معاشرت معروف و مورد احترام عموم طبقات بالاخص علماء و دانشمندان بوده و در نزد سید حجة الاسلام مورد عزت و احترام و محل وثوق و اعتماد بوده است.

انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص 291) در باره او می نویسد: در علم و فطانت نمره اول بود و کلمات خردمندانه و شوخی هایش ضرب المثل است.

و تنکابنی در قصص العلماء (ص 135) در ضمن بیان شرح حال آقا محمد

ص: 288

1- در کتاب سخن سرایان و دانشمندان فارس (ص 86 دوم) گوید: آباده یکی از شهرستانهای ششگانه استان هفتم است بنای آن بدست طوایف گرجه ای وهرندی اصفهان بوده و به امر کریم خان زند معمور و بنام آباده مشهور شده، فاصله آن تا شیراز 280 کیلومتر و تا اصفهان 280 و تا اصفهان 204 کیلومتر است جمعیتش 8264 نفر زبان اهالی فارسی و مذهبشان شیعه اثنی عشری است. شیروانی در بستان السیاحه (ص 60) می نویسد: آباده نام دوسه موضع است در کشور فارس یکی در شش منزلی شیراز و سمت اصفهان اتفاق و جوانب اربعه اش بغایت گشاده از اقلیم سیم و هوایش خرم و آبش از قنات و گوارا و زمینش دلگشا و محتویست برباغات روح افزا، آباده دیگر در راه کرمان و هم نام قریه ای است از قراء بوانات. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 52/38/00 عرض: 31/9/30 انحراف قبله: 52/40/47 ارتفاع از سطح دریا 2005 متر

علی مازندرانی ذکری نموده و گوید: عالم و جامع و متورع و بسیار شوخ بود و از هر علم کتابی در حفظ داشت مانند الفیه در نحو زبده در اصول و قانون چه در طب مختصر تلخیص در فصاحت و تهذیب در منطق و تجرید در کلام و مختصر نافع در فقه.

در المآثر والاثار (ص 146) می نویسد: از فحول مجتهدین طریقه جعفریه و مشاهیر مروجین شریعت محمدیه است عظماء علماء در حضرت او خویشان را خرد می شمردند و بزرگان دین و دنیا نام مبارکش بحرمت تمام می بردند در علو درجه فقاہت و سمو مقام زهد و عبادت همه معاصرین بروی غبطه می آوردند و در ادبیات و شن اللغه و علم رجال و درایه نیز کم نظیر بود.

مرحوم گزی در تذکره القبور (ص 31 رجال اصفهان) درباره او می نویسد عالمی محقق و بسیار زیرک و دانا و با تدبیر بخصوص در مراجعات و تمام کردن آنها و معروفست که قرار او ثبت امور اتی که در نزد او میشده بوده که من بعد اشتباه کاری نشود. اشتباه کاری نشود.

در فارسنامه ناصری (ص 169 یکم) درباره او می نویسد: کاشف حقایق امور مصلح مصالح جمهور ظهیر اسلام ملجأ نام رئیس مجتهدین اکمل متورعین بنده خدای اکبر حاج محمد جعفر آباده ای از صغاد بر خاسته است و در دارالسلطنه اصفهان منوطن کشته صیت فضیلت و اجتهادش عالم گیر گردیده در سال 1280 واندی در اصفهان بر حمت ایزدی پیوست و سنین عمرش از نود سال گذشته بود.

در کتاب: دانشمندان و سخن سرایان فارس (ص 86 دوم) بنقل از کتاب آثار جعفری تالیف سید محمد جعفر حسینی خورموجی ملقب به حقابی نگار فرزند میرزا محمد خان (متوفی بسال 1301 مؤلف: نزهة الاخبار و تحفه معتمدی و حقایق الاخبار و غیره) می نویسد:

قدرة المحققين و برهان المدققين حاج محمد جعفر آبادهای سلمه الله تعالى مرجع فضلاء آذان و جهد علی الاطلاق است صبت فضله بقلک رسیده آوازه جلالش ملک شنیده فاضلی است دیدار و عالمی پرهیزگار . سخن بذکروی آراستن مراد این است

که پیش اهل هنر منصبی بود ما را

وگر نه منقبت آفتاب معلوم است

چه حاجت است بمشاطه روی زیبا را

سالهاست که در دار السلطنه اصفهان توطن فرموده اهالی آن دیار و طلاب سایر بلاد و امصار از افادات کثیر البرکاتش مستفید و بهره ور میگرددند (نویسنده کتاب یعنی آقا محمد حسین رکی زاده آدمیت در آخر می نویسد سال فوتش معلوم نشد) علامه صاحب روضات الجنات (ص 154 در ذیل ترجمه حال حاج ملا جعفر استر آبادی میفرماید :

الفقيه النبي المعاصر الحاج محمد جعفر بن محمد صفی الابداه ای الفارسی المفتی باصفهان ...

در احسن السویدیة (ص 38 یکم) و تکملة نجوم السماء (ص 214 یکم) و ریحانة الادب (ص 14 یکم) و دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص 1) و فوائد الرضویة (ص 59 یکم) و الکرام البرره (ص 259 یکم) نام او ذکر شده و بطور اجمال و تفصیل درباره او مطالبی گفته شده بخلاصه آنکه مشار الیه از شاگردان حاج محمد ابراهیم کلباسی و سید حجة الاسلام شفتی و آقا سید محمد مجاهد و احتمالا حاج ملاعلی نوری و جمعی دیگر از بزرگان بوده و عده زیادی از علمای در خدمتش تلمذ نموده اند که از آن جمله است:

1- حاج ملا احمد واعظ یزدی که در علمای خراسان (ص 129) نوشته .

ص: 290

2- آقا محمد رضا خراسانی تاریخ اجازة 6 رجب 1251 (ص 215 یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی).

3- حاج سید شفیع بن علی اکبر موسوی جاپلقی در روضة البهیة (ص 18) می نویسد .

4- حاج شیخ عبدالنبی بن احمد تویسرکانی در آخرالثالی الاخبار تألیف مجاز بیچاپ رسیده تاریخ 12 ذی الحجة 1279.

5- مولی محمد علی بن احمد همدانی شاگرد حجة الاسلام تاریخ 1258 (ص 165 یکم الذریعة)،

6- سید محمد بن سید محمد صادق بن محمد مهدی موسوی خونساری (ص 210 مقدمه مناهج المعارف).

در این جا به مناسبت نمیدانیم که دو حدیثی را که حاجی آباة ای در آخر اجازة حاج شیخ عبدالنبی نقل فرموده ذکر کنیم :

1- از حضرت باقر علیه السلام روایت می کند که آنحضرت فرمودند :

من افقی الناس بغير علم ولاهدی لعنته ملائكة الرحمة وملائكة العذاب ولحقه وزر من عمل بفتیاه.

2- از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند : من حکم فی در همین بغير ما انزل الله فهو کافر بالله العظیم .

. کتب زیر از تألیفات حاجی آباة ای است : 1- اجازة الحدیث و آن اجازة مختصری است به فارسی جهت آقا محمدرضا

خراسانی.

2- تعلیقه بر تلخیص الاقوال 3- رساله حمامیه در محل نزاع حمام متسوب به شیخ بهائی در محله مسجد جامع 4- رساله عملیه جهت

مقلدین 5- سؤال وجواب

ص: 291

6- شرح بر اصول کافی 7- شرح بر تجرید الکلام خواجه نصیر الدین طوسی 8- شرح بر دروس فقه جعفری 9- صیغ العقود 10 - الفقه الجعفریه فقه استدلالی 11 - فهرست کافی تاریخ اتمام کتاب روضه 26 محرم سال 1273 قمری 12 - مرایا در اصول 13 - نقود المسائل الجعفریه فقه که آنرا ملمع تألیف فرموده و برخی از مجلدات آن (جلد سوم) بچاپ رسیده است 14 - الوجیزه و آن مختصر کتاب تحفة الابرار استادش سیدحجة الاسلام می باشد و بچاپ رسیده است 15 - هدایة الأخبار منتخب تحفة الابرار تألیف سید حجة الاسلام (ص 169 بیست و پنجم الذریعه) و غیره . از این کتابها شماره 6 در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و شماره 10 در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران و نهم در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف الهی مشهد و دهم و یازدهم در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجود است .

مرحوم آباءه ای در محله جماله که اکنون بنام ایشان بازارچه حاج محمد جعفر آباءهای معروفست منزل داشته و در مسجدی که در این محل بنام ایشان بنا شده و از مساجد خوش وضع و آباد اصفهانست امامت مینموده است . و پس از فوت دو فرزند عالم وزاهد از خود بجای گذاشت : آقا عبدالجواد و آقا عطا الله هر دو در اعتاب مقدسه وفات یافتند و بعد از ایشان امام مسجد به آقا میرزا عبد الغفار تویسرکانی واگذار گردید .

مرحوم آباءه ای در شب شنبه 19 رمضان المبارک سال 1280 در اصفهان وفات یافته و در اول تخت فولاد مدفون گردید و سپس مرحوم رکن الملک جهت او تکیه ای بنا نمود که بنام او مشهور است . ماده تاریخ فوتش را میرزا علیرضا پرتو گوید :

حیف از حاجی محمد جعفر آنک گمراهانرا سوی حق بردی به ره

سال تار بخش زپرتوشد سؤال گفت : اللهم نور مضجعه

(فائده) : مرحوم میرزا علیرضا بمعروف به آقا جان شاعر ادیب خطاط . خط نسخ را در کمال استادی می نوشته در حدود سال 1214 در قریه باغ بادران از قرای لنجان متولد و در ماه جمادی الثانی سال 1304 ظاهراً در طهران وفات یافته است پدرش محمد علی نام داشت.

شرح حال بسیار مختصر او در مجمع الفصحاء (ص 78 دوم) والمآثر والاثار (صفحات 205-216)

وتذکره خوشنویسان معاصر (ص 58)

و نامه سخنوران سپاهان (ص 7 شماره 14) ودانشمندان و بزرگان اصفهان (ص 159) مندرج مطالبین مراجعه نمایند . دیوانش بیچاپ رسیده است.

42 - میرزا محمد جعفر شهشانی حسینی

(1)

فرزند مرحوم میرزا محمد علی مشهور به میرزا جانی بن قوام الدین محمد معروف به میرزا کوچک بن حسین بن ابراهیم بن حسین بن حسین بن ابوالحسن ابو الحسن بن محمد امین بن غیاث الدین محمد معروف بمیر میران بن معزالدین

ص: 293

1- شهشهان از محلات اصفهان در قدیم آنجارا محله حسینیان می گفتند بعلت سکونت جمعی از سادات حسینی و پس از کشته شدن شاه علاء الدین محمد (850) ومدفون شدن در جنب مدرسه و خانقاه خود این محله را بنام او محله شاه شاهان و به تخفیف شهشهان گفتند . سادات شهشهانی اثر در سلسه و هر دو حسینی می باشند : 1- اعقاب شاه علاء الدین محمد مذکور بنام خانوادگی : شاه علایی - شهشهانی 2- منسوبین و اعقاب برادران آنا میر سید محمد بن عبدالصمد حسینی شهشهانی با نام خانوادگی بدری شهشهانی - میرشمس - میرشمسی و غیره .

محمد بن شاه نقی الدین محمد بن قوام الشرف حسین بن قطب الدین محمد بن محمد بن یحیی بن شاه علاء الدین محمد صاحب بقعه در محله شهشهان مصلوب و منتول بسال 850 در ساوه بامر شاهرخ و پتحر یک گوهرشاد بیگم زوجه او فرزند محمد بن محمد بن یحیی بن محمد بن محمد بن حیدر بن حسین بن محمد بن قوام الشرف بن محمد بن قوام الشرف بن هادی بن اسماعیل بن حسین بن علی بن حسن بن علی بن حسین بن عمر بن حسن بن علی بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیهما السلام.

وی از فضلاء و بزرگان و ساکن محله شهشهان و ظاهراً از شاگردان حاجی کلباسی و حاج ملاعلی نوری و آقا سید محمد مجاهد بوده و مدتی نیز در خدمت سیدحجة الاسلام تلمذ نموده و با ایشان باجناق (و به اصطلاح مردم اصفهان هم‌ریش) بوده یعنی زوجه او دختر آقا سید کاظم طباطبائی زواره ای بوده است.

اطلاعات خصوصی و ص 647 سوم آتشکده اردستان

43 - حاج ملا محمد جعفر نوری بن محمد طاهر بن ابوالقاسم نوری طهرانی معروف به جالمیدانی

(1)

ص: 294

1- چال میدان از محلات قدیمی طهرانست. تور از شهر های مهران مازندران . طهران پایتخت ایران : طالبین برای اطلاع از تاریخ و جغرافیای این شهر بکتابهای تاریخ طهران تألیف میرحسین یکرنگیان و تاریخ طهران تألیف مرحوم سید عبدالحجت بلاغی و تاریخ طهران تألیف عبدالعزیز جواهر کلام و مرآت البلدان ناصری و دیگر مواضع مراجعه نمایند فائده لغوی : چال در لغت درمانی زیادی بکار رفته از آنجمله : چاه کوچک - گودال وام دهی در قزوین از ترکیبات این کلمه است : چاله - چاله سیاه - چالشر - چال حصار - چال میدان .

از بزرگان علماء و فقهاء طهران بوده، از شاگردان سید حجة الاسلام شفتی و مورد وثوق ایشان بوده و بر حسب خواهش جمعی از شیعیان هندوستان سید حجة الاسلام مشارالیه را جهت انجام وظائف شرعیه از امامت جماعت و قضاوت و توی بدانت گسیل فرموده وی پس از مدتها توقف در آن سامان و انجام وظائف محوله مقضی المرام به ایران باز گشت. وی همچنین خدمت مولی محمد جعفر شریعتمدار (1263 - 1198) تلمذ نموده است. سرانجام پس از سالها خدمت بدین و نشر و تبلیغ و ترویج احکام در شب دوشنبه 25 ماه صفر سال 1295 (ص 140 المآثر والاثار) و یاسال 1296 بسن هشتاد سالگی در طهران وفات یافت.

در لباب الالقب (ص 108) گوید: از رؤساء علماء طهران است و من او را دیدار کردم و شیخی بزرگوار بود انتهی پدرش اهل نور مازندران بود. و صاحب عنوان پس از مرگ هفت پسر همگان عالم و دانشمند بجای گذاشت که از آن جمله است حاج شیخ موسی معروف به شیخ المشایخ متوفی بسال 1354 قمری.

عبد العزیز جواهر کلام در تاریخ طهران (ص 75) بنقل از مرآت البلدان ناصری گوید: فرخ خان در آنجا مسجدی ساخت بسیار عالی دارای منصوره و شبستان و حجرات جهت سکای طلاب و ملا محمد جعفر مجتهد چالمیدانی که از اجله علماء بود به امامت و تولیت این مسجد انتخاب نمود و اکنون (سال تألیف مرآت البلدان) آقا شیخ موسی فرزند ارشد او بامر امامت و تولیت قیام دارد.

44 - محمد جعفر بن محمد مهدی اصفهانی

در تاریخ جمعه بیستم شوال 1239 کنایت نسخه ای از کتاب: ملحقات شیخ فخرالدین یحرحی را بدستور مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام بید آبادی.

ص: 295

بخط نسخ پایان رسانیده است .

کتاب بشماره (4970) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران در طهران موجود است.

ص 262 چهاردهم فهرست کتابخانه مجلس مشار الیه احتمالاً از شاگردان سید حجة الإسلام می باشد .

45 - سید محمد جواد موسوی درب امامی

(1)(1)

درب امام از محلات اصفهان و توابع قبرستان قدیمی چملان (سنبلان - سنبلستان) می باشد ، ساکنین این محله عموماً به درب امامی مشهورند.

سادات درب امامی سه گروهند : 1- سادات امامی عریضی حسینی 2- سادات موسوی رضا توفیقی کوه گیلویه ای . 3- سادات موسوی درب امامی . صاحب عنوان ظاهراً از شاگردان سید حجة الإسلام بوده از آثارش :

مرقومه ای اسست در پشت نسخه ای از منتخب تحفه الابرار تألیف سید حجة الإسلام در معرفی کتاب که آنرا در هفتم شوال المکرام 1258 مرقوم داشته است

ص: 296

1- امامزاده درب امام منسوبست به جناب ابوالحسن زین العابدین علی بن نظام الدین احمد بن شمس الدین عیسی ملقب و مشهور به رومی ابن جمال الدین محمد بن علی العریضی من الأمام جعفر الصادق علیه السلام ، اولاد و اعقاب این بزرگوار جمعی از بزرگان اصفهان بوده و می باشند و جمعی کثیر از آنان در حوالی مقبره او در محله چملان که اخیراً آنجارا سنبلستان نامیده و سادات چملان سکونت دارند و همین مناسبت به درب امامی شهرت یافته اند، عده زیادی از علماء اصفهان و غیره از سادات عریضی درب امامی از اولاد و اعقاب او می باشند .

نسخه کتاب در کتابخانه فاضل ارجمند جناب حاج سید مرتضی شهشهانی فرزند واعظ متقی مرحوم آقا محمد صدر الذاکرین حسینی شهشهانی بیدآبادی موجود است .

46- حاج سید جواد بن علیرضا بن محمد بن کمال الدین موسوی رضوی قمی

نامش سید محمد تقی لکن به سید جواد شهرت داشته . عالم فاضل زاهد عابد صالح منفی از علماء از گیاه فقیه رجالی .

در قم متولد گردیده و پس از فراغت از تحصیل مقدمات به اصفهان مهاجرت نموده و بدرس سید حجت الاسلام و آقا شیخ محمد تقی رازی حاضر شده و سپس به اعتاب مقدسه هجرت کرده در آنجا بدرس مرحوم آقا شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام و مدتی نیز بدرس شیخ انصاری حاضر شده پس از وصول بمقامات عالیہ علم واجتهاد بقم مراجعت نموده و ریاست علمی و مذهبی قسم در عصر او بلور اختصاص یافته و عمر عزیز را بدرس و بحث واقامه جماعت و امر معروف و نهی از منکر و ترویج احکام و تألیف و تصنیف گذرانید .

در المآثر والاثار (ص 154) درباره او گوید: مجتهدی مسلم و مروجی مبسوط الید بود در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی داشت و در حفظ حدود شرعی هیچ نکته ای فرو نمی گذشت (انتهی) صاحب عنوان در شنبه 4 صفر سال 1303 در قم وفات یافته در مقبره جناب زکریا بن آدم⁽¹⁾ در قبرستان شیخان قم⁽²⁾ در جنب

ص: 297

1- ثقة جلیل القدر زکریا بن آدم از اصحاب حضرت رضا علیه السلام که در باره او فرمودند: المأمون علی الدین والدنیا - اللهم ارزقنی فی الدنیا زیارته و فی الآخرة شفاعته .

2- قم دومین شهر مذهبی ایران و مدفن حضرت فاطمه معصومه علیها سلام دختر حضرت امام موسی کاظم علیه السلام است .

جد و پدرش مدفون گردید . پدرش نیز از علماء بوده و در سال 1228 وفات یافته و اولاد و اعقابش خاندان پیشوائی در قم می باشند .

وی از شیخ محمد بن حاج محمد چکنی گزازی قمیمتوفی بسال 1278 هجری اجازه داشته و تاریخ اجازه سال 1269 می باشد . . .

(ص 245 یکم الذریعه) کتب زیر از تألیفات صاحب عنوانست: 1- الدرّة الباهرة فی احکام العترۃ الطاهرة در دو مجلد 2 - مقالید الاحکام در فروع فقه در شش مجلد . یک مجلد آن بخط مؤلف بزرگوار در کتابخانه آیت الله مرعشی شماره (3915) موجود است (ص 294 دهم فهرست کتابخانه) 2- ینایع الحکم در توحید ، و حدود بیست عدد کتاب و رساله دیگر .

ص 347 بکم نقباء البشر. ص 234 شخصیت شیخ انصاری - ص 98 رجال قم مقدسی زاده - ص 255 و 271 تاریخ قم ناصر الشریعه .

47 - آقا سید حسن بن حاج سید ابراهیم حسینی بید آبادی معروف بمقدس

مرحوم آقا سید ابراهیم از اهالی ساوه بوده و پدرانش از سادات مختاری سبزوار و به ساوه مهاجرت نموده بودند و آقا سید ابراهیم از سیاره به اصفهان آمده و سیدی جلیل زاهد و عابد و مقدس بوده و چون به اصفهان آمد مرحوم سید حجة الاسلام او را با احترام پذیرفته و در جنب منزل خود برای او خانه ای تهیه نموده مشار الیه خواهر آقا میر سید محمله شهبهانی را بزوجیت اختیار نموده و بعد از سال 1200 وفات یافته در قبرستان قبله دعا مدفون گردید و قبرش تا این تاریخ معلوم و معروفست و اهالی محل زیارت او میروند و به او اعتقاد دارند .

فرزندش آقا سید حسن از ائمه جماعت و فضلاء بوده و روزگار بزهده و عبادت

ص: 298

می گذرانیده در نزد سید حجة الاسلام و حاجی سید اسد الله و آقا میر سید محمد شهشهانی فی الجملة تلمذ نموده و زهدش بر علمش افزون بود. در حدود 1240 متولد و پس از 1295 وفات یافته در نزد پدر مدفون گردید. فرزندش آقا سید عبد الحسین از علمای بزرگوار و بزه و قناعت معروف بود قبل از سال 1346 بسن قریب هشتاد سالگی وفات یافته در مقبره سر قبر آقا در محله خابجون همدون و سپس به عتبات نقل گردید .

مرحوم آقا سید عبد الحسین سه فرزند پسر داشت : 1- حاج آقا محمد مقدمی عالم فاضل مجتهد صاحب کتاب الأوائل مطبوع 2- حاج آقا حبیب الله 3- آقا محمد علی رحمة الله علیهم أجمعین . .

48 - حسن بن احمد صفاری

(صفاری) در سال 1244 مجلدات شش گانه مطالع الانوار تألیف سید حجة الاسلام را کتابت نموده است نسخه مجلدات در کتابخانه مسجد جامع بزد موجود است . .

ص 143 بیست و یکم الذریعه

صاحب عنوان احتمالاً از شاگردان سید حجة الاسلام می باشد .

49 - سید محمد حسن مجتهد موسوی

فرزند آقا سید محمد تقی مستجاب الدعوه خواجهی (1) عالم فاضل زاهد متقی

ص: 299

1- خواجه و خاجویکی از محلات قدیمی اصفهان است که قدیم آنجا را باغ کاران می گفته اند و در جنوب شرلی شهر در کنار زاینده رود قرار دارد . نویسنده سطور رساله مختصری در تاریخچه این محله تألیف نموده و پچاپ رسیده است در این جا دیگر نیازی بشرح و توضیح ندارد طالبین بکتاب نامبرده مراجعه نمایند .

از علما، ابرار و فقهاء اخیار جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول، فرزند فاضل جلیل آقا سید محمد سعید بن محمد صادق بن سید ابوالقاسم خواجه‌ی متوفی بسال 1191 مدفون در تخت فولاد در تکیه‌های مخصوص نرسیده به تکیه فاضل سراب . اجداد ایشان از یزد به اصفهان منتقل گردیده و بنی اعمامش در یزد به سادات شاهزاده فاضلی شهرت داشته و دارند .

صاحب عنوان در حدود سال 1207 در اصفهان متولد گردیده و در نزد پدر دانشمند و ادیب خود و جمعی از بزرگان علماء همچون آخوند ملا علی نوری

میرزا ابوطالب صاحب حاشیه بر سیوطی و حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام تحصیل نموده و احتمالاً از محضر آقای سید صدر الدین محمد عاملی نیز کامیاب شده است تا بمقامات عالیه علم و اجتهاد رسیده و از جمعی از فحول مجتهدین به اجازات روایتی و اجتهاد مفتخر گردیده که از آنجمله است: 1- آقاسید رضا بن علامه بحر العلوم (متولد در 1189 متوفی 1254 مؤلف 1- اصول الفقه 2- شرح بر شرح لمعه

3- شرح بر شرایع 4- کشف القناع در اصحاب اجماع و غیره) 2- آقا محمد رضی بطن نویسنده آقا سید رضی لاریجانی مازندرانی از معروفترین شاگردان حاج ملا علی نوری متوفی بسال 1270) 4- آقا سید صدر الدین محمد بن صالح موسوی عاملی اصفهانی (متولد در 1193 او متوفی در 1263 مؤلف کتب عدیده) 4- ملا مهدی بن محمد صادق قمبوائی سمیرمی اصفهانی متوفی شب جمعه سوم رجب 1255 مدفون در تخت فولاد در جنب فاضلان 5- میرزا محمد مهدی نایب الصدر بن محمد کاظم بن علی نقی بن علیرضا بن میرزا محمد باقر پیشنماز مسجد شاه ابن سید علیرضا حسینی عاملی اصفهانی متوفی بسال 1267 مدفون در بقعه تکیه آقا سید رضی الدین محمد موسوی شیرازی اصفهانی در تخت فولاد (معروف به تکیه آقا رضی و متوفی در روز جمعه 5 ربیع الثانی سال 1113).

مرحوم آقا سید محمد حسن را تألیفات زیادی است. از آنجمله : 1- رسالهای در احیای موات 2- رساله جنبیه 3- رساله در جواز تسامح در ادله سنن 4- رساله در رد مظالم 5- سؤال و جواب در ارث 6- شرح تهذیب منطق تفتازانی 7- شرح بر شرح رضی بر شافیه 4- رساله در شرط ضمن العقد 9- رساله در شیربهاء 10- یک دوره کامل فقه در شش مجلد 11- مهجة الفؤاد در شرح بر ارشاد علامه حلی در 14 مجلد و غیره .

مؤلف بزرگوار در جمادی الاولی سال 1263 در اصفهان وفات یافته در جنب پدر و اجداد خود مدفون گردید و اینک قبر او در تکیه ای بنام (تکیه مهدوی) در جنب تکیه خاتون آبادی در تخت فولاد قرار دارد .

فرزندش مرحوم حاج سید مهدی نحوی و مرحوم آقا سید شهاب الدین و محمد تقی پدر نویسنده کتاب می باشد . رحمة الله علیهم أجمعین .

50- آقا میر سید حسن مدرس مهر محمد صادقی

فرزند سید علی بن محمد باقر بن مهر محمد اسماعیل واعظ بن ابوصالح بن عبد الرزاق بن محمد بن ابوالمعالی بن شمس الدین محمد بن عبدالرضا بن ابوالفتح محمد بن مهدی بن تاج الدین علی بن شمس الدین علی الاکبر بن ناصر الدین احمد بن شرف الدین محمد بن شمس الدین ابوالقاسم علی بن عمید الدین عبدالمطلب بن جلال الدین بن ابراهیم بن حمید الدین عبدالمطلب اول ابن شمس الدین علی بن تاج الدین حسن بن شمس الدین علی عمیدالدین ابی جعفر بن عزالدین ابی نزار عدنان بن عبیدالله ابن ابی علی عمر المختار بن مسلم الاحول ابن ابی علی محمد بن محمد الاشر بن عبید الله بن علی بن عبید الله الثانی بن علی الصالح بن عبید الله الأعرج بن الحسين الاصغر بن الامام علی بن الحسين

عالم فاضل فقیه مجتهد جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول عابد زاهد معروف به مدرس در سال 1210 در اصفهان متولد و در اصفهان و کربلا و نجف نزد عده زیادی از بزرگان مجتهدین تلمذ نموده و از چند نفر اجازه روایت داشته است.

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار (ص 476 دوم) ویرا عنوان فرموده و شرح حال نسبتاً جامع و مبسوطی از وی نوشته لکن بشاگردی او نزد سید حجة الاسلام و با اجازه داشتن از ایشان کوچکترین اشارتی ننموده لکن در معارف الرجال (ص 197 دوم) ویرا در عداد شاگردان و مجازین از سید حجة الاسلام می‌شمارد و یظن نویسنده مقتضای زمان نیز چنین بوده .

محدث قمی در فوائد الرضویه (ص 110 یکم) ویرا دو بار عنوان نموده است شرح حال او در عموم کتب تراجم رجال مذکور همگان به عظمت و بزرگی و فقاها و حسن سلیقه و حسن بیان او اشاره نموده اند . تألیفات عدیده دارد که از آنجمله است : 1 - الاجازات 2 - اجوبة المسائل 3- اصالة البراءة 4 - اصالة الصفحة 5 - جوامع الأصول 6. رساله در شک در مکلف به 7- رساله در عبادات بفارسی 8- رساله در عدالت 9 - رساله عملیه 10 - رساله در فقه استدلالی 11 - رساله در قاعده لاضرر 12 - مناسک حج و غیره.

صاحب عنوان سرانجام در روز 3 جمادی الثانیه سال 1273 در اصفهان وفات یافته در مقبره مخصوصی جنب مسجدی که خود بنا نموده و بنام مسجد رحیم خان شهرت دارد مدفون گردید و جمعی از اولاد و اعقابش در همان بقعه دفن شده‌اند .

رفع اشتباه : در تکمله نجوم السماء (ص 465 یکم) ویرا بنام میرزا حسن بیدآبادی عنوان نموده و گوید جناب سید باقر رشتی و میرزا محمد حسن شیرازی تزیل سامراء از شاگردان ایشانند .

اشتباه در سید باقر رشتی (مراد سید محمد باقر حجة الاسلام رشتی است) ظاهر و شاگردی میرزای شیرازی معروفست ، زیرا سید حجة الاسلام استاد اوست نه شاگرد .

51- سید حسن بن علی بن رضی ابن عبد الغنی حسینی کاشانی معروف به امامت .

دانشمند محترم آقای سید عزیز الله امامت فرزند میر سید فخرالدین امامت از علمای معاصر در رساله : « تبصرة المعاريف » در شرح حال صاحب عنوان (ص 24) می نویسد :

از مجتهدین میرز کاشان و مجاز از طرف جمعی از مراجع تقلید عصر شان و از تلامذه مرحوم سید المعروف الملقب بحجة الاسلام آقای حاج سید محمد باقر رشتی که در اصفهان بوده و مدتی نزد ایشان بفنون علوم استفاده فرموده و هم در خدمت جمعی دیگر از علمای بزرگی که ذکرش موجب تطویل (ای کاش اسامی تمام اساتید و برا می نوشتند) .

کتب زیر را از تألیفات صاحب عنوان در رساله نامبرده ذکر نموده اند : 1- احقاق الحق فی الظن المطلق 2- السمحة السهلة فی الفقه .

مؤلف رساله نامبرده فاضل گرامی سید عزیز الله بن فخر الدین بن مهدی بن سید علی بن رضی بن عبد الغنی حسینی کاشانی از احفاد برادر بزرگوار صاحب عنوانست .

52 - سید حسن بن سید هاشم موسوی اصفهانی

فرزند سید میرزا بن محمد بن حسن بن نصر الله بن حسن بن حسین بن عیسی بن خمیس بن هاشم بن احمد بن ناصر بن سلیمان بن موسی بن رضا (صالح) بن علی

ص: 303

بن محمد بن کمال الدین بن محمد بن علی بن محمد بن حسین بن طاهر بن ابراهیم بن علی بن عیسی بن حسن بن الإمام موسی الکاظم علیه السلام.

عالم فاضل منفی در حدود سال 1200 متولد گردیده و در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان از آن جمله مرحوم سید حجة الاسلام شفتی و حاجی کلباسی و شاید حاج ملا علی نوری تلمذ نموده و در ضمن تحصیل به شغل زنجیره بافی نیز اشتغال داشته و از امتیازات او عمامه سبز بوده که تا این اواخر در بین احقاش متداول بود سرانجام در حدود سال 1270 بانندکی بیشتر در اصفهان وفات یافته در قبرستان آب بخشان مدفون گردید .

فرزندش آقا سید محمد و نواده اش مرحوم حاج سید علی زنجیره فروشی از اساتید فن قراءت و تجوید در اصفهان بشمار میرفت در حدود سال 1275 متولد و در سال 1351 در اصفهان وفات یافته در تکیه آقا شیخ مرتضی ریزی مدفون گردیده و سپس به اعتبار مقدسه عراق منتقل گردید .

فرزند ایشان مرحوم حاج سید مرتضی ظهیرالواعظین (ظهیر الاسلام) واعظ فاضل و ادیب کامل از وعاظ و گویندگان مشهور و طراز اول اصفهان بشمار میرفت .

53- ملا حسین اردستانی

در تکمله نجوم السماء (ص 464 یکم) گوید : ساکن همدان از تلامذه سید باقر رشتی در فقه و کلام سرآمد اسلام بود صحبت منبرش بی نظیر بود در مسائل فقه استحضاری تام میداشت که حاجت بتأمل در جواب استفتاء نداشت. کتابی مبسوط در اصول دین نوشته، بغایت جری القلب و شجاع بود با آنکه خانه اش را آتش زدند لکن هیچگونه مغموم نشد و همان روز قریب همدان درد می رفته بوعظ مشغول شد.

ص: 304

54- شیخ محمد حسین طهرانی کربلائی .

عالم فاضل مؤلف کتاب : نماز برهنه وان رسالهای فارسی است در نماز مطابق فتاوی مرحوم سید حجة الاسلام شنتی اصفهانی که صاحب عنوان آنها را جمع آوری نموده است.

نسخه ای از این کتاب بخط: حسین بن عزیز اله اصفهانی مورخ بسال 1246 در سامراه در کتابخانه علامه محقق مرحوم آقامیرزا محمد طهرانی بنظر مؤلف الذریه رسیده است (ص 311 جلد 24 کتاب الذریعه).

ظاهراً صاحب عنوان از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام بوده است. ممکن است که صاحب عنوان مرحوم آقا شیخ محمد حسین صاحب فصول

باشد. باید تحقیق شود.

55- محمد حسین کاشی اصفهانی: وی ظاهراً از شاگردان سید حجة الاسلام شفتی بوده است .

در پشت نسخه ای از کتاب : « الزهرة البارقه » تألیف مرحوم حجة الاسلام شفتی نوشته است که :

صاحب عنوان مالک نسخه کتاب بوده و آنرا گم کرده است شیخ علی برغانی آنرا از زنی در بازار اصفهان خریده است مرحوم شیخ محمد حسین کاشانی توسط حجة الاسلام از موضوع آگهی یافته و کتابرا از مرحوم آقا شیخ علی بساز خریده است .

کتاب نامبرده بشماره (4719) در کتابخانه (مجلس شورای اسلامی ایران موجود است (ص 1697 مجلد چهارم از دهم فهرست کتابخانه مجلس).

ص: 305

56- میر حسین طباطبائی کچویهای اردستانی

از فضلاء و ساکن قصبه کچویه به بلوک سفلی اردستان (1) بوده در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان تحصیل نموده و معاصر باسید حجة الاسلام شفتی و احتمالاً شاگرد ایشان بوده است.

مشار الیه دارای فرزند پسری بنام سید میرزا علی اصغر بوده که وی سر سلسله سادات طباطبائی سید علی اصغری می باشد .

در کتاب : آتشکده اردستان (ص 75 یکم) نامی از صاحب عنوان برده شده کن به شاگردی او نزد حجة الاسلام اشاره ای نشده است .

57- شیخ محمد حسین بن ابراهیم فارسی شیرازی

از شیراز جهت تحصیل به اصفهان مهاجرت نموده و مدت دو سال در خدمت مرحوم سید حجة الاسلام بکسب علوم پرداخته است سپس در خدمت مرحوم حاج سید اسد الله فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر به اعتاب مقدسه کربلا و نجف اشرف مشرف گردیده و مدت پنج سال در خدمت علماء بزرگوار آنجا به تکمیل علوم خود پرداخته سپس به اصفهان مراجعت نموده و در سال 1253 به اجازه اجتهادی از استاد خود سید حجة الاسلام مفتخر شده است. . . مشار الیه عالمی بزرگوار وادیب و شاعر بوده و بفارسی و عربی شعر میسروده

ص: 306

1- کچویه از قرای اردستان است و آن غیر از کچویه از بلوک دید غمش لنجان سلبا می باشد. در کتاب : آتشکده اردستان راجع به تاریخ و جغرافیای کچوپه اردستان مطالبی نوشته قلم طالبین مراجعه نمایند .

در اوائل متمایل به علوم غریبه و کیمیا بوده سپس متوجه فقه و اصول شده و در آن مهارت و استادی یافت، کتب زیر از تالیفات اوست : 1 - اللؤلؤ المنتشر منظومه تهیه در سال 1252 سروده است 2 - رساله در مسأله بیمه و آنرا به چهارصد و هشتاد صورت گوناگون تصور نموده است

(ص 191 تراجم الرجال)

58- شیخ محمد حسین بن حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی

عالم فاضل پدرش از خواص و نزدیکان سید حجة الاسلام بوده و شرح حالش مجملاً مذکور شد.

صاحب عنوان در اصفهان نزد طهای این شهر تلمذ نموده و پس از وفات پدر در مسجد آقا نور واقع در محله در دشت امامت مینموده است.

از آثارش نسخه ای از شرح حدیث غمامه تألیف قاضی سعید قمی (محمد بن محمد مفید قمی است) تعلیقات پدر خود را بر این رساله با نشانه (من الوالد سلمه الله) نقل نموده تاریخ کتابت نسخه 1263 می باشد (ص 476 - الکرام البرره) در کتاب نامبرده و کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص 44) و دیگر مواضع اشاره ای بشاگردی صاحب عنوان در نزد سید حجة الاسلام نشده است لکن متون بلکه قطوع با توجه به ارتباط و خصوصیات پدر با مرحوم حجة الاسلام آنست که وی در نزد ایشان تلمذ نموده است .

مرحوم آقا محمد ابراهیم قزوینی داماد مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی ظاهراً فرزند همین آقا شیخ محمد حسین می باشد .

59- سید محمد حسین بن سید محمد تقی مستجاب الدعوه موسوی خواجهائی اصفهان عالم فاضل

در حدود سال 1210 در اصفهان

ص: 307

متولد گردیده و مقدمات علوم رانزد پدر دانشمند خود و جمعی از احوال فراگرفته سپس در محضر حاجی کلباسی رسید حجة الاسلام و آقامحمد تقی رازی حاضر گردیده و بقدر وسع و طاقت خود از خرمن فضائل آنان خوشهها چیده امید ترفات دربار او میرفته لکن در جوانی بسال 1260 در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد جنب پدر مدفون گردید .

فرزند مرحوم حاج سید عبدالحمید از فضلاء اصفهان در 1250 متولد و در 6 رمضان المبارک 1316 وفات یافته در جنب پدر وجد خویش مدفون گردید . ویرا حواشی مختصری است بر نسخه ای از سیوطی که آنرا بخط خود نوشته است صاحب عنوان عموی پدر نویسنده است رحمة الله علیه)

60- حاج میرزا محمد حسین بن حاج میرزا محمد رحیم دوم

فرزند محمد رفیع بن محمد رحیم اول بن سید مرتضی بن میر محمد اشرف بن سید عبدالحسیب محمد بن میر سید احمد عاملی (بقیه نسب نامه او در میرسید احمد میردامادی نوشته شد).

عالم فاضل جلیل ورع متقی از سلسله جلیله میردامادی ساکن سده بلوک مارپین اصفهان در اصفهان خدمت حاجی کلاسی و سید حجة الاسلام شفتی تلمذ نموده و پس از نیل بمقامات عالیه علم بموطن خویش مراجعت نموده و به نشر احکام و اقامه جماعت و رسیدگی به امور مردم و فصل خصومات پرداخته در نزد عموم طبقات مردم در اصفهان و مارپین خصوصاً نزد علماء و مجتهدین مورد احترام و وثوق بوده و در سده وفات الله هم انجام مدفون گردید (ص 24 مقدمه لطائف غیبیه و اطلاعات متفرقه خارجی).

61- حاج میرزا محمد حسین بن حاج میرزا محمد رحیم میر دامادی سدهی

در مقدمه لطائف غیبیة (ص 24) در باره مشار الیه می نویسد:

از علمای بزرگ و با نفوذ و با تقوی و مقتدر و شجاع و از شاگردان مرحوم حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام رشتی بوده است صداقت و صمیمیت بین او و مرحوم حاج سید اسدالله شفتی وجود داشته و یک عمر با تقوی اور عزندگی کرده است (انتهی)

سال وفات او بدست نیامد.

62- سید حسین بن محمد صادق حسینی امامی عریضی اصفهانی

(1):

عالم فاضل از شاگردان سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی و آقا سید محمد مجاهد در اصفهان بوده ، در اصفهان متولد و هم در این شهر به تحصیلات خود

ص: 309

1- سادات عریضی منسوبند به جناب ابو الحسن علی بن الامام جعفر الصادق علیه السلام از بزرگان امام زادگان عالم فاضل محدث ثقه جلیل در موقع رحلت حضرت صادق علیه السلام کودک بود از برادرش حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و حضرت رضا و حضرت جواد علیهم السلام روایت می کند و در عمدة الطالب است که درک محشر حضرت هادی علیه السلام دا نیز نموده و در زمان آن بزرگوار رحلت کرده است و در محل قبرش اختلاف است : 1- برخی گویند در قریه عریض (بضم اول وفتح ثانی) که ملک آنجناب بوده می باشد و هنوز آثار قبرظاهر است 2- در قم صحن و بشه و بارگاه دارد 3- در خارج شهرسمنان دارای قبر و محن و بارگاه می باشد و مرحوم ثقه الاسلام نوری در خاتمه مستدرک میفرماید قبر شریفش همانست که در قریه عریض یک فرسخی مدینه است ،

ادامه داده و سرانجام در همین شہر وفات یافته . تاریخ تولد و وفاتش بدست نیامد از آثار او نسخہای از کتاب : ذخیرۃ المعاد تألیف مولی محمد باقر سبزواری اصفہانی است کہ آنرا در سال 1230 بخط نسخ از روی نسخہ ای کہ از روی نسخہ اصل بخط مؤلف بودہ استنساخ نمودہ است ، این کتابرا برای سید حجۃ الاسلام مفتی کنایت نمودہ و در آنجا گوید :

قد نقلت هذا الكتاب من خط ناقل خط المؤلف وقد كتبت لمولانا واستادانا وسيدنا وسندنا سيد محمد باقر دام ظلہ . نسخہ بشماره (92) در 408 برگي از زکوٰۃ تاحج در کتابخانہ مدرسہ فیضیہ قم موجود است (111 یکم فهرست نسخہ های خطی کتابخانہ مدرسہ فیضیہ قم تألیف علامہ محقق متشیح حاج شیخ رضا استادی تهرانی از مدرسین حوزہ علمیہ قم و مؤلف کتب کثیرہ حفظہ اللہ تبارک و تعالی).

63 - حسین بن عزیز اللہ اصفہانی

در شرح حال شیخ محمد حسین طهرانی کربلائی نوشتیم کہ :

حسین بن عزیز اللہ اصفہانی در سال 1246 نسخہ ای از کتاب : نماز برہنہ تألیف مشار الیہ را کتابت نمودہ است.

احتمال می‌رود کہ کاتب نسخہ همچون مؤلف از شاگردان سید حجۃ الاسلام بودہ باشد.

64 - میر محمد حسین بن میر سید علی حسینی میر محمد صادقی

برادر آقا میر سید حسن مدرس سابق الذکر . از علماء اخیار و فضلاء و ائمہ جماعت و محل وثوق و اعتماد عموم طبقات

ص: 310

بوده. در اصفهان نزد جمعی از بزرگان علم و دانش همچون حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام تلمذ نموده سرانجام در روز دوشنبه 22 ذی الحجه سال 1288 وفات یافته در تخت فولاد پائین سکوی قبر فاضل هندی مدفون گردید ..

دانشمندان اصفهان ص 291 واطلاعات متفرقه

65 - حسین بن علی لنجانی اصفهانی

(1)..

در کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی در قم مجموعه رجالی مرحوم سید حجة الاسلام شفتی شامل 19 رساله در 126 برگ بخط نسخ صاحب عنوان موجود است که تاریخ آن یازدهم محرم 1252 می باشد.

ممکن است مشار الیه نیز از شاگردان و حاضرین مجلس درس مرحوم حجة الاسلام بوده باشد.

66 - مولی محمد حسین بن علی اکبر خوانساری اصفهانی

عالم فاضل زاهد عابد، از اجله فضلاء و اتقیاء بوده در اصفهان خدمت پدر خود و مرحوم سید حجة الاسلام شفتی تلمذ نموده و در کربلا سالها بدرس شریف العلماء مازندرانی حاضر گردیده تا بمقامات عالیه علم و اجتهاد نائل شده و باصفهان مراجعت نموده مورد توجه مخصوص سید حجة الاسلام واقع گردیده و پس از وفات ایشان از مخصوصین سید حجة الاسلام ثانی حاج سید اسد الله بید آبادی واقع شده و مورد وثوق و اطمینان ایشان و مورد توجه عموم طبقات خواص و عوام

ص: 311

1- لنجان برون فنجان از بلوک غربی اصفهانست و بدوقسمت علیا و سفلی تقسیم گردیده و هر یک دارای قری و مزارع بسیار است

واقع گردیده پس از وفات پدرش در مسجد میرزا باقر در محله بیدآباد امامت مینموده سر انجام در 14 جمادی الثانیه سال 1302 در اصفهان وفات یافته در مقبره کوچک مسجد سید مدفون گردید . مشار الیه دارای سه فرزند پسر بنامهای 1- حاج آقا جلال الدین 2 - آقا شهاب الدین 3- آقا کمال الدین بود. مرحوم حاج آقا جلال الدین پدر عالم فاضل مرحوم حاج آقا جمال الدین خونساری بود که با فوت ایشان متأسفانه علم و روحانیت از این سلسله منقضی شد کتب زیر از صاحب عنوانست : 1- حکم الغسالة بعد الانفصال فقه عربی رساله مختصری است در چهاربرگ که مؤلف آنرا بدستور پدر خود تألیف نموده است 2- دروس الاصول تاریخ فراغت از تألیف جلد یکم 16 ذی الحجه 1248 در اصفهان (ص 144 هشتم الذریعه) 3- المرشد فی شرح التبصره فقه عربی شرح استدلالی متوسطی است بر کتاب تبصره علامه حلی تاریخ طهارت و صلوة 1259 تاریخ زکوة 1260 - رساله اول و سوم ضمن مجموعه شماره 122 کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم بخط مؤلف موجود است و قبل از کتاب اجازه اجتهاد برای مؤلف از شیخ علی بتاریخ دوم ربیع الاول 1260 و اجازه اجتهاد دیگری از سید حسن بن محمد صادق موسوی جرفادقانی بتاریخ 1264 و روی برگ اول رساله حکم الغسالة اجازه اجتهادی است که سید حسن بن علی بن محمد باقر بمشار الیه داده است بتاریخ 1264 نویسنده فهرست احتمال داده اند که سید حسن نامبرده نوه حجة الاسلام شفنی باشد (لکن یقیناً ابن سید حسن مرحوم آقا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی حسینی می باشد . مهدوی) در صفحه آخر مهر بیضوی { بلغ العلی بکماله } ، نیز دیده میشود.

نویسنده گوید : مهر مزبور نیز از مرحوم آقا کمال الدین خونساری فرزند ولی محمد حسین نامبرده می باشد .

ص 116 جلد اول فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی

ص: 312

معروف به ملا میرزا جان رشتی . در تاریخ شبه یکشنبه 16 جمادی الثانیه سال 1245 بر روی برگ آخر کتاب : شرح لمعه مطالبی از کتاب تحفة الابرار مرحوم سید حجة الاسلام راجع به دندانها نقل می کند .

نسخه کتاب شرح لمعه در کتابخانه رضویه قم موجود است (ص 17 فهرست کتابخانه رضویه قم).

ظاهراً مشارالیه نیز از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام بوده است .

و او غیر از ملا آقا جان شمس گیلانی واعظ ادیب شاعر (1354 - 1254) می باشد .

68- ملا حمزه بیرجندی

(1) در بهارستان آیتی (ص 277) در باره او گوید :

ص: 313

1- آیتی در بهارستان (ص 10) به خلاصه می نویسد : بیرجند از اقلیم چهارم است زمینش خشک و هوایش معتدل و هفده هزار نفوس دارد و دار الملک خله قائنات است آبش در قدیم از قنات بوده و اکنون لوله کشی شده است شیروانی در بستان السیاحه (ص 133) می نویسد : بیرجند قصبه ای است شهر ماند از توابع دهستان ... نمد بیرجندی معروفست (و آنجا را بر جند می نویسند). ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیایی: 59/15/00 عرض: 32/52/20 انحراف قبله: 61/08/11 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا 1480 متر. نویسنده فاضل آقای محمد علی منصف در مقدمه کتاب : امیر شوکت الملک علم امیرقائن شرح بسیار مختصری از تاریخ و جغرافیای بیرجند مرقوم داشته طالبین بدانجا مراجعه کنند.

سر آمد افاضل متبحرین و اعظام متأخرین است در علم رجال و درایت الحدیث از علمای بلند منزلت گوی سبقت ربوده و در مباحث فقه و اصول بر قهء عالی مرتبت بلندی جسته گویا تلمذش در اصفهان بر حجة الاسلام سید محمد باقر رشتی و دیگر علماء آن شهر بوده .

از بعضی فضلاء مسموع شد که حجیت مظنه واستصحاب را پیش از آنکه شیخ انصاری علیه الرحمه بنویسند جزواتی از آخوند ملاحمزه در دست بوده که حاوی اکثر مطالب شیخ بود . وبالجمله در اواخر حال خاطرش از امرای قاین رنجیده و بشهر طبس مهاجرت کرده و در آنجا متوفی شده .

69 - مولی حمزة بن اسدالله جازاری فرزند عبدالله بن علی محمد شریف علوی قاینی اصفهانی .

در بهارستان (ص 302) درباره او گوید : از اعمام کرام مؤلف است اول بعنوان تحصیل باصفهان رفته و چندی به مجلس درس حجة الاسلام رشتی و حاجی کرباسی حاضر می شده اخیراً در همانجا متوطن و متأهل گردیده و نوبتی سید مرحوم او را بواسطه طلاق لسان و فصاحت بیان انتخاب و بر سالتی و اصلاح امری برشت فرستاده و باز باصفهان عودت کرده . خلاصه آنکه علاوه بر مقام علم و فضل ناطقی فصیح البیان بوده و واعظی رطب اللسان واز آقا محمد مهدی ولد حاجی کرباسی اجازه در فقه و حدیث دارد و در مراجعت از قاین باصفهان در بلده شاهرود متوفی گردیده .

نویسنده گوید: صاحب عنوان عموی پدر حاج شیخ محمد حسین آیتی مؤلف کتاب بهارستان می باشد .

صاحب عنوان رافرنندی فضل بنام اسدالله (443 بکم الکرام البرره) بوده.

در الکرام البرره در صفحات (129 و 443) نام جدش را محمد ذکر می کند اما در بهارستان حمزة بن اسدالله بن علی محمد شریف می نویسد.

ص 306 بزرگان و دانشمندان اصفهان

70- آخوند ملا رجبعلی بن محمد

آثار ملکیت او در سال 1258 در پشت نسخه ای از منتخب تحفة الابرار سید حجة الاسلام مشهود است ، سجع مهر : عبده رجبعلی بن محمد 01244

ظاهراً مشارالیه از شاگردان سید حجة الاسلام شفتی بوده است.

نسخه منتخب تحفة الابرار در کتابخانه فاضل محترم آقای حاج سید مرتضی شهشهانی به شماره ترتیب 36 موجود است.

71 - سید محمد رضا موسوی شیرازی

(1) فرزند سید اسماعیل بن ابراهیم بن صالح بن ابو علی محمد بن علی مردان

ص: 315

1- رکن زاده آدمیت در کتاب دانشمندان و سخنسرایان فارسی (ص 4 یکم) می نویسد شیراز یکی از شهرستانهای هشتگانه استان هفتم کشور است، آب و هوایش بطور کلی معتدل و درجه حرارت نسبت به پستی و بلندی زمین متغیر است، زبان مردم شهر فارسی و مذهبشان شیعه دوازده امامی ، در سال 74 هجری محمد بن یوسف ثقفی آنجا را بنا کرده است . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 52/32/00 عرض: 29/36/00 انحراف قبله: 57/22/51 ارتفاع از سطح دریا 1540 متر. تعداد نفوس (شهر فقط) 170/000 نفر

بن ابوالقاسم محمد تقی بن مقبول الدین حسین بن ابو علی حسن بن محمد بن فتح الله بن اسحق بن هاشم بن محمد بن ابراهیم بن ابوالفتیان بن عبدالله بن الحسن برکة بن ابوالطیب احمد بن ابو علی الحسن بن ابوالحسن محمد الحائری بن ابراهیم المجاب بن محمد العابد بن الامام موسی الكاظم علیه السلام .

عالم فاضل محقق در 1223 در شیراز متولد گردیده و پس از تحصیل مقدمات به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر در نزد شیخ محمد تقی رازی و حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام تلمذ نموده (چنانکه خود در مقدمه انوار الرضویه می نویسد).

سپس بطهران منتقل گردیده به ترویج و تبلیغ احکام شرعیه پرداخته سرانجام در سال 1308 در آنجا وفات یافته است.

کتب زیر از تألیفات اوست : 1 - الانوار الرضویه معروف به شرح رضوی در شرح کتاب مختصر نافع بچاپ رسیده و نسخه آن نزد نگارنده موجود است

2- جامع الدعوات المنجی من الهلکات 3 - درر اللالی در اصول فقه 4 - رساله ای در نماز شب ه - مدائن العلوم 6- وجیزه الرجال خلاصة علامه را مختصر نموده است (مکارم الاثار ص 772 سوم) در نقباء البشر (ص 738 دوم) کتب زیر را نیز از تألیفات او ذکر می کنند 7 - رساله در اصول فقه 8- صباح الرضوی -المقابله.

اولاد و اعقاب او و برادرانش در طهران و شیراز و دیگر شهرها ساکن وعده ای از آنها اهل علم و فضل و جمعی از آنان اهل منبر و موعظه و ارشادند . وفقهم الله تبارک و تعالی فیما یحب و یرضی .

ص: 316

تکمله نجوم السماء (ص 199 یکم) گوید :

ماکن طبس تحصیل علوم و فنون در اصفهان خدمت آقا سید محمدبار رشتی طلاب ثراه و هم از دیگران نموده در حدود ثمانین بعد المأتین والالف بعالم بقاء

ارتحال تیرد .

صاحب عنوان ظاهراً از طبس خراسان بوده است (1).

73 - حاج میرزا محمد رضا کلباسی (کرباسی)

فرزند علامه فقیه زاهد حاج محمد ابراهیم علیه الرحمه از علماء متنفذ و رؤساء اصفهان بوده در این شهر خدمت پدر بزرگوار و سید حجة الاسلام و جمعی دیگر از دانشمندان تحصیل نموده در شب 14 رمضان المبارک سال 1219 متولد و شب 14 شعبان المعظم 1284 در اصفهان وفات یافته در مقبره پدر بزرگوار مدفون گردید .

رجال اصفهان ص 162 - شرح حال حاجی کلباسی ص 23 واطلاعات متفرقه .

ص: 317

1- در خراسان در ناحیه بنام طبس معروفست. یکی از قرای سبزوار . شهری از شهرهای خراسان (ص 66 تاریخ علمای خراسان .)
ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 60/13/40 عرض جغرافیائی: 32/48/00 انحراف قبله: 62/58/02 جنوب غربی

فائده: در کتاب: آثار ملی اصفهان (ص 489) در ضمن موقوفات مدرسه کاسه گران می نویسد:

26- مزرعه تقی آباد کرون اصفهان خریداری از میرزا محمد رضا کلباسی و میرزا محمد تقی (انتهی).

تاریخ وقفنامه شوال 1104 هجری می باشد و معلوم می شود که در این قرن - یعنی اوایل قرن دوازدهم - خاندانی در اصفهان بشهرت {کلباسی} می زیسته اند موضوع قابل دقت و بررسی است.

74 - محمد رضا بن محمد رفیع

در روز جمعه 10 رجب 1239 کنایت نسخه ای از کتاب: الحلیة اللامعه در شرح سیوطی تألیف سید حجة الاسلام را در اصفهان پیاپی رسانیده است.

نسخه کتاب در کتابخانه مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی موجود بود به کتابخانه حاج سید محمد علی روضاتی منتقل گردید. احتمالاً مشار الیه از شاگردان سید حجة الاسلام می باشد.

ص 83 هفتم الذریعه

75 - شیخ محمد رضا لاهیجی فرزند مرتضی عالم فاضل فقیه .

مشارالیه نسخه ای از مجلد چهارم مطالع الانوار تألیف مرحوم سید حجة الاسلام را مسالک بوده و حواشی مختصری که نمودار علم و فقاقت اوست در کناره های کتاب نوشته است . وی از علماء قرن سیزدهم هجری است .

می 200 تراجم الرجال

ص: 318

احتمالاً وی نیز از شاگردان و حاضرین جلسه درس مرحوم سید حجة الاسلام بوده است.

76 - حاج سید رضا بن نصرالله بن میر محمد رضا حسینی

عالم فاضل . در رامسر (قدیم آنجا را سخت سر می گفتند) (1) متولد گردیده و پس از آموختن مقدمات علوم از ادبیات عرب و منطق به اصفهان مهاجرت نموده و بعداً بکاشان رفته مدتی نزد علامه جلیل حاج مولی احمد کاشانی (نراقی) مشغول شده سپس مجدداً به اصفهان مهاجرت نموده و در نزد سید حجة الاسلام رشتی به ادامه تحصیل پرداخت تا بمقام اجتهاد رسید سپس بموطن خویش مراجعت نمود و بوظائف روحانیت از تدریس و اقامه جماعت و حل و فصل امور پرداخت در حدود سال 1250 بمکه معظمه مشرف گردیده در مراجعت در طهران مریض شده و همانجا وفات یافت.

ص 11 بزرگان رامسر

ص: 319

1- رامسر یا سخت سر از محال ثلثه تنکابن بشمار میرود، حدود آن از شمال دریای خزر و از سمت مشرق رودخانه نسا رود و جنوب کوههای جو رویه و از طرف مغرب به رودخانه میانده محدود می شود. فائده: نسبت سادات بهشتی اصفهان که عموماً از اهل علم و فضل بوده و می باشند به میر عبدالباقی بن میر محمد رضا حسینی منتهی میشود بشرحیکه ادیب شاعر فاضل مرحوم آقای آقاه بهشتی واعظ (1403 - 1322) در کتاب تحفه الاحباب که در شرح احوال مشاهیر سلسله جلیله سادات بهشتی مرقوم فرموده و در سال 1385 بچاپ رسانیده ذکر می نماید . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 50/39/45 عرض: 36/54/15 ارتفاع از سطح دریا 21- (منهای بیست یک)

77 - حاج میرزا رفیعا فرزند میر سیر محمد طباطبائی

فرزند میر محمد حسین اول فرزند رفیع الدین محمد بن محمد مهدی بن ابوالحسن محمد بن رفیع الدین محمد معروف به میرزا رفیعا نائینی اصفهانی اردستانی .

از علماء اصفهان بوده و نزد بزرگان اهل علم تلمذ نموده مدتی بهندوستان مهاجرت نموده و در آنجا زنی از امرای سند اختیار نموده و از آن مخدره اولادی نداشته نکن از عیال دیگرش شش فرزند پسر یافته که دو نفر از آنان از اطباء زمان و بدین علم شهرت داشته اند (ص 188 یکم آتشکده اردستان).

مشار الیه مورد توجه و عنایت سید حجة الاسلام بوده و پس از معاودت از سفر هند از طرف ایشان متصدی موقوفات میر جمله اردستانی گردیده و بدین مناسبت از اصفهان به زواره مهاجرت نموده و آنجا سکونت فرموده است (ص 291 دوم آتشکده اردستان).
بظن قوی مشارالیه از شاگردان سید حجة الاسلام بوده است .

78 - مولی محمد رفیع بن علی رشتی

(1)

معروف به شریعتمدار از بزرگان علماء و مجتهدین ورؤساء مذهب و دین در

ص: 320

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 192) به خلاصه می نویسد: لفظ رشت و لغت فرس خاک روب را گویند و در غرب نام شهر است بزرگ و بندریست سترک آن شهردار الملک گیلان و سواد اعظم آن مکانست ... در میان جنگل عظیم و یک فرسخی بحیره و چهار فرسخی بحر خزر واقع است و اطرافش نیز جنگل پر درخت و تردد و آمد شد مسافران بسیار سخت است ... هوایش گرم در موسم تا بستان عفن و در زمستان از کثرت باران کوچه بازارش چرکن .. حاصلش برنج فراوان و تازو ابریشم بسیار و بامتیاز است ...

سال 1211 مطابق کلمه تاریخ یاخیرات در رشت متولد گردیده در خدمت شریف العلماء مازندرانی رسید حجة الاسلام شفتی و جمعی دیگر از بزرگان علماء تلمذ نموده تا در فقه و اصول و رجال بدرجه اعلاى اجتهاد و تحقیق رسید مدت تقریباً چهل سال در موطن خود ساکن و به نشر و ترویج دین و ریاست و تدریس و تالیف و تصنیف گذرانیده تا در سال 1292 وفات یافت . ویرا در فقه و اصول و رجال تألیفاتی بوده است.

مرحوم شریعتمدار رشتی دو اجازه از سید حجة الاسلام داشته یکی عربی و بزرگ و دیگری فارسی و مختصر بتاریخ 1258 و مرحوم آقا شیخ عبدالحسین طهرانی از وی روایت احادیث مینماید (ص 508 دوم الکرام البرره)

در المآثر والاثمار (ص 151) گوید: بثروت و مکنت وی در مملکت گیلان کمتر کسی میرسید، بعضی از آثار بیادگار گذاشته از قبیل 1 - پل سیاه رود 2 - راه جهنم دره 3 - پل منجیل .

در احسن الودیعه (ص 70 بکم) و برا عنوان نموده و از قول نواده او آقا محمد رفیع که در سال 1347 در مسافرت عتبات جهت مؤلف احسن الودیعه فرموده: نام پدرش را حاج ملا خلیل نوشته و گوید نسب شریف او به جناب عمار یاسر می پیوندد، واز تألیفات او شرح تبصره علامه حلی را ذکر نموده و مدفن او را در نجف اشرف می نویسد .

خاندان شریعتمدار رشتی از خاندانهای علمی و علم و ریاست تا این زمان در آن خانواده برقرار است.

79 - میرزا زین العابدین موسوی فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی بیدآبادی

ص: 321

در المآثر والاثار (ص 164) گوید: از علمای معتبر اصفهان بود.

در تذکرة القبور (ص 146 رجال اصفهان) محل قبر اوراجلو قبر سید در داخل بقعه مرحوم حجة الإسلام می نویسد.

در دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص 196) والکرام البرره (ص 589 دوم) ویرا بعنوان اهل علم وفضل و کمال و شهرت و مقبولیت عامه و اعتبار ستوده اند. راجع به فرزندانش در فصل خاندان مرحوم حجة الاسلام بحث خواهیم کرد.

مشار الیه در اصفهان نزد پدر و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل نموده و قبل از سال 1290 که وفات علامه مرحوم حاج سید اسدالله می باشد وفات یافته است. رحمة الله علیه.

در قضایای شورش مردم اصفهان علیه حاکم جابر و ظالم خسروخان گرجی در سال 1265 فرد مؤثر بود و از دولت و دولتیان رنج بسیار کشیده شرح مختصر آن در ضمن شرح حال مرحوم حاج سید اسدالله بیان خواهد شد.

80 - حاج میرزا زین العابدین بن سید ابو القاسم جعفر ثانی موسوی خونساری اصفهانی علیه الرحمه .

عالم فاضل محقق زاهد عابد متقی پدرش (و پدرانش) از علماء کاملین وفضلاء ومجتهدین بوده و در سال 1163 متولد و در 1240 وفات یافته و صاحب عنوان در 8 ذی القعدة سال 1992 در خونسار متولد گردیده و در 9 جمادی الثانیه 1275 در اصفهان وفات یافته در بقعه تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید و قبر مبارک او از مزارات مشهور و مورد توجه و عنایت عموم مقدسین از خواص وعوام می باشد .

وی از جمعی از علماء احلام مجاز بوده از آنجمله: انا سید محمدقصیر

ص: 322

رضوی مشهدی متوفای 4 محرم 1255 دیگر مرحوم حاج سید محمدباقر حجة الاسلام می باشد به اجازه مبسوطه ای بتاريخ اواخر صفر 1222 - آغاز { الحمد لله الذی نصرت الألسن عن بلوغ ثنائه... } (ص 157 یکم الذریعه) در عموم کتب تراجم رجال که نامی از وی برده اند او را به عظمت و زهد و تقوی ستوده اند .

مشارالیه پدر علامتین مرحومین آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی سالف الترجمه و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی آتی الترجمه می باشد. اولاد واعقاب او جملگی از علماء اخبار و فضلاء اصفهان و خونسار و زهد و تقوی و علم و فضل معروفند و مردم اصفهان عموماً وساکنین محله چهارسوق شیراز بها و لنبان خصوصاً به آنان ارادت می ورزند و آنها را از جان و دل دوست دارند و مورد اعزاز و احترام قرار میدهند و الحق شایسته کنند.

81- سید شریف خلخالی فرزند سید عباس

(1)

(1) علامه طهرانی در الکرام البرره (ص 620 دوم) می نویسد :

نسخه ای از مجلد دوم کتاب : مطالع الانوار از تألیفات مرحوم سید حجة الاسلام را در کتابخانه شیخ قاسم محی الدین در نجف اشرف دیدم که صاحب

ص: 323

1- در بستان السیاحه (ص 273) می نویسد: خلخال نام ولایتی است مسرت مآل از ولایات آذربایجان، قدیم الزمان یکی از بلول ایران شهری بر سر کوهی احداث کرده فیروز آباد نام نهادند الحال مجموع آن ولایت را خلخال گویند ... آبش از چشمه سار خوشگوار و هوایش سردی مایل و سازگار جمیع بلادش کوهسار است .. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 30/31/48 عرض: 45/36/37 ارتفاع از سطح دریا 175 متر.

عنوان حواشی از خود بر آن نوشته بود و نشانه آن (المحرره) بود و تاریخ آن سالهای 1240 و 1243 همچنین برخی از حواشی استاد را برکناب نقل نموده بودیشانی { منه مدظله } بنابراین مشارالیه تا سال 1243 در قید حیات بوده و از شاگردان سید حجة الاسلام می باشد.

ظاهراً صاحب عنوان در اصفهان سکونت داشته و هم در این شهر وفات یافته اس سال وفاتش بدست نیامد.

ص 367 بزرگان و دانشمندان اصفهان

82 - حاج سید شفیع بن سید علی اکبر موسوی جابلقی بروجردی

از احفاد میر نظام الدین احمد صاحب مزار معروف در امامزاده قاسم نزدیک بروجرد بطن ششم از اعقاب حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام . از اکابر علماء و اعظم فقهاء و مجتهدین جامع معقول و منقول و در رجال و حدیث صاحب نظر بوده ، در بروجرد و اصفهان و کاشان و نجف در نزد بسیاری از بزرگان تلمذ نموده که از آنجمله است حاج ملا احمد نراقی و حاج ملا محمد جعفر آبادهای و حاج ملا عباسعلی کزازی کرمانشاهی و آقا محمدعلی بن آقا باقر غروی مازندرانی اصفهانی و شریف العلماء مازندرانی و مولی محمد بن حسنعلی و آقا سید محمد مجاهد کربلایی اصفهانی و برادرش آقا سید مهدی فرزند صاحب ریاض المسائل و حاج ملانورعلی مازندرانی، و از مرحوم سید حجة الاسلام شفتی اصفهانی و مولی علی اکبر خونساری اصفهانی اجازه روایت و اجتهاد داشته و پس از وصول بمقامات عالیہ علم و اجتهاد ببروجرد منتقل گردیده و بدرس و بحث و نشر احکام و تربیت طلاب و تألیف کتب و رسائل و اقامه جماعت و رسیدگی بامور مردم پرداخته کتب زیر از تألیفات اوست 1- اصول الکربلائیة 2 - حاشیه بر تمام ریاض

ص: 324

المسائل 3- حاشیه بر مناسک حج مرحوم سید حجة الاسلام 4- روضة البهية در اجازة شفیعیه وآن کتابی است مانند لؤلؤة البحرین که در اجازة دو فرزند دانشمندش سید علی اکبر و سید علی اصغر مرقوم فرموده 5- شرح کتاب تجارت روضه 6- القواعد الشریفیه در اصول و آنرا بنام استاد بزرگوارش شریف العلماء در دو مجلد تالیف فرموده 7- مرشد العوام در نماز و آن رساله عملیه است 8- مناهج الاحکام در فقه عربی و غیره . سرانجام در سال 1280 وفات یافته ماده تاریخ فوتش را مرحوم آقا شیخ محمد تقی دزفولی چنین گفته است : چه زد سید شفیعی از این جهان سوی جنان خرگه

زفیض عام خود اکیل فضل افراشت تا برمه همه کروییان از بهر او واحسرتا گویان

بنالیدند از دل در عزای او گه و بیگه برای ضبط تاریخ وفاتش از دم غیبی غیبی

بگوش من ندا آمد که {فمنهم من قضی نحبه} شرح حالش در عموم کتب تراجم رجال بطور تفصیل و اختصار نوشته شده از آنجمله : احسن الودیعه (ص 40 یکم) تکمله نجوم السماء (ص 195 یکم) ریحانة الادب (ص 240 یکم) علماء خراسان (ص 171) فوائد الرضویه (541 دوم) قصص العلماء (ص) الکرام البرره (ص 625 دوم) لباب الالقاب (ص 63) المآثر والاثار (ص 148) و غیره .

تذکر : کتابهایرا که ذکر کردیم آنهاست که در اختیار نویسنده بوده و گرنه در بسیاری از کتب دیگر از آن جمله خاتمه مستدرک الوسائل و غیره نیز نام او مذکور است.

ص: 325

(1)

فرزند ملا ابوالقاسم بن احمد بن علی بن ملا دولتهای قراچه داغی عالم فاضل و فقیه کامل درخوی و سپس در نجف اشرف نزد اساتید آنجا تلمذ نموده و از اساتیدش شیخ جعفر کاشف الغطاء و سید مجاهد و سید بحر العلوم را نام برده اند پس از نیل بمقامات عالیہ علمی به موطن و مولد خویش برگشته و در آنجا ریاست و مرجعیتی یافته در جنگ ایران و روس شرکت نموده و پس از جنگ مجبور به ترک خانه و دیار خود گردیده با جمعی از اقوام و ارحام به اصفهان مهاجرت نموده و این شهر را جهت سکونت اختیار نموده و مورد توجه سید حجة الاسلام قرار گرفته بود و در یک وقت در مسجد میرزا باقر در مرحله بیدآباد امامت مینموده است .

ویرا تألیفاتی است (نمونه یکی از صفحات شرح یکی از کتب فقهی یکی از اساتیدش در صفحه 1805 جلد پنجم مکارم الآثار گراور شده است). صاحب عنوان در سال 1265 در اصفهان وفات یافته در مقبره کوچک مسجد سید مدفون

ص: 326

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 274) به خلاصه گوید: خوی ام بلاده ای است از اقلیم رابع رجوانب اربعه اش فی الجملة واسع از بلاد آذربایجان و محلی خلدشانست سمت غربی شهر تبریز اتفاق افتاده ... آبش بسیار وهوایش سازگار . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 44/57/50 عرض: 38/32/00 انحراف قبله: 15/54/48

گردید . (ص 1804 پنجم مکارم الاثار - م 396 دانشمندان و بزرگان اصفهان)

ظاهراً ایشان از سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی مجاز بوده اند فرزندان او عموماً اهل فضل و کمال و همگی ساکن در اصفهان بوده و در این زمان به شفیع زاده و خونی شهرت دارند و

84 - میر محمد صادق بن سید محمد بن سید محمد علی حسینی

سادات کتابی اصفهان از سلسله سادات محترم و معزز اصفهان که عموماً بفضل و دیانت و تقوی و امانت شهرت دارند و عده زیادی از علماء و فضلاء و مدرسین از این سلسله جلیله برخاسته اند و نسبت آنان به جناب حسن الافطس ابن علی الأصغر بن الامام علی بن الحسین علیه السلام منتهی میشود.

صاحب عنوان از شاگردان سید حجة الاسلام و داماد ایشان بوده است ، در حدود سال 1210 متولد و در 5شنبه 11 شعبان 1304 وات یافته است و برا شرحی است بر کتاب شرایع که در تاریخ 1235 یعنی در حدود سن بیست و سه سالگی شروع در آن نموده است . (نسخه این کتاب یکی مسوده و دیگری مبیضه هر دو بخط مؤلف بزرگوار در کتابخانه فاضل ارجمند مرحوم آقا میرزا ابوالحسن

کتابی (متوفی در شعبان 1398) فرزند آقا سید محمد جواد متوفی 18 رمضان 1338) فرزند میر محمد صادق صاحب عنوان (ص 324 سیزدهم الذریعه) موجود بوده است.

مرحوم آقا میر محمد صادق از دختر سید حجة الاسلام سه فرزند پسر یافته که عبارتند از: 1- آقا سید محمد تقی 2- آقا میرزا علیرضا 3- آقا سید محمد جواد . علیهم الرحمة.

ص: 327

در فصل مربوط به خاندان مرحوم حجة الاسلام راجع به فرزندان مشارالیه بحث خواهیم کرد .

مرحوم ملا عبدالکریم جزی در تذکرة القبور (43 و ص 62 رجال اصفهان) صاحب عنوان و پدرش را نامبرده و گوید : اما سید محمد از علماء و فضلاء اصفهان و بسیار معمر شده بود و مرحوم آقا میر محمد صادق از جمله فقهاء ممتازین اصفهان بودند و نزد علماء اصفهان بفقاهت معرون بودند و مرد گوشه گیر و مشغول تحصیل و مطالعه و تدریس و اهل تهجد و عبادت بودند شاگردان ایشان در اصفهان فعلاً بسیارند حقیر نیز در زمان سطح خواندن مدتی شرح لمعه خدمت ایشان میخواندم و نوشتجات خوب متفرقه در فقه دارند .

85 - سید صادق بن هادی بن محمد رضا حسینی

در روز پنج شنبه 12 محرم سال 1218 در رامسر متولد گردیده مقدمات علوم را در مولد خویش فرا گرفته سپس به قزوین و بعداً به اصفهان مهاجرت نموده و تحصیلات خویش را در این دو شهر ادامه داد و در اصفهان در خدمت علمای بزرگ این شهر همچون حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام شفتی فقه و اصول را قرائت نموده و حکمت را نیز در نزد مرحوم آخوند حاج ملا علی نوری میاموخت تا بمقامات عالیه علم رسید پس از نیل بمقامات علمی و اخذ اجازات به رامسر مولد و موطن خود مراجعت نموده و تا آخر عمر یعنی سال 1287 بترویج دین و تدریس علوم اشتغال جست فرزندانیش نیز عموماً از اهل فضل و کمال و علم می باشند .

ص 74 بزرگان رامسر

ص: 328

(1)

عالم فاضل جلیل از شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجة الاسلام شفتی بوده و آن مرحوم ویرا در اجازه خود بدینگونه وصف فرموده :

آغاز : الحمد لله الذی یحول بین المرء و قلبه سپس بعد از مقدماتی می نویسد:

الصالح العالم الزکی والفاضل العامل العلی المترلی من حسیض مناقض الجمل الی مزایا الفضائل والصاعد مجده الأنیق من مساری الرذائل الی مکارم الفواضل ولدنا العزیز الرفیع الوالی المولی محمد صالح الاسترآبادی ...

تاریخ اجازه روز شنبه 3 ذی الحجه 1253 در الکرام البرره (ص 650 دوم) تاریخ اجازه را سال 1246 می نویسد و تاریخ اول نقل از الذریعه (ص 5707 یکم) می باشد.

ص: 329

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 73) به خلاصه می شود؛ استرآباد شهری است دلگشا ومدنه ای است بهجت افزا هوای گرم و آیش فراوان و حبوباتش ارزان بعضی اورا دار الملک جرجان (گرگان) گفته اند و آنرا یزید بن مهلب بن ابی صفره بنانهاد و او از جانب سلیمان بن عبدالملک مروان حکومت خراسان دانش، مردمش از قدیم شیعه امامیه اند و با آنکه طایفه ترکان همسایه ایشانست بی ترس و تقیه معاش نمایند بلکه در اکثر اوقات برتر کان حکم گذارند. ثانیه/درجه/دقیقه/طول جغرافیائی: 54/28/00 عرض: 36/50/30 انحراف قبله: 43/30/05 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا 160 متر

فرزند آقا شیخ زین العابدین از اعقاب شیخ زاهد گیلانی و از سلسله مشایخ بید آباد . در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان علم و دانش تلمذ نموده و خدمت مرحوم حجة الاسلام شفتی و دیگران را درک نموده سپس بطهران رفته و آنجا در مدرسه دارالفنون تدریس علوم ادبی و غیره پرداخته و هم در مسجد دارالفنون امامت مینموده و تا سال تألیف گنج شایگان یعنی سال 1273 حیات داشته است

مشارالیه برادر بزرگتر میرزا طاهر دیباچه نگار مؤلف کتاب گنج شایگان می باشد .

پدرش نیز از فضلاء و از سلسله مشایخ بید آباد بوده و در شوال 1224 در اصفهان وفات یافته است .

88- حاج مولی محمد صالح بن آقا محمد برغانی قزوینی

عالم عابد زاهد فقیه فاضل از معاریف قهاء و مجتهدین است در ابتدای ورود سیدحجة الاسلام باصفهان مدتی بدرس ایشان حاضر گردیده و در این شهر خدمت

جمعی از بزرگان علماء تلمذ نموده که از آن جمله است آقا سید محمد مجاهد . سپس به اعتاب مقدسه مهاجرت نموده و در آنجا بدرس آقا سید علی صاحب

ریاض المسائل و دیگران به تحصیلات خویش ادامه داد تا بمقامات عالیة اجتهاد نائل شده و از آن سید محمد و آقا سید عبدالله شبر و غیر از این دو اجازاتی اخذ نموده و بموطن خود قزوین مراجعت کرده و بدرس و بحث وافاد و استفاده و نشر احکام پرداخته و در شهر قزوین مسجد و مدرسه ای بنا نهاده در امر بمعروف و نهی از منکر سعی واهتمامی تام داشته و در اقامه و نشر و ترویج مراسم تعزیه

داری حضرت خامس آل عبا علیه السلام بسیار کوشا بوده و در موضوع شهادت آن حضرت کتابها تألیف نموده در اواخر عمر به اعتاب مقدسه جهت زیارت مشرف گردید و آنجا در حرم مطهر حضرت سید الشهداء علیه السلام سکنه نموده وفات یافته است سال فوتش را 1294 و برخی 1270 یا 1275 یا 1283 نوشته اند و ظاهراً 1294 به حقیقت نزدیکتر است والله العالم . کتب زیر از تالیفات اوست : 1 - اعمال شش ماه 2- بحر العرفان و معدن الإیمان در تفسیر قرآن در 17 مجلد

3- تفسیر صغیر در یک مجلد 4- تفسیر وسط دو مجلد (ریحانة الادب ص) 5- غنیمة المعاد فی شرح الارشاد در 14 مجلد 6 - کنز المعاد در اعمال سال فارسی و این آخرین تالیف اوست 7- کنز المواعظ 8- کنز الواعظین در احوالات موصومین علیهم السلام 9- مجمع المصائب در مقتل 10 - مخزن البكاء در مقتل 11 - مسلک الراشدین در فقه و شرح ارشاد 12 - مسلک النجاة رساله عملیه مختصر و بفارسی 13 - مصباح الجنان الايضاح اسرار القرآن در سه جلد

علامه طهرانی در الذریعه ص 105 بیست و یکم فوت را 1273 می نویسد) 14- معدن البكاء در مقتل در 14 مجلس و خاتمه 15 - مفتاح الباه در مقتل بنارسی ملمع 16- مفتاح الجنان فی حل رموز القرآن در نه مجلد جلد پنجم آن در کتابخانه آیت الله مرعشی (ص 23 هفتم فهرست) 17 - منبع البكاء در مقتل بعربی و غیره.

وی برادر علامه فقیه زاهد حاج ولی محمد تقی قزوینی برغانی معروف به شهید ثالث است که در سال 1263 بدست فرقه ضاله ، مضله بایه لعنهم الله بمرتبه رفیده شهادت نائل گردید .

برای اطلاعات از احوالات صاحب ترجمه به کتابهای روشات الجنات (ص 414) ریحانة الادب (ص 152 یکم) فوائد الرضویه (ص 210 یکم) الکرام البرره (ص 660 دوم) قصص العلماء (ص 93) لباب الألقاب (ص

(1)

عالم فاضل رقیه کامل از شاگردان آقا سید محمد مجاهد کربلائی و حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی اصفهانی بوده و از این مرحوم اجازه داشته است. در لباب الألقاب (ص 114) مینویسد: در اوایل امر حکمت تدریس می نمود و چون خوابی هولناک دید ترک تدریس کتب ملاصدرانمود و بفقہ و اصول اشتغال جست. مؤلف قصص العلماء گوید (ص 93) مدتی در نزد او تلمذ نموده ام در احسن الودیعہ (ص 29 یکم) و فوائد الرضویہ (ص 216 یکم) والکرام البرره (ص 672 دوم) ویرا عنوان نموده اند و همگان ویرا بعلم وزهد ستوده اند کتب زیر از تالیفات اوست: 1- کتابی در اصول 2- رساله ای در درایه 3- شرحی بر معالم الأصول 4- کتابی در فقه و غیره 5- سال تولد و وفاتش

ص: 332

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 512) به خلاصه می نویسد: لاهیجان نام در بلده است یکی از توابع شیروان و دیگر از مضافات گیلان. فاضل معاصر حاج شیخ حسن شمس گیلانی در تاریخ علماء و شعراى گیلان (ص 24) می نویسد: مناظر طبیعی آن دلرباست و مرکز عرفا و حکماست اطراف شهر راکوههای دیلمان محاصره کرده هوای آن بسیار لطیف و آب خوشگوار وارد... محصول عمده این شهر چای ابریشم است. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 50/00/00 عرض: 37/11/40 انحراف قبله: 26/59/31 ارتفاع از سطح دریا 2 متر (دو)

بدست نیامد و ظاهراً پس از سال 1299 می باشد .

نویسنده گوید : احتمالاً مشار الیه در اصفهان از شاگردان ملا علی نوری نیز

بوده است. و

..

90- شیخ محمد طاهر بن محسن بن اسماعیل دزفولی

فرزند ملا محسن کاظمینی . عالم فاضل در سال 1230 در شهر دزفول (1) متولد گردیده و پس از فراغت از تحصیل مقدمات لازم جهت تکمیل به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر خدمت حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام بید آبادی و آقا محمد مهدی فرزند حاجی کلباسی و آقا میر سید محمد شهشهرانی تلمذ نموده سپس به نجف اشرف مهاجرت نموده و آنجا در نزد آقا شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر و آقا شیخ مرتضی انصاری مدنی تحصیل نموده و از جمعی از

ص: 333

1- شیروانی در پستان السیاحه (ص 282) به خلاصه می نویسد؛ دزفول بلدهای بهجت نشانت رود عظیم از کنارش می گذرد و پلی در غایت استحکام و مقاومت برای بسته اند و آن از عجایب روزگار است آن شهر زاهدان پل خواند ... در زمین هموار واقع و اطرافش واسع و هوایش گرم و آبش خوشگوار و خاکش در موسم زمستان و بهار نایت سازگار . در پاورقی نابغه فقه و حدیث (ص 197) به خلاصه می نویسد : دسفول و دزفول و دزفول بمعنی قلعه باقلا- است با دزیل (قلعه پل) و آنرا اندامشک هم گفته اند ولی در حال حاضر دزفول و اندیمشک در شهر جداگانه هستند. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 48/23/00 عرض: 32/22/30 انحراف قبله: 36/55/48 ارتفاع از سطح دریا: 140 متر

اساتید خود و سایر علما، همچون حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام و آقا سید صدر الدین عاملی و شهشهبانی و صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری و شیخ علی بن شیخ حسن بن شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء اجازه اجتهاد و روایت داشته و پس از وصول بمقامات عالیہ علم و اجتهاد بموطن خود دزفول مراجع نموده و مورد توجه و عنایت جمیع طبقات واقع گردیده و مرجعیت تقلید در خوزستان و برخی از شهرهای دیگر بافته

ویراتالیفات است از آن جمله : 1- رساله عملیه 2- المشارع با مشارع الاحکام در شرح شرایع 3- مصباح الهدایه رساله عملیه فارسی در عبادات از فتاوی صاحب عنوان که مولی محمد حسن بن محمد زمان دزفولی جمع آوری نموده و در سالهای 1403 یا 1314 بچاپ رسیده است صاحب عنوان در اوایل سال 1315 در دزفول وفات یافت . پدرش شیخ محسن برادر علامه فقیه شیخ اسدالله کاظمینی مؤلف مقابس الأنوار و متوفی بسال 1237 یا 1236 می باشد . فرزندش شیخ عبدالحسین و نواده اش عالم جلیل میرزا محمد اعلی معزی دزفولی می باشد (ص 973 سوم نباء البشر والذریعه) . . وی غیر از شیخ محمد طاهر بن حسین نجار دزفولی متوفی حدود سال 1282 در نجف می باشد (ص 304 دوم معارف الرجال) .

91 - حاج ملاعبدالباقی بن محمد حسین کاشانی

مرحوم ملا حبیب الله کاشانی (فوت 23 جمادی الثانیه 1340) در کتاب : الباب الالقباب (ص 98) می نویسد :

الحاج الملاعبدالباقی بن الحاج محمد حسین بن الحاج عبدالرزاق الكاشانی كان فقیهاً متتبعاً فی الأخبار فاضلاً جامعاً المعقول والمنقول ولاسیما الرياضیات من تلامذہ الحاج السید محمد تقی الكاشانی والحاج السید محمد باقر الرشتی .. وقد

ص: 334

لقیته فی سالف الأيام وهو شیخ کبیر جلیل القدر معروف متصد للمرافعات .

علامه طهرانی در الذریعة (ص 157 یکم) می نویسد: مرحوم سید حجة الاسلام شفتی اجازه های فارسی جهت او مرقوم فرموده و در آنه به اجتهاد و عدالتش گرامی فرموده و مردم کاشان را بمراجعه باو سفارش نموده است تاریخ اجازه ربیع الاول 1260 سپس می نویسد: بر فرض صحت این تاریخ اجازه نامبرده در روز فوت پا روز قبل از آن نوشته شده است .

نویسنده گوید: علامه طهرانی اول کسی است که متوجه به اشتباه در ماه وقوع فوت سید حجة الاسلام شده و همانگونه که در فصل مربوط به وفات ایشان بشرح مینویسیم وفات در ماه ربیع الثانی روی داده و ربیع الاول سهوالقلم می باشد .

همچنین علامه طهرانی در الکرام البررة (ص 698 دوم) می نویسد: اجازه ضمن مجموعه اجازات مرحوم حجة الاسلام در کتابخانه مولی محمدعلی خونساری در نجف اشرف می باشد .

92 - میر عبدالباقی بن هادی بن میر محمد رضا حسینی

در شب بیستم ماه صفر سال 1231 در تنکابن و رامسر متولد گردیده و پس از فرا گرفتن مقدمات علوم باتفاق برادرش سید ابوالحسن به اصفهان مهاجرت نمود و تا سال 1252 در اصفهان مانده سپس با برادر خود بقزوین مهاجرت نموده راز قزوین به نجف و سپس مجددا به اصفهان مراجعت نمود و تاهنگام وفات مرحوم سید حجة الاسلام از محضر او استفاده علمی نموده تا درجه اجتهاد نائل آمد از آن پس بموطن خویش معاودت نمود به اقامه جماعت و نشر احکام و ترویج دین و اقامه شعائر

و تدریس پرداخته سرانجام در شب جمعه 19 شوال المکرم 1287 در آخوند محله (یکی از محلات رامسر) وفات یافته در کنار مسجد در جنب قبر پدر خود مدفون گردید .

ص 7 بزرگان رامسر

ص: 335

توضیح: مرحوم آقا سید هادی بن میر محمد رضا ظاهراً دارای چهار فرزند پسر بنامهای: 1- سید ابوالحسن 2- سید صادق 2- سید عبدالباقی 4- سید مرتضی بوده که همگان در اصفهان تحصیل نموده و سه نفر اخیر از شاگردان سید حجة الاسلام بوده اند و در این فصل بنام آنها اشاره شده است.

93 - آقا عبدالحسین امین العلماء

فرزند آخوند ملا محمد شفیع خوئی بن ملا محمد بن ملا ابوالقاسم بن ملا احمد بن ملا احمد چورسی ابن ملا در لتعلی قراچه داغی اصفهانی از اجله فضلام و محترمین اصفهان بوده و تحصیلاتش در نزد پدر و مرحوم سید حجة الاسلام شفتی و حاج محمد ابراهیم کرباسی و جمعی از علماء عراق عرب بوده و در سال 1293 وفات یافته و در جوار در خود در مقبره کوچک مقابل مقبره مرحوم حجة الاسلام شفتی در دالان مسجد سید مدفون گردید .

(ص 1806 پنجم مکارم الاثار)

94 - عبدالرحیم بن محمد کریم هرندی (قهپایه ای اصفهانی)

(1) در تاریخ 18 ربیع الثانی سال 1246 کتابت نسخه ای از مجلد اول و دوم

ص: 336

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 465) به خلاصه می نویسد: قهپایه به معنی که پایه اما مخصوص نام ناحیه ای است از نواحی اصفهان مزارع فراوان و موانع بهجت نشان دارد. نویسنده گوید: تو را به همان کوپا می باشد که سابقاً ذکرش گذشت. هرنه بروزن کمند شیروانی در بستان السیاحه گوید: هرنه گریه ای است قصبه مانند از قرای روی دست از توابع اصفهان و محلی است آبادان آبش از قنوات و ناگوار و هوایش ناسازگار و خاکش ریگزار. در زمین هموار و رائق و اطرافش واسع است... ظروف مسی مانند دیگ بزرگ و غیره در آن مکان خوب می سازند نویسنده گوید: هرنه از دهات کوهپایه (قهپایه) است

کتاب: سؤال و جواب از تألیفات مرحوم سید حجة الاسلام را بخط نسخ پایان رسانیده است .

کتاب بشماره (5199) در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است (ص 110 یکم فهرست کتابخانه عمومی اصفهان) خصوصیات نسخه مزبور بقرار زیر است:

قطع کتاب 21 در 31 سانتی متر اندازه نوشته 12 در 21 سانتی متر تعداد سطور در هر صفحه 28 سطر تعداد صفحات 1092 کاغذ فرنگی جلد مقوایی برفی ترنجی .

95 - میرزا عبدالجواد شاهرودی

(1) 11 فاضل ادیب به خراسانی معروف بوده و در نزد مرحوم سید حجة الاسلام

ص: 337

1-1) شیروانی در پستان السیاحه (صفحه 319 چاپ اصفهان) می نویسد: شاهرود قصه ای است بهجت دره ونیم فرسخی بسطام جائی خوش وهوائی دلکش دارد قریب هزار خانه در اوست ومزارع چند مضافات اوست باخانش فراوان و آمن روائت ومردمش شیعی مذهب وخالی از مردن نباشند ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 54/57/45 عرض جغرافیائی: 36/25/15 انحراف قبله: 45/42/42

دیگران تلمذ نموده و تا حدود سال 1280 حیات داشته است.

فرزندش مرحوم شیخ عبدالرزاق معروف به حکیم نیز اهل علم و فضل و کمال بوده و گاهی در اصفهان و زمانی در شاهرود و باخراسان و مشهد مقدس، سکونت داشته و تا بعد از 1310 زنده بوده است فرزندان او به کسب با تجارت اشتغال داشته اند لکن نواده او آقای دکتر عبدالجواد فلاطوری فرزند مرحوم آقا محمد حسین شاهرودی فرزند شیخ عبدالرزاق فیلا در آلمان ساکن و استاد فلسفه در یکی از دانشگاه‌های آنجا می باشد. کتاب جانشینان محکوم ترجمه کتاب {الاستغاثه فی بدع

الثلاثة}.

96- ملا عبدالرزاق بن محمد قاسم تنکابنی

(1)

در کتاب بزرگان رامسر (ص 80) درباره صاحب عنوان می نویسد :

ص: 338

1- در مطلع الشمس (صفحه 250 سوم) که در سال 1303 تألیف شده با اندکی تصرف و اختیار می نویسد: شهر شاهرود چندان قدمتی ندارد چنانکه در کتب جغرافیای قدیم مطلقاً اسمی از او پرده نشده است... رودخانه ای در شاهرود بوده بالنسبه با عظمت که حالا مجرای آن تغییر کرده و از آنجا که هررودبزرگی را در این نواحی شاهرود گویند. (شاه بمعنی بزرگ نیز آمدم است) نام شهر را بنز شاهرود گفتند... ظاهراً قلعه شاهرود را در اول مرتبه زمان صفویه و ساخته اند و در عهد فتح علیشاه تجدید بنا شده. اکنون شهر شاهرود یکی از شهرهای درجه دوم مملکت بشمار میرود. 1) شیروانی در بستان السیاحه (ص 192) به خلاصه می نویسد: تنکابن بضم تاء و سکون نون... قصبه ای است از گیلان و محلی است جنگل توأمان هوایش بد و آبش فراوان و خاکش ابریشم خیز و زمینش عفونت انگیز برنج بسیار دارد و چندان تعریف ندارد...، راقم (یعنی شیروانی) مشاهده نموده است. دانشمند معاصر آقای حسن شمس گیلانی در تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص 66) می نویسنده از شهر های قدیم گیلان است... توتون کاری در این شهر معمول است و مرکبات نیز در این شهر به عمل می آید مناظر طبیعی ان کمی از سایر شهر های گیلان نمی کند

حدود سال 1215 در رامسر متولد گردید و در موطن خود و قزوین مقدمات علوم و همچنین فقه و اصول و حکمت و ریاضی و نجوم را بیاموخت سپس در سال 1242 به جهت تکمیل تحصیلات خویش رهسپار اصفهان گردید و در این شهر خدمت حاجی کلباسی و آخوند ملا علی نوری و سید حجة الاسلام ته و اصول و حکمت را تکمیل نموده در حدود سال 1250 به رامسر مولد و موطن خویش مراجعت نمود و بوظائف شرعی از اقامه جماعت و فصل خصومات و رسیدگی به دعاوی و نشر احکام و تدریس پرداخت . سرانجام در حدود سال 1275 وفات یافت فرزندان او عموماً از اهل علم و فضل و کمال می باشند.

97 - سید عبدالغنی بن میر محمد علی بن احمد حسینی

در رامسر متولد گردیده و در اصفهان در خدمت حاج ملا علی نوری رسید حجة الاسلام شفتی و دیگران تحصیلات خویش را پایان رسانیده . وی عالمی فقیه و فقیه متکلم و حکیمی ادیب و فاضل و زاهد و عابد و متعهد بوده و قبل از سال 1278 وفات یافته است.

(ص 85 بزرگان رامسر)

98 - عبدالکریم بن محمد اسماعیل

جلد اول کتاب مطالع الانوار را در تاریخ پنجشنبه یکم ماه صفر 1254 کتابت نموده و چلد دوم آنرا در تاریخ شنبه 16 جمادی الاولی سال 1241 کتابت نموده هر دو نسخه بخط نسخ زیبا و جدول کشی جلد اول در کتابخانه فاضل محترم آقای

ص: 339

حاج سید مرتضی شهشهانی و جلد دوم شماره (1000) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (ص 2048 پنجم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه) صاحب عنوان از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام بوده است .

نسخه مطبوع مطالع الانوار بخط همین نویسنده است که عین عبارات آن در فصل اول نقل شد.

تاریخ فراغت از نوشتن مجلد اول پنجشنبه یکم صفر 1254 (جد التاريخ)

تاریخ فراغت از نوشتن مجلد دوم

تاریخ فراغت از نوشتن مجلد سوم جمعه 29 جمادی الثانیه 1259 (فانظر ماذاجرى)

تاریخ فراغت از نوشتن مجلد چهارم چهارشنبه 16 ذی القعدة 1263 بدستور حاج سید اسدالله

این نویسنده علاوه بر آنکه از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام بوده است خطاط و نقاش و ادیب و شاعر نیز بوده و نمونه اشعارش را بعداً در فصل مربوطه نقل خواهیم نمود .

:

99 - سید عبد الله موسوی صفوی دزفولی

فرزند سید محمد باقر بن سید عبداللطیف بن صادق بن مرتضی بن علی بن شفیع بن هود بن محمد بن عباس بن صفی الدین بن عبد الله بن محمد رشید بن صالح بن شواجه علاء الدین ابوالحسن علی بن شیخ صدر الدین موسی بن شیخ صفی الدین اسحق اردبیلی جد سلاطین صفویه فرزند امین الدین جبرئیل بن قطب الدین ابوباقی بن صلاح الدین رشید بن محمد الحافظ بن عوض بن فیروز شاه ملقب به زرین کلاه بن محمد بن شرفشاه بن محمد بن حسن بن محمد

ص: 340

بن ابراهیم بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن احمد بن ابو محمد قاسم الاعرابی بن ابوالقاسم حمزة بن الامام موسی الكاظم علیه السلام (ص 1527 پنجم مکارم الاثار).

عالم عارف ادیب شاعر متخلص به دامی از شاگردان آقا محمد بید آبادی و سید حجة الاسلام اصفهانی و از مریدان سید صدر الدین دزفولی بوده در 1158 متولد و در 1256 در دزفول وفات یافته است.

کتب زیر از اوست : 1- آداب حیات منظومه فارسی در اصول دین در یکصد و شانزده بیست و آن ملخص کتاب آداب حیات حاج ملا محمد جعفر استر آبادی است علامه طهرانی در الکرام البرره بنام او آب حیات (ص 771 دوم) ذکر می کند و میفرماید گمان می کنم از تالیفات او باشد 2 - تخمیس قصیده فرزندق 3 - دولت خاقانیه در تاریخ خوزستان به نظم و نثر 4- دیوان اشعاری که خود مدون ساخته و در سال 1315 عبدالله خان ساعد السلطنة سردار مکرم از اولاد صاحب عنوان گرفته است 5 - دیوان اشعار که آنها را میرزا جعفر انصاری در دو مجلد جمیع آوری نموده است 6- مجمع الاخیار وتذکرة الابرار در تعیین اولاد ائمه علیهم السلام وبقاع خیر واقع دزفول 7- نهاییه الطب در طم طب نسخه بخط مؤلف در کتابخانه میرزا جعفر انصاری موجود است (ص 401 بیست و چهارم الذریعه)

در مقدمه آب حیات (آداب حیات) گوید (ص 1 یکم الذریعه) ناظم این نظم را از حق امید رحمت است

وز مخادیم مکرم نیز استدعا بود قاریا چون زین مراتب بهره ورگردی بگو

جای داعی در ریاض جنة الماری بود از اشعار فارسی اوست (ص 132 دوم مجمع الفصحاء) :

ص: 341

جوانی چه آورد و پیری چه برد بت خردسال و می سالخورده بت خرد سالی کز اندیشه اش شده محو اندیشه خواب و خورد و ن خورد آنکه مرد
زیک خم دهد ساقی روزگار بتو صاف صاف و بمن درد درد زداعی دعا دعوی از مدعی ببینیم تا گوی میدان که برد

100 - سید عبد الله نائینی

(1)

در کتاب: سؤال و جواب تألیف مرحوم سید حجة الإسلام سؤالی از ایشان شده باین مضمون:

شخصی بنام سید عبد الله نائینی در چهار محال بختیاری رفته و خود را از شاگردان سید حجة الاسلام معرفی نموده و در ضمن جواب
سؤال یکی از اهالی

ص: 342

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 575) می نویسد: نائین قصبه ای است دلنشین از قصباب باصفهان و محلی است مسرت توأمان در
زمین هموار واقع و جوانب آن واسع است... آبش خوب و هوایش مرغوب. و نویسنده گوید: شهر نائین در قدیم جزو استان اصفهان بوده
و اکنون مربوط به شهرستان زد و خود شهری مسود و آباد است. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 53/03/40 عرض
جغرافیائی: 32/51/00 انحراف قبله: 49/03/13 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا 154 متر. دانشمند محترم حاج سید عبدالحجت بلاغی
کتابی مفصل در تاریخ و جغرافیای نائین مرقوم داشته و بطبع رسانیده طالبین مراجعه نمایند. همچنین مرحوم آقا میرزا حسین آقا امامی
نائینی نیز کتابی در تاریخ و جغرافیای نائین تألیف نموده که تا کنون بچاپ نرسیده است.

از قول مرحوم سید حجة الاسلام گفته است که : خوردن پیه میته حیوان مأکول اللحم جائز است ، این جواب مورد گفتگوی علمای محل واقع شده و مطلب را خدمت آن مرحوم نوشته اند ایشان در جواب مرقوم فرموده اند اولاً من این شخص را نمی شناسم ثانیاً هر نوع استفاده از پیه میته حیوان مأکول اللحم جائز نیست تا چه رسد به خوردن آن که یقیناً حرام است.

نویسنده گوید : چون این شخص خود را فرستاده و نماینده مرحوم سید حجة الاسلام معرفی مینموده است ایشان فرموده اند من او را نمی شناسم اما ممکن است وی از جمله حاشیه نشینان و حاضر پسند در جلسات تدریس سید بوده و چون در محضر آن بزرگوار همیشه عده زیادی از علماء و فضلاء و مجتهدین حضور داشتند برای غیر فضلاء و علماء محلی برای اظهار وجود نبود با سید حجة الاسلام ویرا بشناسند ..

101- حاج سید عبد الله بن حجة الاسلام شفتی

در تکمله نجوم السماه (ص 128 یکم) گوید : مادرش خواهر حاج سید اسماعیل طباطبائی است.

شرح حال سید اسماعیل طباطبائی قبلانوشته شد و شرح حال صاحب عنوان در ضمن اولاد و اعقاب سید حجة الاسلام مذکور خواهد شد.

102 - ملا عبد الله زنوزی

(1) معروف به مدرسی اصفهانی فرزند مرحوم خان بابا در قریه زنوز متولد گردیده

ص: 343

1- زنوز بر وزن کتوز در ریحانة الادب (ص 133 دوم) گوید: زنوز قصبه ای است از مضافات تبریز آذربایجان . و در کتاب زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (ص 192) گوید : زنوزدهی است نزدیک مرند در اطراف خوی .

و مقدمات ادبیات و علوم را در خوی پایان رسانیده و در نحو بخصوص مهارت و استادی یافته تا جائیکه ویرا ملا عبد الله نحوی می گفته اند سپس رهسپار عتبات عالیات شده و نزد آقا سید محمد مجاهد کربلانی در اصفهان و حاج سید محمد باقر شفتی تلمذ نموده و مدتی در قم در مجلس درس میرزای قمی حاضر گردیده و در اصفهان خدمت حاج ملا- علی نوری حکمت و فلسفه را فرا گرفته و از طرف استادانمبرده مأمور تدریس در مدرسه مروی (مدرسه فخریه) که آنرا حاج محمد حسین خان قاجار ملقب به فخر الدوله بنا نموده بود گردیده و تقریباً مدت بیست سال در آنجا بتدریس حکمت اشتغال داشته سر انجام در سال 1257 در تهران وفات یافته است.

کتب زیر از تألیفات اوست: 1- انوار جلیه در شرح حدیث کمیل تخمیناً در سه هزار بیت 2- رساله خاقانیه و رجزه سلطانیه و آنرا بخواش فتح علیشاه در حکمت و کلام تألیف نموده 3- سبیل الرشاد در اثبات معاد 4- لمعات الهیه در حکمت ربوبیه در اثبات واجب الوجود بفارسی تاریخ فراغت از تألیف جمعه ششم ربیع الاول 1240 هجری 5- منتخب الخاقان در کشف حقایق الایمان والعرفان مختصر کتاب: رساله خاقانیه و بخواش فتح علیشاه تألیف شده است و غیره (ص 1550 پنجم مکارم الاثار - 134 دوم ریحانة الادب - ص 765 دوم الکرام البرره).

فرزندش آقا علی مدرس زنوزی حکیم فیلسوف در 1236 متولد و در 1307 وفات یافته و برادرش ملا حسین منجم نیز در علم نجوم مهارت داشته است (ص 976 سوم مکارم الاثار).

103- میر سید عبدالله بن میرزا محمد رحیم کبیر میردامادی دهی اصفهانی (نسب او در سید احمد فرزندش ذکر شد)

ص: 344

از شاگردان وحید بهبهانی و میرزای قمی و از مصاحبین و مخصوصین حاجی کلباسی و حاج سید محمد باقر شفتی بوده و در سده سکونت و امامت مینوده در ماه صفر سال 1165 متولد و در 22 محرم 1242 (روز فوت فرزندش میر سید احمد همانگونه که قبلاً گفته شد) وفات یافته در خوزان سده در مقبرهای مخصوص که بنام او شهرت دارد مدفون گردید (ص 239 رجال اصفهان). کتب زیر از تألیفات اوست 1- انیس المحتاجین 2- ترصیع السماء 3- رجال مشیخه تهذیب (ص 23 مقدمه لطائف فیه).

104 - مولی عبدالله بن نجم الدین

معروف به فاضل قندهاری (1) مشهدی. عالم فاضل فقیه زاهد حکیم ادیب شاعر از اکابر علماء و مدرسین در سال 1227 (بنا بنقل تاریخ علماء خراسان) در قندهار متولد گردیده و در نزد پدر دانشمند خود وعده ای از علماء سنی قندهار مقدمات علوم از ادبیات و حکمت و کلام تلمذ نموده سپس مدتی در اصفهان خدمت سید حجة الاسلام رسیده و از محضر او مستفیض گشته و در نجف بدرس شیخ انصاری حاضر گردیده پس از وصول بمقامات عالیه و کسب اجازات روایات واجتهاد بقندهار مراجعت نموده و پس از سالها مجبوراً از آنجا فرار کرده و به مشهد مقدس پناهنده گردیده و تا آخر عمر در آنجا سکونت داشته و بدرس و مباحثه اشتغال داشته و عده ای زیاد از فضلاء از محضر او استفاده علمی برده اند . گاهی شعر می گفته و در اول مهجور و بعدا وصال تخلص می نموده سرانجام در شبه جمعه اول

ص: 345

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 447) به خلاصه مینویسد: قندهار شهر پست خلد آثار آبش خوشوار هوایش سازگار اما اندک گرم

جمادی الثانیہ سال 1312 در مشهد مقدس وفات یافته در دار الضیافہ مبارکہ مدفون گردید (ص 129 علمای خراسان - علامہ طهرانی در نقباء البشر ص 1219 سوم) درباره او می نویسد: عدہ زیادی از دانشجویان بدرس فقہ و اصول وحديث و تفسیر و کلام و عقاید و حکمت و تاریخ و ادب او حاضر می شدند و خود او می گفته است: کلید همه دانشها در جیب من است، و چهارصد مجلد از کتب سنیان در کتابخانہ من موجود است. سپس میفرماید: در ده سال آخر عمر بعلت عارضہ باقادر بحر کت نبود و در سال 1311 بسن 107 سالگی وفات یافت. کتب زیر از تالیفات اوست: 1- البرهان فی قطع شبه الشیطان و آنرا برہانیہ نیز گویند 2- تجوید القرآن 3- تحریر الاصول در اصول فقہ 4- تذکرۃ العلماء و رجال 5- ترجمہ تفسیر حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام 6- حل العقال فی خلق الاعمال

7- حواشی بسر شرح مطالع در حکمت منطق 8- خوان الوان کتابی است همانند کشکول شیخ بهائی 9- الرد علی النصاری 10- دلالة السالکین فی قواعد العارفین 11- دیوان اشعار در اوایل مہجور و بعداً وصال تخلص مینمودہ است 12- شرح مشکوٰۃ الانوار 13- الفرائد الدینیۃ در شرح عقاید شیخ بهائی 14- کحل الطرن در علم مصرف در الذریہہ (ص 285 ہفدہم) وفاتش را در 1317 می نویسد 15- کشف الغطاء در مسئلہ بدا 16- مصارع الملحدین در رد صوفیہ وفلاسفہ 17- المقالات در کلام 18- الہدایہ فی تفسیر آیۃ الولایہ وغیرہ.

در اعیان الشیعۃ (ص 87 سی و نہم) اورا عنوان کردہ است و همچنین در المآثر والاثار (ص 177) نامی از او بردہ شدہ رفہرست تالیفاتش را حوالہ بہ جلد دوم مطلع الشمس (ص) نمودہ است.

ص: 346

(1) رشتی

از بزرگان علماء و فقهاء ساکن رشت و بفاقت و تقوی مشهور بوده پدرش از بحرین به رشت مهاجرت نموده و در آنجا متوطن شده است . صاحب عنوان از علماء ایران و عراق در تحصیل علوم استفاده نموده و از برخی از اساتید خود و دیگران بأخذ اجازه مفتخر گردیده است از آنجمله مدتی در اصفهان در خدمت مرحوم سید حجة الاسلام تلمذ نموده است و خود داماد عالم جلیل مولی محمد رفیع شریعتمدار رشتی بوده و فرزندان عالم و پرهیزگار از آن مخدره بافته سرانجام در سال 1284 در رشت وفات یافته جنازه اش به نجف اشرف نقل گردیده و در یکی از حجرات قبلی صحن شریف مدفون گردید (ص 790 دوم الکرام البرره)

106- شیخ عبدالوهاب ریزی

(2) لنجانی اصفهانی

عالم زاهد فقهه ، از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی بوده و در نجف اشرف بدری صاحب جواهر آقا شیخ محمد حسن اصفهانی

ص: 347

1- منسوب به بحرین را بحرینی و بحرانی گفته اند و بحرین عبارتست از مجموعه تقریباً سی جزیره کوچک و بزرگ در خلیج فارسی که از سالها قبل از اسلام تا این اواخر متعلق به ایران و جزر خاک این مملکت بوده و در سالهای اخیر بشرحی که در تواریخ مسدود است از ایران منتزع و اسماً مستقل و رسماً در استعمار خارجیان قرار گرفت. نویسنده سطود شرح مختصری از تاریخ آنجا را در کتاب : زندگانی شرح حال علامه سید هاشم بحرانی نوشته ام که اگر خداوند مقدر فرموده باشد چاپ خواهد رسید .

2- ریز بر وزن میراز بلوک لنجان علیا و امروز بنام زرین شهر معروف است ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 51/22/55 عرض: 32/23/20 ارتفاع از سطح دریا 1700 متر

حاضر شده و ظاهراً مجاز از ایشان بوده قبل از 1300 در قصبه ریز از دهات لنجان وفات یافته و در همانجا مدفون گردید رحمة الله علیه .

مشار الیه پدر دو عالم بزرگوار مرحومین آقا شیخ مرتضی ریزی و حاج شیخ ابوالفضل ریزی می باشد.

ص 85 دانشمندان و بزرگان اصفهان

107- مولی عبدالوهاب بن محمد علی شریف فروینی

از اکابر تها و مجتهدین و اعظام علماء و مروجین از شاگردان : شیخ احمد امائی و شیخ اسدالله کاظمینی و شیخ جعفر نجفی و سید جواد عاملی و سید عبدالله شیر و شریف العلماء مازندرانی و آقا سید محمد مجاهد اصفهانی کربلانی و شیخ موسی فرزند شیخ جعفر نجفی و جمعی دیگر از فحول مجتهدین در نجف و کربلا- و کاظمین بوده و از عده کثیری از علماء اجازه روایت و اجتهاد داشته و عموماً بعظمت مقام علمی او اعتراف نموده اند، تعداد اینان فریب چهل نفر میباشند که از آنجمله است : میرزا ابوالقاسم قمی و آقا باقر وحید بهبهانی و حاج سید محمد باقر حجة الاسلام اصفهانی و سید جواد عاملی (تاریخ اجازه ربیع الأول 1225) و آقا سید علی کربلانی صاحب ریاض المسائل و حاج سید مهدی بحر العلوم طباطبائی می باشند.

آغاز اجازه سید حجة الاسلام : رب انی اعوذ بک من همزات ... الحمد لله فاطر السموات والارضین ... سپس مولی عبدالوهاب را بدینگونه معرفی می نماید:

ص: 348

العالم العامل الفاضل الكامل البارع البازل جامع فنون الفضائل حائز صنوف الفواضل عاصم عباد الله عن الخبائث والرذائل زبدة الفقهاء العظام عمدة العلماء الفخام ... تاريخ اجازة چهارم شعبان 1254 (ص 810 دوم الكرام البرره) علامه طهرانی در الذریمه (ص 157) تاریخ اجازة را دهم شعبان می نویسد.

صاحب عنوان پس از وصول بمقامات عالیہ علم واجتهاد از اعتبار مقدسه بموطن خود مراجعت نموده و بدرسی و بحث و تألیف و تصنیف پرداخته در زهد و تقوی کم نظیر و در امر بمعروف و نهی از منکر سعی و کوشا بوده در اواخر عمر به نجف اشرف مهاجرت نموده و در حال احتضار دستور داد ویرا در تابوتی نهاده بحرم مطهر برده و در آن جایگاه مقدس وفات یافت روز و ماه و سال وفاتش معلوم نیست.

کتب زیر از تألیفات اوست : 1- اجازات و آن مجموعه اجازات اساتید و مشایخ اوست که جهت وی نوشته اند و آنها را سید محمد جوادین میرزا سید زین العابدین خونساری در 1248 بدستور استادش مولی عبدالوهاب صاحب عنوان جمع نموده و بنام مجموعه الاجازات نامیده است (ص 226 مقدمه مناهج المعارف) 2- خلاصة الرشاد در شرح حدیث نبوی صلی الله علیه وآله وسلم مشتمل بر چهل امر که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از آن حضرت سؤال نمود و حضرتش بدانها جواب فرمود با شرح و بیان مفصل 3- رساله در اصل برات 4- رساله در تجزی 5- دو رساله در موضوع جواز بقاء بر تقلید میت 6- رساله در حجیت مظنه در حال انسداد علم وعدم حجیت آن در حال افتتاح 7- رساله در عدالت 8- رساله در عدم اجتماع امر و نهی 9- رساله در نماز جمعه 10- شرح حدیث منزلت .

108- حاج میرزا عسکری فرزند حاج میرزا هدایت اللہین میرزا سید مهدی رضوی موسوی حسینی

ص: 349

عالم فاضل فقیه ادیب شاعر امام جمعه مشهد مقدس شرح حالش در کتابهای تاریخ علمای خراسان (ص 94) الکرام البرره (ص 817 دوم) مطلع الشمس

(ص 397 دوم) و مکارم الآثار (ص 392 دوم) و منتخب التواریخ (ص) بنظر رسید و عموماً ویرا بفضائل اخلاقی و ملکات انسانی و علم و دانش وزهد و تقوی ستوده اند .

کتب زیر از تألیفات اوست : 1. رساله‌های در حدود و قصاص و دیات 2- خلاصه النجاة مختصر رساله نجات المتقین بفارسی 3- دیوان اشعار با تخلص شرر 4- رساله در سکوت در بیع فضولیه 5- صراط النجاة رساله عملیه و آنرا شاگردش مولی نوروز علی بسطامی مؤلف فردوس التواریخ از رساله نجات المتقین وی استخراج نموده است، نسخه آنرا علامه طهرانی نزد مولی محمد صادق بن ملا نوروز علی بسطامی دیده است (ص 38 پانزدهم الذریعه) لکن مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار (ص 399) می نویسد مؤلف آن بر ما معلوم نیست 6- شرح تمهیداً لقواعد 7- رساله در قرائت مأموم در پشت سر امام و آنرا بأمر مرحوم سید حجة الاسلام تألیف نموده است و چون علماء عراق آنرا دیدند پسندیده و مؤلفش

ص: 350

1- مشهد مقدس اولین شهر مذهبی ایران و مدفن حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام است. در تاریخ این شهر مقدس کتابهای زیادی تألیف شده مطالبین بدانها مراجعه نمایند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 36/17/30 عرض: 59/37/30 انحراف قبله: 56/30/00 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا 970 متر

را ستایش نموده و به اجازات روانی و اجتهاد مفتخرش ساختند 8 - مناسک حج

9- منظومه ای در ارث 10- نجات المتقین در احکام دین و آن رساله نتوانی است و بنام محمد شاه قاجار تألیف شده ، انجام تألیف شب چهارشنبه 4 محرم 1254 هجری 11 - ینابیع الشریعه در فقه امامیه از طهارت و فضاء و شهادت و غیره.

مرحوم امام جمعه در رجب 1211 متولد و در 14 شوال 1280 وفات یافته در مسجد پشت سر حرم مبارک حضرت در مشهد مقدس دفن شد. مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص 645 سوم) شجره نامه صاحب عنوان را نقل نموده و مطالبی در باره آن فرموده طالبین مراجعه نمایند .

در مجمع الفصحاء (ص 250 دوم) و برا بعنوان شرر خراسانی ذکر نموده و این مطلع غزل را از او می نویسد : تابکی شکوه ز بی مهری صیادکنی باشد آنروز که از کنج قفس بادکنی در المآثر والاثار (ص 156) و با عنوان کرده و از خدماتش بدین و دولت یاد نموده است.

109- علی برغانی

(1) - از شاگردان سید حجة الاسلام شفقتی بید آبادی است.

در پشت نسخه ای از کتاب : الزهرة البارقة از تألیفات سید حجة الاسلام که در کتابخانه مجلس شورای ملی (اسلامی) بشماره (3719) موجود است یادداشتی بخط وامضای اوست که می نویسد کتاب برادر بازار اصفهان از زنی خریده است .

ص 1697 جزء چهارم از مجلد دهم فهرست کتابخانه مجلس

ص: 351

1- برغان بر وزن جریان از قراء قزوین است

معروف به مقدس.

در شرح حال آقا سید حسن بن حاج سید ابراهیم بطور اجمال از پدرش مطالبی نقل کردیم.

مرحوم آقا سید علی عالم و فاضل و از شاگردان سید حجة الاسلام و حاج سید اسد الله و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی و آقا میر سید حسن مدرس و دیگران بوده و زوجه اش دختر ملا صالح جویبارهای (ملا محمد صالح بن ملا محسن بن ملا عبدالفتاح زوجه اش زهرا بیگم دختر آقا سید صدرالدین محمد عاملی بوده و در شب غره محرم 1285 در اصفهان وفات یافته در بقعه تکیه مادر شاهزاده مدفون گردید).

مرحوم آقا سید علی همچون برادر زهدش بر علمش افزون بوده و از درس اساتید چندان بهره ای نیافته لکن در زهد و تقوی زبانزد عام و خاص و مورد توجه عموم ملاقات از عالم و عامی بوده است.

در حدود سال 1235 متولد و در حدود سال 1300 و اندی وفات یافته در جنب پدر مدفون گردید. فرزندش مرحوم آقا سید ابراهیم و نواده اش: آقا میر سید علی و آقا سید احمد از مدرسین سطوح و ادبیات عالم فاضل ادیب و آقا نور الدین مقدس می باشند. رحمة الله علیهم أجمعین.

111- سید علی بن حسین موسوی درب امامی اصفهانی

از شاگردان سید حجة الاسلام در اصفهان بوده و مشار الیه در شب 10 شعبان سال 1263 کتابت نسخه ای از کتاب الحلیة اللامعة للبهجة المرضیه یعنی حاشیه

ص: 352

مرحوم سید حجة الإسلام را بر سیوطی بخط نسخ پایان رسانیده است .

نسخه بشماره (746) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است. (صفحه 347 دوم فهرست کتابخانه مرعشی).

112- شیخ علی بن محمد نخجوانی

نخجوانی(1)

عالم فاضل از شاگردان و مجازین از سید حجة الاسلام شفتی می باشد به اجازه متوسطه ای، آغاز : ومنه الاعانة علی الفوزالی ... الحمد لله فاطر السماوات .

صفحه 195 بکم الکرام البرره - صفحه 157 یکم الذریعه

* علی اکبر

در سال 1229 تا 1235 مجموعه ای بخط نستعلیق حاوی پنج کتاب و رساله نوشته که پنجمین آنها رساله ای است در احوالات اسحق بن عمار (از صفحه 118 تا 119) عربی و می نویسد که اسحق بن عمار در نفر می باشند . این نسخه بشماره (314) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است.

ص 272 یکم فهرست

ص: 353

1- در احسن الودیعه (صفحه 223 یکم) گوید : نخجوانی یفتح اول و سکون ثانی و انرا نخجوان نیز گفته اند نقل شده است که اصل ان کلمه : نقش جهان بوده منسوب بدانجارا نخجوانی و شوی خوانده اند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: 40/24/00 عرض: 39/12/30 انحراف قبله: 16/26/27 جنوب غربی

بظن بسیار قوی مشار الیه از شاگردان و حاضرین مجلس درس مرحوم سید حجة الاسلام بوده و رساله نامبرده مأخوذ از فرمایشات و افادات استاد نامبرده می باشد . العلم عند الله .

113- مولی علی اکبر بن ابراهیم خونساری اصفهانی

عالم فاضل زاهد متنی از خواص اصحاب و شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام بوده و از محضر سید صدر الدین محمد عاملی و حاج سید محمد قصیر در وقتی که در اصفهان سکونت داشته بهره برده و احتمالاً در محضر مرحوم بحر العلوم را نیز نموده است . و ظاهراً از آقا شیخ محمد تقی بن ابی طالب اردکانی نیز بهره های علمی یافته و از مرحوم صدر و آقا سید محمد قصیر مجاز بوده و حاج سید شفیع جاپلقی از او اجازه داشته . مرحوم جاپلقی در روضة البهیة (ص 52) در باره او می نویسد : ومن المشایخ المعاصرین الذین استجزت منهم وأجاز فی العالم العامل الزاهد المحقق المدن الأخ المسدد والرفیق الشفیق الممجد الاکبر آخوند ملا علی اکبر الخونساری اصلاً الاصفهانی موطناً .

مرحوم سید حجة الاسلام در اوایل امر در مسجد میرزا باقر اقامه جماعت مینمود و چون مسجد سید را بنا کرد مرحوم مولی علی اکبر را بجای خود در آنجا بامامت نصب نمود و پس از فوتش فرزند او مرحوم آخوند ملاحسین و پس از مرگ او مرحوم آقا کمال الدین فرزندش بجای او امامت مینمود و چون مرحوم آقا کمال الدین فوت شد برادر زاده اش مرحوم حاج آقا جمال الدین بن حاج آقا جلال الدین بن مولی محمد حسین امامت مینمود و پس از فوت مشار الیه علم و روحانیت از خاندان مولی علی اکبر سپری گردید .

کتاب و رسائل زیر از تألیفات صاحب عنوانست : 1 - اداء المريض الطلاق فی حال الجمیحة و آنرا بدستور استاد مرحوم سید حجة الإسلام تألیف نموده پایان نسخه روز 24 شعبان 1247 قمری 2 - اعطاء بدل المغصوب آن شد در 9 صفحه مسئله در محضر سید حجة الإسلام مطرح شده و تاریخ نسخه ذی القعدة 1264 می باشد 3 - حجیت الظن در 20 صفحه از تقریرات آقا سید محمد تقی اردکانی 4 - حجیت ظن مجتهد مطلق نه مجتهد منجزی در اصول بعربی استدلالی و مفصل در نه مقدمه و سه وجه نسخه بخط فرزند مؤلف مولی محمد حسین بن مولی علی اکبر از روی خط مؤلف نوشته شده و مهر {بلغ العلی بکماله} ، نیز در پشت آن دیده میشود. مهر مربوط به مرحوم آقا کمال الدین خونساری است 5 - الزکوة فقه استدلالی متوسطی است 6 - شرح ارشاد الازمان فقه استدلالی متوسطی است در قسمت آن در کتابخانه آیت الله گلپایگانی (ص 146 یکم فهرست کتابخانه) موجود است جهاد در ده صفحه و نکاح در 128 صفحه 7 - شرح الجعفر به شرح مزج استدلالی متوسطی است بر رساله جعفریه محقق کرکی نسخه بخط مؤلف شماره (89) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم (ص 92 یکم فهرست کتابخانه) 8 - عدم جواز الرد فی الوقف فقه عربی استدلالی بسیار مفصل در شش صفحه 9 - عدم جواز مصالحه حق الرجوع فی العده 10 - نکاح بنت المزنی بها من الرضاعة فقه عربی 11 - الوقف علی من یصح ومن لا یصح .

جمیع مؤلفات صاحب عنوان در قم در کتابخانه آیت الله گلپایگانی (92-97-146-150) موجود است و شرح حال اور روضه البهه واحسن الودیعه (ص 43 یکم) تکملة نجوم السماء (ص 419) دانشمندان و بزرگان اصفهان (291) و رجال اصفهان (154) المآثر والاثار من (178) مذکور می باشد .

ص: 355

صاحب عنوان در سال 1271 در اصفهان وفات پائنه (فهرست گلپایگانی) آنچه نویسنده در کتاب : دانشمندان و بزرگان اصفهان در وفات صاحب عنوان نوشته ام مربوط به آن سید صدرالدین استاد ایشانمت .

114- سید علی اکبر بن حاج میر محمد اسماعیل

بن محمد باقر بن امیر اسماعیل حسینی از علماء سلسله سادات معروف به میر محمد صادقی (میر محمد صادق هم اکرم صاحب عنوانست) عالم فاضل در اصفهان نزد جمعی از علماء همچون حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام شفتی تلمذ نموده است. در اخلاق وزهد و تقوی معروف بوده و رساله های چندی نالیف نموده است از آنجمله : 1- رساله ای در اخلاق 2- رساله ای در تجوید 3- رساله ای در اصول دین وغیره سر انجام در سال 1300 بسن متجاوز از نود در اصفهان وفات یافت.

(ص 440 بزرگان و دانشمندان اصفهان)

مرحوم آقاسید عبد الله ثقة الاسلام میر محمد صادقی در رساله : ارشاد المسلمین بسوی اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام (ص 35 نسخه خطی) می نویسد :

مؤلف درک آن مرحوم را نمودم در حالی که سن آن مرحوم متجاوز از شصت سال بود و چشمهایشان نابینا بود و در اخلاق وزهد یگانه عصر بود .

115 - سید محمد علی ابرقوئی

(1)

مرحوم سید حجة الاسلام در تاریخ شوال 1257 هجری قمری اجازه مختصری

ص: 356

1- شیروانی در بستان السیاحه (ص 61) می نویسد: بیدگل قریهای بزرگی ومحلی سترک از توابع کاشانست فریب در فرسخ از کاشان دور .. در زمین هموار رائع وجوانب اربعه اش واسع آبش از کاریز و هوایش گرم وخاکش رگه ورمل آنها بسیار است بمرتبه ای که بعضی سنوات خرابی میرساند.

جهت مشارالیه مرقوم فرموده و به اجتهادش از روی امتحان و اختبار گواهی فرموده است .

(ص 157 یکم الذرهمه)

بنابر این صاحب عنوان از علماء مجاز از مرحوم سید حجة الاسلام می باشد

116 - محمد علی بیدگلی کاشانی

(1)

در تاریخ 9 ذی القعدة سال 1243 کتاب نسخه ای از کتاب : الحلیة اللامعة

ص: 357

1- شده بدین جهت ابرو گفته اند (ابرکوه) از بلاد فارس اسوده اکنون از توابع اصفهان محسوب میشود و در زمین هموار واقع و اطراف اربعه اش واسع است و سمت مشرق آن کوه نزدیک و ساکنان آن دیار همه تاجیک قدیم الزمان مدینه بزرگ بوده و بمرور ایام روی بخرابی نهاده ... آبش از کاریز و هوایش بهجت آمیز ... میوه های سرد سیری خوب دارد ... رکن زاده آدمی در دانشمندان و سخن سرایان فارس (ص 446 یکم) می نویسد : ابرقو تا زمان ناصرالدینشاه جزء استان فارس بوده و اخیراً جزء استان دهم (اصفهان) شده است و یکی از بخشهای بازده گانه شهرستان یزد است ... جمعیت آن 2900 نفر می باشد (انتهى محل الحاجة) . ثانیه / دقیقه / درجه طول جغرافیائی : 53/17/00 عرض : 31/08/00 انحراف قبله : 54/18/10 جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا 1505 متر 1 شیروانی در پستان السیاحه (ص 179) می نویسد : بیدگل قریه ای بزرگی و محلی سترک از توابع کاشانست فریب در فرسخ از کاشان دور .. در زمین هموار واقع و جوانب اربعه اش واسع آبش از کاریز و هوایش گرم و خاکش رگه و رمل آنجا بسیار است بمرتبگی ای که بعضی سنوات خرابی میرساند .

در شرح سیوطی را پایان رسانیده است . کتاب در کتابخانه سید هادی اشکوری بنظر علامه طهرانی رسیده است.

(ص 83 هفتم الذریعه)

مشار الیه احتمالاً از شاگردان مرحوم حجة الاسلام بوده است.

117 - مولی محمد علی بن احمد محلاتی شیرازی

(1) . . عالم فاضل محقق زاهد از شاگردان حاج سید شفیع جاپلقی و حاج ملا اسد الله حجة الاسلام بروجردی بوده و سید جاپلقی ویرا در روضه البهیه نامبرده و او را بسیار ستوده است. از مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفنی اجازه داشته تاریخ اجازه 1258 رسید حجة الاسلام اجازه مفصلی برای او نوشته .

وهمچنین از حاج محمد جعفر آباده ای نیز مجاز بوده است. د ور المآثر والاثار (ص 165) گوید: در شیراز ریاستی عمده داشت . مرحوم فرصت شیرازی در آثار عجم (ص 441): در ذکر مساجد شهر از می نویسد : مسجد مولی در محله درب شاهزاده مسجدی است عالی بناءخوش رفیع وزیبا سالهای دراز مرحمت مآب جناب مستطاب ملا محمد علی مجتهد که عالمی بود وحید و کاملی فرید رقیهی سدید صاحب فتاری و رساله در آن مسجد امامت میفرمود و بعد از فوت وی (در حاشیه می نویسد فوت مرحوم ملا محمد علی در سنه 1284

ص: 358

1- نویسنده گوید : بیدگل را با بیکدل نباید اشتباه نمود زیرا این یک طایفه ای است از اتراک, صباحی شاعر کاشانی بیدگلی است وحاجی لطفعلی خان آذر بیدگلی . (ا) شیروانی در بستان السیاحه (ص 533) گوید: محلات قصبه ای است جنت آیات و آن دو محله است مسافت یک میل از یکدیگر دور و آبش موفور.

می باشد) مرحوم غفران پناه جناب ملا محمد حسین که ارشد اولاد آنجناب بود (نوت 1309 در حاشیه) و خاص و عام را مرجع و مآب نیز امام و پیشوای انام گردید. پس از وفات او ولد دیگرش عالم مؤید و فقیه معتمد جناب ملا احمد در این مسجد امامت مینماید و درس میفرماید عالمی است راست گفتار و عاملی درست کردار.

صاحب عنوان دارای کتب و رسائلی بوده از آن جمله: 1- ترجمه احوال محمد بن سنان نزدیک هزاریت نسخه ای از آنرا مؤلف الذریعه (ص 164 چهارم) در مدرسه حسن خان در کربلا دیده که بخط مولی عبد الحمید بن عبد الوهاب فراهانی حائری متوفی حدود سال 1320 و اندی از شاگردان مؤلف مشاهده نموده و آن در ضمن مجموعه ای از تصانیف استادش بوده است 2- رساله در حد قصر و اینکه مسافت هشت فرسخ است با چهار فرسخ (ص 170 یازدهم الذریه) 3- سؤال و جواب بفارسی و مختصر (ص 246 دوازدهم الذریعه) و غیره.

صاحب عنوان در سال 1284 در شیراز وفات یافته است.

علامه طهرانی در شرح حال میرزای بزرگ شیرازی (هدیه الرازی) که بفارسی نیز ترجمه شده است این چند نفر را از اولاد و اعقاب صاحب عنوان نام میبرد: .

1- میرزا ابراهیم در صفحه 98 2- میرزا ابوالفضل فرزند میرزا ابراهیم صفحه 99- شیخ اسماعیل محلاتی نجفی در صفحه 114

4- شیخ جعفر بن شیخ محمد حسین در صفحه 139 5- حاج میرزا حسین مازندرانی شریعتمداری در صفحه 139

6- میرزا محسن بن مولی محمد علی صفحه 183

ص: 359

بن ملا عبد العظیم بن محمد تقی بید گلی اردستانی از علماء ساکن اصفهان و خود و پدرش امام مسجد قطبیه (1) در محله چهار سوق شیرازها را داشته اند (ص 164 یکم آتشکده اردستان).

در خدمت جمعی از علماء اصفهان تلمذ نموده و محضر سید حجة الاسلام را نیز درک نموده و عمده تحصیلاتش نزد آقا میر سید حسن مدرس و آقا سید محمد شهشهبانی و حاج سید اسد الله بید آبادی بوده است (اطلاعات متفرقه از خاندان عظیمی)

119 - سید محمد علی بن سید صدرالدین محمد موسوی عاملی معروف به آقا مجتهد عالم فاضل محقق ادیب شاعر

در سال 1239 متولد گردید مادرش دختر علامه فقیه مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء می باشد . خود از بزرگان و مفاخر علماء شیعه می باشد در اصفهان نزد پدر

ص: 360

1- از مساجد قدیمی و تاریخی اصفهانست که در اواسط قرن دهم هجری (950) بوسیله امیرقطب الدین علی باب الدشتی بنا گردیده است (بنابراین تردید قطبیه و یا قدویه بیمورد خواهد بود) این مسجد در ضلع شمالی خیابان خشک که آنرا خیابان خوش می گفتند قرار گرفته و نام خیابان پس از تغییر به نام خیابان شاه و اخیراً بنام خیابان طالقانی مشهور و معروف گردیده است. در موقع تعریض خیابان خشک (ص 48 و 49 نصف جمان فی تعریف الاصفهان) قسمتی از مسجد و سردرتاریخی آن در مسیر خیابان قرار گرفت و کاشیهای آن به صارت چهلستون انتقال یافت. برای اطلاع بیشتر از چگونگی بنا و کاشیکاری و کتیبه های مسجد به کتاب: گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص 380) مراجعه شود.

بزرگوار خود رسید حجة الاسلام و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل نموده قبل از رسیدن بسن بلوغ بمرتبه اجتهاد نائل گردید . عالمی است ادیب و فیه جلیل شاعری خوش ذوق.

دارای تألیفات زیر است: 1- احیاء التقوی در شرح دروس ناتمام 2 - الغیه در نحو ناتمام 3- البلاغ المبین در احکام صبیان و مجانین (یا بالغین) این کتاب را در دوازده سالگی تألیف نموده و چون بنظر سید حجة الاسلام رسید اجتهاد او را گرامی فرموده و دختر خویش را بزوجیت بدو کابین بست 4 - دیوان اشعار و 5- العلائم در شرح مراسم ناتمام 6- فرائد الفوائد در اصول فقه 7 - منظومه در مواریث ناتمام 8- منظومه در وقف 9 - نفایس القراء و غیره .

مرحوم آقا مجتهد بزرگترین فرزند پدر دانشمند خود بوده و پس از فوت پدر در علم و ریاست و امامت جانشین پدر گردیده و پس از نماز منبر تشریف برده و با مواعظ شافیه مردم را هدایت مینموده و هموم طبقات بدو اظهار ارادت مینموده و در نمازش شرکت مینمودند در سال 1274 وفات یافته و در نجف اشرف در جنب پدر مدفون گردید ، از اشعار فارسی اوست : خرمن حسن ترا روزی که می کردند جمع

آفتاب از دامن بک خوشه چین افتاده بود ص 102 چهل و ششم اعیان الشیعة - ص 15 دانشمندان و بزرگان اصفهان ص 25 یکم ریحانة الادب .

شرح حال اولاد و اعقاب او در فصل مربوط به خاندان حجة الاسلام گفته خواهد شد .

(1)

فرزند سید محمد بن عبدالله بن اسماعیل بن حسین موسوی مازندرانی شاها- ندشتی علامه فنیه زاهد متولد در حدود سال 1220 در اصفهان در این شهر در خدمت جمعی از بزرگان همچون سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی و دیگران تحصیل نموده تا بمقامات عالیه رسیده در مسجد قطیبه امامت و تدریس مینموده سرانجام در سال 1288 در این شهر وفات یافته جنازه اش را به نجف اشرف منتقل و در وادی السلام مدفون گردید . کتب زیر از آثار اوست : 1- ترجمه اکمال الدین تألیف شیخ صدوق علیه الرحمه 2 - ترجمه مجلد هشتم بحار الانوار علامه مجلسی 3-ترجمه مجلددهم بحار الانوار 4 - مبانی الاحکام در طهارت و صلوة و حج وغیره .

مشار الیه سه دوره کتاب بحار الانوار را و یازده مرتبه مجلد دهم آنرا بخط زیبای خود نوشته است نویسنده مجلدات ترجمه بحار الانوار مشار الیه را در نزد نواده اش مرحوم حاج سید محمد علی معین الاسلام (1290 - 1384) فرزند آقا سید عبدالله فرزند آقا میرزا محمد علی رؤیت نمودم . رحمة الله علیهم أجمعین .

ص 449 دانشمندان و بزرگان اصفهان

121 - سید فضل الله استر آبادی

عالم فاضل متقی ، از مجازین از مرحوم حجة الاسلام به اجازه میسوطه است .

ص: 362

1- شمس آباد از محلات اصفهانست که در ضلع شمالی خیابان شیخ بهائی قرار گرفته و نزل میرزا محمد تقی الماسی و مدرسه شمس آباد در دو طرف خیابان نامبرده واقع گردیده

آغاز اجازة: منه التوفيق للتولى من الحميم ... الحمد لله الذی لا یخفی علیه شیء 00

تاریخ اجازة : شب سوم ذی الحجة الحرام سال 1252 هجری است.

این اجازة را علامه طهرانی در الذریعة (ص 158 یکم) ذکر نموده و در الکرام البیرة (ص 195 یکم) میفرماید ضمن مجموعه اجازات آن مرحوم است که در کتابخانه مولی محمد علی خونساری دیده ام •

122- سید کاظم طباطبائی زواره ای فرزند آقا علی

از فضلاء ساکن اصفهان و ظاهراً شاگرد سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی و جمعی دیگر از علمای این زمان بوده و در نزد حاجی و سید محترم و معزز میزیسته و گاهی آن دو بزرگوار به زواره به میهمانی بمنزل او میرفته اند.

مشار الیه دارای چندین فرزند پسر و دختر بوده از آن جمله دختران :

1- زوجه مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی . 2- زوجه مرحوم آقا محمد مهدی کلباسی .

3- زوجه حاج محمد علی زوارهای طباطبائی .

بنابر آنچه فاضل محترم آقای حاج سید حسن دیباج فرزند میرزاسید مصطفی دیباج بن حاج سید یوسف بن حاج محمد علی زوارهای مرقوم اظهار می دارند : حاجی مرقوم بانی موقوفاتی در زواره بوده است.

و بطوریکه از کتاب آتشکده اردستان بر می آید صاحب عنوان را دختران متعدد بوده از اینقرار :

1- زوجه حاج سید اسد الله بیدآبادی . 2- زوجه میر محمد علی زوارهای بانی موقوفات بن سید رضا بن میر محمد

ص: 363

زمان بن میر محمد شفیع طباطبائی

3- زوجه میرزا محمد جعفر شهشہانی . واین سه دختر و داماد را در جلد سوم (ص 647) می نویسد 4- زوجه سید رشتی (بدون تعیین پدر یا پسر) احتمالاً سید حجة الاسلام

5- زوجه مبر زین العابدین بن میر حسین بن میر اسماعیل بن میر محمد شفیع طباطبائی زواره ای و این دورا در جلد یکم (ص 196) نام برده است .

ظاهراً دو دختر سید کاظم نامبرده یکی عیال مرحوم سید و مادر عاج سید اسد الله و یکی عیال میرزا محمد جعفر شهشہانی و مادر آقا میرزا یحیی بوده اند و این دو خالمزاده همدیگرند بنابراین نمیتواند دختر دیگر عیال حاج سید اسد الله باشد .

وعیال آقا سید کاظم نامبرده دختر محمد حسین خان عرب عامری بوده است (ص 201 یکم آتشکده اردستان).

در موضوع دختران صاحب عنوان احتیاج به تحقیق بیشتری می باشد .

123 - سید کریم حسینی لاهیجی

در یک مورد از احکام نماز جمعه از کتاب مطالع الانوار تألیف سید حجة الاسلام تعلیقه ای مرقوم داشته و همان مورد دلالت بر علم و فضل و مهارت او در فقه می کند .

ص 123 تراجم الرجال مشار الیه احتمالاً از شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام بوده است.

124 - میرزا محمد کریم طباطبائی زواره ای

از خواص و نزدیکان سید حجة الاسلام می باشد و بظن قوی از شاگردان ایشان

ص: 364

وحاجی کلباسی و دیگران بوده است و چون در زواره شخصی بدون وارث از دنیا رفت و از خود اموالی بجای گذاشته بود و مرحوم سید حجة الاسلام طبق موازین کرمی خویشتن را وارث او میدانست مشار الیه را جهت ضبط و تصرف اموال متوفی معین فرمود .

فرزندش آقا میر سید محمد و فرزند زاده اش مرحوم حاج میرزا محمد حسین زواره ای از فضلاء معاصر بود که در نسل خاندان مرحوم سید حجة الاسلام بنام او اشاره خواهد شد.

مسئله: یکی از موجبات ارث ولاء است (موجبات ارث بانسب است یاسبب ویا ولاء) وولاء، دارای سه مرحله است 1 - ولاء عتق 2- ولاء ضامن جریره 3- ولاء امام علیه السلام .

هرگاه شخصی بمیرد و در هیچ یک از طبقات (از نسب وولاء) وارثی نداشته باشد ما ترک او به امام علیه السلام میرسد و در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مجتهد جامع الشرائط وارث آن شخص خواهد بود. تفصیل و بیان مسئله منوط بکتب تهیه است.

125- آقا ملا لطفعلی زانیانی چهارمحالی

عالم فاضل مدت هیجده سال در اصفهان در مدرسه علی قلی آقا ساکن و از تلامذه مرحوم سید حجة الاسلام بوده است. در باره او در تاریخ و جغرافیای چهارمحال" (1) (ص 438 دوم) می نویسد:

چندان در تحصیل علوم شتافته که در تمام کمالات و مجموعیت و نیکوئی حالات از سایر اکفاء و اقران بامتیاز اختصاصی بافت عالمی گردید ادریس شیم ودانائی

ص: 365

1- زانیان از قرای چهار محال و در 6 کیلومتری دهکده (شهر کرد) واقع شده است

شیرین طبع و معجز قلم بهممه باب مسلم بهممه وجه ممثل بهممه علم مقدم همه فضل معلم.

در تابستان سال هزار و دویست و شصت و دو بسن چهل سالگی در رودخانه زاینده رود که بقصد شنا رفته بود غرق شده و فوت می کند و فردای آن روز جنازه با تشریفات در جوار بقعه مرحوم سید استاد مدفون می شود . رحمة الله علیه .

126 - شیخ محسن بن اسماعیل دزفولی کاظمینی

برادر شیخ اسد الله دزفولی مؤلف مقایس متوفای سال 1234 می باشد .

صاحب عنوان از علماء کاملین وفقهاء ومجتهدین بزرگوار و نزد جمعی از علماء تلمذ نموده که از آن جمله است مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام پس داماد علامه آقا سید صدرالدین محمد عاملی اصفهانی بوده و فرزندش شیخ محمد حسن از بطن این مخدره مکرمه مسماة به مریم بیگم بوده است.

کتب زیر از تألیفات اوست : 1- حاشیه بر معالم 2- رساله در اصول دین فارسی 3- رساله در صحن عبادت نارک طریق تقلید واجتهاد 4 - رساله در جواز بقاء بر تقلید میت 5- رساله در طهارت و صلوة 6- رسائل و جزوانی در حکمت و کلام.

(ص 276 شخصیت و زندگانی شیخ انصاری چاپ دوم) مرحوم شیخ محسن دزفولی دارای چندین فرزند پسر بوده که از آنجمله است :
1- شیخ محمد طاهر سابق الترجمة 2 - شیخ محمد جواد پدر شیخ محمد رضاشا گرد و داماد عموی خود آقا شیخ محمد طاهر 3- شیخ محمد حسن متوفای سال 1325 قمری .

ص: 366

فرزند شیخ محمد رفیع بن محمد حسین بن محمد رفیع نولی گیلانی لاهیجی اصفهانی واعظ.

عالم فاضل محقق ادیب شاعر متخلص به عاصی و مشهور به خاکسار در سال 1224 در اصفهان متولد گردیده و در نزد پدر دانشمند خود و حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام و میر سید محمد شهشهانی و سید ابوتراب اصفهانی و شیخ عبدالعلی ماسولجی رشتی تلمذ نموده تا مقامات عالیه علم و اجتهاد رسیده و در سال 1257 به گیلان و در 1267 به قزوین مهاجرت نموده و در آنجا ساکن گردیده و تا سال 1290 زنده بوده است از طرف پدر به شیخ مفید و از طرف مادر به شیخ بهائی انتساب دارد .

مشار الیه در کلیه شعب علوم دارای تالیف می باشد که تعداد آنها متجاوز از سیصد عدد میباشد و در مقدمه مفتاح الالم گوید قبل از این کتاب 309 کتاب و رساله تألیف کرده ام (201 دوم فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه قم تالیف دانشمند محترم جناب آقای استادی).

در تراجم الرجال (ص 129) یکصد و نه عدد از تصنیفات ویرا نام برده و در دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص 342) شصت و پنج کتاب از تألیفات او را ذکر نموده که برخی از آنها در چندین مجلد حتی بیست جلد می باشد که به نظم و نثر و عربی و فارسی تألیف گردیده است .

وی از آقا میر سید محمد شهشهانی و شیخ عبدالعلی رشتی اجازه داشته و در تألیفات خود از دو فرزند خود بنامهای : 1- محمد علی 2- حسینعلی که هر دو از طلاب علوم بوده اند نام میبرد .

نام تألیفات او متفرقاً در مجلدات الذریمه ذکر شده است .

در اول صفحه اول کتاب : سؤال و جواب مرحوم سید حجة الاسلام که به شماره (4924) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (مجلس شورای ملی سابق) ایران موجود است عبارات زیر بخط مرحوم سید حجة الاسلام دیده میشود :

اعلام برادران دینی میدارد که عالیجناب مقدس القاب آخوند ملا محمد زید توفیقه امین و معتمد میباشند مسائلی که از این خادم شریعت تبلیغ شماها نمایند از ایشان قبول خواهید نمود 23 ربیع الاول 1260.

بعداً نوشته است: فوت یک شنبه 23 ربیع الثانی 01260 آنچه از عبارات فوق نتیجه گرفته میشود اینکه :

1- این نوشته تاکنون آخرین دستخطی است که از مرحوم سید حجة الاسلام در دست می باشد .

2- آخوند ملا محمد یقیناً غیر از کلیاسی و نائینی می باشد و این فرد سومین ملا محمد از شاگردان و معتمدین حجة الاسلام است.

3- اختلاف در تاریخ فوت حجة الاسلام است که آنرا در 24 می نویسد آنچه مسلم است روز فوت یک شنبه بوده و ماه آن نیز بطوریکه قبلاً گفته شد ربیع الثانی است و اول ماه ربیع الثانی روز شنبه بوده است (تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله) بنا بر این یک شنبه می تواند 23 باشدنه 24 و قبلاً روز ماه را درم ثابت کردیم بنابراین این قول خالی از اعتبار است.

129 - میرزا سید محمد رضوی مشهدی

از علماء ازکیاء و از مجازین از سید حجة الاسلام شفتی به اجازه مبسوطه

ص: 368

کبیره است .

آغاز : ومنه التوفيق للنجاة ... الحمد لله الذي لا يخفى عليه شيء في الارض ولا في السماء ...

تاریخ 14 ربیع الاول سال 1256 هجری .

علامه طهرانی در الذریعه (ص 158 یکم) نام آن را ذکر نموده ودر الکرام البرره (ص 195 یکم) میفرماید جزو مجموعه اجازات آن مرحوم است . و در الذریعه میفرماید و او غیر از سید محمد رضوی مشهور به سید محمد قصیر است زیرا فوت مشار الیه در سال 1255 بوده است.

نویسندگوارید : احتمالاً صاحب عنوان میرزا محمد بن حبیب الله رضوی مشهدی مجاز از آقا سید محمد نصیر و آقا سید علی صاحب ریاض و شیخ عیسی زاهد می باشد که در مشهد مقدس ریاست عامه و مرجعیت تامه داشته و ویرا تألیفاتی بوده از آن جمله : 1- کتابی در حقیقت شرعیه 2 - شرح بر حجیت شهرت تألیف آقا سید محمد مجاهد 3 - رساله در مسئله قضا و قدر و سرانجام در رجب سال 1266 در مشهد وفات یافته و در مسجد ریاض پهلوی حرم مطهر مدفون گردید مشار الیه از مدرسین استان قدس رضوی و امام جماعت یکی از شبستانهای مسجد گوهرشاد بوده است (ص 1825 پنجم مکارم الاثار).

در مطلع الشمس (ص 419 دوم) ویرا عنوان نموده و اورا باشتینی سبزواری نوشته است . در تاریخ علمای خراسان (88) می نویسد: گویند اصلشان از یکی از قرای سبزواری است مسمی باشتین (به الف ممدوده) بروزن راستین ...

130- آقا محمد مجتهد

علامه طهرانی در الذریعه (ص)

(و همچنین در الکرام البرره (ص 195

ص: 369

یکم) میفرماید :

مجموعه ای از اجازات مرحوم سید حجة الاسلام را که جهت مجتهدین شاگردانش مرقوم فرموده بود و آن شامل سیزده اجازه مفصل و مختصر بود در کتابخانه مولی محمد علی خونساری دیدم یکی از این مجازین :

آقا محمد مجتهد است که در الذریعه ویرا آقا محمد نائینی دانسته و بظن نویسنده حاج آقا محمد کلباسی می باشد و محتمل است آقا محمد نام دیگری جز این دو عالم بزرگوار باشد . والعلم عند الله .

131 - ملا محمد نائینی

عالم فاضل زاهد عابد متقی شوهر خواهر حاجی کلباسی و شاگرد ایشان و مجاز از مرحوم سید حجة الاسلام شفقتی به اجازه مبسوطه می باشد .

آغاز : الحمد لله العليم الحكيم الكريم ..

و در آخر آن سفارشنامه ای است جهت تشویق و ترغیب مؤمنین به اقتدا به نماز جماعت ایشان تاریخ اجازه 26 رجب سال 1256 می باشد و بطوریکه مرحوم گزی در تذکرة القبور می نویسند (ص 57 رجال اصفهان) یک وقت امام مسجد حکیم را باو واگذار نموده (حاجی کلباسی) و مؤمنین و مقدسین بسیار باو اعتماد داشتند.

صاحب عنوان در روز دوم شوال سال 1263 در اصفهان وفات یافته در قبرستان تخت فولاد جلوقبر فاضل هندی مدفون گردید و این مقبره را بواسعده قبر فاضل هندی و قبر فاضل نائینی به فاضلان شهرت داشت.

ملا محمد نائینی را فرزندى است بنام آقا علیرضا که مجاور عتبات عالیات بوده و از اهل زهد و ریاضت و مواظب اعمال و عبادات در آن عتبات بوده و در

ص: 370

کربلا وفات یافته و مدفون گردیده و اغلب سند خوابهای صادقه مؤثره که مرحوم ثقة الاسلام حاجی نوری در کتاب دار السلام مرقوم فرموده واسطه نقل مشارالیه است (ص 57 رجال اصفهان).

132- حاج آقا محمد قزوینی فرزند علامه تبه حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی .

شرح حال پدرش را قبلاً نوشتیم و متذکر شدیم که مشار الیه اخص خوام سید حجة الاسلام بوده است.

فرزندش حاج آقا محمد در نزد علمای این شهر تحصیل نموده و مظنون بلکه مقطوع آنکه سالها در خدمت مرحوم سید حجة الاسلام بکسب علوم و فضائل اشتغال داشته و بعد از پدر در مسجد آقا نورامامت مینمود . سال فوتش بدست نیامد ظاهراً قبل از 1300 بوده است.

133- حاج آل محمد کلباسی (کرباسی)

فرزند علامه تبه زاهد حاج محمد ابراهیم بن حاج محمد حسن بن محمد قاسم کلباسی (کرباسی) عالم فاضل فقیه زاهد عابد، در نزد جمعی از علماء اصفهان تلمذ نموده و از پدر بزرگوار خود رسید حجة الاسلام و آقا شیخ محمد حسن نجفی و بعضی از مشایخ نجف اشرف اجازه داشته .

صورت این اجازات در مقدمه کتاب انوار النزول تألیف آن بزرگوار موجود و نسخه در کتابخانه حقیق می باشد و نسخه ای نیز از این اجازات بطوری که در اسامی تألیفات سید حجة الاسلام ذکر کرده ایم در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد نیز موجود است .

ص: 371

صاحب عنوان بملاحظه حدیثی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت شده است که : کسی که بیند اولاد مرا و نیام تام بجا نیاورد جفا کرده و یا مبتلای ببلای بی دوامیشود هر سید را که میدید تمام قد بر می خواسته اگرچه آن سبب دور بوده و یا اصلاً متوجه و ملتفت نمیشد (ص 161 رجال اصفهان).

و باز در همان کتابست که در هر مجلسی که می نشست غالباً فضیلت اعمال خیر را نقل میکرد و یک وقت امام مسجد حکیم را هم داشته . مرحوم حاج آقا محمد در روز جمعه بیست و دوم ربع الثانی سال 1292 در اصفهان وفات یافته در مقبره پدر (مقابل درب شرقی مسجد حکیم) در کنار ایران جلو گنبد بالاسر قبر آقا محمد مهدی دفن شد.

کتب زیر از تألیفات اوست : 1- رساله ای در آداب و سنن 2- انوار النزول درقه 3- رساله در جنائز 4- کتابی در حدود و دیات 5- رسائلی در رجال 6- شرح تهذیب علامه 7- شرح خلاصة الحساب 8- شرح نتایج آقا سیدابراهیم 9- رساله در صوم 10- کتابی در طهارت و دوم با استدلالی 11- منبع الحیة فی عبادات الاحیاء والاموات در قواعد کلی فقه و اصول در پانزده مجلد بزرگ 12- رساله در میراث 13- نور حدقة الناظر در آداب و اخلاق 14- هدیه الشیعه در آداب و اخلاق و ادعیه و مواعظ کتابی بسیار بزرگی است 15- هدیه الشیعة رساله عملیه جهت مقلدین و غیره.

134 - میرزا محمد خاتون آبادی

معروف به آقا دگمه چین قبلانام مشارالیه را بعنوان (آقا دگمه چین) متذکر شدیم در این جا به دو نکته زیر اشاره می کنیم :

1- میر عماد الدین محمد مدفون در دامنه کوه قریه گورت نزدیک قریه

ص: 372

خاتون آباد میباشد و بهمین مناسبت اعقاب مشار الیه بسه خاتون آبادی شهرت یافته اند . 2- نسب علویه عالیّه مجتهدّه بانو نصرت امین (1404 - 1308) مؤلف کتابهای : 1- اربعین هاشمیه 2- ترجمه طهاره الاعراق تألیف ابن مسکویه بنام اخلاق با راه سعادت بشرم 3- تفسیر قرآن بنام مخزن العرفان در پانزده مجلد 4- جامع الشتات 5- روش خوشبختی 6- سیر و سلوک 7- مخزن اللئالی در فضائل حضرت مولی الموالی علیه السلام 8- معاد با آخرین سیر بشر 9- نفحات الرحمن که همگان بچاپ رسیده و برخی از آنها چندین مرتبه طبع گردیده است .

به میر عماد الدین محمد میرسد باین نحو: علویه حاجیه نصرت امین فرزند حاج سید محمد علی بن سید حسن بن سید محمد بن علامه زاهد میر معصوم متوفی بسال 1155 مدفون در جنوب بقعه آقا محمد بیدآبادی فرزند عالم محقق مورخ میر عبدالحسین خاتون آبادی مؤلف کتاب وقایع السنین والاعوام (1107- 1037) فرزند میر محمد باقر بن میر محمد اسماعیل معروف به شاه مراد مدفون در قریه گورت فرزند میر عمادالدین محمد حسینی افطسی .

بانوی نامبرده که در تألیفات خود خویشتن را بانوی ایرانی می نویسد یکی از مفاخر علمی و نمونه اعلاّی زن مسلمان از حیث علم وزهد و تقوی وعفاف و خلاصه آنچه انسان را بمقام انسانیت میرساند بود و الحق شایسته آن بود که رپرا حجت برزنان مسلمان در کلیه زمانها بدانیم و تا کنون در طایفه نسوان زنی باین پایه و مقام علمی نمی شناسیم (باتوجه به کتاب ریاحین الشریعه و دیگر کتب که راجع به زنان دانشمند ادیب نقبه ومحدث وشاعر وعارف نوشته شده است).

فرزند علامه فقیه زاهد حاج میرزا زین العابدین از جمله علماء و فقهاء و محدثین اصفهان می باشد در اول محرم الحرام سال 1322 در خونسار متولد گردیده و در نزد پدر بزرگوار و حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام و جمعی دیگر از بزرگان تلمذ نموده و از پدر دانشمند خود و حاجی کلباسی و آقا میر سید حسن مدرس اجازه داشته است .

صاحب عنوان از متتبعین و مطلعین و کتاب شناسان معروف زمان خود بوده بطوری که نقل شده است که هر کتابی که اول و آخر آن افتاده بوده چون بدستش میدادند پس از اندکی مطالعه و بررسی نام کتاب و مؤلف و مقدار اوراق افتاده را میفرموده است. کتابهای زیادی بخط خود نوشته که شاید تعداد آنها از یکصد مجلد هم متجاوز باشد (ص 228 مقدمه مناهج المعارف) در فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان (ص 23) می نویسد: در کتابشناسی هیچ یک از علمای متاخر این سامان بیا به او نرسیده اند فریب هزار نسخه خطی در چندین کتابخانه بنظر نگارنده (علامه مفضل حاج سید محمد علی روضانی) رسیده که تمام یا قسمتی از آنها بخط آن مرحوم بوده است.

مرحوم حاج میر سید محمد در تألیف کتاب شریف: روضات الجنات برادر بزرگوار خود از هر جهت کمک و مساعدت نموده است از قبیل تهیه کتاب و نقل مطالب و مراجعه به مصادر و پاکتویس و غیره .

مشار الیه در مسجد مستهلک و مسجد چهار سو کوچک اقامه جماعت مینموده است . سر انجام در 28 رمضان المبارک سال 1293 در اصفهان وفات یافته در تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد در بیرون بقعه بالای سر پدر بزرگوار خود

134 - میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی

فرزند محمد رفیع بن عبدالمطلب بن علی عالم فاضل زاهد ادیب شاعر کثیر التالیف والتصنیف در المآثر والأثار (ص 157) در باره او می نویسد: فقیه مقدس صادق سلیم الصدر ساده نفس بود وی بطوریکه خود در فصص العلماء گوید در نزد بسیاری از علماء و دانشمندان همچون: 1- ملا آقا در بندی 2- سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط 3- حاج محمد ابراهیم کلباسی 4- حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی 5- حاج محمد جعفر استر آبادی 6- حاج محمد جعفر بن محمد صادق لنکرودی اصفهانی حکیم ایلسوف 7- شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر 8- شیخ حسن بن شیخ جعفر کاشف الغطاء 9- حاج ملا صالح برغانی 10- مولی صفر علی لاهیجی 11- ملا عبدالکریم ایروانی 12- شیخ محسن خنفر 13- آقا شیخ مرتضی انصاری تلمذ نموده و در ابتدای تحصیل در تنکابن در نزد سید ابو جعفر حسین دائی حدود وملاسلیمان پدرش نیز اندکی تحصیل نموده تا مقامات عالیه علم رسیده و از سید محمد باقر قزوینی و شهید ثالث مولی محمد تقی قزوینی و جمعی دیگر اجازه داشته .

قریب دوست کتاب و رساله در علوم مختلفه از تفسیر و کلام و اصول رفته ورجال و درایه و حدیث و صرف و نحو وغیره بنظم و نثر تالیف نموده که از آنجمله است: 1- توشیح التفسیر 2- سبیل النجاة مطبوع 3- شرح تصریف زنجانی 4- شرح زیارت رضویه 5- رساله در عدم لزوم تقلید اعلم 6- غسل الجنب 7- فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهما السلام 8- الفرائد در توحید و عدل منظومه و شرح آن بنام منتهی المقاصد 9- الفرائد الرضویه در نبوت خاصه 10- الفرائد

در تجوید 11 - الفراند (به نون قبل از دال) در رد یهود و نصاری 12 - قصص العلماء معروفترین کتابهای اوست در آن شرح حال 153 نفر از علماء شیعه را نقل نموده و در ضمن حالات هر یک مطالبی و حکایاتی نوشته که عموماً سند و ماخذ صحیحی نداشته و بدین جهت مورد انتقاد علماء و نویسندگان قرار گرفته و حاجی نوری در الفیض القدسی بکذابه و مؤلف المآثر والاثر بصراحت از او عیب گرفته اند و دیگران نیز کم و بیش خرده گیری نموده اند کتاب مکرر بچاپ رسیده است 13- کرامات العلماء 14 - کشکول المحمدی در چهار مجلد 15 - کنز الالغاز 16- لالی الولاية در امامت و آن منظومه والقیه است و خود بر آن دوشرح نوشته است 17 - لسان الصدق وراسول فقه 18 - لغت الاضداد 19- منظومه ای در نحو و در صرف و منطق و بدیع و معانی بیان و کلام و حساب و مفرورمل و مصیبت و غیره. نیز رسائل و حواشی و شروحو دارد و خود فهرست موافقاتش را در فصص العلماء کر می کند .

در حدود سال 1234 یا 35 و با 36 متولد و در سه شنبه 28 جمادی الثانیة 1302 در سلیمان آباد تنکابن وفات یافته و همانجا مدفون گردید .

135 - شیخ محمد بن قاسم جرقویه ای

(1)

در تاریخ 25 ذی الحججه سال 1245 کتابت نسخه ای از جلد چهارم مطالع

ص: 376

1- جرقویه از بلوک اصفهان در جنوب شرقی این شهر واقع شده و از دو ناحیه ترکیب شله : جرقویه علیا و جرقویه سفلی هوای گرم و خشک ولیکن سالم عمده محصولش گندم و جوزق (پنبه) و مردم آنجا همگی شیعه دوازده امامی و مؤدب و نیک نهادند و عده زیادی از بزرگان علماء و شعراء و ادباء منسوب بدانجا می باشند نزدیک پنجاه قریه و مزرعه دارد که مهمترین آنها : آذر خواران - پیکان و سیان و محمد آباد و نصر آباد و نیک آباد می باشد. در جرقویه علیا قله کوهی است اثر دو زانو که بسجود رفته در سنگ نمایان (است). و گویند خرابه در اسفنداران است معروف به قولنجان استخوانهای مردم بزرگ جثه در آن پدیده میشود لاتی . این دو قسمت با پله مورد توجه ادارات مربوطه قرار گرفته و در باران علی وارث بعمل آید.

الانوار تألیف مرحوم سید حجة الاسلام در قریه نصرآباد جرقویه بیابان رسانیده و در آنجا تصریح بشاگردی خود در نزد آن مرحوم نموده است و در تعظیم و تکریم استاد خود بیشتر از یک صفحه از صفحات بزرگ کتابت نموده است.

ص 517 تراجم الرجال

136- شیخ محمد مازندرانی

• فرزند مقیم بن شریف بن مقیم درزی بارفروشی مازندرانی

عالم فاضل جامع در اصفهان خدمت حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام و آقا سید محمد مجاهد درس خوانده و در اصفهان به خدمت شیخ احمد احسائی رسیده و پس از مطالعه در کتب اویطریقه وی مایل گردیده به موطن خویش مراجعت نموده و کتب شیخ احسائی را تدریس مینموده و از اینرو علماء اندیاری باوی مخالفت نموده و او در اول برخی از تألیفاتش از آنان شکایت نموده است. در مازندران اسفار تدریس میکرده و جمعی در خدمتش تلمذ مینموده اند.

تألیفات زیادی دارد که از آن جمله است: 1- اسرار المکارم 2- الاصل والفصل کشکول 3- الانوار اللامعه 4- البوارق 5- تفسیر قرآن کریم 6- تقلید میت و آنرا در سال 1243 تألیف نموده است 7- الدرر الغیبیة تاریخ تألیف 1260 می باشد 8- روضات حظوظ الایام 9- شرح بر شرح عرشیه 10 - شرح

ص: 377

در مقدمه قوانین الاصول 11- غنائم المسترشدين 12 - اللمعان 13 - اللوامع در شرح روضة البهيه 14 - الواردات العتيقة والجديده .

صاحب عنوان در سال 1276 کتابهای خود را وقف نموده است بنابراین وفاتش پس از این تاریخ خواهد بود.

ص 164 تراجم الرجال نویسنده گوید : به احتمال قوی وی از شاگردان حاج ملا علی نوری حکیم و فیلسوف نیز بوده است.

برادرش شیخ یعقوب نیز از حکماء وفلاسفه و از شاگردان برادر خود و شیخ مرتضی انصاری بوده و بین سالهای 1264-1276 وفات یافته است ویرا تألیفاتی است : 1- حاشیه اسفار از تقریرات برادرش 2- شرح شرائع الاسلام .

ص 247 تراجم الرجال

137 - ملا میرزا محمد بن محمد هادی نائینی

اصفهانى عالم فاضل جليل محقق رجالى بصير شاعر اديب متخلص به فائض از شاگردان و مجازين از مرحوم سيد حجة الاسلام شفتى تاريخ اجازة سال 1256

که آنرا سيد حجة الاسلام در پشت جلد اول رجال صاحب عنوان بخط مبارک خود مرقوم داشته است (ص 148 دهم الذريعة) ویرا کتب ورسائل زيادى است از آن جمله : 1- رساله در تحقيق حال ابان بن عثمان 2- رساله در تحقيق حال ابراهيم بن هاشم 3- رساله در تحقيق حال ابى بصير 4- رساله در تحقيق حال ابى سعيد رازى 5- رساله در تحقق حال احمد بن عيسى 6- رساله در تحقيق

جال اسماعيل بن عمار 7- رساله در تحقيق حال سهل بن زياد 8- رساله در تحقيق در عده مذکور در كافي 9- رساله در تحقيق حال عمر بن زيد 10 - رساله

ص: 378

در تحقیق حال محمد بن اسماعیل 11 - رساله در تحقیق حال محمد بن خالد برقی در اعیان الشیعه (ص 8 چهل و هفتم) می نویسد در اول بسیاری از این رسائل می نویسد: از افادات سید استاد حاج سید محمد باقر حجة الاسلام است و آنها را مؤلف اعیان الشیعه در ضمن مجموعه ای که تاریخ فراغت آن 25 جمادی الأول سال 1265 در اصفهان بوده در طهران رؤیت نموده است. 12 - دیوان اشعار با تخلص فائض 13 - رجال در چندین مجلد 14 - فوائدی از کتاب: الرواشح تألیف میر داماد 15 - اللؤلؤة البهیة ارجوزه کلام در شش مقصد 1- امور عامه 2- جواهر 3- الهیات 4- نیوت 5- امامت 6- معاد در 924 بیت .

آغاز: حمدا علی معرفة الکلام للمنعّم المیهن العلام

انجام:

وانا راجی العلم والرشاد من ربه محمد بن الهادی

ومنشأ فی البلد الامین مأوی الصفا مدینة النائین 16 - مثنوی طور سینا یا شجره طور سینا مثنوی عرفانی است در چندین جلوه در جلوه دوم اشاره بوقعه کربلا- نموده و در جلوه سوم از سر اختلاف مذاهب سخن گفته و در جلوه چهارم از عقل و حرکت جوهر به بیان نموده است .

آغاز: ای نهران در ذات برای پیدا به هست جلوه گر رویت زمر بالا و پست عکسی از قدرت بدهسر انداختی کاین زمین و آسمانها ساختی

(ص 241 نوزدهم الذریعه) علامه طهرانی در الذریعه (ص 806 نهم) می نویسد: به گمان من وی پدر آقا علیرضا نائینی مذکور در دارالسلام حاجی نوری می باشد.

ص: 379

نویسنده گوید: صاحب عنوان یقیناً پدر آقا علیرضا نمی باشد زیرا تاریخ وفات ملا محمد فاضل نائینی اصفهانی 1264 و تاریخ اتمام رجال ملا محمد نامبرده صاحب عنوان 1265 می باشد .

در اعیان الشیعه و برا در دو محل ذکر نموده یکی بعنوان محمد بن محمد هادی (ص 8 چهل و هفتم) و دیگری بعنوان میرزا محمد هادی نائینی (ص 339 چهل پنجم) و یقیناً کلمه (ابن) ما بین محمد و هادی در چاپ ساقط شده است و هر دو نفر یکی می باشند.

اما آنچه از کتاب المآثر والاثار (ص 167) و تاریخ نائین (ص 127) و همچنین (ص 175) مستفاد میشود آنکه وی در حدود سال 1220 متولد شده و در 19 جمادی الاولی سال 1305 وفات یافته و در حرم امامزاده سلطان سید علی در نائین مدفون گردید.

واز آثارش ترجمه کتاب: احقاق الحق تألیف قاضی نورالله شوشتری است بنام ترجمان الحق ولسان الصدق :

علامه طهرانی در الذریعه (ص 75 چهارم) می نویسد :

ترجمه احقاق الحق بفارسی با بعضی تصرفات خوب عبارات شیرین و ایراد اشعار لطیف از مترجم واو عالم جلیل میرزا محمد نائینی متوفای بسال 1305 می باشد و آنرا حاج شیخ هادی طهرانی تقریظ نوشته است .

مشارالیه پدر میرزا علی خان منشی ملقب به صفاء السلطنه متوفی سال 1328 در کربلا و مدفون در ایران صحن مطهر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام وی ادیب و شاعر و منشی و متخلص به مشتاقی است و دیوانش بچاپ رسیده است

فرزند دیگر حاج میرزا محمد میرزا عباس خان صفاء السلطنه است شعر نیکو میسروده و یکصد پانزده سال عمر کرده و در حدود سال 1358 در طهران وفات

ص: 380

یافته در قم مدفون گردید (ص 175 تاریخ نائین).

فائده: در همین زمان عالمی دیگر مقام ملامیرزا محمد (فرزند میرزا ابوالحسن مصاحبی) در محمدیه نائین و سپس اصفهان می زیسته و بسال 1278 در اصفهان وفات یافته در تکیه مادر شاهزاده مدفون گردیده است (ص 3 مقدمه دیوان عبرت و ص 213 دوم تاریخ تذکره های فارسی بنقل از مدینه الارب تألیف عبرت نائینی).

138- شیخ مرتضی انصاری

فرزند شیخ محمد امین بن مرتضی انصاری دزفولی نجفی، از اعظم فقهاء و مجتهدین و اکابر رؤساء علماء... در روز غدیر سال 1214 متولد و در شب 18 جمادی الثانیه سال 1281 در نجف اشرف وفات یافت.

عالم جلیل معاصر حاج شیخ مرتضی سبط الشیخ انصاری در باره زندگانی آن عالم جلیل کنابی بنام: زندگانی و شخصیت شیخ انصاری تألیف فرموده و آنرا بچاپ رسانیده است بنابراین در این جا نیازی بشرح و بسط در ترجمه احوال آن بزرگوار نیست طالبین بدانجا و دیگر کتب تراجم رجال مراجعه فرمایند.

دو کتاب نامبرده (ص 67 چاپ دوم و چاپ اول) به خلاصه می نویسد:

شیخ انصاری در سال 1240 بعزم زیارت حضرت ثامن الحجج علیه السلام از دزفول باتفاق برادر خود شیخ منصور حرکت نمود، در این سفر اول به شهر بروجرد و سپس به اصفهان آمده و در کاروانسرائی منزل کرد. چندین روز بدرس مرحوم سید حجة الاسلام حاضر شده از اتفاقات اینکه در آن روزها مرحوم سید

ص: 381

اشکالی را برای شاگردان القاء نموده و جواب آنرا از آنها میخواست .

شیخ جواب اشکال را به یکی از طلاب نزدیک خود فرموده از مجلس خارج گردید . طلبه مزبور جواب اشکال را نقل کرد و چون جواب بالاتر از سطح معلومات طلبه مزبور بود مرحوم سید فرمود :

این جواب از تو نیست چه کسی آنرا بتو آموخت.

مؤلف نامبرده از قول مرحوم سید حجة الاسلام نقل می کند که ایشان اظهار داشته اند که :

گوینده جواب یا حضرت حجة بن الحسن عجل الله فرجه الشریف می باشد و یا شیخ مرتضی نجفی .

نویسنده گوید : اگر این نقل قول صحت داشته باشد علاوه بر آنکه مقام علمی شیخ را میرساند کرامتی بزرگ از مرحوم سید حجة الاسلام است که از ورود شیخ مرتضی به اصفهان و همچنین از مقام و پایه علمی او قبل از آنکه از جانی اطلاع یافته باشد آگاهی می دهد. حقیقت امورا خدا تبارک و تعالی میداند و بس .

در همان کتابت که طلبه مزبور اقرار کرد که کسی باو باد داد مرحوم سید چند نفر را مأمور در تحقیق از حال شیخ و منزل او می کند و بالاخره او را می یابد.

و می نویسد مرحوم سید قصد دیدن از شیخ نموده و بلا کسی را فرستاد تا او را خبر دهد (اینگونه احترام کردن از علماء و دانشمندان سیره مرضیه عموم علماء اسلام و بالاخره مرحوم سید حجة الاسلام بوده است) شیخ اظهار می کند که بزحمت ایشان راضی نیستم و خود بدیدار ایشان می آیم .

ص: 382

شیخ به منزل سید وارد می شود از او می پرسند که قصد مسافرت شما به اصفهان چیست توقف در این شهر با مسافرت ، شیخ فرمود بقصد ملاقات.

مرحوم سید اصرار کردند که شیخ در اصفهان بماند لکن او قبول ننموده و بعد از چند روز به کاشان مهاجرت نمود.

در معارف الرجال (ص 401 دوم) می نویسد :

شیخ پس از زیارت مشهد مقدس به اصفهان رفته و مدت بیست و پنج روز در ایام ریاست سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی در این شهر توقف نموده و

حاجی کلباسی بایشان اظهار و اصرار در توقف می کند ایشان در جواب میفرماید من در عراق عرب گم کرده ای دارم بعطاب او میروم اگر آنرا آنجا نیافتم بشهر شما باز می گردم و گم کرده او بدست آوردن اجتهاد در نزد علماء آنجا بود .

باز در همان کتاب از فول جماعتی از مؤمنین نقل می کند که : شیخ در ایام اقامت خود در اصفهان از مرحوم سید حجة الاسلام استجازه کرد و ایشان از اجازه دادن امتناع کردند و علت آنرا عدم احاطه ایشان بعلم رجال در آن زمان دانسته اند والعلم عند الله تبارک و تعالی .

نویسنده گوید: اگر آنچه را که مؤلف کتاب معارف الرجال در باب استجازه مرحوم شیخ از سید نوشته و جواب رد دادن مرحوم سید حجة الاسلام به ایشان صحیح باشد باید مدعیان اجتهاد در زمان ما در حال خود دقت کنند وقتی مرحوم شیخ مرتضی انصاری مجتهد نباشد دیگر چه کسی از اینان میتواند ادعای اجتهاد کند. در اوایل کتاب نیز شرحی از خطاب حجة الاسلام به شیخ انصاری و استتکاف ایشان مرقوم داشتیم که از نظر خوانندگان محترم گذشت.

ص: 383

139- سید مرتضی بن سید هادی بن سید محمد رضا حسینی

در شب شنبه دهم شوال سال 1219 در رامسر متولد گردیده مقدمات علوم را در نزد پدر دانشمند خود فراگرفته سپس به قزوین و بعداً به اصفهان مهاجرت نموده و در آنجا خدمت حاجی کلباسی رسید حجة الاسلام شفتی و آخوند ملاعلی نوری تلمذ نموده و بعداً به نجف اشرف رفته و پس از قبل بمقام اجتهاد بموطن خود بازگشته است.

از آثار خیریه او ایجاد و بنای مدرسه دینی در رامسر میباشد که در آنجا بدرس و بحث اشتغال جستجو و بنابعد عوت مردم لاهیجان هر سال چند ماه بدانجا رفته و مرجع مراجعات و فصل خصوصیات و فتاوی بوده است .

در حدود سال 1290 در جور دیه رامسر وفات یافته و در قبرستان میدان بخاک رفته است ویرا تألیفاتی بوده و فرزندان او عموماً اهل علم و کمال بوده اند .

ص 203 بزرگان رامسر

140 - مولی مرتضی قلی

عالم فاضل از مجازین از سید حجة الاسلام به اجازه کبیره مبسوطه مورخه دوم ذی الحجه 1256 می باشد .

آغاز: رب انی اعوذ بک .. الحمد لله المعین لمن استعان منه ...

اجازه ضمن مجموعه ای از اجازات سید حجة الاسلام در کتابخانه مولی محمد علی خونساری در نجف بنظر علامه طهرانی رسیده است.

ص 158 یکم الذریعه (ص 195 بکم الکرام البرره - ص 197 دوم معارف الرجال) .

ص: 384

عالم فاضل زاهد، بعد از مرحوم حاج سید اسدالله اعلم فرزندان سید حجة الاسلام بوده و در محله بید آباد مرجع ریاست و امام مسجد سید و پناه خلق بوده و حوزه درسی نیز داشته است، در 26 ماه مبارک رمضان سال 1294 وفات یافته و در مقبره پدر بزرگوار پائین پا رو بجلو مدفون گردید لکن محل سنگ قبر نداری بالاتر از خودقبراست.

مرحوم جابری در تاریخ اصفهان (ص 117) در باره او می نویسد: بزرگواری در علم و تقوی مشهور و بصلابت در دین مذکور چون مادر آن حضرت حبشیه بود رنگ بشره ایشان بسواد دیده و سویدای قاب مینمود روزی ظل السلطان (مسعود میرزا فرزند ناصرالدین شاه حاکم ظالم و جائر اصفهان) تدریضاً بحضرتش اظهار نمود چه شد که حجة الاسلام بتاریکی تیر انداختند فوراً (ایشان در جواب) فرمود تا عالمی را روشن سازد.

در المآثر والآثار (184) ویرا عنوان نموده و بطور اختصار مینویسد: از عظماء و علماء اصفهان بود و در تکمله نجوم السماء (ص 400 یکم) عبارت المآثر والآثار را عیناً نقل کرده است.

مرحوم آقا سید مؤمن پس از فوت دو فرزند عالم از خود بجای گذاشت 1- آقا سید عبدالرحیم 2- آقا سید عبدالله. برخی از اعقاب او فعلاً در مورچه خورت ساکن و امام جماعت آنجا و بوظائف شرعی از نشر احکام و تبلیغ مسائل حلال و حرام و دیگر امور اشتغال دارند.

مرحوم آقا سید مؤمن در خدمت جمعی از علماء اصفهان همچون پدر بزرگوار خود و دیگران تحصیل نموده است.

فائده: مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (161) در ضمن وقایع سال 12946 مینویسد:

بعضی استخوانهای ماموت را میرزا تقی خان حکیم باشی در اصفهان پیدا کرد و این حیوان بزرگتر از فصل است و قبل از طوفان بوده و در کتاب آگهی شهوان از کار جهان (ص 71 سوم) نیز جزء وقایع سال 1294 می نویسد:

کشف میرزا تقی خان حکیم باشی ظل السلطان استخوانهای ماموت را در اصفهان .

142- آقا محمد مهدی کلباسی

فرزند علامه فقیه حاج محمد ابراهیم کلباسی، عالم فقیه زاهد محقق متتبع اکبر واعلم فرزندان حاجی بوده و حتی در زمان خود عاجی نیز از معاریف بشمار می رفته است و امامت مسجد حکیم نیز با او بوده و هنوز هم در اولاد ایشانست وی مرجع فتوی و تقوی بوده و حوزه درسی و مباحثه نیز داشته و عده ای از بزرگان در خدمتش تلمذ نموده و یا از او اجازه دارند عالمی ساده و صادق بوده و صداقتهای غریبه ای از او نقل می شود مانند خود حاجی و برخی دیگر از اولاد حاجی و علت آنها شدت مواظبت در انجام آداب شرع و عدم توجه به مردم دنیا و تدبیرات آنها می باشد .

در خدمت پدر بزرگوار خود و سید حجة الاسلام و حاج محمد جعفر بن محمد صادق لنگرودی اصفهانی حکیم وفیلسوف از شاگردان حاج ملا علی نوری و متوفی در روز نهم ربیع الثانی 1260 (هفتمین روز وفات سید حجة الاسلام) و جمعی دیگر تحصیل نموده و از پدر بزرگوار و سید حجة الاسلام اجازه روایت و اجتهاد داشته و کتب زیادی تألیف نموده که از آن جمله است: 1- رساله ای

ص: 386

در استصحاب 2- رسائلی در اصول 3- رساله در اراضی مفتوح العنوه 4- شرح تصریف 5- شرح تهذیب 6- شرح روضة البهیه 7- شرح طهارت از کتاب لمعه 8- شرح شری از لمعه در چهار جلد 9- شفاء الاسقام در شرح تهذیب منطق 10- ضیاء العوالم در اصول فقه 11- کتابی در طهارت بدون نام 12- عیون الاصول 13- رساله در قرعه 14- مشارق الاصول و آنرا قبل از عیون الاصول تألیف نموده است 15- مصابیح الاصول در نه جلد 16- معراج الشریعه و آنرا مدارج الشیعه نیز گفته اند فقه استدلالی در شرح منهاج الهدایه پدرش، علامه طهرانی در الذریعة (ص 240 بیست و یکم) می نویسد جلد ششم آن که در نذر و عهد و قسم است و تاریخ فراغت آن 2 محرم 1267 می باشد را دیدم و ظاهراً شرح در حدود دوازده جلد می باشد لکن در تذکرة القبور (ص 160 رجال اصفهان گوید در هشت جلد) چهار جلد آن به شماره های 3556-3557-3558-3559 بخط مؤلف در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در طهران موجود است (ص 1560 سوم مجلد دهم فهرست مجلس) 17- منهج السداد در شرح ارشاد 18- نور العیون در قه 19- هدایة الطالبین بفارسی و آن رساله عملیه ایشانست تاریخ تألیف 24 شعبان 1261 هجری و غیره.

مرحوم آقا محمد مهدی در شب شنبه چهارم جمادی الاولی سال 1278 بمرض سکتہ وفات یافته و در مقبره پدر پشت سر آن مرحوم دفن گردید .

مشار الیه علاوه بر شاگردی داماد مرحوم سید حجه الاسلام نیز بوده است شرح آن در فصل مربوط به اولاد و اعقاب مرحوم سید حجة الاسلام گفته خواهد شد.

عالم فاضل از شاگردان حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام شفتی در اصفهان و حاج شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام در نجف اشرف بوده در سال 1205 متولد و در 1281 بطوریکه علامه طهرانی در الذریه (ص 98 و 317, 429 سیزدهم) میفرماید وفات یافته. ویرا تألیفاتی است : 1- حاوی مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام برخی از مجلدات آن در کتابخانه علامه مؤلف الذریعه در نجف اشرف بخط مؤلف بزرگوار آن موجود بوده است و در برخی از مجلدات کتاب تصریح می کند که از شاگردان حاجی کلباسی و سید حجة الاسلام شفتی و شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام است . و یکی از مجلدات آن در باره نماز جمعه است در حدود پنجاه و چند هزار بیت و تاکنون هیچ یک از علماء بزرگوار درباره نماز جمعه بدین شرح و تفصیل کتاب ننوشته اند این دوره کتابرا مؤلف خود شخصا در ذوالقعدة سال 1280 وقت نموده و تولیت آنرا بفرزندش در زمان خویش و پس از فوت به علماء قمیسه واگذار نموده است 2- کتابی در صلوة الجمعة (نماز جمعه) مفصل غیر از آنچه در شرح شرایع است در حاشیه برخی از صفحاتش نوشته است در 20 ذی الحجه 1277 سنش 72 سال بوده است و گرفتار

ظالم و ستمگر بوده و اموالش را بتمامه غصب نموده اند 3- فقه فارسی مبسوط و استدلالی از اول طهارت تا آخر حدود و دیات کتابرا موریانه خورده و آنچه

ص: 388

1- قمیسه که در سالهای اخیر آنرا بعلت وجود امامزاده واجب التعظیم جناب شاهرضا نام شهر را تغییر داده و شاهرضا و پاشهرضا نامیدند و اکنون باین نام شهرت دارد. شهرستان قمیسه در سمت جنوب اصفهان واقع و تقریباً چهارده فرسنگه تا شهرفاصله دارد از آثار قدیمی این ناحیه سد خرابه ای بنام فتلغ شاه در اسفرجان می باشد و از فلاسفه و حکماء معرون آنجا : ابو بکر قومیسی است .

باقیمانده است، حدود شصت هزار بین می باشد علامه طهرانی نام این کتابرا بک

جا به فقه فارسی و یک جا به مجموعه الرسائل الفقهية الفارسية ذکر می کند و گوید وی امام جمعه همیشه وقائل بوجوب آن بوده و خود اقامه مینموده و در همیشه وفات یافته است 4 - کتابی در مواریث و غیره .

144- مولی محمد مهدی بن محمد باقر محلاتی

مؤلف کتاب : جواهر المسائل در فقه فارسی در طهارت و نماز و احکام تقلید با اشاره اجمالی به بعضی از اقوال و ادله مطابق فتاوی سید حجة الاسلام و استخراج شده از کتاب مطالع الانوار جهت تسهیل عمل مقلدین .

در مقدمه کتاب حدود دو برگ در تمجید و ستایش حجة الاسلام شفتی مطالبی به نظم و نثر نوشته است.

آغاز : حمد و ثنائیکه امتدادش جواهر مسائل علم ربانیرا منتظم سازد ... مؤلف از شاگردان سید حجة الاسلام بوده است .

نسخه ای از کتاب را علامه طهرانی در نجف جزو کتابهای سید آقا تستری دیده است (ص 280 پنجم الذریعه) همچنین نسخه ای از آن بشماره (2541) در قم در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی موجود است (ص 124 هفتم فهرست)

در کتاب : آشنائی با چند نسخه خطی (ص 63) در ضمن کتا بهائیکه قبلا در کتابخانه رضویه قم موجود بوده و در حال حاضر موجود نیست گوید :

جواهر المسائل از محمد مهدی بن محمد علی محلاتی که خلاصه کتاب صلاتیه تحفة الابرار استادش حجة الاسلام شفتی به فارسی است. در پنجم محرم 1259 در قریه زانیان از آن فراغت یافته است.

ص: 389

نویسنده گوید: چون نسخه کتابخانه رضویه موجود نیست گمان می‌رود نام پدر مؤلف اشتباه شده صحیح همان محمد باقر باشد. و العلم عند الله تبارک و تعالی.

نکته دیگر آنکه علامه طهرانی مطالب کتاب را مستخرج از مطالع الانوار مرقوم داشته و در فهرست رضویه از تحفة البرار.

145 - سید هاشم حسینی

شاگرد سید حجة الاسلام شفتی بید آبادی بوده است. مشار الیه مؤلف کتابی است بنام وسیلة النجاة که آنرا از کتاب استاد خود (تحفة الأبرار) استخراج نموده است.

(ص 90 بیست و پنجم الذریعه) در باب تألیفات مرحوم سید حجة الإسلام بطور اجمالی به کتابهایی که توسط شاگردان آن جناب از کتاب تحفة الأبرار استخراج و اقتباس شده است اشاره خواهیم کرد.

146 - محمد هاشم بن ابوالحسن موسوی

در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران (مجلس شورای اسلامی) نسخه ای از کتاب سؤال و جواب تألیف سید حجة الإسلام بشماره (4924) موجود است که جامع آن محمد هاشم و یا محمد قاسم نام دارد و کتابرا مطابق فهرستی که خود در مقدمه نوشته مرتب نموده است (نه بر حسب ترتیب کتب فقهی معمول)

(ص 148 چهاردهم فهرست کتابخانه مجلس)

ص: 390

احتمالاً مشار الیه از شاگردان سید حجة الاسلام می باشد و این کتاب سؤال و جواب غیر از سؤال و جواب مطبوع می باشد .

147 - آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی

فرزند علامه فقیه زاهد آقا میرزا زین العابدین موسوی خونساری اصفهانی .

علامه فیه زاهد عابد محقق مدقق مجتهد اصولی از اکابر علماء و فقهاء و مدرسین و مجتهدین و از رؤساء دنیا و دین و مشایخ اجازات است.

در دوم ذی القعدة مدال 1235 در خونسار متولد گردیده و در اصفهان و نجف نزد اساتید بزرگوار تلمذ نموده و از جمعی از فحول به اجازه اجتهاد و روایت مفتخر گردیده و پس از مراجعت باصفهان اهمیت و شهرت و ریاستی یافته سرانجام در چهارشنبه 17 رمضان المبارک 1318 در نجف اشرف در سالیکه عازم تشریف به بیت الله الحرام بوده وفات یافته و در وادی السلام مدفون گردیده و بعداً جهت او بقعه ای بنا کردند که اکنون در آن زمین مقدس معروف و مشهور است.

بزرگان ذیل اساتید و مشایخ ایشان می باشند : 1- حاج محمدابراهیم کلباسی 2- حاج سید اسد الله بیدآبادی 3- حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی 4- آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی برادر بزرگوارش 5- آقا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی که مدت ده سال در خدمت ایشان تلمذ نموده 6- آقا میرزا زین العابدین موسوی در دانشمند ایشان 7- آقا سید صدر الدین محمد موسوی عاملی و ایشان اولین استادی است که در اوایل بلوغ بایشان اجازه داده و اجتهادش را گواهی نموده است ضمناً مشارالیه پیرزن صاحب عنوان نیز می باشد

8- آقا شیخ مرتضی انصاری 9- شیخ مهدی بن علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء

ص: 391

کتب زیر از تألیفات ایشانست : 1- اجازات 2- احکام الایمان رساله عملیه مطبوع 3- احوال مشایخ خود و آن اجازه کبیره ای است، مانند لؤلؤة البحرین که برای یکی از شاگردان خود مرقوم داشته 4- احوال معمر مشرقی و معمر مغربی 5- اربعین 6- رساله در استصحاب مختصر 7- رساله در استصحاب مفصل 8- اصول آل الرسول صلی الله علیه و آله و علیهم در استخراج ابواب اصول فقه از روایات اهل بیت علیهم السلام و در آن بیشتر از چهار هزار حدیث مربوط به اصول فقه را جمع آوری نموده است جلد اول آن بچاپ رسیده است 9- امامزاده های اصفهان مطبوع 10- رساله در تجوید 11- ترجمه حال ابی بصیر مطبوع 12- تنبیه الحکماء الابرار حاشیه بر اسفار 13- جواهر العلم 14- حاشیه بر ریاض المسائل 15- حاشیه بر شرح لمعه 16- حاشیه بر قوانین 17- حاشیه بر معالم 18- رساله در حج 19- حرمت ذبائح اهل کتاب و این رساله اولین تألیف فقهی ایشانست و آنرا بدستور استاد خود آقا سید صدر الدین محمد عاملی تألیف نموده 20- حل المسیر در حکم عصیر 21- سؤال و جواب در کلیه ابواب فقه 22- شرح مشیخه فقیه 23- رساله در صلاة 24- رساله در صوم 25- صیغ العقود 26- الغره در شرح دره بحر العلوم 27- مبانی الاصول 28- فوایدی در رجال 29- مقالات اللطیفه 20- منظومه ای در اصول و غیره ، صاحب عنوان از زوجه نامبرده خود دو فرزند پسر و شش دختر داشته است.

شرح حال ایشان در عموم کتب تراجم رجال بطور مختصر و مفصل مذکور است از آنجمله : 1- زندگانی آیت الله چهارسوقی ص 112 - 2- ص 141 یکم احسن الودیعه 3- دانشمندان اصفهان ص 535 ، 4- رجال اصفهان ص 75 - المآثر والاثار ص 145 ، 6 - مکارم الآثار ص 989 سوم و غیره .

(1)

از بزرگان علماء ودهاء و نزد جمعی از مجتهدین همچون آقا میرزا ابوالقاسم مدرس و میرزا محمد مهدی شهرستانی و آقا محمد باقر مؤسس بهبهانی درس خوانده و از ایشان و جمعی از شاگردانش اجازت یافته است. در سال 1167 متولد و در 1242 وفات یافته است کتب و رسائل چندی تألیف نموده از آن جمله: 1- رساله ای در اصول و فروع 2 - الجهادی 3 - الخراجیه 4 - زهرالحساب 5- مسود الخدود در بیان حدود 9- مصباح در اصول دین (1185 چهارم مکارم الاثار)

در آتشکده اردستان (ص 176 یکم) گوید: از حجة الاسلام رشتی و قباقر بهبهانی مجاز بوده و تاریخ اجازه سید حجة الاسلام جمعه پنجم شعبان 1172 بوده است (انتهی)

نویسنده گوید: علامه طهرانی در الذریعه (ص 148 یکم) در اجازه از آقا باقر بهبهانی جهت صاحب عنوان نقل می کند اول در پشت مدارک بتاریخ روز

ص: 393

1- تبریز بر وزن لبریز مرکز استان آذربایجان و یکی از مهمترین شهرهای ایران است در عهد سلاطین قاجار به حکومت این شهر همیشه با ولیعهد مملکت بوده است. شیروانی در بستان السیاسه (ص 186) گوید: از بلار مشهوره و از مداین معموره سه طرفش واسع و سمت جنوبش گرفته و در زمین هموار واقع است از عظمت و بزرگی این شهر در قدیم نوشته اند که در زمان سلطان اویس ایلخانی در اثر مرضهای طاعون سیصد هزار نفر در تبریز مردند و بر مردم معلوم نشد که کسی از آن دیار مرده است... شهر تبریز طرب انگیز است آتش از کار پز و بعضی از رود و خوشگوار و هوایش پردی مایل و سازگار است.

روز جمعه پنجم شعبان 1172 دوم در پشت کتاب قواعد بتاریخ جمادی الاولى سال 1174 ه. ق و در جلد پنجم (ص 298) اجازه دیگری بسال 1180 بنقل از (تاریخ اولاد الاطهار ص 81)

علی هذا آنچه مؤلف کتاب آتشکده اردستان مرقوم فرموده مربوط به اجازه آقا باقر بهبهانی است و با توجه بسال تولد مرحوم سید حجة الاسلام (1175) خطای مؤلف نامبرده ظاهر می شود .

نویسنده گوید: باتوجه بسال تولد صاحب عنوان و تاریخ اولین اجازه مرحوم وحید بهبهانی یعنی سالهای 1167 و 1172 باید مرحوم بهبهانی اجازه را در پنج با شش سالگی برای او نوشته باشد و مؤلف الذریعه میفرماید (ص 298 پنجم الذریعه) ظاهراً یا :

1- تاریخ تولد اشتباه و غیر واقع است. 2- تاریخ اجازه غلط در نسخه می باشد .

3- مجاز باین اجازه (محمد یوسف بن میر فتاح) غیر از مؤلف کتاب الجهادیه باشد.

خاتمه :

در خاتمه این فصل لازم است توجه خوانندگان را به نکات زیر معطوف

1- همانگونه که در مقدمه فصل گفته شد در این زمان یعنی نیمه اول قرن سیزدهم اصفهان یکی از مراکز مهم علمی بوده و طلاب و دانشجویان از اطراف و کناف بدان روی مینموده اند و بطور احتمال میتوان گفت عموم اینان که عده آنها از هزار نفر متجاوز بوده درک محضر سید حجة الاسلام را نموده اند. لکن

ص: 394

نویسنده بعلت نداشتن وسائل تحقیق و تبع نتوانست به نام بیشتر از 145 نفر دسترسی پیدا کند آنهم برخی از آنها بقید تردید . هر گاه اراده خداوند تعلق گرفته باشد و وسیله مطالعه بیشتری برایم فراهم شود در آتیه آنرا تکمیل خواهم کرد .

2- برای نوشتن جغرافیای شهرهای اماکن لازم بود بکتب معتبری از نویسندگان قدیم و جدید همچون جام جم - جغرافیای کیهان حدودالعالم - فرهنگ جغرافیائی ایران - مرآت البلدان - مراصد الاطلاع - مسالک و ممالک - معجم البلدان و نزهت القلوب و دهها کتاب دیگر چه مربوط به جغرافیای تمام دنیا با ایران یا یکی از شهرها باشد مراجعه شود لکن بدر علت یکی تعجیل در تألیف و دیگر نبودن کتب در اختیار نویسنده فقط به کتاب بستان السیاحه و گاهی به برخی دیگر از کتابها مراجعه شده است بدینوسیله از کسانی که مایل هستند اطلاعات بیشتری در این موضوعها داشته باشند پوزش خواسته و آنانرا بکتب مفصل حواله می کنیم .

3- کلیه تاریخهاییکه نوشته شده است هجری قمری است مگر آنکه قید شده باشد شمسی .

4- کلیه طول و عرضها و انحرافات نیله مأخوذ از رساله : معرفة القبلة تألیف مرحوم سرتیپ عبدالرزاق خان بغایری اصفهانی (1) می باشد .

ص: 395

1- مرحوم سرتیپ عبدالرزاق شان بنا بری فرزند محمد محسن بن کر معلی بن فتحعلی بن محمد قاسم خان عالم ادیب ریاضی محقق رجالی در 1286 در اصفهان متولد گردید و در شب 25 شعبان 1372 در طهران وفات یافت و در اصفهان و طوران تحصیل نموده از مهندسین بزرگوار و دانشمندان بنام ایران بود کتابهای زیر از تألیفات اوست: 1- اصول علم جغرافیا 2 - تاریخ جلولی 3- تاریخ الولادة والوفاء لاعیان المسلمین احتمالاً همان تاریخ جلولی می باشد . جغرافیای ابتدائی مطبوع 5 - فرهنگ جغرافیائی ایران در 32 جلد 6 - ما مهندسی داریم مطبوع 7 - معرفة القبلة مطبوع 8- نقشه ایران 9- نقشه تفصیلی سرحدات ایران و غیره (ص 107 تذكرة العارفين ص 1184 و 1191 دائرة المعارف دانش بشرص 304 دانشمندان اصفهان).

5..... پیشگفتار مولف

9..... علماء شیخه در دو سنگر مبارزه کرده اند

10..... آثار مؤلف کتاب

13..... سبب تألیف این کتاب

فصل اول

(نام و نسب)

20..... نسب شریف سید حجه الاسلام شفتی

24..... تولد سید بید ابادی

25..... محل تولد

ص: 396

فصل دوم

(اقوال بزرگان و مؤلفین درباره سید حجه الاسلام)

28..... مقدمه این فصل

37..... استعمال کلمه امام در نوشته ها

47..... مخالفین سید حجه الاسلام

فصل سوم

(شهرت و لقب سید حجه الاسلام شفتی بید ابادی)

55..... اولین کسی که به لقب حجه الاسلام ملقب گشت

56..... بعضی از معروفین به حجه الاسلام

57..... القابی که با (الاسلام) رواج یافته

59..... القاب گروهی از علما شیعه بزرگ شیعه

60..... قابل توجه و دقت

دوره دوم

(مهاجرت سید حجه الاسلام به عتبات مقدسه)

62..... تدریس در ضمن تحصیل

63..... فقر سید در اعتاب مقدسه

64..... سید و حاجی کلباسی در نجف

65..... سید حجه الاسلام و علامه بحر العلوم

- 65.....سید حجه الاسلام و صاحب ریاض المسائل
- 66.....استجازه از اساتید
- 66.....اساتید و مشایخ اجازه
- 66.....سید حجه الاسلام از مشایخ اجازه
- 68.....اجازه نقل حدیث

فصل چهارم

(اساتید و مشایخ حجة الاسلام در عراق و ایران)

- 71.....مقدمه این فصل
- 72.....دوره های تحصیل
- 1- حاج میرزا ابوالقاسم گیلانی ، میرزای قمی73
- 2- اقا باقر و حیدر بهبهانی.....75
- 3- حاج شیخ اسد الله بن اسماعیل دزفولی.....76
- 4- شیخ جعفر بن خضر جناحی نجفی78
- 5- شیخ سلیمان بن معتوق عاملی کاظمینی81
- 6- اخوند ملا علی بن جمشید نوری82
- 7- میر سید علی بن محمد علی اصفهانی84
- 8- سید محسن اعرجی کاظمینی86
- 9- اقا سید محمد مجاهد طباطبائی حائری88
- 10- ملا مهدی بن ابی ذرناق کاشانی92
- 11- میرزا محمد مهدی بن ابولقاسم شهرستانی94
- 12- حاج سید مهدی بحر العلوم طباطبائی96

(مهاجرت مرحوم سید حجه الاسلام به اصفهان)

- 102..... سال ورود به اصفهان
- 103..... سکونت در مدرسه چهار باغ
- 103..... مدرس مدرسه چهار باغ
- 104..... علت خروج حجه الاسلام از مدرسه چهارباغ
- 105..... منزل مرحوم حجه الاسلام
- 105..... کرامتی از آقا محمد بید ابادی
- 109..... قبله دعا و جماله
- 110..... امامت جماعت
- 110..... برخی از ائمه جماعت مسجد میرزا باقر
- 112..... پیشنهاد امام جمعگی
- 113..... اولین نهی از منکر و گرفتاری

(موجبات شهرت سید حجه الاسلام)

- 117..... علل و موجبات ترقی ظاهری حجه الاسلام
- 118..... دید و بازدید
- 119..... دیدار از فتح علی شاه قاجار
- 120..... مسافرت‌های فتحعلی شاه به اصفهان
- 123..... برخی از موجبات اختلاف شاه با سید

124..... سفر حج سید حجه الاسلام

126..... چند پیش آمد تاریخی

127..... شروع ساختمان مسجد سید

127..... رد تقاضای فتحعلی شاه

فصل هفتم

(ثروت و دارائی مرحوم حجة الاسلام)

129..... ثروتمندان از علماء شیعه

131..... افسانه ثروت

134..... داستانی شنیدنی

136..... منبع ثروت مرحوم سید حجه الاسلام

139..... یک روز عید غدیر

139..... سخاوت سید

142..... یک نمونه از بخشندگی و رسیدگی به امور طلاب

145..... ایثار مرحوم سید

146..... کتابخانه مرحوم سید

148..... مالیات املاک سید حجه الاسلام

149..... مرگ فتحعلی شاه به نفرین سید

فصل هشتم

(قضاوت و اجرای حدود شرعیه و فصل خصومات)

153..... نظریه علما شیعه درباره قضاوت

155.....اهمیت قضاوت و مقام قاضی

161.....نظریه حجه الاسلام راجع به وظایف مجتهدین

162.....تعداد محکومین به قتل

163.....قضاوت و فصل خصومات - اجرای حدود

فصل نهم

(کیفیت مرافعات مرحوم سید حجه الاسلام)

165.....فراست سید در قضا و حل خصومات

168.....نمونه ای از مرافعات نزد سید

فصل دهم

(مرگ فتحعلی شاه و روی کار آمدن محمد شاه)

174.....تعیین ولیعهد

176.....مخالفت شاه و وزیر او با علماء

176.....پناهندگی امین الدوله

178.....نامه قائم مقام به سید حجه الاسلام

179.....علل و موجبات مخالفت شاه با سید

181.....مسافرت حاجی کلباسی به طهران

182.....امین الدوله کیست

183.....شورش مردم اصفهان

186.....مخالفت علماء شیعه با ظالمان

187.....داستانی از امیرکبیر

188..... نامه وزیر مختار انگلیس به سید و جواب ان

192..... پناهندگی ملا محمد تقی اردکانی

193..... طرز رفتار محمد شاه با مرحوم سید

194..... آثار باقیه محمد شاه - همنشینان باوی

200..... آوردن معتمد میرزا علی محمد باب را به اصفهان

فصل یازدهم

(عبادت و بندگی و خضوع مرحوم سید)

202..... معنی خشیت و ترس از خدا

203..... نشانه های شیعه

206..... عبادت مرحوم سید حجه الاسلام و نماز وی

209..... بیماری فتق

209..... مناجات خمسة عشر

211..... تهجد - دو حالت متضاد

212..... چراغ جهت روشنائی

213..... قیافه سید و تصویر وی در تالار چالشر

فصل دوازدهم

(سید و برخی از معاصرین وی)

215..... سید ابراهیم مختاری سبزواری

215..... میرزا محمد ابراهیم قزوینی

216..... حاج محمد ابراهیم کرباسی

- 216..... حاج ملا اسدالله بروجردی
- 217..... آقا محمد اسماعیل عارف نائینی
- 219..... شیخ محمد تقی ایوان کیفی
- 219..... مولی محمد تقی نوری مازندرانی
- 221..... میرزا سید جعفر شهرستانی
- 222..... میر محمد حسین خواتون ابادی
- 222..... ملا حسین بشرویه ای
- 222..... حاج محمد حسین معروف به حسینعلی شاه اصفهانی
- 223..... خسروخان گرجی حاکم اصفهان
- 224..... شیخ خلف بن حاج عسکر مازندرانی
- 224..... حاج سید رضی مازندرانی
- 225..... شیخ صادق رشتی
- 225..... سید سلیمان طباطبایی یزدی نائینی
- 227..... حاج عبدالله خان امین الدوله
- 228..... آقا محمد علی بن محمد باقر مازندرانی
- 228..... ملا علی بن جمشید نوری مازندرانی
- 229..... مولی علی اکبر بن محمد باقر اژه ای
- 229..... ملا قربانعلی قزوینی ، بیدل
- 230..... شیخ محسن بن محمد خنفر نجفی
- 231..... سید صدر الدین محمد عاملی
- 231..... میرزا محمد بن عبد الفتاح نیشابوری اخباری

- 233..... سید محمد مجاهد کربلابی
- 233..... منوچهر خان معتمد الدوله گرجی
- 234..... سید مهدی طباطبائی حائری
- 235..... شیخ نوح بن قاشم قرشی نجفی
- 236..... آثار وجودی مرحوم سید حجه الاسلام
- فصل سیزدهم
- (تدریس - شاگردان)
- 238..... اسیب افغانه به جامعه روحانیت
- 242..... چگونگی تدریس مرحوم حجه الاسلام
- 243..... سید اقا بزرگ حسینی قاضی عسکر
- 244..... اقا دگمه چین
- 245..... حاج محمد ابراهیم قزوینی
- 248..... سید ابراهیم موسوی کابلی
- 249..... ملا محمد ابراهیم دهکردی
- 251..... سید ابو الحسن بن محمد ابراهیم موسوی
- 251..... سید ابو طالب بن ابی تراب قاننی
- 253..... شیخ ابو القاسم اصفهانی مشهور به قاری
- 254..... شیخ ابو القاسم بن محمد صادق عاملی
- 255..... سید ابو القاسم بن محمد کاظم زنجانی
- 257..... حاج میرزا ابوالقاسم کاشانی

- 258..... حاج سید احمد مرندی
- 260..... سید احمد بن عبد الله میردامادی سدهی
- 261..... ملا احمد بن علی اکبر تربتی
- 262..... مولی احمد بن علی اکبر نصرآبادی
- 263..... سید ابو القاسم احمد کوپائی
- 264..... مولی احمد علی اصفهانی
- 265..... حاج سید اسد الله بید ابادی
- 265..... ملا اسماعیل طبسی خراسانی
- 266..... محمد اسماعیل بن محمد ابراهیم
- 267..... سید اسماعیل بن میر ابوطالب طباطبائی
- 267..... شیخ اسماعیل سلطانیه سردانی
- 268..... حاج سید اسماعیل طباطبائی زواره ای
- 270..... شیخ اسماعیل بن محمد ورنوسفادرانی
- 270..... میرزا بابا اصطهباناتی
- 271..... مولی محمد باقر ترشیزی
- 272..... شیخ محمد باقر مسجد شاهی
- 273..... میرزا محمد باقر بن زین العابدین خونساری
- 275..... سید محمد باقر قزوینی قویمیدانی
- 276..... سید محمد تقی موسوی قزوینی
- 277..... ملا محمد تقی گزی
- 277..... مولی محمد تقی بن ابی طالب اردکانی

- 279..... مولی محمد تقی بن حسنعلی هروی
- 281..... مولی محمد تقی بن محمد علی اردستانی
- 282..... محمد تقی بن محمد قاسم گیلانی
- 283..... شیخ محمد جعفر جاسبی
- 284..... سید جعفر حسینی خلیفه سلطانی
- 285..... اخوند ملا جعفر نظر آبادی
- 285..... شیخ محمد جعفر کلباسی
- 287..... محمد جعفر بن محمد صالح رشتی
- 288..... حاج محمد جعفر بن محمد صفی آباده ای
- 293..... میرزا محمد جعفر حسینی شهبهانی
- 294..... حاج ملا محمد جعفر نوری
- 295..... محد جعفر بن محمد مهدی اصفهانی
- 296..... سید محمد جواد موسوی درب امامی
- 297..... سید جواد بن علی رضا رضوی قمی
- 298..... آقا سید حسن بن ابراهیم مقدس بید آبادی
- 299..... حسن بن احمد صفاری
- 299..... سید محمد حسن مجتهد موسوی
- 301..... میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی
- 303..... سید حسن بن علی امامت کاشانی
- 303..... سید حسن بن هاشم موسوی اصفهانی
- 304..... ملا حسین اردستانی

- 305..... شیخ محمد حسین طهرانی کربلایی
- 305..... محمد حسین کاشانی اصفهانی
- 306..... میر حسین طباطبائی کچویه ای اردستانی
- 306..... شیخ محمد حسین بن ابراهیم فارسی شیرازی
- 307..... شیخ محمد حسین قزوینی
- 307..... سید محمد حسین بن محمد تقی مستجاب الدعوه
- 308..... میرزا محمد حسین بن محمد رحیم دوم
- 309..... میرزا محمد حسین بن محمد رحیم میر دامادی
- 309..... سید حسین بن محمد صادق امامی عریضی
- 310..... حسین بن عزیز الله اصفهانی
- 310..... میر محمد حسین بن علی میر محمد صادقی
- 311..... محمد حسین بن علی اکبر خونساری
- 313..... محمد حسین بن محمد علی رشتی
- 313..... ملا حمزه بیر جندی
- 314..... مولی حمزه بن اسد الله جازاری
- 315..... اخوند ملا رجبعلی بن محمد
- 315..... سید محمد رضا موسوی شیرازی
- 317..... شیخ محمد رضا طبسی
- 317..... حاج میرزا محمد رضا کلباسی
- 318..... محمد رضا بن محمد رفیع
- 318..... شیخ محمد رضا بن مرتضی لاهیجی

سید رضا بن نصر اللہ حسینی.....319

ص: 407

- 320..... میرزا رفیعا بن محمد طباطبائی
- 320..... مولی محمد رفیع بن علی رشتی
- 321..... میرزا زین العابدین بن محمد باقر بیدآبادی
- 322..... میرزا زین العابدین بن ابوالقاسم خونساری
- 323..... سید شریف بن عباس خلخالی
- 324..... سید شفیع بن علی اکبر جاپلقی بروجردی
- 326..... ملا محمد شفیع بن محمد خوئی اصفهانی
- 327..... میر محمد صادق بن محمد کتابفروش
- 328..... سید صادق بن هادی حسینی
- 329..... مولی محمد صالح استر آبادی
- 330..... شیخ محمد صالح بید آبادی
- 330..... ملا محمد صالح برغانی قزوینی
- 332..... ملا صفر علی لاهیجانی قزوینی
- 333..... شیخ محمد طاهر بن محسن دزفولی
- 334..... ملا عبدالباقی بن محمد حسین کاشانی
- 335..... میر عبدالباقی بن هادی حسینی
- 336..... آقا عبد الحسین امین العلماء
- 336..... عبد الرحیم بن محمد کریم هرنندی
- 337..... میرزا عبدالجواد شاهرودی
- 338..... عبد الرزاق بن محمد قاسم تنکابنی
- 339..... سید عبد الغنی بن محمد علی حسینی

339..... عبد الڪريم بن محمد اسماعيل

340..... سيد عبد الله صفوى دزفولى

ص: 408

- 342..... سید عبد الله نایینی
- 343..... سید عبد الله بن حجه الاسلام شفتی
- 343..... ملا عبد الله زنوزی
- 344..... میر سید عبد الله بن محمد رحیم میر دامادی
- 345..... مولی عبد الله بن نجم الدین فاضل قندهاری
- 347..... سید عبد الله بن هاشم بحرانی رشتی
- 347..... مولی عبد الوهاب ریزی لنجای
- 348..... مولی عبد الوهاب بن محمد علی شریف قزوینی
- 349..... حاج میرزا عسکری فرزند هدایه الله رضوی
- 351..... علی برغانی
- 352..... آقا سید علی بن ابراهیم بید آبادی
- 352..... سید علی بن حسین درب امامی
- 353..... شیخ علی بن محمد نخجوانی
- 354..... علی اکبر بن ابراهیم خونساری
- 356..... علی اکبر بن محمد اسماعیل میر محمد صادقی
- 356..... سید محمد علی ابرقوئی
- 357..... محمد علی بید گلی کاشانی
- 358..... مولی محمد علی بن احمد محلاتی شیرازی
- 360..... سید محمد علی بن صدر الدین محمد عاملی
- 362..... میرزا محمد علی موسوی شمس آبادی
- 362..... سید فضل الله استر آبادی

363..... سید کاظم بن علی طباطبائی زواره ای

364..... سید کریم حسینی لاهیجی

ص: 409

- 364..... میرزا محمد کریم طباطبائی زواره ای
- 365..... ملا لطفعلی زانیانی چهار محالی
- 366..... شیخ محسن بن اسماعیلی دزفولی
- 367..... شیخ محسن بن رفیع رشتی
- 368..... اخوند ملا محمد
- 368..... میرزا سید محمد رضوی دشتی
- 369..... آقا محمد مجتهد
- 370..... ملا محمد نائینی
- 371..... حاج اقا محمد بن محمد ابراهیم کلباسی
- 372..... میرزا محمد خاتون آبادی
- 374..... میر سید محمد بن زین العابدین خونساری
- 375..... میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی
- 376..... سید محمد بن قاسم جرقویه ای
- 377..... شیخ محمد بن مقیم بار فروشی مازندرانی
- 378..... میرزا محمد بن محمد هادی نائینی
- 381..... شیخ مرتضی بن محمد امین انصاری
- 384..... سید مرتضی بن هادی حسینی
- 384..... مولی مرتضی قلی
- 385..... سید مومن بن حجه الاسلام شفتی
- 386..... اقا محمد مهدی بن محمد ابراهیم کلباسی
- 388..... مولی محمد مهدی بن ابی الفتوح قمیشه ای

مولی محمد مهدی بن محمد باقر محلاتی 389

ص: 410

- 390..... سید ہاشم حسینی
- 390..... محمد ہاشم بن ابو الحسن موسوی
- 391..... میرزا محمد ہاشم بن زین العابدین چہار سوقی
- 393..... میرزا یوسف بن عبد الفتاح تبریزی
- 394..... خاتمہ فصل

ص: 411

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

